

لجوار LAIJVAR



تولید کننده بالابرهای هیدرولیکی
با ارتفاع ۴ تا ۳۲ متر
جرثقیلهای پشت کامیونی
با ظرفیت ۱ تا ۲۰ تن ویژه
سازمان آتش نشانی
سازمان خدمات موتوری
سازمان پارکها و فضای سبز

شهر داریهای سراسر کشور



LAIJVAR



شهرداریها

دانشنامه‌های علمی و آموزشی و اطلاع‌رسانی
برنامه‌ریزی و مدیریت شهری
نور - خرداد - سال چهارم - شماره ۱۲۸۱

موضوع مورد تأکید این شماره: شهرداریها و مسائل

۴ یادداشت، سر دبیر
گزارش اصلی

۵ شهرداریها و زمینه‌های اشتغال‌زایی / جو ادغلی آبادی
اندیشه و پژوهش

۱۲ عملکرد شهرکهای صنعتی و اهمیت مکان‌یابی آنها / کیوان شهری
نقشه‌شناسی، عوامل و امکاناتی کلیدی / کامیون اقتصادی - اجتماعی آسیا و اقیانوسیه سازمان
حالت متحد

۱۳ تحلیل برآورد نیازهای استان سوئستان و ریوچستان / محمدحسین باغی
مشاور حقوقی

۱۴ مشاور اداری - مالی
شهرداریها به روایت استاد
قانون شهر

۲۰ سیر تحول قانون شهرداری در ایران و تقاضای عمده موجود در آن / فضل‌الله شمس
از نگاه شهردار

۲۱ شهروندان به لحاظ مدل سکونت‌گاه - پیش از آن - محل کار و فعالیت اندک - گویا به پژوهش‌های
شهرداری گویا
گفت‌وگو

۲۸ دیدگاهی جدید در برنامه‌ریزی استفاده از سرزمین / گفت‌وگو با احمد شهبازی
شور و مشارکت

۳۱ شوراهای محلیه با یکبارگی، وظیفه با اختیار / سعید مطهری
فولت و شوراهای ایران / حسن شفیق

۳۳ ابتکاری دیگر / اشتغال‌یابی تازه از وظایف شوراهای شهر ملهیل / نازیلا مرادی
مطابق شهر / اشتغال در شهر، مقایسه و تعاریف / محمود بروانی

۳۴ شوراهای اسلامی شهر و شهرداران شورایی / اسکندر اسلامی
تجربیات جهانی

۳۵ طرح فضاهای مطلوب شهری / اولیادام ولیت / ترجمه علی صفوی / محمود حسینی
شهرداری نانت و برنامه‌های اشتغال‌زایی / ترجمه سعید موسوی

۳۶ الگوی مدیریت شهری در سوئیس / ترجمه شهرزاد لوزین پاک
شهرها و شهرداریهای جهان

۳۷ معرفی مرکز علمی لیل در فرانسه / بولین شهر امنیت هیسنگی و آینده / علی گلنار آتسی فرمول‌های
کلان‌داده‌پیشگویی از چشم و جنایت در شهرها بررسی شد / شهرداری وین، تأکید بر نوآوری در
شهر / جایگاه شهرداریها در قانون اساسی آفریقای جنوبی / منصور توکلی برای نیم قرن آینده / آب
محور اساسی توسعه / شهرداری نانت، مراکز مدافعه در مسائل اجتماعی تأسیس کرد
عصارت نو

۴۶ باغ فرحی تهران، انگار باغ و آموختن / غلامرضا پاسبان حضرت
آموزش

۴۷ استفاده از عامل سلامت زیر و رو شده‌ها در کاهش تصادفات شهری / رحمان تهمی
گزارش و پژوهش

۴۸ ارزیابی سیاست‌های شهرداری در توسعه شهری بزرگ / مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری سازمان
شهرداریهای کشور
پیشگاه

۴۹ علم اقتصاد، توان امروز شهرداری / عباس توکلی
رهاورد سفر

۵۰ استکله‌آموزهای موفق از برنامه‌ریزی و مدیریت (بیش‌ترجم) / نازیلا مرادی
گزارش‌های خبری

۹۲ آموزش، عنصری جدید در پیوند مدیریت شهری / فریاد طوقی
مجال برای مشارکت / سوریس موسوی

۹۳ طرح‌های نیمه تمام شهری، روایتی از گذشته اما ملایم / تورج نادری
ترکیب، چالش‌ها و راهکارها / تورج نادری

۹۴ مدیریت شهری، مرگ مشارکت مردمی / آزاده اشرف
تنگناهای مالی شهرداریها و تعیین راهکارهای منابع مالی پایدار / تورج نادری

۱۱۱ افزایش قیمت آبر، مشکلی که بر مشکلات شهرداریها اضافه شد / سحر شافقی
پروژه مشکلات و موانع آتش‌نشانی و خدمات ایمنی در کشور / فاطمه مزینانی

۱۱۲ تندرست‌سازی عنصر حیات، بخش فضاهای شهری / سوریس موسوی، زهرا عیسی
آنها کی تواند

۱۱۳ اسباب‌بوسه‌های بازی در حدیقه به بهره‌برداری رسید / دانشکده آموزش شهرداریها / پرویز لاری
اراین جشنواره گلستانهای خانگی / طرح آسارگری، از تاکسیدونی تیریز به آبر آمد / نوین
چشم‌واره پرواز به‌دانشکده / مشهد، مرکز رشد / نصب تابلوهای مشاوره‌گر کلان / در شهر گرگان / با
اصلاحات استان، سراسر درجه‌بندی هوای پنج‌روزه تعیین می‌شود / اسفندیار سیمه‌گر دشتگری و
سواکاری در باغ سیب‌بهر شهر و
تازدهای نشر / عباس جلالی

۱۱۴ فهرست انگلیسی

طرح روی جلد: جشنواره یاری شیر مرد - مربوط به گزارش اصلی
عکس پشت جلد: پارکس - پارک ویلت - مربوط به مقاله طراحی فضاهای محلی در شهری

صاحب امتیاز: وزارت کشور - سازمان شهرداریهای کشور
سر دبیر: علی توژپور
معاون: سر دبیر، نوید سعیدی رضوانی
سرویس حقوقی: بین‌المللی: حسن شعبی
ویراستار: حمید خادمی
مدیر هنری: جمشید یاری شیر مرد
هماهنگ‌کننده امور فنی: سعید مرادانه
تصویرساز: مهدی یارمحمدی
امور عکس: خاتون میرزاشاد
حرف‌نویس: فریده دارستانی فراهانی
نمونه خوان: لیلا شاه‌جنتی
شمارگان: ۵۰ نسخه

توسعه سیاسی و پروژه شوراهای

اگر مدعی شویم که پروژه شوراهای و مدیریت شهری و روستایی در زمره برنامه توسعه سیاسی دولت قرار دارد، بیراه نرفته ایم؛ چرا که توسعه سیاسی به منزله گسترش حوزه اختیارات مردم و آزادی عمل آنها نسبت به حوزه قدرت، شکسته شدن قدرت مرکزی در آرای مردم و توزیع قدرت در تمامی اندامهای جامعه و حضور مؤثر مردم در اداره امور کشور معنا می‌شود. حال اگر معنای شوراهای و مدیریتهای محلی و منطقه‌ای نیز مورد توجه قرار گیرد، می‌توان دریافت که مهم‌ترین بخش برنامه توسعه سیاسی در پروژه شوراهای قرار دارد. این گونه است که در مرحله پایانی اولین تجربه واقعی شوراهای، با جمع‌بندی نقاط ضعف و قوت آن، یاری دادن مجلس شورای اسلامی در بازنگری قانون شوراهای ضروری می‌نماید.

نقاط قوت:

- ۱- کاهش حجم وظایف دولت در مدیریتهای محلی، به ویژه شوراهای.
- ۲- ایجاد امکان حضور مردم در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در بخشی از مدیریت کشور.
- ۳- توزیع قدرت و گسترش عرصه حیات عمومی در مقابل عرصه حیات دولتی و خصوصی.
- ۴- گسترش و توسعه فرهنگ شهرنشینی، به ویژه آگاهیهای مربوط به وظایف مدیریت شهری.
- ۵- تجربیات مثبت در خصوص استفاده از خردجمعی به جای خرد فردی.
- ۶- گسترش روحیه مشارکتی در امر مدیریت و تجربیات نو در عرصه مدیریت مشارکتی.
- ۷- اجرای فصل مهم و مترقی، شورا، در قانون اساسی.
- ۸- نهادسازی و ظرفیت‌سازی، که نتیجه آن توانمندسازی شهروندان در اداره امور شهرها بوده است.

- ۹- تعیین تکلیف برای مدیریت روستایی، با شکل‌گیری شوراهای روستایی و انتخاب دهیاران.
- ۱۰- نظارت مردمی بر دستگاههای عمومی غیردولتی (شهرداریها و دهیارها) و ایجاد بستر برای نظارت مردمی و دستگاههای دولتی.
- ۱۱- ایجاد سرمایه اجتماعی برای توسعه همه جانبه کشور.

نقاط ضعف:

- ۱- عدم اجرای کامل اصول قانون اساسی در این خصوص و معطل ماندن آنها در سبب شوراهای شهرستان، استان و عالی استانها؛ در نتیجه ایجاد حلقه‌های مفقوده در نظام شورایی کشور.
 - ۲- ابهام در جایگاه حقوقی شوراهای به عنوان رکنی از ارکان نظام و عدم تبیین دقیق ارتباط نهاد شوراهای با قوای سه گانه کشور و سایر ارکان نظام.
 - ۳- ورود برخی از شوراهای در امور اجرایی و خروج از جایگاه تقنینی و نظارتی خود.
 - ۴- فقدان سازوکار اجرایی نظارت مردمی بر تصمیمات شورا.
 - ۵- ضعف فرهنگ مشارکتی در برخی از شوراهای و اختلال در امور شهرداریهای مرتبط.
 - ۶- مقاومت برخی از اجزای بدنه اجرایی دولت در مقابل ورود شوراهای به عرصه مدیریت امور محلی (شهری و روستایی).
 - ۷- ارتباط ناکافی با مردم و اطلاع‌رسانی نامناسب به آنان، و در نتیجه مشارکت ناکافی مردم در اداره امور شهرها.
- تودید نیست که نمایندگان فهمید مجلس شورای اسلامی با درک عمیق از جایگاه والا و استراتژیک شوراهای در اداره امور کشور و در راستای حرکت به سمت استقرار جامعه مدنی، در اصلاح قانون شوراهای به خوبی عمل خواهند کرد.



شهرداریها و زمینه‌های اشتغال‌زایی

تنظیم: جواد علی آبادی

مظفر صرافی: موضوعی که برای این جلسه در نظر گرفته شده اشتغال شهرداری است که شاید بهتر باشد با طرح مسائل کلان آن بپردازیم. این میزگرد را آغاز کنیم. امروزه بحث اشتغال از اولویت‌های برنامه‌های کلان کشور است. در برنامه سوم توسعه کشور پیش‌بینی شده است که در اواخر این برنامه هر ساله باید ۸۰ هزار شغل در کشور تولید شود. با یک حساب سرانگشتی می‌توان بی‌پرد که طبق پیش‌بینی‌های برنامه سوم توسعه در مقطع کوتاهی به تولید حدود ۵۵۰ هزار شغل در سال برای تمام شهری نیاز است. حال این سؤال در ذهن مطرح می‌شود که متولی ایجاد شغل در محدوده شهرها کیست، منظور این است که دستگاه‌های مختلف بخشی، وزارتخانه‌ها، دستگاه‌های متمرکز در سطح ملی و جز اینها هر کدام درگیر پاسخگویی به وظایف و فعالیت‌ها هستند که برای آنها تعریف شده است و کمتر توجهی به اشتغال‌زایی - و مخصوصاً مکان اشتغال‌زایی - دارند. هر چند اکثر فعالیتهای دستگاه‌های دولتی جنبه اشتغال‌زایی دارد ولی هدف اصلی این دستگاهها اشتغال‌زایی نیست. مدیر شهری در محدوده بسیار گسترده‌ای درگیر است که در آن، پدیده‌های مختلفی با یکدیگر تعامل و ارتباط متقابل دارند. مدیر شهری می‌داند که اقتصاد شهری و اشتغال را نمی‌توان از سایر پدیده‌های شهری جدا کرد. او اشتغال را لازمه مدیریت شهری می‌داند ولی نمی‌داند چگونه با مسئله اشتغال برخورد کند. مدیر شهری می‌داند با دادن رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال در شهر می‌توان از آسایش رونق اقتصادی - از جمله دریافت خدمات بیشتر و تأمین منابع مورد نیاز مدیریت شهر - استفاده کرد. اما با این مسئله مواجه است که این کار را چگونه انجام دهد؛ و در واقع متولی ایجاد شغل و به تبع آن رونق اقتصادی در شهر کیست، مدیریت موقوف شهر در گروه وجود شهری سزنده و شهروندی خوب است. اینها از یک سو علت این موفقیت هستند و از سوی دیگر معمول آن؛ و حل مسئله اشتغال شهری در این بین نقش عمده‌ای دارد. حال از شرکت کنندگان محترم جلسه می‌خواهم به همفکری در مورد طرح مسئله برای اشتغال شهری بپردازند. خود نیز هماهنگی و اداره جلسه را بر عهده می‌گیرم.

امروزه توسعه اقتصاد ملی از توسعه شهری تفکیک ناشدنی است و هر چه بیشتر می‌گذرد، بیشتر روشن می‌شود که نقش شهرها به عنوان پیش‌تازان در اقتصاد ملی اهمیت فراوان دارد. توجه به رونق اقتصادی هر شهر صرفاً منافع خود آن شهر را در بر نمی‌گیرد بلکه در خدمت منافع کل کشور است. مسئله بسیار مهم در کشور ما فعلاً بیکاری است، به گونه‌ای که می‌بینیم سیاستهای ایجاد اشتغال در تمامی برنامه‌های دولت اولویت یافته است. سیاستهای تأمین اشتغال برای شهروندان نباید به گونه‌ای باشد که فقط جنبه دستگیری، صدقه دادن و یا به عبارتی یارانه دادن به شهروندان را داشته باشد بلکه این سیاستها باید به گونه‌ای باشد که با ایجاد رونق اقتصادی در شهر، زمینه‌ساز بالارفتن اشتغال گردد. همچنین می‌توان با تعریف کالاهای مصرفی جدید برای جامعه مانند گردشگری، رونق بخشی به ساخت و سازهای شهری، جلب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری در شهر و نظایر اینها، به ایجاد اشتغال در شهر پرداخت. اما سؤال اساسی همچنان برای مدیران شهری این است که متولی اشتغال در شهر کیست.

به منظور بررسی مشکلات اشتغال در شهرها و اینکه شهرداریها و شوراهای شهر با توجه به ظرف قانونی کنونی چگونه می‌توانند به اشتغال‌زایی برای شهروندان خود بپردازند، میزگردی در ماهنامه شهرداریها برگزار گردید که خلاصه مطالب آن ارائه می‌گردد.

اعضای شرکت کننده در میزگرد:

- ۱- اعظم خاتم، محقق و پژوهشگر در علوم اجتماعی.
 - ۲- مظفر صرافی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی.
 - ۳- علی محقر، معاون بین الملل و هماهنگی امور اقتصادی استانداریهای وزارت کشور.
 - ۴- علی نوذر پور، مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور و سر دبیر ماهنامه شهرداریها.
 - ۵- حسینعلی وکیل علی آبادی، شهردار کاشان.
- مظفر صرافی نیز مشاوره و اداره علمی میزگرد را بر عهده داشته است، که از وی سپاسگزاریم.

اعظم خاتم: در مورد اشتغال شهری، گفته می‌شود که سیاستهای کلان اشتغال زای کشور حجه شهری ندارند. در حالی که از رویکردهای دیگر می‌توان گفت سیاستهای کلان اشتغال در کشور حجه شهری دارند، چون در اقتصاد روستایی ما به ثروت شغلی ایجاد می‌شود و با سکاتیزه کردن کشاورزی از حجم اشتغال کنونی در بخش کشاورزی کاسته خواهند شد. پس بسیاری از پروژه‌های اشتغال زایی که در مجلس کلان کشور و استانها اندیشیده می‌شود مربوط به اشتغال شهری است. اگر این تعبیر این گونه به کار برده شود که کسی به اشتغال شهر معین و خاصی حساس نیست، صحیح‌تر است. یعنی سیاستهای کلان کشور، و استانی نسبت به اشتغال شهر متمرکز یا شهریار حساس نیست. در سیاستهای خود کشور هم تأسیساتی جایگاهی برای بحث اشتغال شهری وجود ندارد. با توجه به بحث مدیر بنیاد شهری که این روزها رونق گرفته است، اگر این مدیریت واحد تحقق یابد به نظر می‌رسد اشتغال جزء

با عدم رونق برخی فعالیتها شود و یا ایجاد بستگاه مترو در یک محل، تغییر مسیر جریان ترافیک یک خیابان و مانند اینها، از جمله مثالهایی هستند که می‌تواند سبب رونق یا رکود فعالیتها در یک قسمت از شهر شوند.

مفسر صراف: در تکمیل نکته سوس می‌گفت خانم خاتم در مورد اینکه شهرداریها در قالب و چارچوب ظرفیتهای قانونی کنونی چگونه می‌توانند اشتغال زایی کنند. لازم می‌بینم به نکته‌های اشاره کنی: شهرداریها مانند رانندگی برای اشتغال زایی می‌توانند برای جذب سرمایه و پروژه‌های مختلف به شهر خود تلاش کنند. با به عبارتی، می‌توانند به رقابت با دیگر شهرها برای جذب بسیاری از پروژه‌ها و فعالیتهایی بپردازند که دستگاههای مختلف باید انجام دهند و مکان آنها هنوز مشخص نیست یا حتی در مورد انجام بعضی پروژه‌ها که امکان بروز و ظهور ندارند و بخش خصوصی هم به فکرش نیفتاده است که زمینه‌های لازم را برای

مدیر شهری می‌داند با دادن رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال در شهر می‌توان از آثار تبعی رونق اقتصادی - از جمله دریافت عوارض بیشتر و تأمین منابع مورد نیاز مدیریت شهر - استفاده کرد؛ اما با این مسئله مواجه است که این کار را چگونه انجام دهد؛ و در واقع متولی ایجاد شغل و به تبع آن رونق اقتصادی در شهر کیست



آخرین مقولاتی است که مدنظر مدیران شهری قرار خواهد گرفت. اگر با توجه به حوزه وظایف کنونی مدیریت شهری به مسئله اشتغال شهری بنگریم، تعریف بر ناهم و ترسیم چشم‌انداز اشتغال امکان پذیر نیست. ولی با توجه به همین ظرفیتهای قانونی ای که اکنون مدیران شهری در اختیار دارند از سه طریق می‌توان بر اشتغال شهری تأثیر گذاشت و اشتغال زایی کرد.

اولین روش اشتغالی است که سازماندهای شهرداری با استخدام نیروهای مورد نیاز برای فعالیتهای عمرانی و خدماتی خود در شهر ایجاد می‌کنند. طبق سرآوردی که انجام شده است، ما توجه به حجم گسترده فعالیتهایی که شهرداریها انجام می‌دهند، کمتر از یک درصد از اشتغال شهری متعلق به نیروهای استخدام شده به وسیله شهرداریهاست. دومین طریقی که شهرداریها به وسیله آن در شهر تولید اشتغال می‌کنند، واگذاری پروژه‌های مختلف عمرانی و خدماتی شهرداریها به بخش خصوصی است. براساس سرآوردی که در این زمینه انجام شده است، حدود ۱۰ درصد از اشتغال شهری در اثر اشتغالی بوده که از واگذاری پروژه‌های شهرداریها ناشی شده است. بنابر این اگر افق در بودجه‌های عمرانی و خدماتی شهرداریها - و به تبع، واگذاری این پروژه‌ها به بخش خصوصی - پیش آید، این رقم به صورت غیر مستقیم باعث تغییر ۱۰ تا ۱۵ درصدی در اشتغال شهری خواهد شد. سومین طریقی که شهرداریها به وسیله آن سررویی اشتغال شهری تأثیر می‌گذارند ضوابط و مقررات و طرحهای شهرسازی است. مثلاً عوارض دو شهرها می‌تواند باعث رونق

آن فراهم سازد تلاش کنند برای نمونه، چنانچه بی‌برده شود که تأسیس کارخانه محسولی جدید در دستور کار اتحادیه رشتیانی از حتم‌نگران است. می‌بایست شهرداری به استقبال آن رود و شرایط ایجاد و جذب آن فعالیت به وسیله مدیران شهری فراهم شود. برای جذب سرمایه‌گذارها به وسیله شهرداریها، می‌توان جلساتی را با سرمایه‌گذاران تشکیل داد و امکانات، تواناییها و تسهیلاتی را که شهرداری می‌تواند در اختیار آنها قرار دهد با آنها در میان گذاشت. مثلاً می‌توان به سرمایه‌گذار گفت که چه فکری برای زمین کارخانه شده، نیروی کار و قوانین موجود برای فعالیت کارخانه به چه صورتی است، و مدیران شهری چه حمایتی از سرمایه‌گذار به عمل می‌آورند.

حسینعلی وکیل علی‌ابادی: در مورد نقش شهرداریها و شوراهای شهر در ایجاد اشتغال، می‌توان گفت تنها امری که در این زمینه در دست شهرداریها قرار دارد کالبد شهر است. اگر به کالبد و فرهنگ شهر به درستی نگرسیته شود، پتانسیل بالایی برای ایجاد شغل در شهرها در اختیار شهرداریها قرار می‌گیرد. مثلاً شهر کاشان شهری است تاریخی، که کالبد و فرهنگ آن پتانسیل بسیار بالایی در جهت جذب گردشگر دارد. با سرمایه‌گذاری بر روی این بخش می‌توان علاوه بر رونق اقتصادی شهر، به اشتغال زایی هم پرداخت.

بحث دیگر در زمینه اشتغال زایی که به کالبد شهر باز می‌گردد، توجه به سرمایه‌گذاری در بخش ساخت و سازهای شهری است. ساخت و سازها و امور عمرانی شهری سریع‌ترین اثر را در ایجاد اشتغال شهری

دارند اگر به مقایسه دو بخش صنعت و ساخت و ساز شهری پرداخته شود مشاهده می‌گردد که یک کارخانه صنعتی تا بخواهد به بهره‌برداری برسد و شغل ایجاد کند حداقل به ۲ الی ۳ سال نیاز دارد. در حالی که سرمایه‌ای که در بخش ساخت و ساز و عمران شهری صرف می‌شود به محض سرمایه‌گذاری باعث ایجاد اشتغال می‌گردد.

عوامل دیگری که شهرداریها می‌توانند به وسیله آن اشتغال‌زایی کنند، جذب عوارض شهری و سرمایه‌گذاری این عوارض در بخش عمران شهری است. عوارضی که شهر دارینها دریافت می‌کنند بر خلاف عوارض دولتی که صرف کارهای روزمره و پرداخت حقوق کارمندان دولت می‌شود در بخش عمران شهری که اشتغال‌زاست سرمایه‌گذاری می‌شود باید توجه داشت که گرفتن عوارض بدون بسترسازی مناسب برای آن امکان‌پذیر نیست. شهرداریها باید زمینه مناسب را برای سرمایه‌گذاری در شهر فراهم کنند تا با ایجاد رونق اقتصادی در شهر

در مقطع کنونی با توجه به مشکل بیکاری باید در سیاستگذار بیها هدف این باشد که فعالیتهای اشتغال‌زای انجام گیرد. اگر یا دید اشتغال به سیاستها تکرار شده شود، بسیاری از روش کارها تغییر پیدا خواهد کرد و جهت‌گیری سیاستها به سوی ایجاد و افزایش اشتغال سوق خواهد یافت. ایجاد اشتغال نیاز به نوآوری در کارها نیز دارد

تقاضا برای ساخت و سازها هم بالا رود و در نتیجه بتوانند عوارض بیشتری دریافت کنند. علاوه بر این، خود ساخت و سازهای ناشی از رونق اقتصادی هم باعث اشتغال‌زایی می‌شود.

نکته دیگر در زمینه اشتغال‌زایی تشویق مردم، نهادهای مردمی و سرمایه‌گذاران محلی به وسیله شهرداریها و شوراهای شهر برای سرمایه‌گذاری در شهر و ایجاد رونق اقتصادی است. چون شوراهای شهر نماینده و منتخب مردمند و مردم نسبت به دستگاههای دولتی اطمینان بیشتری به آنها دارند. می‌توان با استفاده از این اطمینان مردم آنها را ترغیب به سرمایه‌گذاری در شهر کرد تا شهر رونق اقتصادی لازم را گسب کند.

کار دیگری که شهرداری و شورای شهر می‌تواند در زمینه اشتغال در شهر انجام دهد رقابت با دیگر شهرها برای جذب صنایع و سرمایه‌گذاران به شهر است. همان‌طور که دکتر صرافانی اشاره کردند، دادن امتیازات مختلف به سرمایه‌گذاران می‌تواند باعث جذب آنها به شهر شد. مثلاً در کاشان و از طریق نماینده شهر و در پی تماس مستمر با یک شرکت خودروسازی این شرکت، تمایل به سرمایه‌گذاری در کاشان شد. شهرداری برای تسهیل در امر سرمایه‌گذاری این شرکت، موافقت کرد مجوز ساخت را در اختیار آن قرار دهد، و در ابتدای تأسیس این شرکت تا هنگامی که کارخانه به بهره‌برداری کامل نرسد دریافت عوارض به تعویق افتاد. همچنین، شورای شهر مشکل تأمین زمین مورد نیاز شرکت را بر عهده گرفت و شهرداری تکنیک و ابزار آن زمین را منعقد شد و

فرمانداری از طریق رأی‌زنی با وزارت نفت، مشکل گاز آن را حل کرد. این راهم باید اشاره کرد که تصمیمات دولت جنبه عدم تمرکزگرایی دارد - و در مورد اشتغال نیز به همین گونه است. عمده‌تأ عمل اجرایی سیاستهای دولت در مورد اشتغال دستگاههای بخشی مختلفی هستند که هیچ کدام با یکدیگر هماهنگ نیستند و مدیران محلی هم در این زمینه نمی‌توانند کاری انجام دهند. مثلاً اگر شورای شهر کاشان تصمیم بگیرد از صنعت خاصی حمایت کند، معلوم نیست که بانک، هتل در کاشان نیز همین کار را انجام دهد، زیرا این بانک تابع دستورالعملهایی است که از بالا به او ابلاغ می‌شود نه تصمیمات محلی.

مفطر صرافانی: نکته‌ای که آقای وکیل به درستی به آن اشاره داشتند، اهمیت بحث گردشگری در ایجاد اشتغال شهری است. همان گونه که می‌دانیم، این بخش یکی از بخشهای پایه اقتصاد شهری قلمداد می‌شود. بسیاری از شهرهای اروپا توانسته‌اند از طریق جذب گردشگر به جذب درآمد و ایجاد اشتغال مناسب دست پیدا کنند. در کشورهای اروپایی صرفی بعد از تحولات سیاسی دهه گذشته و پیوستن این کشورها به بازار اقتصادی اروپا، تنها مزیتی که این کشورها برای رقابت آزاد در این بازار یافتند، همین جاذبه‌های گردشگری آنها بود. حفظ میراث فرهنگی و ویژگیهای متفاوت شهری آنها، و همچنین تکنولوژی ناشی از عدم دسترسی راحت به این شهرها، باعث شد مورد استقبال گردشگران خارجی قرار بگیرند و بدین ترتیب رسته اقتصادی مهمی برای برطرف ساختن نیازهای بازسازی شهرهای این کشورها فراهم آمد. البته این نگرانی اینک برای مدیران شهری آنها وجود دارد که با افزایش و تلاطم گردشگری، و در نتیجه ساخت و سازهای جدید و به اصطلاح مدرن شدن این شهرها مزیت‌های گذشته را از دست دهند. در نتیجه برنامهریزی راهبردی در این خصوص مورد توجه قرار گرفته است.

نکته دیگری که آقای وکیل اشاره کردند، نقش مهم ساخت و سازهای شهری در اشتغال‌زایی شهری است. به دلیل روابط دایره‌بندی که این بخش با بخشهای دیگر اقتصاد دارد، اشتغال تبعی زیادی هم ایجاد می‌کند. البته باید تقاضایی برای ساخت و ساز وجود داشته باشد تا با سرمایه‌گذاری در این بخش، اشتغال ایجاد گردد. به بیان دیگر، باید باور و اعتقادی در سرمایه‌گذاران وجود داشته باشد که شهر رونق اقتصادی دارد و سرمایه‌گذاری آینده‌دار است. تا آنجا که این احساسات ساختن در شهر بیزاری پیدا کند به این مسئله توجه کرد که شهرداری و شورای شهر چگونه می‌توانند این اطمینان را در سرمایه‌گذار به وجود آورند که شهر رونق اقتصادی دارد و آینده آن روشن است. تا او را معجب به سرمایه‌گذاری در شهر کنند. از نمونه‌های موفق در این زمینه، برپایی جشنواره شهر وندی در کاشان است که به‌طور غیرمستقیم در ایجاد نیروی محلی و اشتغال هویتی در شهر بسیار مؤثر است و تلاطم آن در حفظ سرمایه‌ها در شهر حتماً اثر گذار خواهد بود. شهرداری و شورای شهر باید بتوانند تعقیب مکانی و هویتی اجتماعی در شهر به وجود آورند تا سرمایه‌ها در شهر باقی بمانند و در همان جا سرمایه‌گذاری شوند. اما در مورد احداث کارخانه خودروسازی در کاشان این پرسش مطرح است که آیا در چنین مواردی باید به این مسئله حساس بود که احداث این کارخانه باعث جذب نیروی بومی و محلی به کار می‌شود یا نه؟ منظور این است که از کجا معلوم این کارخانه‌ای که می‌خواهد در اینجا احداث شود بیلگر قواعد بازار کار افراد گوناگون را از تعاضات مختلف کشور به کار بگیرد و در واقع سهم اشتغال کارکنان بومی در آن ناچیز باشد.

علی نوذر پور: موضوع شهرداریها و اشتغال را از چند منظر می‌شود دید. اولین منظر بحث دخالت مدیریت شهر در مسئله اقتصاد شهر است. اینکه چقدر مدیریت شهری می‌تواند در این زمینه دخالت کند و تا چه حد این دخالت می‌تواند جایگاه قانونی داشته باشد. مسئله‌ای جدی که در این حوزه وجود دارد این است که در کشور هنوز تفکیکی بین عوارض و

در مورد اشتغال شهری، گفته می‌شود که سیاستهای کلان اشتغالزایی کشور جنبه شهری ندارند. در حالی که از زاویهای دیگر می‌توان گفت سیاستهای کلان اشتغال در کشور جنبه شهری دارند، چون در اقتصاد روستایی ما به ندرت شغلی ایجاد می‌شود و با مکانیزه کردن کشاورزی از حجم اشتغال کنونی در بخش کشاورزی کاسته خواهد شد. پس هر پروژه اشتغالزایی که در مقیاس کلان کشور آند پیشیده شود مربوط به اشتغال شهری است. اگر این تعبیر این گونه به کار برده شود که کسی به اشتغال شهر معین و خاصی حساس نیست، صحیح تر است

مالیات مشاهده نمی‌شود. برخی اقلام که جنبه عوارض دارد در زمان حاضر به عنوان مالیات دریافت می‌شوند و اقلامی دیگر که جنبه مالیاتی دارند به عنوان عوارض. این دو حالتی است که عوارض جنبه محلی دارد و باید در اختیار شهرداری و مدیریت محلی باشد و مالیات را دولت دریافت کند. در کشور ما عوارض و مالیات را دولت برای هزینه کردن در بخشهای مانند تربیت بدنی، مسدا و سیما، آموزش و پرورش و جز اینها دریافت می‌کند. اگر قرار است شهرداریها در زمینه اشتغال فعال گردند، اولین کار این است که تفکیکی بین عوارض و مالیات صورت گیرد و شهرداریها در دریافت این وجه دخالت نداشته باشند. یعنی اینکه عوارض جدا از مالیات دولتی برای شهرداریها در نظر گرفته شود و در اختیار شهرداریها قرار گیرد. هنگامی که این اتفاق افتاد، شهرداریها ترجیح می‌شوند رونق بیشتری به اقتصاد شهر بدهند تا بتوانند عوارض بیشتری دریافت کنند و رونق اقتصاد شهر نیز یعنی اشتغالزایی در کشورهای توسعه یافته مالیات و عوارض را کلاً شهرداریها دریافت می‌کنند. آن گاه قسمتی را که جنبه محلی دارد خود برای اداره شهر می‌دارند و قسمتی را که جنبه ملی دارد در اختیار دولت قرار می‌دهند. یعنی دیگر چیزی به اسم وزارت اقتصاد و دارایی ندارند، بلکه خود شهرداریها به عنوان نمایندگان دولت به جمع‌آوری مالیات می‌پردازند. شهرداریها در کشور ما هم می‌توانند این نقش را بر عهده گیرند. به شرط اینکه تغییری در نظام مالیاتی و عوارض کشور به وجود آید.

دومین مطلب در مورد شهرداریها و اشتغال، توجه به

ساختنمان وجود دارد. سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم خارج از کشور بسیار علاقه‌مند هستند که در این بخش سرمایه‌گذاری کنند.

نکته سوم در مورد اشتغال، توجه به سهولت بانکی ای است که دولت برای ایجاد اشتغال در کشور اختصاص داده است. با بررسی مختصری در مورد وظایف کنونی شهرداریها می‌توانیم ببینیم که در حوزه‌های ایمن شهر در مقابل حریق، حمل و نقل درون شهری و مدیریت مواد زائد جامد شهری با همین امکانات بانکی که دولت در اختیار گذاشته است به خوبی می‌توان اشتغالزایی کرد.

منقصر صرافی: مسئله شایان توجه در صحنه‌های مهندسی نوآوری، تفکیک بین عوارض و مالیات است. اتفاقاً این سؤال مطرح است که چه نهادی بیشتر از شهرداریها برای دریافت و تشخیص میزان این درآمدها وجود دارد - چه برای شناخت مؤدی مالیاتی و چه برای دریافت مالیات. در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان نیز همین گونه است. یعنی شهرداریها جمع‌کننده مالیاتها هستند و سپس در توافق با دیگر سطوح دولت (مرکزی و ایالتی) سهم آنها پرداخت می‌شود. در برنامه سوم توسعه عوارض بسیاری وجود دارد که به واگذاری این گونه مسئولیتها به شهرداریها دلالت دارد. از آن جمله است شناسایی گروه‌های هدف در حمایت‌های اجتماعی، که شهرداریها به دلیل اینکه کوچکترین واحد قضایی تقسیمات کشوری هستند، می‌توانند شناخت دقیقی راجع به افراد در این زمینه داشته باشند چون شناخت دقیقی راجع به افراد یا توجه به مکان محل سکونتشان دارند.

علی محسنی: بحث اشتغال در کشور از لحاظ سیاسی، امنیتی و اجتماعی بحث جدی است. لذا دولت ستاد عالی اشتغال راه رهاست آقای خانمی برای مقابله با بحران اشتغال تشکیل داد و قرار شد وزارتخانه‌های مختلف در این زمینه همکاری کنند و معاونت اشتغال تشکیل دهند. وقتی که معاونت اشتغال در وزارتخانه‌ها دارد، جهت‌دهی و هدفمند کردن کارها می‌شود. این است که در مجموعه وزارتخانه در جهت ایجاد اشتغال انجام می‌گیرد. همین منظور، در وزارت کشور با همکاری استانداران و معاونان برنامهریزی است. استادهای اشتغال تشکیل شده است. وقتی هدف اصلی در سیاستهای اقتصادی اشتغال باشد، مسلماً سیاستها با وقتی که



انصاف خانم

سرمایه‌گذارهای بخش خصوصی و به ویژه سرمایه‌گذارهای خارجی در شهرهاست که تجربه چندان در این زمینه وجود ندارد. اخیراً وزارت مسکن و شهرسازی اقدام مثبتی را در این جهت انجام داده است. این وزارتخانه با برگزاری نمایشگاهی به ارائه توانمندیهای بخش عمران و مسکن شهری در کشور پرداخته و زمینه‌های مشارکت را برای سرمایه‌گذاران خارجی در این بخش تبیین کرده است. شهرداریها در جلب سرمایه‌گذاران خارجی هم می‌توانند فعال شوند. یک حرکت، چه از حوزه عمران شهری و چه از حوزه اقتصادی وزارت کشور، با طراحی سعینداری بین‌المللی در این زمینه می‌تواند انجام شود. در آن صورت نیز می‌توان از سرمایه‌گذاران ایرانی خارج از کشور و حتی سرمایه‌گذاران خارجی خواست که در زمینه مسکن و عمران شهری سرمایه‌گذاری کنند. و از این طریق شهرهای بزرگ کشور - به خصوص شهرهایی که دارای پتانسیلهای خوب اقتصادی در این زمینه‌اند - ظرفیتهای خود را برای سرمایه‌گذاران خارجی عرضه کنند. با توجه به سود خوبی که در بخش

شهردارها مانند رایزنی برای اشتغال زایی، می توانند برای جلب سرمایه و پروژه های مختلف به شهر خود تلاش کنند. یا به عبارتی، می توانند به رقابت با دیگر شهرها برای جذب بسیاری از پروژه ها و فعالیت هایی بپردازند که دستگاه های مختلف باید انجام دهند و مکان آنها هنوز مشخص نیست. یا حتی در مورد انجام بعضی پروژه ها که امکان بروز و ظهور ندارند و بخش خصوصی هم به فکرش نیفتاده است که زمینه های لازم را برای آن فراهم سازد تلاش کنند



حسین غلامی وکیل

هدف رشد اقتصادی صرف است تفاوت پیدا خواهند کرد. برای مقابله با بحران بیکاری در برنامه های اقتصادی باید به سمت توسعه ای پیش رفت که هدف در آن رواج فناوری های کاربر باشد نه سرمایه بر؛ چون در وضعیت کنونی کشور عرضه نیروی کار بیش از تقاضا برای آن است. در مقطع کنونی با توجه به مشکل بیکاری باید در سیاست گذاریها هدف این باشد که فعالیت های اشتغال زا انجام گیرد. اگر با دید اشتغال به سیاستها نگریم، سود بسیاری از روشن کارها تغییر پیدا خواهد کرد و جهت گیری سیاستها به سوی ایجاد و افزایش اشتغال سوق خواهد یافت. ایجاد اشتغال نیاز به نوآوری در کارها نیز دارد. مثلاً وزارت راه برای اشتغال زایی خلاقیت و نوآوری های در تعریف بعضی فعالیت های جدید به کار برده است که می توان از آنها الگو گرفت؛ یعنی کار جدیدی تعریف شده است تا میزان اشتغال زایی بالا رود. به عنوان مثال، بعضی از کارهایی که در وزارت راه برای اشتغال زایی انجام گرفته است عبارتند از: واگذاری و بهره برداری از راه های جاده ای، راه آهن، فرودگاهها و بنادر جدید به وسیله مردم؛

همچنین توسعه ناوگان جاده ای، ریلی و هوایی؛ استفاده از راننده کمکی برای اتوبوسها و مینی بوسها در مسافت های یا مدت بیش از ۸ ساعت؛ ایجاد سیستم کنترل سلامت راننده؛ تشخیص معایب خودروها از طریق سیستم CM؛ به کارگیری مدیر کارگاه و مهندس ناظر برای پروژه های عمرانی؛ به کارگیری ناظر فنی برای کنترل و نظارت بر ماشین آلات استیجاری؛ ایجاد مراکز امتداد سانی پزشکی در جاده ها؛ کنترل فنی خودروها؛ ساماندهی و توسعه ماشین آلات؛ خدمات امتداد سانی فنی بین راهی؛ احیای طرح پزشک قطار؛ توسعه توان تعمیراتی و ساخت قطعات هوایی؛ مسافر داخل کشور؛ ساخت و بهره برداری از هواپیمای کوچک در کشور؛ احداث کارخانه های تولید چاپگرین نیز؛ ایجاد مراکز فروش سوخت کشتیها در بنادر و جزایر جنوبی کشور؛ انتقال حجاج از طریق کشتی به عربستان؛ تأمین آذوقه مورد نیاز کشتیها؛ و جز اینها.

چنین کارهایی را در وزارت کشور هم می توان انجام داد. مثلاً در بخش شهری می شود از طریق مقررات آیین نامه ها و بخشنامه ها کاری کرد که افراد بیشتری در بخش مسکن، حمل و نقل، فضای سبز و جز اینها به کار گرفته شوند تا هم اشتغال زایی انجام گرفته باشد و هم اینکه توزیع عادلانه ای در توزیع ثروت و امکانات صورت گیرد. شهرها و شهردارها باید توجه کنند که نقدترین بخش برای ایجاد کار و اشتغال بخش مسکن و ساخت و ساز است. در این بخش ما توجه به وضعیت کنونی اشتغال می توان از فناوری کاربر استفاده کرد. مشکلی که این بخش طی دو دهه اخیر در کشور پیدا کرده، جذب نیروی کار افغانی در آن است. وظیفه وزارت کشور است که تکلیف این نیروها را مشخص کند تا با خروج آنها بتوان در بخش ساخت و ساز از نیروی کار ایرانی استفاده کنیم.

با توجه به شرایطی که در مورد اشتغال در جامعه وجود دارد، نیاز به توجه بیشتری به بخش خدمات برای اشتغال زایی به چشم می خورد. تاکنون در فضای اقتصادی کشور اگر بخشی را به سرمایه گذاری شکل می گرفت، ذهنها به سمت ساختن کار سرمایه گذاری و بخش صنعت متمایل می شد و تصور بر این بود که حتماً باید مثلاً کارخانه پتروشیمی، امکانات زیربنایی ساخت انرژی و جز اینها در کشور ایجاد شود تا سرمایه گذاری اقتصادی موفقیت آمیز باشد. شکی نیست که برای دراز مدت این سرمایه گذاریها باید انجام گیرد ولی برای حل مشکل اشتغال در وضع کنونی به سختی در کوتاه مدت نیاز است. یعنی وضعیت اشتغال و بیکاری در جامعه طوری است که اگر به بخشهایی که می توانند در کوتاه مدت مشکل اشتغال را حل کنند توجه نشود، مشکلات جدی رخ می نمایند که سبب می شوند بتوان در جامعه سرمایه گذاریهای پایدار و دراز مدت ایجاد داد. نتیجه این می شود که در کنار توجه به سرمایه گذاریهای بلندمدت و ایجاد اشتغال پایدار از طریق سرمایه گذاریهای زیربنایی و صنعتی، باید توجه بیشتری به بخش خدمات برای اشتغال زایی کرد. برخی از کارها در زمینه اشتغال زایی حتی ممکن است بسیار به تأمین سرمایه از منابع دولتی نداشتن باشد. مثلاً با تعریف روشهای جدید از کالاهای مصرفی مانند گردشگری برای مردم، می توان اشتغال زایی انجام داد - آن هم بدون تحمیل هزینه ای به بودجه دولت.

در بحث اشتغال توجه به متوله عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه اهمیت بسزایی دارد. در کشور ما به مسئله سرمایه گذاری فقط با دید رشد اقتصادی نگریم می شود. وقتی با دید رشد اقتصادی به سرمایه گذاری نگریم، تمایلی وجود ندارد که به بحث عدالت اجتماعی پرداخته شود، و ترجیح داده می شود سرمایه گذار کار خود را انجام دهد. سرمایه گذار ممکن است بخواهد از فناوری سرمایه بر استفاده کند. با توجه به شرایط کنونی جامعه و نرخ بیکاری دولت می تواند در سرمایه گذاریها دخالت کند تا سرمایه گذار به جای



مظفر حسینی

سیستم‌هایی مانند استاد و شاگردی که سابقه طولانی‌ای در کشور دارند استفاده کنند. در ضمن سیستم فنی و حرفه‌ای هم باید مقادری در روش‌های آموزش خود تغییر ایجاد کند.

فناوری سرمایه‌بر از فناوری کاربر استفاده کند تا بدین وسیله بخش‌های بیشتری از مردم به کار گرفته شوند و تعادلی در توزیع ثروت و درآمد در جامعه به وجود آید و جامعه از حالت قهقری شدن خارج گردد. بالاخره اینکه برای اشتغال پاینده بحث سرمایه‌گذارهای بخش خصوصی و خارجی هم توجه کرد.

در قسمت دوم بحث خود می‌خواهم به فعالیت‌هایی که دولت در زمینه اشتغال‌زایی انجام داده است اشاره کنم. از جمله فعالیت‌هایی که دولت در زمینه اشتغال انجام داده است، می‌توان به منابع ماده ۵۴ قانون برنامه سوم توسعه کشور اشاره کرد. در سال‌های ۷۹ و ۸۰ منابع ماده ۵۴ به صورت خوداشتغالی مطرح و پرداخت تسهیلات صورت گرفت که از منابع این ماده ۱ میلیون تومان وام خوداشتغالی به افراد بیکار پرداخت می‌شد. سال گذشته این مبلغ به ۳ میلیون تومان افزایش پیدا کرد. در مجموع بحث خوداشتغالی نتیجه مطلوبی نداشت چون هر فرد باید رأساً برای دریافت این وام مراجعه می‌کرد و در ضمن به علت ناچیز بودن مبلغ آن، نمی‌شد به وسیله آن کسری تولید کرد. امسال وزارت کار پیشنهاد ایجاد ۳۰۰ هزار شغل را از محل منابع این ماده به دولت ارائه کرد که به این گونه که کارگاه‌هایی که یک نفر را به مدت ۵ سال به کار گیرند از محل منابع این ماده از سه میلیون وام، به علاوه پرداخت بیمه فرد به کار گرفته شده به مدت ۲ سال و حق صاحبکار بپردازند می‌شوند. مشروطاً به اینکه فرد به



علی فاردپور

در مورد نقش شهر داریها و شوراهای شهر در ایجاد اشتغال، می‌توان گفت تنها اهرمی که در این زمینه در دست شهرداریها قرار دارد کالبد شهر است. اگر به کالبد و فرهنگ شهر به درستی نگریسته شود، پتانسیل بالایی برای ایجاد شغل در شهرها در اختیار شهرداریها قرار می‌گیرد

چون شوراهای شهر نماینده و منتخب مردم اند و مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی اطمینان بیشتری به آنها دارند، می‌توان با استفاده از این اطمینان مردم آنها را ترغیب به سرمایه‌گذاری در شهر کرد تا شهر رونق اقتصادی لازم را کسب کند

در ماده ۵۴ برنامه سوم توسعه کشور ۳۰۰ هزار شغل بر حسب استانها و حتی شهرها تعیین شد و متلاً مشخص گردید است که فلان شهرستان ۳۰۰ نفر از این میزان سهمیه دارد و طرح آموزش و اشتغال‌زایی این ۳۰۰ نفر را یا خودش می‌تواند اجرا کند و یا اگر نتوانست چنین کند، ۳۰۰ نفر از بیکاران را که در اداره کار ثبت نام کرده‌اند می‌تواند برای کار آموزش به کارگاه‌های شهرستان مجبور بفرستد. از دیگر منابع تکلیفی بانکها در زمینه اشتغال، می‌توان به تبصره ۳ و وجود نظریه شده هم اشاره کرد. وجود تبصره ۲ با توجه به شرایط در نظر گرفته شده بانکها برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت اختصاص داده می‌شود و وجود اداره شده منابعی است که دولت از بودجه خود به بانکها می‌پردازد تا به صورت وام در طرح‌های استانی سرمایه‌گذاری شود.

مظفر حسینی: سؤالی در اینجا پیش می‌آید، و آن اینکه شهر داریها اولویت را در ابتدا باید به اشتغال بدهند یا اینکه رونق اقتصادی را هدف قرار دهند؟ در واقع از آثار کمی انتخاب‌گزینه توسعه ایجاد اشتغال است. اگر رویکرد دوم مورد توجه شهر داریها واقع شود، ممکن است سرمایه‌گذار از فناوری سرمایه‌بر استفاده کند، طوری که سرمایه‌گذاری او موجب اشتغال چندانی نشود. بطور مثال، شنیدیم که در سال گذشته بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان در صنعت برای ایجاد هر شغل سرمایه‌گذاری لازم بوده که این میزان در بخش تعاونی حدود ۱/۱ بوده و در بخش خدمات نیز کاملاً کاهش پیدا کرده است. پس اگر شهرداری و شورای شهر علاقه‌مند به ایجاد شغل بیشتر هستند برای ایجاد فعالیت و جذب

کار گرفته شده را به مدت ۵ سال در کارگاه خود آموزش دهند. هدف این طرح این است که افراد در طی ۵ سال آموزش ببینند و بتوانند در همان کارگاه‌هایی بمانند و در غیر این صورت با آموزش‌هایی که دیده‌اند خود را با کارگاه ناپسند کنند.

در همین جا نکته‌ای در مورد اشتغال به ذهنم رسید که لازم می‌بینم به آن اشاره کنم و آن هم بحث آموزش بیکاران است. یکی از مشکلات در بحث اشتغال عدم مهارت بیکاران است. بیکاران کار بلد نیستند و به همین خاطر ماده ۵۴ برنامه توسعه سوم به این صورت تعبیر پیدا کرد تا زمینه آموزش بیکاران فراهم گردد. متأسفانه در کشور ما بروزی بحث آموزش افراد بیکار - مخصوصاً بحث آموزش فنی و حرفه‌ای - تأکید زیادی نمی‌شود. در سال‌های اول انقلاب توجه جدی‌تری به دوره‌های هنرستان و فنی و حرفه‌ای صورت می‌گرفت، و به افراد بیکار آموزش داده می‌شد. اما متأسفانه امروزه این دوره‌ها کم رونق شده‌اند. خوش‌حانه از سوهی که بخش‌های اشتغال‌زایی مطرح شده حرف‌های مثبتی در جهت آموزش بیکاران انجام گرفته است ولی اینها کافی نیست و لازم است سیستم آموزش کشور در سال‌های آینده مجدداً به مسئله آموزش بیکاران توجه بیشتری کند. نکته دیگر در مورد آموزش بیکاران این است که مراکز فنی و حرفه‌ای به صورت تصدی‌گری به آموزش بیکاران می‌پردازند. در حالی که این مراکز می‌توانند متولی آموزش فنی و حرفه‌ای در کشور باشند و در ضمن از امکانات بخش‌های دیگر جامعه، از جمله بخش خصوصی و عمومی برای آموزش افراد بیکار به وسیله



علی موفدی

آموزش و پرورش ترجیح می‌دهد که نیروی هنرستانها کمتر سرمایه‌گذاری کند با کشاندن آموزش فنی و حرفه‌ای به کارگاهها و مقوله آموزش استاد و شاگردی هم نمی‌توان در زمینه آموزش فنی و حرفه‌ای موفق شد چون به عنوان مثال، امروزه در دفاتر مهندسان مشاور خاصاً لیستند حتی نرم‌افزار «اتو کد» را به پرسنل آموزش دهند، چه رسد به آموزشهای پیچیده‌تر و طولانی مدت‌تر. دو واقع می‌خواهند: نیروی کار حاضر استفاده کنند دلیل این امر هم روشن است چون آموزشهای امروزی آموزشهای ساده‌ای نیست که نیروی کار با همان سیستم استاد و شاگردی گذشته بتواند این آموزشها را هر عرض عمده یا یک سال فراگیرد. در ضمن برای بخش خصوصی هم مقرون به صرفه نیست که این آموزشها را به پرسنل خود ارائه دهد. امروزه در دفاتر و کارگاههای بخش خصوصی بازدهی نیروی کار حرفه‌ای اصلی را می‌زند، بخش خصوصی به نحض اینکه بحث آموزشهای فنی و حرفه‌ای پیچیده و طولانی مدت مطرح می‌گردد - که ممکن است ۱ تا ۳ سال کارآموزی لازم داشته باشد - از این آموزشها استقبال نمی‌کند. بنابراین می‌توان به بحث آموزش فنی و حرفه‌ای از این دید نگریست که شوراها می‌تواند و شهرداریها چه اقداماتی می‌توانند در این زمینه به عمل آورند. باید اینکه چگونه می‌توان نهادهای مردمی مانند افراد نیکوکار محلی را ترغیب به

سرمایه‌ها باید به سراغ کدام نوع فعالیتها بروند که بیشتر ایجاد شغل کنند؟ اگر به تولید شغل توجه شود نظریات دولت رفاه و عدالتخواهانه پیش می‌آید که ممکن است برای اجرای نظریات رشد طلب و جذب سرمایه‌ها بازدارنده باشد. با مراجعه به آمار بسیاری از کشورهای پیشرفته، می‌توان دریافت که ایجاد شغل متناسب با رشد تولید ناخالص داخلی آنها نیست. اگر در ۲۰ سال گذشته این کشورها در ازای ۱ درصد تولید ناخالص ملی مثلاً ۰.۱۸ یا یک درصد رشد اقتصادی داشته‌اند، امروز می‌توان دید که در ازای آن یک درصد رشد اقتصادی ۰.۴ یا ۰.۱۵ درصد رشد اشتغال داشته‌اند. حال این نگرانی در بین این کشورها وجود دارد که ممکن است رشد و توسعه اقتصادی وجود داشته باشد ولی تولید کار به همراه نداشته باشند. این پدیده در برنامه عمران ملل متحد "Tobless Growth" نامیده شده است. ساختار اشتغال کشورهای پیشرفته شاهد این است که شغلهایی با حداقل درآمد مرتب مقدارش زیاد و شغلهایی با درآمد متوسط تعدادش کمتر می‌شود. در واقع قشرهای مانی که به نوعی باعث ثبات سیاسی جامعه می‌شوند در حال کوچک شدن اند. ادامه این روند ساختار جامعه سالم را با خطر مواجه می‌سازد. به هر حال هدف از طرح این مباحث لزوم پرداختن به راهبردهای اشتغال به وسیله مدیران شهری در کشور است.

با توجه به بحث مدیریت واحد شهری که این روزها رونق گرفته است، اگر این مدیریت واحد تحقق یابد به نظر می‌رسد اشتغال جزء آخرین مولاتی است که مدنظر مدیران شهری قرار خواهد گرفت

اعظم خاتم: واقعیت این است که در کشور ما متولی خاصی برای ایجاد اشتغال وجود ندارد. با کارهایی که در سطح استاندارها در مورد اشتغال در حال انجام است، چشم‌انداز امیدوار کننده‌ای در باره محلی کردن اشتغال به چشم می‌خورد. ولی تذکر این نکته هم لازم است که محلی کردن اشتغال نباید به معنی غیر تخصصی کردن آن باشد بلکه اشتغال مسئله‌ای است بسیار تخصصی که نیاز به برنامه‌ریزی دارد. محلی کردن بحث اشتغال در سطح استاندارها و سپس شهرها باعث پایش و اصلاح تصمیمات کلان کشور در مورد اشتغال در سطح محلی می‌شود. در اصلاح قانون شوراها پیشنهاد شد برای مشخص شدن قابلیتها و تواناییهای شهرها برای سرمایه‌گذاری شورهای شهر به جای پرداختن به کارهای اجرایی به کارهای برنامه‌ریزی و تدوین چشم‌انداز آینده شهر برای برنامه‌ریزی روی آورند. چون در سطح محلی و شهری کسی به تدوین این برنامه‌ها نمی‌پردزد و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز در برنامه‌ریزیها فقط تا سطح استان برنامه‌ارائه می‌کند.

سرمایه‌گذاری در آموزش فنی و حرفه‌ای کرد؟ امید است با کمیسونهایی که در استاندارها در زمینه اشتغال شکل گرفته است، و با استفاده از متخصصان رشته‌های مختلف، با کارهای دائمی و برنامه‌ریزی شده به ساماندهی بحث آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح محلی پرداخت.

مسئله دیگر در مورد اشتغال این است که اگر در سیاستهای اشتغال زایی به استفاده از فناوریهای کاربر و تقسیم کار روی آوریم، این سیاستها موجب اقت پادسی در برنده کاری افراد می‌شود. مثلاً وقتی شاگرد راننده‌های رایبه سیستم حمل‌ونقلی‌ای تحصیل می‌کنند که این سیستم توانایی جواب دادن به دو شغل را ندارد و نمی‌تواند مایحتاج مادی دو نفر را تأمین کنید، درست است که درصد اشتغال افزایش می‌یابد اما کناری افراد پایین می‌آید و افراد برای رفع مایحتاج مادی خود مجبور می‌شوند به کار دوم و حتی سوم روی آورند. طبق بررسیهایی که در سال ۷۵ انجام گرفت، حدود ۸ تا ۱۰ درصد شاغلان کشور دو یا سه شغل بودند. طبق همین سرآورها این میزان تا سال ۱۳۸۰ به ۲۰ درصد افزایش می‌رسد. به عبارتی می‌توان گفت از هر ۱۰۰ شغل جدید که به وجود می‌آید ۱۰ شغل را احسان شاغلان قبلی اشتغال می‌کنند. پس در واقع با سیاست فناوریهای کاربر و تقسیم کار کنونی نمی‌توان اشتغال ایجاد کرد بلکه فقط راندهای کاری افراد پایین می‌آید.

لازم می‌دانم در مورد بحثهای عدالت اجتماعی نیز به نکته‌ای اشاره کنم. بسیاری از تصمیمات اقتصادی ایجاد اجتماعی هم دارند، که متأسفانه کمتر توجهی به این ابعاد اجتماعی سیاستگذارها می‌شود. برای رفع این نقیصه، در لایحه تأمین اجتماعی پیش‌بینی شده است که وزارت رفاه و

در اینجا لازم می‌بینم به دلایل عدم موفقیت مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و هنرستانها اشاره کنم. اگر هزینه یک دبیرستان نظری و یک هنرستان با یکدیگر مقایسه شوند، می‌توان دید که هزینه‌های هنرستان چندین برابر هزینه‌های یک دبیرستان معمولی است. به همین خاطر

تأمین اجتماعی به وجود آید تا این وزارتخانه با عملکرد فزاینده ای که خواهد داشت بر ایجاد اجتماعی تصمیمات اقتصادی نظارت کند.

مسئله مهم دیگری که دولت در زمینه اشتغال زایی باید به آن توجه کند، توانها و استعدادهایی است که شهرهای مختلف در زمینه اشتغال زایی دارند و چه ساختی برای مدیران شهری آنها هم شناخته شده نباشد. متأسفانه این شرایط و پتانسیلها در برنامه‌های دولتی لحاظ نمی‌گردد. با سرمایه‌گذاری بر روی این توانها می‌توان به ایجاد رونق اقتصادی در شهرها و اشتغال پایدار شهری دست پیدا کرد. این مسئله‌ای است که بانک جهانی هم به آن اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد آمریکا که در اختیار شهرهای مختلف جهان سوم برای ساماندهی یافته‌های حاشیه‌ای و زیرساختهای شهری قرار می‌دهد، نه تنها باعث اصلاح وضعیت قبلی این شهرها می‌گردد بلکه رونق اقتصادی نیز در آنها ایجاد می‌کند و ساخت و سازهای شهری (و به تبع آن اشتغال شهری) را افزایش می‌دهد.

مفکر صرافلی: نکته پایانی صحبت خاتم در مورد بانک جهانی بسیار جالب است. بانک جهانی از دهه ۹۰ به بعد بر طبق سیاستی فرموله شده، بخش عمده‌ای از وامهای خود را به کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ کشورهای توسعه نیافته برای بازسازی زیرساختهای شهری اختصاص داد. تئوری بانک این بود که زیرساختهای شهری فاقد توجه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری از نظر بخش خصوصی اند و می‌بایست همچون کالای عمومی به وسیله دولتها تأمین گردند و از این رو سرمایه‌گذاریهای دولتی بر روی آنها نطمه‌ای به سیاست ملی خصوصی‌سازی نخواهد زد بلکه برعکس، در اثر این سرمایه‌گذاریها شهرها رونق اقتصادی خواهند یافت. این گونه سرمایه‌گذاریها همچنین بسیار اشتغال‌زاست. در عین حال نباید توجه داشت که این سرمایه‌گذاریهای دولتی باعث کاهش کارایی و بهره‌وری سرانه نشوند چرا که در رقابت جهانی نمی‌توان به فکر تقسیم شغلها یا کتونی بود بلکه باید به ایجاد رشته‌ها و شاخه‌های جدیدی از اشتغال اندیشید.

علی محقر: اگر اشتغال و برنامه‌ریزی اقتصادی به استانها واگذار گردد، ممکن است کیفیت کارها از لحاظ تصمیم‌گیریها و کارایی پایین بیاید. در مورد کار گروههایی که اشاره شد، در وزارت کشور یا همکاری استانداران و معاونین برنامه‌ریزی استانها برای اشتغال تشکیل شده است. به نکته‌ای اشاره می‌کنم و آن اینکه این کار گروهها محوری برنامه‌های دولت‌اند یعنی دولت در واقع تکلیف ساده ۵۶، تبصره ۴، منابع داخلی

خاصی به این سمت می‌برد که رو به فناوری کاربردی کاربرد. یکی از اینها کمبود سرمایه، و دیگر فرآیند نیروی کار است. وقتی سرمایه ما محدود است و بسیاری از شرایط جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی وجود ندارد، باید چنین تصمیم‌گیری کرده که منابع موجود مثلاً به ۱۰ طرح بزرگ پتروشیمی و نفتی اختصاص داده شود. منظور طرحهایی است که ممکن است در کوتاه مدت اشتغال بسیار کمی ایجاد کنند ولی در درازمدت در ایجاد اشتغال پایدار مؤثر باشند. یا اینکه می‌توان این منابع را بر طبق ساز و کاری همچون طرح تربیت اشتغال، با ۲۰۰ هزار شغل برای ایجاد اشتغال سریع و کوتاه‌مدت، صرف کرد. برای مشکل آموزش بیکاران و اینکه بخش خصوصی از آموزشهای فنی و حرفه‌ای استقبال نخواهد کرد، طرح خردی اشتغال اندیشیده شده است. که بر اساس آن افراد بیکار به مدت ۵ سال در کارگاه مشغول به کار می‌شوند. بدین ترتیب مشکل آموزش افراد بیکار که ممکن است بخش خصوصی حاضر به سرمایه‌گذاری بر روی آن نشود حل خواهد شد. بنابراین به دلیل کمبود سرمایه و وجود بیکاران زیاد آموزش ندیده در مقطع کنونی، در کوتاه‌مدت باید سیاستهای اشتغال کشور را به این سو هدایت کرد که از فناوری کاربر استفاده به عمل آید. برای مثال، می‌توان به دو کشور هندوچین - که هر دو در حال صنعتی شدنند، هر دو تجربه موفق در زمینه استفاده از تکنولوژی کاربر دارند - اشاره کرد.

بالاخره اینکه سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای به جای تصدی‌گری مستقیم آموزش بیکاران می‌تواند آموزش فنی و حرفه‌ای را از طریق مواردی مانند ماده ۵۶ به دیگر بخشها واگذار کند. می‌توان از مجموعه دستگاههای دولتی و شهرداریها در این زمینه کمک گرفت. مثلاً وزارت راه در زمان حاضر همین حرکت را آغاز کرده و با جذب کارآموز مشغول آموزش دهن به اینهاست.

علی نوذری‌پور: در این قسمت جلسه می‌خواهم به این موضوع بپردازم که چگونه شهرداریها طبق ظرفیتهای قانونی کنونی می‌توانند اشتغال‌زایی کنند؟ در این زمینه مقاله‌هایی را در سه مقاله یعنی، محل و نقل خصوصی و رسانه ذکر می‌کنم. یکی از مسائل جدی ساخت و سازهای شهری، مقوله ایمنی است که نظارتی از طرف شهرداریها و سازنده‌های آنها آتش نشانی بر روی آن صورت نمی‌گیرد - بجز در چند شهر آن هم به صورت خودجوش و عرضی، نه سازمان یافته و قانونی. اگر در این بخش با هدف ایجاد اشتغال و در ضمن ایجاد ایمنی بیشتر در ساخت و سازها و ارتقای شریک ایمنی و نظارتی در شهرهای بزرگ شرکتهای

در کشورهای توسعه یافته مالیات و عوارض را کلاً شهرداریها دریافت می‌کنند. آن گاه قسمتی را که جنبه محلی دارد خود برای اداره شهر بر می‌دارند و قسمتی را که جنبه ملی دارد در اختیار دولت قرار می‌دهند. یعنی دیگر چیزی به اسم وزارت اقتصاد و دارایی ندارند، بلکه خود شهرداریها به عنوان نمایندگان دولت به جمع‌آوری مالیات می‌پردازند، شهرداریها در کشور ما هم می‌توانند این نقش را بر عهده گیرند، به شرط اینکه تغییری در نظام مالیاتی و عوارض کشور به وجود آید

خدمات مشاوره فنی و ایمنی رافندازی کرده، آن گاه می‌توان در زمینه ایمنی و اشتغال زایی فعالیت‌های مفیدی را به انجام رساند. اگر شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت برای این منظور انتخاب شوند، تعداد واحدهای مسکونی آنها حدود ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار واحد است. می‌توان در این شهرها ۴۱۶ الی ۲۲۰ شرکت برای خدمات‌رسانی در زمینه ایمنی تأسیس کرد. به طور متوسطاً اگر هر شرکت ۶۰ نفر را در استخدام خود داشته باشد، می‌توان حدود ۳۱۶۰۰ شغل در این بخش ایجاد کرد. علاوه

بر آنکه با وجود اداره شده را مشخص می‌سازد و این نامه آنها را تصویب می‌کند و آنها را فقط برای اجراء به کار گروهها در سطح استانها واگذار می‌کند. کار گروهها فقط تجزیه این برنامه‌ها هستند. ضمن اینکه از منابع دانشگاهی و مشاوره فکری آنها هم می‌توانند برای اجرای این مصوبات استفاده کنند.

در مورد مقوله عدالت اجتماعی، تقسیم کار و فناوریهای کاربردی، در جواب به بحثهای خانم خاتم باید بگویم دو ضرورت ما در مقاطع زمانی

براین، در بخش آبمی حدود ۳۲۰۰ شغل در زمینه حریق می‌تواند ایجاد گردد. در بخش حمل و نقل عمومی اگر سه بخش تاکسیرانی، اتوبوسرانی و مینی‌بوسرانی از یکدیگر متفک گردند، در هر کدام از این بخشها می‌توان به طور جداگانه اشتغال‌زایی کرد. بر طبق شاخصهای برنامه سوم توسعه کشور باید سالیانه ۳۰ هزار تاکسی به سیستم حمل و نقل عمومی کشور تزریق شود که این تعداد تاکسی منجر به تولید حداقل ۲۰ هزار شغل جدید در مسال می‌شود. در بخش اتوبوسرانی، با قرار دادهایی که با شرکتهای خودروسازی منعقد شده است، امسال ۳۱۰۰ دستگاه اتوبوس وارد سیستم حمل و نقل عمومی شهرها می‌شود. اگر در نظر بگیریم که هر اتوبوس به طور متوسط ۲۵ نفر را شاغل می‌کند (۲ نفر برای رانندگی در ۲ شیفت کاری و ۵ نفر برای تعمیرات و نگهداری)، در مجموع ۷۶۵۰ شغل از این طریق ایجاد می‌گردد. اگر سیستم حمل و نقل عمومی شهرهای بین ۱۰ تا ۱۰۰ هزار نفر زیر پوشش مینی‌بوسرانی قرار گیرد، این شهرها در زمان حاضر ۳۲۰۰ دستگاه مینی‌بوس فعال دارند و ۱۰ درصد از کل جابجاییهای شهری در آنها از طریق مینی‌بوس صورت می‌گیرد. حال اگر

برای حل مشکل اشتغال در وضع کنونی به مسکنی در کوتاه مدت نیاز است. یعنی وضعیت اشتغال و بیکاری در جامعه طوری است که اگر به بخشهایی که می‌توانند در کوتاه مدت مشکل اشتغال را حل کنند توجه نشود، مشکلات جدی رخ می‌نمایند که سبب می‌شوند نتوان در جامعه سرمایه‌گذار بیهای پایدار و دراز مدت انجام داد. نتیجه این می‌شود که در کنار توجه به سرمایه‌گذار بیهای بلندمدت و ایجاد اشتغالات پایدار از طریق سرمایه‌گذار بیهای زیربنایی و صنعتی، باید توجه بیشتری به بخش خدمات برای اشتغال‌زایی کرد

این میزان به ۲۵ درصد برسد به ۷۸۱۸ مینی‌بوس نیاز است. با توجه به اینکه ۳۲۰۰ مینی‌بوس قبلاً در این شهرها وجود دارد، ۴۶۱۸ مینی‌بوس دیگر باید خریداری شود. اگر برای خدمات‌رسانی به هر مینی‌بوس حداقل ۲ نفر در نظر گرفته شود، حدود ۹ هزار نفر نیز از این طریق شاغل می‌شوند.

در بخش زباله هم می‌توان اشتغال‌زایی کرد. ۵ درصد از زباله تولید شده در شهرها پلاستیک و حدود ۸/۷ درصد کاغذ است. اگر تفکیک زباله دیگری شود، علاوه بر متاع زیست‌محیطی و اقتصادی، می‌توان فرصت‌های بیشتری ایجاد کرد. اگر برای تفکیک زباله مشخصاً شهرهای بالای صد هزار نفر را در نظر بگیریم، با توجه به سرانه تولید زباله در شهرها که حدود ۸/۸ کیلوگرم به ازای هر نفر است، زباله تولیدی این شهرها ۲۲۲۱۲ تن در روز می‌شود که ۱۱۰۹ تن آن پلاستیک است. اگر ظرفیت هر کارخانه بازسازی پلاستیک ۱ تن در روز محاسبه شود، در این بخش می‌توان ۱۱۰۹ کارخانه بازسازی با ده نفر پرسنل برای هر کدام، یا در مجموع با ۱۱۰۹۰ نفر، ایجاد کرد. روزانه حدود ۱۹۲۰ تن زباله کاغذ و مقوا در شهرها تولید می‌شود که اگر میزان بازسازی کاغذ را ۱/۲ تن در روز محاسبه کنیم حدود ۱۶۰۸ کارخانه به شکل کارگاه کوچک بازسازی کاغذ

در این بخش نیاز داریم. حال اگر هر کارگاه زباله به ۱۵ نفر پرسنل داشته باشد، ۲۴۱۲۰ شغل در بخش بازسازی کاغذ تولید می‌شود.

در زمینه جمع‌آوری و تفکیک زباله اگر برای شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر قرار باشد شرکتهای تفکیک و بازیافت راه‌اندازی گردد، به ۳۷۱۶ نفر نیز در این بخش نیاز است. ضمناً این بخش به ۵۵۵ دستگاه خودرو برای جمع‌آوری زباله نیاز دارد که تولید آنها برای بخش صنعت اشتغال‌زاست. خلاصه اینکه، در بخش زباله ۳۹۹۲۲ نفر را می‌توان مشغول به کار کرد.

این سه مقوله بخشی از مدیریت شهری است که در آن می‌توان اشتغال‌زایی کرد. بدون اینکه فشاری اضافی به دولت وارد آید، به دیگر بخشهای مدیریت شهری - از جمله ساخت و ساز - هم اگر به چشم اشتغال‌زایی نگاه شود، می‌توان شغلزایی زیادی ایجاد کرد.

حسینعلی وکیل علی‌آبادی: در اعمال سیاست دولت در سطح شهرستانها مسأله‌های شهرداریها و شوراهای شهر نقش دارند و تصمیم‌گیرها از بالا انجام می‌گیرند پس نباید توقع داشت که این سیاستها موفقیت‌آمیز باشند. از جمله در بحث اشتغال اگر تفکرات دولتمردان تغییر پیدا کند و ایشان به تصمیم‌گیری محلی و تصمیمات مردم و مدیران محلی معتقد گردند، مطمئناً سیاستگذارها موفق‌تر خواهد بود. ولی مسأله‌های اکنون خلاف این موضوع به چشم می‌خورد. این عدم واگذاری تصمیم‌گیرها به مدیران محلی باعث می‌شود که انگیزه و رغبت بین مدیران محلی شهرها برای جذب سرمایه و امکانات برای ایجاد رونق اقتصادی در شهرها از بین برود. در هر شهر هنگامی که تصمیمات را کسی دیگر می‌گیرد آن گاه مدیران محلی تلاش برای ایجاد رونق اقتصادی در شهر خود انجام نمی‌دهند. مثلاً در کاشان اگر دولت سرمایه‌گذاری لازم را در امور گردشگری انجام دهد، از طریق بازسازی زیرساختهای گردشگری می‌توان کاری کرد که هر سال برآمدی به میزان چندین برابر مقدار سرمایه‌گذاری اولیه وارد کشور شود. در باوه مقوله آموزش اشتغال در کاشان جلسهای بود در مورد اینکه در این زمینه چه کاری می‌توان انجام داد. در آن جلسه همین نتیجه‌ای که دکتر محقر هم اشاره کردند به دست آمد یعنی اینکه بهتر است دانش‌آموزان و دانشجویان در طول تعطیلات تابستان در ادارات، کارگاهها و دیگر جاها به کار گرفته شوند تا هم آموزش کار دیده باشند و هم اینکه فرصت فراغت آنها پر شده باشد. منتهی دولت باید از این کار حمایت کند و سازوکارهای لازم را در این زمینه (مانند بیمه دانش‌آموزان در مقابل حوادث ناشی از کار) فراهم آورد. به عنوان نمونه، امسال فرزندان کلوگان شهرسازی در قسمتهای مختلف شهرسازی به کار گرفته شدند. درست است که امکانات آموزش فنی و حرفه‌ای ما ضعیف است؛ اما اگر میزان توقع خود را پایین آوریم و توقع آموزشهای پیچیده نداشته باشیم، آن گاه از طریق کارگاههای محلی می‌توان به افراد بیکار آموزش داد. البته مراکز فنی و حرفه‌ای باید از این افراد آموزش دیده امتحان بگیرند و تنها برای آن کسی که واقعاً کار یاد گرفته است کارت فعالیت صادر کنند. در کاشان برای مشاوره‌سازی ساخت وسازها از معماران تجرب‌دوست درخواست شد که مشکل ایجاد کند. سپس هنگامی که این مشکل برپا شد بستر و زمینه آموزش برای آنها فراهم گردید تا هر کسی که تمایل شده برایش کارت فعالیت صادر شود پس از این مراحل است که مدیران شهری می‌توانند به شهروندان بگویند برای فعالیت باید به چه کسانی مراجعه کنند.

در جواب سؤال دکتر حیرانی در مورد اینکه اگر صنعت در کاشان مستقر شد از کجا معلوم که از نیروی کار بومی استفاده کند، می‌توانم بگویم که از این نظر خیال مآراحت است، چون آن قدر نیروی تحصیلکرده و دانشگاهی در شهر داریم که بتوان از آنها در صنعت استفاده کرد.

عملکرد شهرکهای صنعتی و اهمیت مکان‌یابی آنها



کیوان شیرینی

کارشناس ارشد شهرسازی

توجه به مسئله
شهرک‌های صنعتی با در نظر گرفتن نیاز روبه‌تزايد جامعه برای اشتغال‌زایی در سطح کشور، امری ضروری به نظر می‌رسد.

تولید شهرک‌های صنعتی
به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز ایجاد اشتغال، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، برخورد‌های متناسبی را برای هر چه کارآمدتر کردن آنها می‌طلبد.

در این میان نحوه مکان‌یابی این شهرک‌ها از مهم‌ترین مقولاتی است که باید به آن توجه ویژه‌ای شود. از جمله مهم‌ترین عواملی که در مکان‌یابی صحیح یک شهرک صنعتی مطرح است، توجه به خصوصیات و پتانسیل‌های اشتغال‌یاب شهر، ملاحظات سیاسی موجود، مسائل اکولوژیکی و پایداری محیطی، پراکنش جمعیتی و مانند اینهاست.

نگارنده در این مقاله سعی کرده است با ارائه دسته‌بندی کامل و شفاف از انواع شهرک‌های صنعتی، به موضوع نحوه مکان‌یابی صحیح این شهرک‌ها بپردازد. به هر حال با در نظر گرفتن شرایط لازم، می‌توان در نحوه توزیع منطقی امکانات در سطوح ملی و محلی گامی به جلو برداشت.

مقدمه

شهرک صنعتی نوعی از توسعه و تجمع صنعتی محسوب می‌گردد. توسعه‌ها و تجمعات صنعتی براساس عملکرد، نوع و میزان تأمین تسهیلات زیربنایی، خدمات رفاهی و نظایر اینها، انواع و اشکال متفاوتی دارند. تعاریف متعددی نیز برای شهرک صنعتی ارائه شده است طبق تعریف سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد (Unido)، «شهرک صنعتی زمینی است دارای محدوده و مساحت معین که طبق ضوابط و مقررات مکان‌یابی صنعتی و براساس راهبردهای توسعه شهرک‌های صنعتی هر کشور انتخاب می‌شود. تأسیسات زیربنایی و فعالیتهای خدماتی مورد نیاز بنا توجه به نوع فعالیت صنعتی در آن ایجاد می‌شود که در جریان آماده شدن زمین شهرک - یا پس از آن - به متقاضیان ایجاد واحدهای صنعتی واگذار می‌گردد» (۱).

انواع شهرک‌های صنعتی براساس عملکرد آنها

طبقه‌بندی‌های مختلفی برای شهرک‌های صنعتی وجود دارد اما بسیاری از کشورها، شهرک‌های صنعتی را براساس عملکردی که دارند طبقه‌بندی کرده‌اند که انواع مختلف زیر را در برمی‌گیرد:

۱- **شهرک صنعتی تحقیقاتی:** این شهرک‌ها که در اکثر موارد در کنار دانشگاه‌ها ایجاد می‌شوند، فعالیتهای تحقیقات و توسعه صنعتی و برنامه‌های تحقیقاتی صنایع گوناگون را در خود جای می‌دهند. در این شهرک‌ها، واحدهای صنعتی و تولیدی اجازه فعالیت ندارند و در آنها به تولید انبوه پرداخته نمی‌شود (۲).

۲- **شهرک صنعتی جانبی:** در این نوع شهرک‌ها واحدهای تولیدی کوچک به منظور تأمین اجزا و قطعات مورد نیاز یک یا چند واحد صنعتی بزرگ مستقر شده‌اند که به خاطر تسهیل نظارت فنی و حمل و نقل ارزان، این شهرک‌ها عموماً در کنار واحدهای صنعتی بزرگ قرار می‌گیرند.

۳- **شهرک صنعتی پرورشگاهی:** شهرکی است که واحدهای صنعتی نوزاد و نوپار در خود جای می‌دهد و محیطی برای بقای این گونه صنایع نوپا در مراحل اولیه رشد آنها فراهم می‌آورد تا در مراحل انتقالی رشد از مرحله‌های به مرحله دیگر نیازمندیهایی قضایی خود را به دست آورند (۳).

۴- **شهرک صنعتی تک رشته‌ای:** شهرکی است که در آن صنایع با فعالیت یا فعالیتهای یکسان و مشابه، مستقر هستند. این

گونه شهرک‌ها امتیازاتی از قبیل همکاری در زمینه فنی و آموزش حرفه‌ای، تهیه و خرید گروهی و دسته‌جمعی مواد خام و اولیه مورد نیاز صنایع مستقر در شهرک و همکاری برای ایجاد سیستمی به منظور عرضه تولیدات و فروش آنها را در خود دارند (۴).

۵- **شهرک صنعتی عملکردی یا زنجیره‌ای:** در این گونه شهرک‌ها فعالیت صنایع موجود، با یک صنعت خاص مرتبط است به طوری که هر کدام از واحدهای کوچک تولیدی وظایف و کارکردهای خاص و بخشی از آن صنعت خاص را براساس تقسیم کار بین آنها انجام می‌دهد (۵).

۶- **شهرک صنعتی ترکیبی یا چند منظوره:** شهرک‌هایی با صنایع متنوع و فعالیت‌های گوناگون است که از جنبه عملکردی ارتباط مستقیمی با یکدیگر ندارند. این شهرک‌ها رایج‌ترین نوع شهرک‌ها به شمار می‌آیند (۶).

اهمیت مکان‌یابی شهرک‌های صنعتی

اهمیت این مکان‌یابی را از دو دیدگاه می‌توان بررسی کرد: یکی از نظر دولت، و دیگری از دید کارفرمای اقتصادی.

الف - اهمیت مکان‌یابی شهرک‌های صنعتی از نظر دولت

از دید دولت، مکان‌یابی از جهت ملاحظات سیاسی، مسائل زیست محیطی، توزیع و پراکنش منطقی جمعیت، توزیع منطقه‌ای فعالیتهای اقتصادی، توسعه صنعتی و اقتصادی و عدالت اجتماعی حائز اهمیت است (در زیر برای هر یک توضیح ارائه می‌شود).

- ملاحظات سیاسی

ظرفیت‌ها و ویژگی‌های اساسی هر منطقه، در مکان‌یابی و استقرار فعالیت‌های اقتصادی - به ویژه صنعتی - و جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و تسهیلات دولتی مؤثر است. توجه به توازن مسئله‌دار در مکان‌یابی، یکی از مسائلی است که بخش دولتی به آن توجه خاصی نشان می‌دهد.

- مسائل زیست محیطی

مسائل زیست محیطی از مهم‌ترین و اولین عواملی است که باید در زمینه مکان‌یابی شهرک‌های صنعتی - و هر گونه فعالیت دیگر - مورد توجه قرار گیرد. در هر پروژه صنعتی فشارهایی بر محیط وارد خواهد شد و متقابلاً محدودیتهای محیطی تأثیراتی بر پروژه خواهند گذاشت. بنابراین آگاهی داشتن از مشکلات



سطوح محدود و بسنه‌های اسیر شده است؛ در حالی که با هدایت صحیح سرمایه‌های دولتی برای ارائه خدمات زیربنایی و استقرار امکانات دولتی با ایجاد شهرکهای صنعتی در مکان بهینه می‌توان به عنوان علامت دهنده اقتصادی مطلوب و رونق بخشی در منطقه وارد عمل شد.

محیطی و عوامل مختلف و علل به وجود آمدن آن دارای اهمیت بسیار است. در مکان‌هایی شهرکهای صنعتی، این کار با مطالعه بوم‌شناختی ناحیه از طریق جنبه‌های کالبدی مختلفی چون طبیعت، منظر، فضا و منابع طبیعی همچون خاک، آب، پوشش گیاهی و حیات وحش انجام می‌شود؛ تا با استفاده از تحلیل

عدم توزیع منطقی امکانات در سطوح ملی و محلی و بین مناطق مختلف کشور باعث جابجایی گروهی جمعیت در داخل کشور از روستاها و شهرهای فقیر به شهرهای بهره‌مند از امکانات شده است

ظرفیتهای و ویژگیهای سیاسی هر منطقه، در مکان‌یابی و استقرار فعالیتهای اقتصادی - بهره‌بردار صنعتی - و جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و تسهیلات دولتی مؤثر است

- توسعه اقتصادی منطقه

در بسیاری از کشورهای جهان سیاستهای هدایت کننده رشد یا مضمون توسعه، به مکانهای مشخص و خاصی به منظور دستیابی به هدفهای وسیع تر ملی یا منطقه‌ای توجیه می‌شود. مکانهای مورد نظر در اشکال مختلف به صورت قطبها، مراکز، توأجی، محورها و یا نظامهای توسعه‌ای نامگذاری شده‌اند (۱۰). به طور کلی، نظریه رشد ناموزون در شکل منطقه‌ای آن و نظریه قطبهای رشد، نشان دهنده اهمیت موضوع مکان در ملاحظات توسعه منطقه‌ای است که البته به طور ضمنی هدایت‌گری و برنامه‌ریزی دولت را به عنوان اصلی‌ترین متولی این امر در انتخاب مناطق و مکانهای مورد نظر تجویز می‌کند.

- عدالت اجتماعی

امروزه اغلب نظریه پردازان توسعه بر این باورند که کاهش هر گونه نابرابری اجتماعی بین افراد جامعه و بین طبقات اجتماعی آن، و یا بین مناطق مختلف کشور، باید به عنوان هدفی ملی تلقی شود، و تیل به آن نیز بدون مداخله منطقی و عقلایی دولت و صرفاً به وسیله نیروهای بازار امکان‌پذیر نیست. دولت می‌تواند با مکان‌یابی شهرکهای صنعتی در مناطق مختلف کشور و با فراهم کردن محیطی امن برای سرمایه‌گذاری، باعث جذب سرمایه در مناطق گوناگون و رونق بیشتر این مناطق شود و در نتیجه در جهت برقراری عدالت اجتماعی و برداشتن شکافهای ایجاد شده و نابرابری بین مناطق مختلف گام بردارد.

ب - اهمیت مکان‌یابی شهرکهای صنعتی از نظر کارفرمای اقتصادی

این موضوع را از دو بعد می‌توان مورد بررسی قرار داد: اول

مناسیتهای محیطی، از یک سو جست‌وجو برای مکان مناسب در فضائیت یا هر تجمعی از فعالیتها در سطوح جغرافیایی، و از سوی دیگر حفاظت از محیط و تعادل و تنوع بوم‌شناختی ناحیه مورد نظر تحقق یابد (۷).

- توزیع و پراکنش منطقه‌ای جمعیت

عدم توزیع منطقی امکانات در سطوح ملی و محلی و بین مناطق مختلف کشور باعث جابجایی گروهی جمعیت در داخل کشور از استانهای فقیر به سوی استانهای مرفه و در داخل استانها نیز از روستاها و شهرهای فقیر به شهرهای بهره‌مند از امکانات شده است (۸). این مسئله باعث رشد ناهنجار شهرهایی مانند تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، اراک و خراسان گردیده است. با ادامه این روند، آلودگی و تکاملهای تخلیه شده از یک طرف و سکونتگاههای جمعیتی تشکیل یا تشدید شده از طرف دیگر، ایجاد نگران کننده‌ای خواهد یافت. مکان‌یابی شهرکهای صنعتی و تخصیص امکانات و تسهیلات دولتی برای ایجاد آن با هدف بهره‌مندی بیشتر جمعیت در مناطق مختلف، چه برای جبران عدم توازنها و چه برای برنامه‌ریزیهای کوتاه مدت و میان مدت و بلندمدت جابجایی جمعیتی در عرصه ملی و منطقه‌ای، ضروری است (۹).

- توزیع منطقه‌ای فعالیتهای اقتصادی

استعدادها و ظرفیتهای بالقوه بسیاری از مناطق، بنابه علل مختلف و از جمله تخصیص غلط سرمایه‌گذار برای عمومی برای استقرار امکانات دولتی، مورد بهره‌برداری قرار نگرفته و بالفعل نگردیده است. فعالیتهای اقتصادی شکل گرفته در این مناطق نیز به صورت عقب مانده و متفک از چرخه نظام اقتصادی کشور، در

برای هر کارفرمای اقتصادی به شمار می آید (۱۱).
نتیجه گیری

فراهم ساختن امکانات و تسهیلات زیربنایی در مکانی دارای شرایط همیشه نسبت به سایر مکانها، به منظور ایجاد شهرکهای صنعتی، باعث ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی در آن مکان می گردد. ارزیابی و مطالعه مکانهای مختلف و با استفاده از روشهای گوناگون به منظور یافتن مکان مناسب برای تخصیص این امکانات و تسهیلات ضروری است. اما پیش از پرداختن به امر مکان یابی شهرک صنعتی (گرچه شهرکهای صنعتی ترکیبی یا چند منظوره از رایج ترین نوع شهرکها هستند) ابتدا باید نوع شهرک صنعتی براساس عملکرد آن یا توجه به قابلیتها و توانهای منطقه و براساس منابع تولید و در جهت ساستهای آمایشی در سطح ملی و منطقه ای مشخص گردد.

استعدادها و ظرفیتهای بالقوه بسیاری از مناطق، بنابه علل مختلف و از جمله تخصیص غلط سرمایه گذاریهای عمومی برای استقرار امکانات دولتی، مورد بهره برداری قرار نگرفته و بالفعل نگر دیده است

دولت می تواند با مکان یابی شهرکهای صنعتی و با فراهم کردن محیطی امن برای سرمایه گذاری، باعث جذب سرمایه در مناطق گوناگون و رونق بیشتر این مناطق شود، و در نتیجه در جهت برقراری عدالت اجتماعی و برداشتن شکافهای ایجاد شده و نابرابری بین مناطق مختلف، گام بردارد

بخش خصوصی تمایل دارد واحدهای صنعتی و تولیدی خود را در نواحی و مکان هایی مستقر سازد که بتواند به هدف خود مبنی بر پیشینه کردن سود ناخالصی در آن در حالی است که بخش دولتی یا تکیه بیشتر بر موضوعات خاص سیاسی و اجتماعی و در جهت از میان برداشتن نابرابریهای منطقه ای و ایجاد تعادل بین مناطق مختلف و توسعه همه جانبه و متوازن در سطح کشور گام برمی دارد و بر همین اساس اقدام به مکان یابی تأسیسات گوناگون می کند. همچنین در نظر داشتن تعادلات اصلی این دو بخش و توجه کمتر به تأثیرات متقابل عوامل زیست محیطی و شهرکهای صنعتی بر یکدیگر، که باید به عنوان یکی از مهم ترین دغدغههای بخش دولتی مطرح باشند، یا باعث برهم خوردن نظم و تعادل زیست محیطی و آثار سوء حاصل از جای گیری صنایع در آن منطقه خواهند شد و یا آثار مخرب و محدود کننده ای را برای صنایع به دنبال خواهند داشت. به هر حال مسلماً عوامل بسیاری در امر مکان یابی شهرکهای صنعتی دخیل هستند که باید مدنظر قرار گیرند. این مسئله نشان دهنده اهمیت موضوع مکان یابی شهرکهای صنعتی است.

اینکه دولت در مکان یابی امکانات تحت اختیار خودش، مانند عقلایی بودن تصمیمات بخش خصوصی در اقتصاد، ملاحظات «هزینه - فایده» اقتصادی را مدنظر قرار دهد. به عبارت دیگر، دولت به عنوان کارفرمای اقتصادی با مقیاس بزرگتر و گسترده تر، دست به گزینش مکانهای مورد نظر برای استقرار امکانات و تأسیسات خود بزند. به طوری که مکانهای برگزیده بیشترین سود را عاید دولت کند. دوم اینکه دولت نحوه توزیع مکانی امکانات خود را چنان ساماندهی کند که برآیند تحلیل «هزینه - فایده» برای بخش خصوصی بهره مند از آن امکانات دولتی، اقتصادی و سودآور باشد. به عبارت دیگر، دولت باید در مکان یابی امکانات تحت اختیار خود به فکر سودآوری کارفرمایان بخش خصوصی باشد و سعی در پیشینه کردن آن داشته باشد. چنین فرایند مکان یابی که خود نوعی پیشینه یابی است، می تواند در



چهار قالب زیر دیده شود:

- ۱- صرفه جوییهای ممکن در کمترین زمان دسترسی به امکانات دولتی برای مراجعان.
- ۲- پیشینه کردن یوفض منطقه ای چتر خدماتی امکانات دولتی که در محل یا گزینند.
- ۳- ارائه بیشترین خدمات با توجه به عوامل محدود کننده و مرزانی که بر سوره استقرار امکانات دولتی وجود دارد.
- ۴- بیشترین اندازه کاهش هزینه های مراجعان برای دستیابی به امکانات دولتی مستقر.
- ۵- تصمیم گیری در خصوص مکان مناسب، از دیدگاه کارفرمایان اقتصادی، مستلزم تصمیم گیری در موارد زیر است:

الف - نوع محصول

ب - مقیاس تولید (تصمیم در مورد میزان تولید و قیمت فروش)

ج - شیوه تولید (ترکیب مناسب داده ها).

بنابراین هر کارفرمای اقتصادی علاوه بر در نظر داشتن مسائلی مانند اینکه «چه چیزی تولید کند»، «چقدر تولید کند» و «چگونه تولید کند»، مجبور است به مسائل دیگر چون اینکه «کیجا تولید کند» نیز بیندیشد. به عبارت دیگر، مکان یابی از مسائل عمده

- منبع یا خند
- ۱- باروقی، علی. فریاد نریزایی اثرات توسعه شهرکهای صنعتی بر شهرهای بزرگ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
 - ۲- انور احمدی، فرهنگشماره های گوناگون، مجله آب و هوا، ۲۶ و ۲۷.
 - ۳- شریفی، محمود. چهار مقاله در زمینه مکان یابی صنایع، سازمان برنامه و بودجه استان تهران، ۱۳۶۴، صص ۴۲.
 - ۴- پوروشین، ص ۷.
 - ۵- پوروشین، صص ۲۱.
 - ۶- باروقی، علی. فریاد نریزایی، ص ۵.
 - ۷- دانشکده معماری و شهرسازی، دانشکده شهید بهشتی، ۱۳۷۸.
 - ۸- آزادی، بهنام. چهار مقاله در زمینه مکان یابی صنایع، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علامه طباطبائی، ۱۳۷۴.
 - ۹- نوری، حمدا. تعیین مکان مناسب جهت تخصیص امکانات و تسهیلات دولتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
 - ۱۰- آزادی، بهنام. همان، صص ۳۳.
 - ۱۱- نوری، حمدا. همان، صص ۵.
- تکمیل منبع
- مشهوری، کیوان. راه کارگیری معیارهای مکان یابی شهرکهای صنعتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشکده شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

جنبانی ناپذیر جهانی شدن وجود دارد که فضای موجود را متحول می‌سازد. جهانی شدن اقتصادها، و جهانی شدن اطلاعات، هر دوی این روندها نه تنها اقتصاد کشورهای آسیا و اقیانوسیه را به طور اساسی متحول می‌سازند بلکه محیطها، فرهنگها و جوامع شان را نیز تغییر می‌دهند. بیشترین تأثیر این فرآیند بر روی فقرای شهری است و فاصله آنها را بیش از پیش یا قشر متوسل زیاد می‌کند و قشری که فقرا سرمایه ندارند و اغلب از دسترسی به اطلاعات ناتوانند، بیش از پیش به حاشیه رانده می‌شوند. جهانی شدن اقتصادها، کشورهای در حال توسعه را برای بازسازی اقتصادشان مجبور به رقابت در بازار جهانی خواهد کرد. این رقابت با کوچک کردن دولت و کاستن یا حذف کمکهای مالی، و به وسیله خصوصی سازی شرکتها و تشکیلات اقتصادی دولتی صورت می‌پذیرد. وقتی که بودجه دولت خصوصاً در زمینه‌های آموزش و بهداشت قطع می‌شود، سطح خدمات قابل دسترسی برای برخی از فقرا کاهش می‌یابد البته معمولاً حذف کمکهای مالی تأثیر منفی بر اکثر فقرا خواهد گذاشت، چرا که اغلب آنها از همان ابتدا به این کمکها دسترسی نداشته‌اند. آنچه شاید به طور غیرمستقیم تأثیر منفی بر فقرا بگذارد، موج بیکاران است که توأم با کوچک شدن دولت و خصوصی سازی شرکتها و تشکیلات اقتصادی به وجود

جنبه مثبت جهانی شدن اطلاعات در فراهم آوری امکان دسترسی به اطلاعات و مبادله تجربیات متبلور می‌شود. این امر می‌تواند مشارکتها را نه تنها در میان یک کشور خاص، بلکه به شکل بین‌المللی، پایهریزی کند. اگر چه سازمانهای غیردولتی به میزان زیادی به وسیله جهانی شدن اطلاعات قدرتمند شده‌اند، اما این امر برای بیشتر سازمانهای مربوطه به فقرا صدق نمی‌کند.

جهانی شدن اطلاعات منجر به عرضه بیشتر برای مصرف کنندگان می‌شود و در نتیجه توقعات بالاتری را در میان جمعیت شهری ایجاد می‌کند همگامی با شرایط جدید برای اکثر فقرا میسر نیست. هنگامی که توقعات جدید ناگام می‌ماند، زمینه‌های ایجاد خشونت اجتماعی و نژادی و مذهبی تقویت می‌شود.

اگر روند موجود در کشورهای در حال توسعه ناحیه آسیا و اقیانوسیه ادامه پیدا کند، آنهایی که به سرمایه و اطلاعات دسترسی دارند و می‌توانند آن اطلاعات را در جهت منفعت اقتصادی و اجتماعی خود به کار برند، بیشترین سود را خواهند برد. این در حالی است که اکثریت نیروی کار که سواد الکترونیکی هم ندارند به حاشیه رانده می‌شوند. بنابراین شکاف اطلاعاتی میان ثروتمندان و فقرا به طور چشمگیری افزایش پیدا خواهد کرد.

۶- پیش به سوی کاهش فقر شهری

در اتخاذ خط‌مشی‌ها و استراتژیها به منظور کاهش فقر شهری، باید ابتدا به اجزای تشکیل دهنده - یعنی فقر مالی، فقر دسترسی و فقر قدرت - توجه شود. بخشهای بعدی این مقاله به بحث درباره برخی از استراتژیها برای رسیدن به این هدف می‌پردازد.

۶/۱- کاهش فقر مالی

روند جهانی شدن اقتصاد و اطلاعات، بازگشت پذیر نیست. جهانی شدن فاصله میان ثروتمندان و فقرا را تشدید می‌کند. مگر اینکه مداخله‌های خاصی به وسیله سازمانهای اجتماعی و شهری و دولتی صورت بگیرد. کمکها شامل حمایت کردن از اقتصاد فقرا در سطوح اقتصاد رسمی شهری، کنسرسی و جهانی می‌شود. آماده ساختن زیرساختهای ضروری و افزایش تعداد پاسوآدان و گسترش سواد الکترونیکی، به وسعت زمینه برای اقتصاد مبتنی بر آگاهی و دانش کمک می‌کند.

۶/۲- کاهش فقر دسترسی

تجربه در منطقه نشان داده است که فقرا سرمایه بسیار زیادی را برای مسکن و زیربنای سکونتشان سرمایه‌گذاری می‌کنند. البته برخی از دولت‌ها قوانینی وضع کرده‌اند که از طریق آنها به سرمایه‌گذارانی که فقرا برای خانه و محل سکونتشان انجام می‌دهند کمک می‌شود.

۶/۳- کاهش فقر قدرت

۶/۳/۱- حمایت از ساز و کارهای به هم پیوسته

تجربه نشان داده است که هر گاه فقرا سازمان داده شده و متحد گردیدند و در تصرف مهارت‌های مدیریتی و قشری نیز شرایط خود را توسعه بخشیدند، و چرخه فقر را در هم شکستند، آنها با گروه‌هایی نیرومندتر مخالفت کرده‌اند و توانست‌اند بر تصمیم‌گیری تأثیر بگذارند؛ همچنین مشارکت متساوی با دولت‌ها و دیگر اقشار را در جامعه به وجود آوردند. برخی از سازمانهای غیردولتی تلاشهای ارزشمندی را برای تسریع در انتقالهای فقرا در مشکل مسکنهای محله‌های کثیف و غیرمعمور، انجام داده‌اند. این انتقالها مولفینهای معاملات فقرا را تقویت کرده و به آنها در



می‌آیند. گرچه این فرآیند در دراز مدت احتمالاً سودآوری بیشتری خواهد داشت، اما تجربه نشان داده است که در کوتاه مدت برای کنارگشتن دارای مهارت اندک و حقوق ناچیز مشکلائی به بار می‌آورد.

همزمان با روند جهانی شدن اقتصاد، جریان دیگری به سوی جهانی شدن اطلاعات وجود دارد. این فرآیند به طور اساسی بر اقتصادها، اجتماعات و فرهنگهای منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد. تجارت الکترونیکی و ارتباط دوربرد سریع‌ترین بخشهای رشد در اقتصاد جهان به شمار می‌آیند. شرکت‌های بزرگ به سرعت خودشان را برای رقابت در اقتصاد جهانی بر پایه دانش و آگاهی آماده می‌کنند، و این امر خود به نیروی کار تحصیلکرده و ماهر نیاز دارد.

ایجاد مشارکتهای سودمندی رسانده است.

۶/۳/۲- افزایش دسترس به اطلاعات

یکی از اجزای اصلی تشکیل دهنده ایجاد قدرت و دارایی، دسترسی به اطلاعات و آگاه و توانایی استفاده از اطلاعات برای منفعت اقتصادی و اجتماعی است.

جریان آزاد اطلاعات همچنین بر شفافیت در تصمیم گیری نیز مؤثر است. برخی دولتها در منطقه هم اکنون نیاز به گزارشهای عمومی قبل از اجرای پروژههای زیربنایی بزرگ دارند حتی در جایی که این چنین گزارش عمومی بی طرف است. فقرا اغلب برای شرکت یا تأثیر گذاری در تصمیم گیری ناتوانند. آنها منابع انسانی و مالی برای تغییر اطلاعات آماده شده ندارند. برخی سازمانهای

مطالعات چندین شهر آسیا و اقیانوسیه نشان داده است که فقرا برای دسترسی غیر رسمی به کالاها و خدمات عمومی، دو تا پنج برابر بیشتر از گروههای با درآمد بالاتر می پردازند

آنچه شاید به طور غیر مستقیم تأثیر منفی بر فقرا بگذارد، موج بیکاران است که توأم با کوچک شدن دولت و خصوصی سازی شرکتها و تشکیلات اقتصادی به وجود می آید. گرچه این فرآیند در دراز مدت احتمالاً سودآوری بیشتری خواهد داشت، اما تجربه نشان داده است که در کوتاه مدت برای کارکنان دارای مهارت اندک و حقوق ناچیز مشکلاتی به بار می آورد

غیر دولتی و مؤسسات آکادمیک در حال تلاش برای پر کردن این فاصله هستند.

۷- ظرفیت سازی

در حالی که بشرقت در کاهش فقر شهری در اکثر کشورهای منطقه به میزان در خور توجهی انجام شده است، اکثر تلاشها مقطعی و کوچک بوده اند. تلاشهای حمایتی برای کاهش فقر شهری به ساخت ظرفیت اساس (مخصوصاً در بخش عمومی یا دولتی) نیاز دارد این به ویژه در میان سازمانهای خود فقرا و در میان سازمانهای اجتماعی شهری که برای قدرتمند کردن فقرا عمل می کنند، نمود بیشتری دارد. بنای ظرفیت آن گونه که در اینجا تعریف شده است، به طور کلی دو جنبه دارد: تغییرات سازمانی و توسعه منابع انسانی.

۷/۱- تغییر سازمانی

دگرگونیهای سازمانی و تدوین چارچوب مالی و سازمانی به ایجاد محیطی تازه نیاز دارد که در آن محیط فقرا بتوانند مشکلات خود را بیان کنند و بخشی از جامعه محسوب شوند. این امر شامل حذف سوانمی است که دسترسی آنها را برای تهیه پول، مسکن، سازمان، آموزش و خدمات شهری دیگر مخلود می سازد. همچنین در بردارنده تشویق کردن آنها برای سازمان دادن خود و کسب مهارتها و اطلاعاتی برای قادر شدن به مشارکت مساوی با سایر اقشار در جامعه است. نقش دولت نیازمند تغییر تأمین کنندگان

کالاها و خدمات برای بازارهای قدرتمند است.

علاوه بر این، مؤسسات دولتی در صورتی که فقرا قادر به تأثیر گذاری و تصمیم گیری باشند، می توانند آنها را قادر کنند. تجربه از منطقه نشان داده است که فقرا بیشتر قادر به تأثیر گذاری بر تصمیم گیری هستند و در مشارکت مساوی به شکل مؤثرتری بر سطح ملی وارد می شوند. بنابراین یکی از ضروریات اصلی برای حمایت از کاهش فقر، تقویت تصمیم حکومت (به بخشهای محلی) و واگذاری نیروهای تنظیمی و اجرایی در سطح محلی است.

۷/۲- توسعه منابع انسانی در بخش عمومی یا دولتی

کاهش فقر به تعبیر روشن و رفتار و توسعه مهارتها در میان مسئولان دولت نیاز دارد. صاحب منصبان دولتی، به توجه فقرا بیشتر به عنوان آریاب رجوع و شرکائیز دارند. تا افراد زیر دست و نادان که به مراقبت احتیاج داشته باشند. شغل صاحب منصبان دولتی، تسهیل در ایجاد این چنین محیطهای نهادی پشتیبان است. صاحب منصبان حکومتی، همچنین نیاز به آموختن از موقعیت سوزمین دارند، به علاوه، تفسیر روشن و رفتار صاحب منصبان حکومتی نیاز به توجه در توسعه مهارتهای شان دارد. آن هم نه تنها در فعل و افعال یا سازمانهای فقرا بلکه برای تأمین کمک مهارتی در مرتب کردن مسائلی که در پیشرفت محیطهای کار و زندگی با آنها مواجه می شوند.

۷/۳- توسعه منابع انسانی در میان فقرا و شرکای آنها

توسعه منابع بشری در ارتباط با سازمانهای اجتماع شهری که فقرا کار می کنند همچنان مورد نیاز است. اکثر کشورهای منطقه، فقرا و شرکای شان در اجتماع شهری به خوبی سازمان داده شده اند (هرچه آنها یک دهه عقب هستند) آنها همچنین نیاز به بنای ظرفیت در نیرومند کردن و توسعه سازوکارهای به هم پیوسته و بشرقت نیازها و تقاضاهای شان دارند.

۸- عملکردها در سطح منطقه‌ای

اکثر تلاشها برای کاهش فقر باید در سطح ملی و محلی انجام شود. تلاشهای منطقه‌ای باید با حمایت از تلاشها در سطح کشور همراه شود. علاوه بر این، این تلاشها می باید بر عملکردهایی که نمی توانست در سطح ملی صورت پذیرد مثل مبادله اطلاعات در سطح منطقه‌ای متمرکز گردند. یا در نظر گرفتن این دو معیار، عملکردهای منطقه‌ای زیر پیشنهاد می شوند:

- ۱- تعریف دوباره شاخصهای فقر شهری که مسئولان را برای شناخت و درک صحیح ماهیت فقر شهری یاری کند.
- ۲- مستندسازی و ترویج خلاقیتها
- تقویت شبکه‌های ارتباطی گسترش تبادل تجربیات و اطلاعات در زمینه فقر شهری در میان سازمانهای دولتی و غیردولتی و مؤسسات پژوهشی و آموزش.
- ۳- عدم تسوگن (ایجاد حکومت محلی) بر پایه اجتماعات نیازمند سیستمهای مدیریتی و شبکه‌های ارتباطی امنیتی اجتماعی، استفاده از فناوری اطلاعاتی در حکومتهای محلی.
- ۴- مذاکرات ترویجی و بحث میان تعیین کنندگان خط‌مشی ملی و محلی حول محور موضوعات اضطراری، رهیافتها، خط‌مشی‌ها و استراتژی‌ها برای کاهش فقر.
- ۵- طرفنداری از موضوعات و مقاله‌هایی چون عدم تمرکز و تفویض (واگذاری)، مشارکتهای میان سازمانهای فقرا و دیگر افراد شهری، امنیت مصرف و حکومت مناسب.
- مقاله مذکور در اجلاس عالی استانبول ۵+ حوزه آسیا و اقیانوسیه (۱۹ تا ۲۳ کبر سال ۲۰۰۰) ارائه شده است.

منبع: کمیسیون اقتصادی، اجتماعی منطقه آسیا و اقیانوسیه سازمان ملل متحد، یادداشت

۱- این مقاله به صورت تلفیق شده ارائه گردیده است.



تحلیلی بر اقتصاد پایه شهرهای استان سیستان و بلوچستان

محمد رضا علی بابایی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

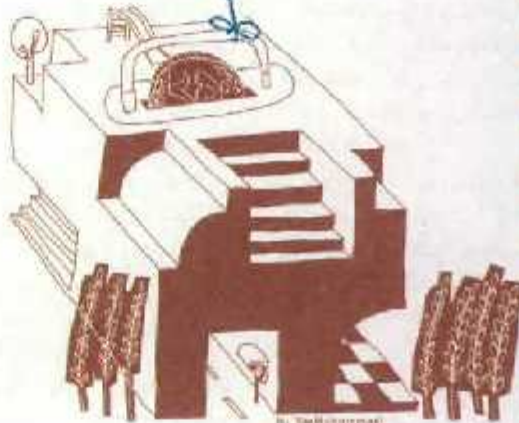
وابسته‌اند. از این رو، هر یک از بخشهای صنعت یا کشاورزی در برهه خاصی، دارای ضریب مکانی بالاتری خواهند بود.

بر اساس نتایج تحلیلی سرشماریهای عمومی، طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵ بخش کشاورزی نقش برتر در ساختار اقتصادی منطقه داشت، اما از سال ۱۳۶۵ به بعد از اهمیت این بخش کاسته شده، به طوری که در سال ۱۳۷۵ سهم این بخش از اشتغال استان به حدود ۲۲/۱ درصد تقلیل یافت. در بخش صنعت به علت عدم تناسب برنامه ریزیهای توسعه با قابلیتهای منطقه، صنعت استان دارای رشدی بطئی بوده، اما در بخش خدمات همواره سیر صعودی وجود داشته است. به طور کلی اقتصاد استان بر پایه تقدم اشتغال بخشهای کشاورزی، خدمات و صنعت استوار است. همین وضعیت در سطح ناحیه نیز مشاهده می‌شود.

تحلیل اقتصاد پایه شهرهای استان

در سال ۱۳۶۵ شهرستانهای استان غالباً اقتصادی مبتنی بر کشاورزی داشتند. در شهرستان ایرانشهر، ضمن اینکه برتری بخش کشاورزی بر سایر بخشها همچنان در سال ۱۳۷۵ حفظ شده است و به نوعی بازار محصولات کشاورزی را نشان می‌دهد، اما بخش خدمات و صنعت از نظر افزایش تعداد شاغلان در دهه ۶۵-۱۳۶۵ نسبت به بخش کشاورزی پیشی گرفته‌اند. میزان شاغلان در بخش خدمات این شهرستان از ۷۳۲۶ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱۵۶۲۲ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده و در واقع دوبرابر افزایش داشته است؛ گویا اینکه این در قیاس با میانگین منطقه (۳۴/۲ درصد) این شهرستان ۱۱ درصد اختلاف دارد. در سطح استان، ایرانشهر حکم مرکز خدمات ناحیه‌ای را در منطقه بلوچستان داراست، و خود ایرانشهر به عنوان دومین مرکز ارائه دهنده خدمات عمومی و اجتماعی و پشتیبان تولید در مرکز منطقه بلوچستان از یک سو، و ایجاد و راه‌اندازی و توسعه کارخانه بافت بلوچ در حومه این شهر از سوی دیگر، از اساسی‌ترین اقدامات در جهت رشد و توسعه شهری ایرانشهر در بُعد صنعت و خدمات بوده است.

ایرانشهر به علت ارتباط با منطقه آزاد چابهار و فرصتهای برپارش صنعتی، عرصه آن دسته از صنایع تخصصی است که این کانون شهری را به یک مرکز سطح دوم صنعتی یا عملکرد منطقه‌ای تبدیل کرده است. توسعه صنعتی ایرانشهر در آینده می‌تواند بیشتر از طریق ایجاد صنایع تخصصی صورت گیرد. یکی دیگر از جنبه‌های صنعتی ایرانشهر گسترش کیفی صنایع دستی و محیطهای روستایی آن است، که با تأکید بر جنبه‌های هنری و



مدل ضریب تمرکز مکانی

به منظور تبیین موضوع، از مرسومترین روش تحلیل اقتصاد پایه شهر یعنی ضریب مکانی (quotient location) استفاده می‌شود، که براساس نسبت مقدار اشتغال در یک فعالیت اقتصادی شهر (ii) به مقدار کل اشتغال شهر (i)، تقسیم بر مقدار اشتغال آن فعالیت اقتصادی (Ri) به مقدار کل اشتغال در منطقه (R) است. یعنی:

اگر این ضریب برای فعالیتی بیش از یک باشد، شهر یا منطقه مورد نظر صادر کننده کالا و خدمات است. البته انتقاداتی نیز بر این نظریه وارد است، از جمله اینکه در زمان حاضر، صادرات تنها منبع رشد اقتصاد یک منطقه نمی‌تواند باشد. همچنین این نظریه بر پایه تعداد شاغلان در بخشهای مختلف اقتصادی استوار است و این در حالی است که به دلیل توسعه فناوری در بخشهای مختلف اقتصادی دیگر، تعداد شاغلان در یک فعالیت تنها معیار در تشخیص اقتصاد حاکم بر یک منطقه نیست.

بررسی وضعیت اشتغال در سطح استان

به رغم آنکه استان سیستان و بلوچستان توان نسبتاً مناسبی در بخش کشاورزی ندارد، در فرایند توسعه ملی به عنوان منطقه‌ای کشاورزی مطرح است. هر چند بخش صنعت و ساختمان نیز شاغلان زیادی را در برمی‌گیرد، اما بایستی اذعان کرد که صنایع استان بیشتر صنایع کارگاهی و به نوعی به تولیدات کشاورزی

از نظریه اقتصاد پایه شهر، بیشتر برای تشخیص بخش پایه و غیرپایه (واردات، خودکفایی و صادرات) فعالیتها در سطح ناحیه و همچنین مکان‌یابی فعالیتهای اقتصادی استفاده می‌شود. در صورت وجود برنامه ریزی مناسب در فرایند توسعه، مکانها و نواحی بر اساس توانهای بالقوه و بالفعل خود، در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی جاذب سلسله فعالیتهایی خواهند بود. این فعالیتهای اقتصادی از مهم‌ترین عوامل جذب کننده جمعیت به شهرها به شمار می‌آیند. فعالیتهای اقتصادی مختلف بر اساس نوع تولید و محدوده فروش تأثیرات متفاوتی بر رشد جمعیت شهری می‌گذارند. بر اساس نظریه پایه اقتصادی، رشد شهرها بر اثر آن دسته از فعالیتهایی صورت می‌پذیرد که تولیدات آن به خارج از محدوده شهرها صادر می‌شود. به این نوع فعالیتهای پایه گفته می‌شود. این نظریه همچنین تأکید خاصی بر تفکیک فعالیتهای اقتصادی مناطق دارد. هدف از این تحقیق، بررسی و تعیین وضعیت اقتصاد پایه شهرستانهای استان سیستان و بلوچستان در دوره ده ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ است. تردید نیست که با شناخت فعالیتهای اقتصادی پایه، می‌توان علل توسعه شهرها را ارزیابی کرد. در این تحقیق برای تشخیص فعالیتهای پایه منطقه از مدل ضریب تمرکز مکانی استفاده شده است.



مسجد لاله نسن با گنبدیبه نقل از

جدول شماره ۱- وضعیت اشتغال در بخشهای استان... در بخشهای مختلف اقتصادی (سال ۱۳۷۵)

شهرستان	شهرستان چابهار	
	کشوری	مست
تاریخ	۴۳,۳	۴۶,۱
چابهار	۳۰,۹	۳,۶
خلیج	۳,۶	۱۰,۳
زابل	۲,۶	۲۲,۳
زاهد	۰,۱	۴,۹
سراوه	۲,۴	۲۲,۵
قزستان	۳,۵	۲۲,۷

مکانی

ستی و اقتصادی کردن آن می توان به هدف صادرات دست یافت. در زمان حاضر حیات اقتصادی این شهر از نظر صنعتی عمدتاً به واحد تولیدی بافت بلوچ وابسته است. به منظور دستیابی به خدمات و صنایع بیشتر می بایست شبکه راههای موجود تقویت و گسترش یابد. به عنوان مثال، تقویت و تجهیز فرودگاه ایرانشهر می تواند به عنوان چتری حمایتی برای توسعه صنعتی و بازرگانی محسوب شود. برای دستیابی به نظام شهری متعادل و برقراری نظام خدمات رسانی کارآمد در منطقه، می بایست ایرانشهر به عنوان مرکز خدمات ناحیه ای بیشتر مورد توجه قرار گیرد. چرا که این شهر توانایی پوشش خدماتی کلیه مناطق مرکزی و جنوبی استان از جنوب خاش تا چابهار را داراست.

در شهرستان چابهار نیز همانند ایرانشهر، بخش کشاورزی اهمیت خود را نسبت به سایر بخشها حفظ کرده است. در تقسیم بندی منطقه ای، شهرستان چابهار بخشی از منطقه جنوبی استان محسوب می شود. در این بخش کشاورزی (نخلستانهای بومی) توسعه خوب و مناسبی یافته است. همچنین موقعیت بندری این شهرستان و فعالیت پرورش آبزیان و به ویژه میگو در نواحی ساحلی، وجود امکانات سردخانه ای کشاورزی شهرستان را در موقعیت مناسبی قرار داده و ارزش صادراتی را نصیب شهرستان کرده است. به گونه ای که اکنون از این حیث صادر کننده محصولات کشاورزی محسوب می شود. عمده محصولات تولیدی این ناحیه آبیان آبله که در حدود ۴۶ درصد پیروی کار شاقل رایج خود جذب کرده اند. در بخش صنعت در دوره ده ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ میزان ضریب مکانی صنعت در این شهرستان کاهش یافت. این در حالی است که شهرستان چابهار با توجه به منطقه آزاد به عنوان قطب صنعتی استان مطرح شده است. این شهرستان محل تمرکز آن دسته از صنایع تخصصی شده است که بیشتر جنبه فراملی و صادراتی دارند. در زمان حاضر در چابهار صنایع تبدیلی وابسته به شلات و تولیدات کشاورزی در حال توسعه اند، و عمده این صنایع جنبه صادراتی دارند. در بخش خدمات، چابهار به عنوان

است. شهرستان خاش تاکنون از تعداد ارائه خدمات کشاورزی و بازرگانی تجهیز شده است. نقش شهرستان خاش در بخش صنعت به علت سهم این شهرستان در توسعه بلند مدت کشاورزی، نسبت به شهرستانهای چابهار، ایرانشهر و زاهدان کمتر است.

این شهر در توسعه صنعتی به عنوان مرکز سطح سوم صنعتی با عملکرد ناحیه ای قلمداد شده است. همچنین برخی صنایع - چون نساجی و صنایع کانی غیر فلزی وابسته به سیمان - در این شهرستان مکان یابی شده است. گسترش کیفی صنایع دستی نیز همانند ایرانشهر در محیطهای روستایی، توانایی اقتصادی کردن آن را با هدف صادرات، داراست. سرمایه گذارهای عمدی در زمینه تولید در هر دو بخش خصوصی و دولتی در این شهرستان انجام گرفته است. در زمینه تولید صنعتی، احداث و راه اندازی کارخانه سیمان خاش که در سال ۱۳۷۴ مورد بهره برداری قرار گرفته است، مهم ترین عملکرد تولیدی در این شهرستان به شمار می آید.

چهارمین شهرستان مورد مطالعه که از نظر تقسیم کار کلان بین مناطق استان عمدتاً بر پایه فعالیت های کشاورزی شکل گرفته و توسعه یافته، شهرستان زابل است. ناحیه سیستان (زابل) در زمان حاضر قطب عمده فعالیت های کشاورزی در سطح استان است. مقایسه میزان تغییرات ضریب مکانی، افزایشی ۲ درصدی را در بخش کشاورزی این شهرستان نشان می دهد، که گویای همین واقعیت است.

زابل به عنوان دومین مرکز جمعیتی استان در مرکز یک منطقه کشاورزی قرار گرفته است و توان هدایت و پشتیبانی از روستاهای مستقر بر جمعیت این منطقه را دارد. این شهر اکنون توسعه در مناطق شمالی استان به حساب می آید. به لحاظ فعالیت های تخصصی، شهر زابل مرکز خدمات کشاورزی است. با توجه به اینکه در توسعه بلند مدت استان، نقش شهرستان زابل کشاورزی در نظر گرفته شده است، می توان شاهد افزایش صادرات محصولات کشاورزی از این شهرستان در آینده بود. با

به دلیل توسعه فناوری در بخشهای مختلف اقتصادی دیگر، تعداد شاغلان در یک فعالیت تنها معیار در تشخیص اقتصاد حاکم بر یک منطقه نیست

برای دستیابی به نظام شهری متعادل و برقراری نظام خدمات رسانی کارآمد در منطقه، می بایست ایرانشهر به عنوان مرکز خدمات ناحیه ای بیشتر مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که این شهر توانایی پوشش خدماتی کلیه مناطق مرکزی و جنوبی استان از جنوب خاش تا چابهار را داراست

این حال ضریب مکانی بخش صنعت در دوره ده ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به میزان ۰/۲ درصد افزایش داشته است. عمده صنایع مستقر در زابل صنایع نساجی و صنایع وابسته به آن است. توسعه صنعت در زابل همانند ایرانشهر نباید در تعارض با بخش کشاورزی و با رقابت ناسالم بر سر آب و زمین، به گونه ای به زیان این بخش باشد. در بعد صنعت با توجه به نظر به اقتصاد پایه، شهرستان زابل نشان از خودکفایی در این بخش دارد. در زمینه نظام شهری و خدمات برتر، شهر زابل به عنوان مرکز خدمات ناحیه ای مورد توجه است. از نظر توسعه فعالیت های خدماتی، قرارگیری مراکز آموزشی در زابل و ایجاد و توسعه ظرفیتهای نگهداری کالا و توسعه فعالیت های بازرگانی در شهر زابل می تواند همانند سالهای گذشته، خودکفایی را در بخش خدمات نصیب این شهرستان کند. در بُعد

مرکز خدمات ناحیه ای مورد توجه است. شهرستان چابهار در توسعه بلند مدت، توانایی افزایش صادرات در هر سه بخش کشاورزی و صنعت و خدمات را خواهد داشت.

سومین شهرستان مورد بررسی، شهرستان خاش است. مقایسه ترکیب اشتغال در بخشهای عمده شهرستان خاش نشان می دهد که از مجموع شاغلان شهرستان ۳۱/۲ درصد در بخش کشاورزی، ۱۷/۳ درصد در صنعت و ۵۱/۵ درصد در فعالیتهای خدماتی اشتغال داشته اند. این در حالی است که شاخصهای مشابه در کل استان به ترتیب ۳۳/۱، ۲۲/۷ و ۴۴/۲ درصد اعلام شده است. بدین ترتیب صلاحیت می شود که بخشهای خدمات و کشاورزی بیشترین سهم را در تأمین اشتغال شهرستان داشته اند. اما بخش صنعت اهمیت خود را نسبت به سایر بخشها از دست داده



زاهدان - پارک شهردار

پلاستیک مطرح است.

بر اساس تقویت شبکه راههای موجود در سطح استان و ایجاد شبکه های جدید و تقویت محورهای ارتباطی شرقی - غربی استان، از میزان ضریب مکانی بخش خدمات این شهرستان در سال ۱۳۷۵ کاسته شده است. در زمان حاضر شهر زاهدان به لحاظ حوزه نفوذ خدماتی (به ویژه در زمینه خدمات برتر) کل محدوده استان را پوشش می دهد. اما در آینده مطمئناً از این میزان کاسته خواهد شد. شهر زاهدان به عنوان مرکز خدمات سطح یک، کلیه مناطق استان را پوشش می دهد. شهرستان زاهدان در زمان حاضر خدمات برتر چون آموزش عالی، بهداشت و درمان فوق تخصصی و مراکز تحقیقاتی و مراکز مشاوره و بیمه کاری و صنعت را در خود جای داده است. این مرکز با ارائه خدمات تخصصی و برتر در سطح استان انگیزه های لازم را برای جذب جمعیت - و به ویژه کارکنان دولتی - فراهم ساخته است.

شهر سراوان نیز که از بعد جمعیتی همردۀ دو شهر دیگر خاش و چابهار است (۲۵۰-۲۵ هزار نفر)، خدمات را به عنوان مرکز شهرستان، به حوزه نفوذ خود ارائه می کند. شهرستان سراوان پیشتر از بعد ارائه خدمات کشاورزی و بازرگانی تجهیز شده است. سراوان در منطقه بندی استانی، همراه با شهرستانهای ایرانشهر و نیک شهر و چابهار، منطقه جنوبی استان را تشکیل می دهد. میزان ضریب مکانی شهرستان سراوان در بخش کشاورزی در دهه ۶۵ تا ۱۳۷۵ به میزان ۱/۱ درصد کاهش داشته است. کاهش این ضریب در بخش کشاورزی با افزایش در بخش صنعت و خدمات همراه بوده است. نیروی شاغل در بخش صنعت این شهرستان از ۲۸۵۹ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۶۵۰۱ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است. که افزایش ۱/۱ درصدی را نشان می دهد. در توزیع فضایی صنعت در استان نقش سراوان بسیار کم رنگ است. سراوان مرکز صنعتی بنا عملکرد محلی (سطح چهار صنعتی) است و از این لحاظ با نیک شهر در یک ردیف قرار می گیرد.

با توجه به مطالب مذکور، نقش سراوان در زمینه تقسیم کار بسیار ضعیف است و در برنامه های توسعه بلند مدت نیز برنامه خاص خدماتی و یا صنعتی برای این شهرستان در نظر گرفته نشده است. سهم اشتغال بخش خدمات و صنعت این شهرستان از میانگین استان کمتر است (یعنی به ترتیب ۲۸/۲ و ۲۷/۵ درصد است)، و می بایست در بعد توسعه منطقه ای بیشتر مورد توجه قرار گیرد. اکنون نقش خاصی در توسعه منطقه ای برای این شهرستان در نظر گرفته نشده است.

نتیجه گیری

بر سنجای داده های جدول شاغلان و تعیین اقتصاد پایه در شهرهای مورد مطالعه، می توان شهرهای منطقه سیستان و بلوچستان را در دو گروه طبقه بندی کرد:

گروه اول؛ شهرهای چند نقشی را شامل می شود که اقتصاد آنها مبتنی بر فعالیتهای خدماتی و صنعتی و کشاورزی است. در این گروه شهرهای زاهدان، چابهار، زابل و خاش قرار گرفته اند.

گروه دوم؛ شهرهای تک نقشی هستند که دو شهر کوچک و متوسط منطقه در این گروه جای دارند؛ یعنی ایرانشهر و سراوان، که اقتصاد آنها عمدتاً بر پایه فعالیتهای کشاورزی است.

بررسی تحولات اقتصاد پایه شهرهای مورد مطالعه بر اساس ضریب تمرکز مکانی، نشان می دهد که در دوره ۶۵ تا ۱۳۷۵ به دنبال تحولات اقتصادی - اجتماعی، فعالیتهای خدماتی و کشاورزی به عنوان فعالیت پایه اقتصاد شهری مطرح هستند.

عموان شهری، مهم ترین فعالیت هم انا تکمیل تأسیسات فاضلاب شهر زابل و اصلاح شبکه جمع آوری دفع آبهای سطحی است، که تأثیر فوق العاده ای در کلیه بخشهای اقتصادی شهر خواهد داشت.

اما شهر زاهدان که سابقه چندانی به عنوان منطقه شهری ندارد (این سابقه حدود ۶۰ سال است)، در زمان رضاشاه به عنوان مرکز فعالیتهای اداری و سیاسی این استان انتخاب شد. هم اکنون نیز نقش محوری این شهر همین است. شهرستان زاهدان علاوه بر بهره گیری از برخی فعالیتهای کشاورزی، به پرکت بهره برداری از امتیازات مرکزیت اداری و سیاسی در زمینه توسعه فعالیتهای صنعتی، جهتهایی نیز داشته است. در تقسیم بندی کلان، منطقه زاهدان نقش خدماتی - صنعتی و بازرگانی را بر عهده دارد. شهر زاهدان با توجه به دارا بودن مرکزیت سیاسی و اداری استان، و از طرف دیگر قرار گیری بر سر چهارراه محل تلاقی دو محور اصلی شمالی - جنوبی و شرقی - غربی استان، کانون مقدم توسعه استان به حساب می آید. شهرستان زاهدان یکی از کم تراکم ترین شهرستانهای استان به لحاظ جمعیت و روستایی است. شهر زاهدان در منطقه شمالی استان به عنوان مرکز سطح یک خدماتی، می تواند به لحاظ فضایی این نقش را به خوبی ایفا کند. کمترین ضریب مکانی در بخش کشاورزی (۰/۳ درصد) در سال ۱۳۷۵ برای شهرستان زاهدان محاسبه شده است، که از این حیث در بخش اقتصاد پایه وارد کننده محصولات کشاورزی است. در افق بلند مدت توسعه صنعتی استان، نقش زاهدان به عنوان مرکز سطح دوم صنعتی در نظر گرفته شده است. هر چند در طول دوره ۶۵ تا ۱۳۷۵ بالاترین ضریب مکانی در بخش صنعت را این شهرستان به خود اختصاص داده، اما مشخص است که با سرمایه گذار بهای گسترده در منطقه آزاد چابهار و دادن نقش اول توسعه صنعتی به این شهرستان، آن گونه که مشاهده می شود، میزان این ضریب کاهش یافته است (جدول شماره ۲)، اما همچنان از حیث اقتصادی صادر کننده کالا و خدمات صنعتی محسوب می شود. در حقیقت زاهدان به عنوان مرکز ارائه دهنده خدمات صنعتی و محل تمرکز صنایع تخصصی کم آب بر مطرح است. در بخش صنعت، تقویت زاهدان به عنوان مرکز ارائه دهنده خدمات برتر صنعتی در سطح استان و محل استقرار صنایع تخصصی در زمینه های صنایع قطعات پیش ساخته سیمانی، اولیه های سیمانی، لاستیک و

جدول شماره ۲ - شهرات حسب مرکز مکانی در شهرستانهای استان سیستان و بلوچستان (۱۳۶۵ - ۱۳۷۱)

شهر	کشور		منطقه		استان	
	۱۳۶۵	۱۳۷۱	۱۳۶۵	۱۳۷۱	۱۳۶۵	۱۳۷۱
ایرانشهر	۲۵	۲۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵
چابهار	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
زاهدان	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
سراوان	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
خاش	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
زابل	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
زاهدان	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
سراوان	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵

منبع: مرکز آمار ایران

۱- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۶۵.
۲- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، استان، ۱۳۷۵.

مشاور حقوقی

حسین احتشامی

کارشناس دفتر حقوقی وزارت کشور

شهر است یا خیر؟

(۱) داشته عملکرد شهر شورا یا توجه به عنوان آن محصور به همان حوزه انتخاباتی است که قانونگذار در قالب احکام قانونی مقرر داشته است. لذا تصمیمات گرفته شده هر شورا در محدوده عملکرد آن شورا معتبر و مرعی است. حال چنانچه در موضوعی واحد شوراها در تصمیمات خود اختلاف نظر داشته باشند، اولاً تا زمانی که موضوع اختلاف توسط شوراهای اصلاح نگردد، گماکان در حوزه عمل شوراهای استوار اجرایی دارد. ثانیاً چنانچه رفع اختلاف مطموح نظر باشد، استناداری و فرمانداری می تواند با تمسک به اختیارات قانونی محوله، با طرح موضوع در هیئت حل اختلاف، در این باره هماهنگی لازم را به عمل آورد.

(۲) در خصوص موضوع اختلاف نظر شهرداری و اداره ثبت اسناد در خصوص تفکیک اراضی مراتب ذیل به منظور اعلام نظر حقوقی منعکس می گردد:

الف: به موجب ماده ۱۰۱ قانون شهرداری مصوب سال ۴۵ به الاطلاق تطبیق نقشه های تفکیک اراضی با طرح های جامع و تفصیلی و تصویب آن به شهرداری محول گردیده است. آن گونه که قسمت صدر ماده صد قانون شهرداری اشعار می دارد: «مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند.» کلیه صاحبان اراضی واقع در محدوده و حریم به منظور تفکیک اراضی خود به شهرداری مراجعه می کنند و شهرداری نیز نقشه تفکیکی آنان را تصویب می کند.

ب: به موجب مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت، ادارات ثبت نسبت به افرادی که دارای اراضی تسفی هستند و تقسیم آن به قطعات و انتقال با اسناد عادی منجر به تقاضای صدور سند مالکیت مستند به موارد مذکور می گردد، و همچنین در خصوص افرادی که دارای اراضی یا اسناد مالکیت اند و نسبت به جدا کردن قسمتی از ملک اقدام می کنند و تقاضای صدور سند مالکیت برای قسمت جدا شده را دارند، اداره ثبت خود را فارغ از استعمال از شهرداری می داند و عملاً وظیفه نظارت شهرداری در حفظ و سیانت از طرح تفصیلی که به منزله قانون به شمار می آید، معطل مانده است.

ج: یکی از پیامدهای نامیوم این تعارض قانونی تشویق افراد به خرید زمینهای با مساحت محدود و کمتر از حداقل مندرج در طرح تفصیلی و احداث بنا بدون پروانه و در نهایت سهولت دریافت سند مالکیت و مواجه ساختن شهرداری با

(۳) به استناد ماده صد قانون شهرداریها، مالکان اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک و شروع ساختمان از شهرداری پروانه ساختمانی بگیرند.

حسب ممیزی انجام شده، بعضی از شرکتهای صنعتی و کارخانجات محدوده شهر بدون انجام مراحل قانونی و گرفتن مجوز ساخت اقدام به ساخت کارگاه و کارخانه داخل محدوده قانونی شهر کرده اند و حاضر به همکاری با شهرداری نیستند. به همین سبب پرونده تخلف تعدادی از این شرکتهای به کمیسیون ماده صد ارسال و منجر به صدور رای جریمه شده است. لیکن شرکتهای مذکور از پرداخت جریمه خودداری می کنند و طبق اطلاعات به دست آمده از اعضای شرکت شهرکها ظاهراً در محدوده پیش بینی شده می بایست هفتاد شرکت گنجانیده شود. حال با توجه به تقاضاهای مکرر صنعتگران و سودآوری فراوان برای شرکت مذکور، تعداد واحدهای صنعتی به بیش از ۱۲۰ مورد افزایش یافته است. لذا به منظور جلوگیری از تخلفات و همچنین اجرای قانون، تقاضای نظریه از سادای دارد.

(۴) در خصوص شهرکهای صنعتی اعلام می دارد:

به موجب بند ۷ قانون اصلاح راجع به تأسیس شرکت شهرکهای صنعتی ایران مصوب سال ۷۶، این گونه شرکتهای در محدوده عمل خود از قانون شهرداریها مستثنی هستند.

بدیهی است چنانچه توسعه شهر که بدون رعایت ضوابط مندرج در بند ۷ اصلاحی صورت پذیرد، ولو اینکه تأسیسات و واحدهای تولیدی متصل به شهرک مصوب باشد، به دلیل اینکه امر توسعه بدون ضابطه صورت پذیرفته است مشمول حکم بند ۷ مورد اشاره نخواهد بود و تأسیسات خارج از حیطه شهرک تلقی می شود و می بایست از ضوابط شهرداری تبعیت کند. با این حال تشخیص خروج تأسیسات جدیداً احداث با توجه به نقشه های مصوب شهر که، توأم با شهرداری و مسکن و شهرسازی است.

(۵) طبق بند ۲۷ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۷۵/۳/۱، تصویب نرخ کرایه وسایل نقلیه درون شهری از وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر است. لیکن از آنسپاهی که داخل شهر مستقر هستند و مسافران را به روستاها حمل می کنند و برعکس، از آنسپاهی که در روستاها مستقر هستند و مسافران را به شهرها حمل می کنند، قاعدتاً نرخ شان باید یکی باشد ولی در تعرفه اختلاف قیمت دارند. آیا این از مصادیق اختیارات شورای

مشاوره حقوقی این شماره ماهنامه به موضوعات متعددی از قبیل مقررات ساخت و ساز در محدوده شهرها به وسیله شرکتهای صنعتی، تصویب نرخ کرایه وسایل نقلیه درون شهری و حدود اختیارات شوراها، اختلاف نظر شهرداری و اداره ثبت اسناد در خصوص تفکیک اراضی، چگونگی تقلیل نرخ ارزش معاملات ساختمانی و ارائه یک رأی دیوان در خصوص اختیارات شوراها در تعیین آب بها، حق انشعاب و هزینه دفع فاضلاب پرداخته است. مطالب مذکور به منزله دیدگاههای کارشناسی دفتر حقوقی وزارت کشور هستند که در بخش حقوقی ماهنامه چاپ شده اند.

عمل انجام شده است که این امر برنامه ریزیهای زیربنایی سازماندهی خدمات شهری و سیمای شهری را سخت می سازد.

حالا ضمن اعلام ضرورت اندیشیدن تدابیر قانونی، این سؤال مطرح است که: کسانی که از طریق مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت سند مالکیت دریافت کرده و برای انتقال مالکیت خود و صدور بلامانع به شهرداری مراجعه می کنند، شهرداری در مقام اعمال ضوابط طرح تفصیلی که با وضع موجود ملک مقایسه است، چه تکلیفی دارد؟

○ راجع به موارد پیش گفته، اعلام می دارد:

۱- نظر به اینکه در احکام مواد ۱۳۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت، تکلیفی که هیئت های رسیدگی کننده را موظف به اعلام از شهرداری کند ملاحظه نمی شود؛ لذا اقدامات ثبتی در این خصوص منصرف از قوانین و مقررات شهرداری صورت می پذیرد.

۲- استادی که پس از طی تشریفات قانونی و در اجرای مواد ۱۳۷ و ۱۴۸ قانون اصلاحی ثبت برای متصرفان صادر می شود، سندیت دارد و معتبر است؛ لکن حاکمیت قانونی شهرداری در این موارد زمانی مشهود می شود که دارنده سند، متقاضی توسعه و یا تجدید بنا گردد که در این صورت به دلیل تعارض با طرح تفصیلی به عنوان تخلف ساختمانی، پرونده در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری مطرح می گردد.

● با عنایت به اینکه وظیفه تصویب و تجدیدنظر در این نامه موضوع تبصره ۱۱ ماده صد قانون شهرداریها از وظایف شورای اسلامی شهر است و شوراهای نیز موظفاند در اجرای مفاد بند ۹ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران در هنگام تصویب این نامه های پیشنهادی شهرداری، دستور العملهای صادر شده وزارت کشور را نیز رعایت کنند، لذا با توجه به دستور العملهای صادر شده به شماره ۱۰۳۷۴/۱/۳۴ - ۶۹/۵/۲۰ - شماره ۱/۳/۳۴/۲۴۸۲۰ - ۶۸/۱۰/۱۷ وزیر محترم کشور، موضوع تعیین و پیشنهاد ارزش معاملاتی ساختمان بر اساس جدول متفاوت یا شرایط حداقل و حداکثر همچنان ملاک مورد عمل شهرداریها و شوراهای تعیین ارزش معاملاتی ساختمان است. حال به دلیل عدم تغییر سقف تعیین شده در مدت چند سال اخیر به وسیله وزارت کشور (که هیچ گونه تغییری در افزایش ارقام حداکثر مندرج در جدول مذکور به عمل نیامده)، بعضی از شوراهای به دلیل افزایش درآمد شهرداری و ایجاد اهرمی برای جلوگیری و کنترل ساخت و سازهای خلاف، اقدام به افزایش نرخ ارزش معاملاتی کرده اند. در واقع ارقام مذکور برای هر متر مربع از حداکثر سقف تعیین شده افزایش داده شده و همچنان در حال افزایش است. لذا با توجه به اینکه این امر علاوه بر آنکه هیچ گونه اثر مطلوبی در کاهش تخلفات نداشته، بلکه خود عاملی برای افزایش بهای زمین و مسکن بدل گردیده است، خواهشمند است راجع به چگونگی تقلیل نرخ ارزش معاملاتی ساختمان راهنمایی فرمایید.

○ جرح و تعدیل این نامه ارزش معاملاتی ساختمان موضوع تبصره ۱۱ ماده صد قانون شهرداری با رعایت دستور العملهای صادر شده از سوی وزارت کشور، بر عهده شورای مربوط است. با این حال چنانچه استانداری و فرمانداری مقایسه آن را ملاحظه کنند،

می توانست با رعایت سازوکار مندرج در ماده ۸۲ قانون شوراهای اقدام لازم را معمول دارند.

شماره ۵/ ۲۸۸/۷۹ - ۲۸۸/۳۳۰

تاریخ: ۱۳۸۱/۳/۱۲ شماره دانشنامه: ۹۱ کلاس به پرونده: ۳۸۸/۷۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - شاکی: ...

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستور العمل شماره ۱۰۰ - ۲۳۶۷/۲۰/۱۸ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۸ وزیر نیرو.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: ۱- شرکت آب و فاضلاب روستایی استان به موجب قانون مصوب سال ۱۳۷۴ از اوایل سال ۱۳۷۷ در استان خوزستان تشکیل و راه اندازی گردید؛ ۲- منبع تأمین آب تعدادی از روستاهای استان از جمله روستاهای دارخوین - شادگان از خطوط انتقال شرکت بهره برداری تولید و انتقال آب جنوب شرق وابسته به سازمان آب و برق خوزستان می باشد؛ ۳- به موجب تبصره ۱۹ بند چ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی... مبلغ تعرفه آب بها در طول سالهای اجرای برنامه (۱۳۷۸ - ۱۳۷۴) برای مصارف بیش از ۴۵ مترمکعب هر سال حداکثر ۳۰٪ قابل افزایش بر مبنای قیمت پایه سال ۱۳۷۳ می باشد؛ ۴- با توجه به قراردادهای منعقد مربوط به سالهای قبل، میزان آب بها در سال ۱۳۷۳ برای هر مترمکعب ۱۲ ریال تعیین شده است که بر این اساس و با توجه به لحاظ نمودن افزایش سالانه حداکثر ۳۰٪ طبق قانون برنامه دوم، حداکثر تعرفه آب بها در سال ۱۳۷۷ - ۳۳/۲۷ ریال و برای سال ۱۳۷۸ - ۳۴/۵۵ ریال به ازای هر مترمکعب خواهد بود؛ ۵- وزیر نیرو طی دستور العملی به شماره ۱۰۰ - ۲۳۶۷/۲۰/۱۸ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۸ تعرفه آب شرب جهت مصارف صحتی، تجاری و خانگی را اعلام و ابلاغ نمود. در بند ۸ دستور العمل مذکور تعرفه آب تخصیص یافته خط انتقال دارخوین ۸۶ ریال تعیین شده است که متأسفانه برخلاف صریح بند چ تبصره ۱۹ قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه افزایش غیرقانونی اعمال شده است. بنابه مراتب ابطال دستور العمل مذکور مورد تقاضاست.

مدیرکل دفتر حقوقی وزارت نیرو در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۱۸۴۴/۴۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۷ اعلام داشته اند: ۱- بر اساس ماده یک قانون تشکیل شرکت های آب و فاضلاب روستایی، وظیفه نگهداری، بهره برداری، ایجاد تأسیسات مربوط به آب آشامیدنی روستاها، ... و دفع بهداشتی فاضلاب به عهده شرکت های آب و فاضلاب روستایی می باشد و در ماده ۵ اساسنامه این شرکتها وظیفه مطالعه و ایجاد تأسیسات مربوط به تأمین و انتقال و توزیع آب آشامیدنی روستایی و... به عهده این شرکتهاست و استفاده از آب استحصالی وزارت نیرو و طرح ادعای واهی بسالجهت بوده و موجه نیست. ۲- جزء ۲ بند چ تبصره ۱۹ قانون برنامه دوم در خصوص فروش آب شرب خانگی می باشد و فروش آب شرب خانگی فقط در شهرها در چارچوب وظایف وزارت نیرو و شرکت های آب و فاضلاب شهری می باشد و این بند ناظر به فروش آب به مصرف کنندگان است نه اشخاصی که مصرف کننده آب نیستند و اساساً این تبصره و به خصوص بند مذکور ارتباطی به آب روستایی و شرکت های آب و فاضلاب روستایی که پس از تصویب قانون برنامه دوم تشکیل گردیده اند ندارد و تلاش شاکی جهت شمول تبصره ۱۹ قانون برنامه دوم خود به خود فاقد وجهت می باشد. ۳- به موجب دستور العمل مورد شکایت وزیر نیرو به منظور شفافیت و تعیین روند و نوع همکاری شرکت های آب

منطقه‌ای و آب و فاضلاب شهری که زیر نظر این وزارت می‌باشند مواردی را پیش‌بینی نمودند. همان‌گونه که در صدر و ذیل جدول دستورالعمل ملاحظه می‌فرمایند، مبالغ تعیین شده توسط وزیر نیرو بر اساس نوع منابع آبی به معاونت آب و معاونت آب و فاضلاب شهری ابلاغ گردیدند و این مبالغ نرخ فروش آب به مصرف‌کنندگان نمی‌باشد و بهای فروش آب به مصرف‌کنندگان شهری بر اساس تعرفه‌های مصوب قانونی و در نظر گرفتن سایر مؤلفه‌ها صورت می‌پذیرد که ارتباط قطعی و مستقیم با رقم مندرج در جدول ندارد و بنابراین دستورالعمل داخلی وزارت نیرو از نسیاطی به سایر دستگاهها و شرکت‌های آب و فاضلاب روستایی ندارد و این شرکتها تابع وزارت جهاد کشاورزی بوده و از یخسنامه و مقررات وزارت مذکور تبعیت می‌نمایند. ۴- همان‌گونه که در بند ج ماده ۱۳۳ قانون برنامه نیز ملاحظه می‌فرمایند، تعرفه آب بها و حق انشعاب و... به ترتیبی که مقین مقرر نموده تعیین می‌گردد و این قیمتها فقط شامل آب و فاضلاب شهرها است و همان‌گونه که از صراحت ماده و عنوان وزارت نیرو اجزای آب و فاضلاب روستاها مشمول این ماده نیستند. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از استماع توضیحات نماینده وزارت نیرو و نماینده حقوقی شاکتی و بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

بجه موجب شق ۲ از بند ج تبصره ۱۹ ماده واحده قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تعرفه بهای آب شرب خانگی تعیین شده و در بند ج ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی تصریح گردیده است که تعرفه‌های آب بهاء، حق انشعاب و هزینه دفع فاضلاب، در چارچوب ضوابط و سقف مصوب شورای اقتصادی و با پیشنهاد شرکت آب و فاضلاب و تصویب شورای اسلامی شهر تعیین می‌گردد. شهرهای جدید فاقد شورای اسلامی شهر مشمول تعرفه مصوب نزدیک‌ترین شهر مجاور هستند. بنابه جهات فوق‌الذکر و اینکه تعیین تعرفه بهای آب توسط وزارت نیرو و حکمی به این قانونگذار نیست، ردیف ۸ مصوبه شماره ۲۰/۲۰۱۰۰ مورخ ۲۳۶۷/۲۰/۱۳۷۸ آن وزارتخانه که متضمن تعرفه بهای آب در استان خوزستان و به میزان بیش از حد مقرر در قانون است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات وزارت نیرو در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف‌آبادی

مشاور اداری - مالی

جمشید رضایی

کارشناس دفتر حقوقی وزارت کشور

احداث یا تجدید بنا یا افزایش بنا و تعمیر و فروش و اجازه و رهن و جزاینها بر خور دارند و لازمه استفاده از این حقوق، صدور پروانه ساختمانی مطابق کاربری مصوب پیش از وقوع طرح است.

ب- چون ممکن است به دلیل عدم تصریح نوع کاربری در صدور پروانه به وسیله شهرداری در قانون تعیین وضعیت، صدور پروانه با توجه به کاربری موجود یا سابق محل شک و شبهه واقع گردد، در این صورت به دلیل عدم امکان صدور پروانه بر اساس کاربری فعلی، صدور پروانه بر اساس کاربری سابق (به عنوان وضع یقینی) استصحاب می‌گردد.

ج- قائل شدن به اینکه شهرداری نمی‌تواند در مورد مذکور بر اساس کاربری سابق پروانه صادر کند موجب تضییع مالک و مغایر با قاعده لاضرر، ماده ۲۰ قانون مدنی و نفس صریح تبصره یک و موجب نقض غرضی مقنن از وضع قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریهاست.

لازم به ذکر است که قبلاً شورای عالی شهرسازی و معماری در مصوبه مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۶ خود به مالکان املاک واقع در مسیر طرحهایی که بر اساس اعلام دستگاه اجرایی زمان اجرای طرح بعد از مدت ۱۸ ماه تعیین گردیده بود، در مناطق مسکونی و تجاری احسازه احداث یا تجدید بنا و افزایش ساختمان مسکونی یا رعایت ضوابط مربوط به تعداد طبقات و سطح اشغال و تراکم مجاز، حداکثر تا ۱۵۰ متر مربع در کل زیربنا داده بود. البته این مصوبه نیز

● کاربری زمین بر اساس طرح جامع و تفصیلی فضای سبز تعیین گردیده و زمان اجرای طرح بر اساس برنامه زمان‌بندی به هشت سال دیگر موکول شده است. با توجه به اینکه در اینجا مالک از کلیه حقوق مالکانه بهره‌مند است و برای صدور پروانه ساختمانی به شهرداری مراجعه کرده، آیا شهرداری مکلف به صدور پروانه ساختمانی است؟ در صورت مثبت بودن جواب، بر اساس کدام کناری می‌بایست پروانه صادر گردد؟ به عبارت دیگر، چون صدور پروانه بر اساس کاربری فعلی امکان‌پذیر نیست شهرداری بایستی بر اساس کدام کاربری پروانه صادر کند؟

ب- با توجه به دلایل ذیل شهرداری می‌بایست پس از احراز اینکه اجرای طرح مطابق برنامه زمان‌بندی به حداقل ۵ سال بعد از اعلام وجود طرح موکول شده است، رأساً بر اساس کاربری سابق و ضوابط مقرر در ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷، پروانه صادر کند. بدیهی است چنانچه املاک واقع در مسیر طرح تغییر کاربری داده شوند، موضوع مشمول ماده واحده مذکور نخواهد بود.

الف- مطابق نص صریح تبصره یک ذیل ماده واحده قانون مذکور، در صورتی که اجرای طرح و تمسک املاک واقع در آن به موجب برنامه زمان‌بندی مصوب به حداقل ۵ سال بعد موکول شده باشد مالکان املاک واقع در طرح از کلیه حقوق مالکانه مانند

به موجب رای مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردید.

● اگر در بودجه طرحی از طریق شورا مصوب شده باشد، آیا شهرداری برای اجرا و تأمین هزینه آن لازم است مصوبه جدید از شورا دریافت کند یا خیر؟

ج: با توجه به تعریف بودجه سالانه شهرداری مقرر در ماده ۲۳ این نامه مالی شهرداریها (یک برنامه جامع مالی که در آن کلیه خدمات و فعالیتها و اقداماتی که باید در طی سال مالی انجام شود همراه با برآورد مبلغ و میزان مخارج و درآمدهای لازم برای تأمین هزینه انجام آنها پیش بینی می شود و پس از تصویب شورای شهر قابل اجراست) و اینکه مطابق ماده ۲۵ این نامه مذکور بودجه شهرداریها باید بر اساس برنامه ها و وظایف و فعالیت های مختلف و هزینه هر یک از آنها تنظیم گردد، بنابراین طرح و برنامه ای که در بودجه شهرداری مورد تصویب قرار می گیرد می بایست همراه با برآورد میزان مخارج و محل تأمین آن باشد و در صورت عدم برآورد هر یک از آنها می بایست در قالب اصلاح بودجه جبران گردد.

● با توجه به اینکه موضوع تفکیک اراضی دولتی مورد اختلاف نظر برخی از شهردارها با سازمانهای مسکن و شهرسازی است، اعلام فرمائید مرجع تفکیک این گونه اراضی کدام مرجع است: شهرداری یا سازمان مسکن و شهرسازی؟ در صورتی که مرجع تفکیک سازمان مسکن و شهرسازی است، آیا عوارض تفکیک را می توان مطالبه کرد یا خیر؟

ج: الف: با توجه به مراتبی که در ادامه ذکر می گردد، حکم ماده ۱۰۱ قانون شهرداری به موجب تبصره یک ماده ۱۱ قانون زمین شهری تخصیص خورده است، به عبارت دیگر، شهرداری مرجع تطبیق نقشه های تفکیکی با طرح های جامع، هادی و تفصیلی و تصویب آنها در کلیه اراضی واقع در محدوده قانونی و حریم شهر به استثنای اراضی دولتی است.

ب: الف - به موجب ماده ۱۰۱ قانون شهرداری با اطلاق تطبیق نقشه های تفکیک اراضی با طرح های جامع و تفصیلی و تصویب آن به شهرداری محول گردیده است. به طوری که به موجب قسمت صدر ماده صد قانون شهرداری (مقرر می دارد مالکان اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهر پروانه بگیرند) کلیه صاحبان اراضی واقع در محدوده و حریم برای تفکیک اراضی خود به شهرداری مراجعه و شهرداری نیز نقشه تفکیکی آنان را تصویب می کند.

ب: الف - به موجب تبصره یک ذیل ماده ۱۱ قانون زمین شهری (قانون لاحق و مؤخر) اختصاصاً تطبیق نقشه های تفکیکی و شهرسازی اراضی دولتی با طرح های جامع و تفصیلی و هادی و تصویب آن (موضوع ماده ۱۰۱ قانون شهرداری) به عهده وزارت مسکن و شهرسازی محول شده است.

ب: در هر چند مرجع تفکیک اراضی دولتی سازمان مسکن و شهرسازی است، ولی این بدان معنی نیست که اراضی مذکور از پرداخت عوارض تفکیک به شهرداری معافند. تفکیک کلیه اراضی واقع در محدوده قانونی و حریم شهر مشمول پرداخت عوارض تفکیک است. لازم به توضیح است که قبلاً این موضوع مورد اختلاف بین وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی بود؛ بدین معنی که وزارت مسکن و شهرسازی به استناد تبصره ۲ ذیل ماده

۱۱ قانون زمین شهری (اشعار می دارد: دولت از پرداخت هر گونه مالیات و حق تعمیر و هزینه های ثبتی و معاملاتی بابت آماده سازی و تفکیک و فروش اراضی معاف است). مستند به معافیت اراضی دولتی از پرداخت عوارض تفکیک بوده است و وزارت کشور به استناد اینکه عوارض تفکیک و هزینه های تفکیک (موضوع ماده ۱۵۰ قانون ثبت اسناد و املاک کشور) دو مقوله جداگانه اند و اراضی دولتی صرفاً از هزینه های تفکیک معاف شده اند، این معافیت شامل عوارض تفکیک نمی گردد. نهایتاً اختلاف مذکور در کمیسیون حل اختلاف دستگاههای اجرائی مستقر در نهاد ریاست جمهوری مطرح و کمیسیون مذکور نظر وزارت کشور دایر بر عدم شمول حکم تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون زمین شهری نسبت به عوارض تفکیک اراضی دولتی را پذیرفته علی هذا سازمان مسکن و شهرسازی می بایست به هنگام تفکیک اراضی دولتی عوارض آن را مطابق تعرفه عوارض تفکیک به شهرداری بپردازد.

● نامه هایی مستقیماً به شورا از جاع می شوند و دارای بار مالی هستند، آیا شورا می تواند موضوع را بدو در جلسه علنی مطرح و پس از تصویب برای اجرا به شهرداری ابلاغ کند، و یا اینکه بایستی بدو از طریق شهرداری پس از بررسی به شورا فرستاده شود؟

ج: کلیه طرحها و لوایح و پیشنهادهایی که برای تصمیم گیری به شورا راجع می گردند، می بایست مطابق تشریفات مقرر در این نامه اجرائی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی شهرها و آیین نامه داخلی شورا مورد رسیدگی قرار گیرد و چنانچه شورا وفق ماده ۱۴ این نامه اجرائی مذکور اقدام به تشکیل کمیسیونهای داخلی کرده باشد، مطابق بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده مذکور پیشنهادهای واسطه به کمیسیون ذی رعا راجع می گردد و کمیسیون نیز در امور مرتبط با شهرداری یا حضور شهردار یا نماینده وی به موضوع رسیدگی می کند و نتیجه را برای طرح در جلسه شورا و تصمیم گیری نهایی به شورا اعلام می کند.

نکته: در صورت توجه در اینجا این است که شورا می بایست به اصل «قابلیت اجرائی مصوبات» توجه داشته باشد و زمینه های اجرائی مصوبات را نیز فراهم کند. به عنوان مثال، در هنگام تصویب پیشنهادی که دارای بار مالی برای شهرداری است ضرورتاً می بایست با کسب نظر شهرداری و تأمین بار مالی ناشی از آن صورت پذیرد؛ در غیر این صورت مصوبه اجرا ناشدنی و عقیم می ماند.

مرجع تصویب: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری شماره مصوبه: ۲۱۰۱۹
تاریخ تصویب: ۱۳۷۹/۰۹/۲۰ شماره صفحه: ۱۹۹۲
مأخذ: مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹ شماره روزنامه رسمی: ۱۴۴۳۳
تاریخ روزنامه رسمی: ۱۳۸۰/۰۱/۲۲ شماره ابلاغ: ۳۵۱/۷۸۵ و ۳۵۱/۳۵
تاریخ ابلاغ: ۱۳۷۹/۱۱/۱۷
رای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری راجع به ابطال مصوبه جلسه مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۶

شورای عالی شهرسازی و معماری
تاریخ ۱۳۷۹/۹/۲۰ شماره دادنامه: ۲۷۰ و ۲۷۱
کلاس پرونده: ۲۳۵/۷۸ و ۲۵۱
مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکلی: ...

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه جلسه مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۶ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

مقدمه: شکات در دادخواستهای تقدیمی اعلام داشته‌اند، تبصره یک ماده واحده قانون تعیین تکلیف املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷/۹/۲ که مقرر داشته است: «در صورتی که اجرای طرح و تسلک املاک واقع در آن به موجب برنامۀ زمان بندی مصوب حداقل ۱۰ سال بعد موکول شده باشد، مالکین املاک، واقع در طرح از کلیه حقوق مالکانه مانند احداث بنا و تجدیدنسب یا افزایش بنا و تعمیر و فروش و اجاره و رهن و غیره برخوردار نخواهند و در صورتی که کمتر از ۱۰ سال باشد مالک، هنگام اخذ پروانه تعهد می نماید هرگاه زمان اجرای طرح قبل از ده سال شروع شود حق مطالبه هزینه احداث و تجدیدنسب را ندارد.» ملاحظه می فرمایید قانون مذکور برای مالک و بهره‌مندی از کلیه حقوق مالکانه اعم از فروش و یا افزایش بنا و غیره هیچ گونه مشکل و محدودیتی وضع ننموده ولی قرا (۲) مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری که حداکثر زیربنا را برای مالک ۱۵۰ مترمربع و تبصره ۲ مصوبه که تساریک، تسلک، مالک و متقاضی پروانه ساختمان را قبل از ۱۳۶۷/۹/۲۹ وضع نموده با ماهیت و روح قانون و مخصوصاً بهره‌مندی مالک از کلیه حقوق مالکانه اعم از فروش و یا افزایش بنا که در متن ماده واحده آورده متغیر و عملاً مالک را از بهره‌مندی از کلیه حقوق مالکانه محروم می نماید.

استدعا می شود با عنایت به اینکه بند ۳ از ماده ۲ قانون تشکیل شورای عالی شهرسازی و معماری حق اظهار نظر نسبت به پیشنهادها و لوایح شهرسازی و مقررات مربوط به طرحهای جامع شهری را دارد و نه حق تصویب و وضع قانون و مقررات نسبت به ابطال مصوبه مذکور اقدام لازم معمول فرمایند. مدیرکل حقوقی و امور مجلس وزارت مسکن و شهرسازی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۳۰/۲۸۰۰۹ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۷ اعلام داشته‌اند، درخواست ابطال مصوبه جلسه مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۶ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بنا به دلایل مرقوم ذیل درخواست فوق نرود می باشد. عبارت «کلیه حقوق مالکانه» در تبصره یک قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها موجب نقض یا تغییر کاربری املاک نبوده و مالک مختار به احداث، تجدیدنسب یا افزایش بنا و تعمیر و فروش و اجاره و رهن و غیره یا ملحوظ داشتن کاربری مصوب طرح هادی، جامع یا تقصیتی شهر می باشد. عبارت «هرگاه زمان اجرای طرح قبل از ده سال شروع شود حق مطالبه هزینه احداث و تجدیدنسب را ندارد» نیز مؤید همین مطلب است. یعنی بر فرض استفاده از حقوق مالکانه مانند احداث یا تجدیدنسب یا افزایش بنا و تعمیر و فروش و اجاره و رهن و توسط مالک کاربری ملک کماکان به قوت خود باقی است و دستگاه اجرایی ذی ربط اختیار اجرای طرح و تسلک املاک واقع در آن را خواه قبل از ده سال و خواه بعد از ده سال دارد. مع الوصف شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به موجب اختیار بند ۲ ذیل ماده ۲ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱ و به منظور رعایت حال مالکین، بالاخص اشخاصی که قصد استفاده از املاک خود جهت احداث سرپناه را دارند، ضابطه‌ای تسهیل کننده مازاد بر اختیاراتی که قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها، برای مالکین در نظر داشته است مطابق بند ۲ ضوابط شهرسازی و معماری در ارتباط با قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای

دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۷۱/۶/۱۶ اعلام می دارد، «۲- در صورت اعلام نظر دستگاه اجرایی مبنی بر عدم تصمیم به اجرای طرح طرف مدت ۱۸ ماه مقرر در قانون و موکول کردن آن به آینده، خواه قبل یا بعد از ده سال، با انقضای مدت ۱۸ ماه مقرر در قانون در مناطق مسکونی و تجاری اجازه احداث یا تجدیدنسب یا افزایش ساختمان مسکونی یا رعایت ضوابط مربوط به تعداد طبقات و سطح اشغال و تراکم مجاز، حداکثر تا ۱۵۰ مترمربع در کل زیربنا داده می شود» و به منظور سلب امکان سوء استفاده و سوء جویی اقتضای که به موجب پروتئامه های عادی یا مشاعی بعد از تاریخ تصویب قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها سعی در استفاده از مزایای بند ۲ فوق الذکر را دارند، در تبصره ۲ بند ۲ ضوابط مصوب ۱۳۷۱/۶/۱۶ اعلام می دارد «در صورت تعدد مالکین مشاع بر اساس اسناد مالکیت مربوط به قبل از تصویب قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها (۱۳۶۷/۹/۲۹) که هر یک از مالکین احداث یک واحد مسکونی به مساحت حداکثر ۱۵۰ مترمربع اجازه داده می شود، مشروط بر اینکه در مجموع از تراکم ساختمانی مجاز منطقه بیشتر نباشد و ضوابط مربوط به تعداد طبقات و سطح اشغال رعایت شود.» بدیهی است که به رسمیت شناختن مالکیتهای مشاعی بعد از تاریخ فوق موجب نقض غرض از تعیین کاربری برای اراضی یکپارچه نبوده و امکان تسلک و اجرای طرح توسط دستگاههای اجرایی ذی ربط را با خطر و صعوبت مواجه می سازد. همان گونه که ملاحظه می فرمایید، کلیه ضوابط مندرج در مصوبه ۱۳۷۱/۶/۱۶ در راستای وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص تعیین ضوابط و مقررات شهرسازی و برای هماهنگی کردن برنامه های شهرسازی به منظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم بوده و مصوبه مذکور نقضی با روح قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها نداشته است. علی هذا با عنایت به موارد معنونه فوق الذکر درخواست مطروحه فاقد وجهت قانون بوده، رد آن از محضر اعضای هیئت عمومی مورد استدعاست. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره به اتفاق آرا به شرح آتی مبادرت به صدور رای می نماید.

رای هیئت عمومی

تجدید دایره اعمال حقوق مالکانه اشخاص و کاهش قلمرو آن بدون تمسک به حکم قانونگذار جواز قانونی ندارد، بنابراین مصوبه مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۶ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران که استفاده از حقوق مالکانه اشخاص را در اجرای قانون تعیین تکلیف املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷/۹/۲۹ مقید و محدود به ۱۵۰ مترمربع کرده است، خلاف قانون و خارج از حدود صلاحیت شورای عالی مذکور تشخیص می گردد و مصوبه مذکور مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

مرجع تصویب هیئت عمومی دیوان عدالت اداری شناسه مصوبه: ۲۹۸۲۳

تاریخ تصویب: ۱۳۸۱/۰۲/۰۸

ماخذ: روزنامه رسمی کشور شماره روزنامه رسمی: ۱۶۷۰۷۱
تاریخ روزنامه رسمی: ۱۳۸۱/۰۲/۱۹ شماره ابلاغ: ۵۹/۸۰/۵
تاریخ ابلاغ: ۱۳۸۱/۰۲/۲۹ رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری منی بر اینکه احتساب مدت خدمت غیررسمی کارکنان واحدهای دولتی مشمول قانون استخدام کشوری جزو سابقه خدمت رسمی آنان مشروط است به تقاضای مستخدم و پرداخت کسور بازنشستگی

تاریخ: ۱۳۸۱/۲/۸ شماره دادنامه: ۴۱ کلاس پرونده: ۵۹/۸۰

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: ...

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۶ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۷ و ۸ دیوان عدالت اداری

مقدمه: الف - شعبه ششم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۳۳/۷۷ موضوع شکایت آقای حجت‌الله صادقی به طرفیت شرکت پست به خواسته، پرداخت کسور بازنشستگی به شرح دادنامه شماره ۸۲۹ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۱ چنین رأی صادر نموده است: نظر به لایحه جوابیه و با لحاظ دستورالعمل سازمان امور اداری و استخدامی کشور مبنی بر اینکه پرداخت کسور بازنشستگی خدمات غیررسمی مستخدمین دولت و احتساب سنوات مذکور جزء خدمت رسمی موضوع تبصره ۲ ماده ۸۵ قانون استخدام کشوری مستلزم درخواست کتبی مستخدم است و در پرونده پرسنلی شاکی چنین درخواستی ملاحظه نمی‌شود و از ناحیه شاکی دلیلی بر درخواست مذکور و در نتیجه پرداخت کسور بازنشستگی خدمت غیررسمی ملاحظه نمی‌شود، علی‌هذا حکم بر بدلان شکایت شاکی صادر می‌گردد. ب - شعبه دهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۹۲/۷۹ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت شرکت ... سازمان بازنشستگی کل کشور به شرح دادنامه شماره ۱۹۰۴ مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۰ چنین رأی صادر نموده است: شاکی از تاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۱۶ لغایت ۱۳۵۵/۸/۲۲ در استخدام پیمانی بوده و هیچ‌گونه درخواستی از وی منی بر کسور سنوات بازنشستگی در زمان استخدام غیررسمی که مستخدم را در پرداخت و عدم پرداخت آن مخیر کرده ارائه نکرده و با توجه به اینکه در صندوق بازنشستگی وجهی از نامبرده به عنوان کسور بازنشستگی موجود نبوده تا نسبت به انتقال آن تصمیم‌گیری صورت گیرد، شکایت صوجه نیست و رد می‌شود. ج - شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۱۲/۷۷ و ۳۳۳ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت اداره کل ... به خواسته مطالبه کسور بازنشستگی از ابتدای خدمت پیمانی (۱۳۵۰/۷/۱ تا ۱۳۵۲/۱۰/۲۶) استخدام رسمی به شرح دادنامه شماره ۲۰۱ و ۲۰۰ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۸ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه در مدت مورد نظر اقدام به کسور سنوات بازنشستگی و واریز آن به صندوق بازنشستگی نشده و کسور این کسورات در مدت استخدام غیررسمی طبق تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۸۲ قانون استخدام کشوری موقوف به اعلام و تصمیم شاکی بوده

که به علت عدم تقاضای او اقدامی در مورد کسور سنوات مذکور و واریز آن به صندوق بازنشستگی نشده است، و با توجه به دستورالعمل شماره ۳۶ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، لذا اعتراض وارد نبوده و رد می‌شود. د - شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۶۳۳/۷۶ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت اداره ... به خواسته رسیدگی به عدم احتساب ۵ سال مدت خدمت پیمانی نامبرده در موقع بازخریدی و عدم پرداخت وجه مدت مذکور به شرح دادنامه شماره ۱۲۱۷ مورخ ۱۳۷۷/۹/۹ چنین رأی صادر نموده است: به لحاظ اینکه نامبرده در موقع بازخریدی سنوات خدمت رسمی تقاضای منظور نمودن ایام غیررسمی را جهت بازخریدی نموده است و مدرک و مستندی که مجوز احتساب مدت مذکور جزو سنوات خدمت بازخریدی پس از بازخریدی و الزام خواننده به امر مذکور باشد به دیوان تسلیم نموده است، بر خلاف ضوابط و مقررات مربوطه عمل نشده است، لذا حکم بر رد شکایتش صادر می‌گردد. ه - شعبه هشتم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۲۲/۷۷ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت شرکت ... به خواسته منظور نکردن ۵ سال خدمت در آن شرکت به شرح دادنامه شماره ۸۲۲ مورخ ۱۳۷۸/۷/۵ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به لایحه جوابیه از سوی مدیر کل ... که تلویحاً به حق بودن ادعای شاکی را پذیرفته و آن را ناشی از عدم اطلاع مسئول کارگزینی ... و عدم اطلاع مستخدم تلقی کرده است، در این زمینه مسئولیت متوجه کارگزینی سازمان متبوع بوده و به ورود شکایت رأی صادر می‌گردد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ شوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی، و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آرایه شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

به موجب تبصره ۲ ماده ۸۵ لایحه قانونی استخدام کشوری و سایر مقررات مربوط احتساب مدت خدمت غیررسمی کارکنان واحدهای دولتی مشمول این قانون جزو سابقه خدمت رسمی آنان از جهات مقرر و برخوردار از آثار قانونی مترتب بر آن منوط به تقاضای مستخدم و پرداخت کسور بازنشستگی مدت خدمت غیررسمی بنا رعایت شرایط مربوط است. بنا بر این دادنامه‌های صادره منی بر رد شکایت شاکیان به لحاظ عدم پرداخت کسور بازنشستگی ایام خدمت غیررسمی بر اساس ضوابط مقرر موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۷۸/۲/۱ برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف‌آبادی

برای این شماره ماهنامه اسنادی از وضعیت اداری - مالی بلدیة در لواسطا و اواخر دوران پهلوی اول انتخاب شده‌اند. آنچه در این اسناد به وضوح دیده می‌شود، نظارت و دخالت تام دربار به منظور اخذ و دولت مرکزی به طور اعم در امور بلدیة است. بلدیة به صورت متمرکز و مبنی بر سیاستهای دولت به سیاستگذاری و اداره امور شهر می‌پرداخت و بودجه بلدیة عمدتاً مصرف خدمات شهری می‌گردید. امور فرهنگی و تفریحیهای جلب مشارکت مردم در اداره شهر جایگاهی در سیاستگذار بهای بلدیة نداشت. به هر حال، بلدیة ایستاد تصامیمای دولت مرکزی بود و سیاستهای آن منعکس کننده سیاستهای کلان دولت به شمار می‌رفت.



نمبر ۱۵۳۳ ضمیمه
متن مذاکرات مجلس شورای ملی در خصوص مخارج دفتری بلدیةها.

وزارت مالیه

اداره: سرویس بودجه

دایره:

وزارت جلیله داخله

سرقوسه نمبره ۱۵۱۳۳ مورخه ۱۳۰۸/۸/۲۸ متضمن سواد مذاکرات مجلس شورای ملی در جلسه ۱۳-۸ راجع به مخارج دفتری بلدیةها زیر وصول داد جواباً توجه آن وزارت خارجه را به مراتب ذیل معطوفه لولاً: در قانون مصوبه دوازدهم خرداد ۱۳۰۸ مقررات مخارج دفتری از عشر عایدات بلدیة هر محل نمایند نه مخارج پرسنل؛ ثانیاً حقوق مأمورین تنظیف و مخارج روشنایی بلدی غیر از حقوق مدیر تنظیمات جزو مخارج دفتری شناخته نشده و بودجه بلدیةها به منطبق قانون مذکور اعلام آن تشخیص و به تصویب این قسمت رایس از گذشتن بودجهها نمی‌توان تسدیق و عملی نمود. در خاتمه چنانچه وزارت جلیله داخلی عقیده دارند که فقط حقوق اعضای میزینین بایستی در عایدات باشد ممکن است لایحه تنظیم و تبصره اول از قانون مصوبه دوازدهم خرداد ۱۳۰۸ را که به دفتری تصویب شده اصلاح فرمایند.

[حاشیه راست: ایناورید حضوراً مذاکره شود. ۱۳۰۸/۹/۱۰]

متن اصلاحیه بودجه شهرداری تهران در سال ۱۳۱۸ شمسی

به تاریخ ۹/۱۰/۱۳۱۸

شماره ۱۱۲۳۲

بیوست

نخست وزیر

ریاست دفتر مخصوص

در خصوص اصلاح بودجه شهرداری تهران موقعی که افتخار شرفیابی در بندر شاه حاصل بود مراتب را شانه‌ها به عرض پیشگاه مبارک رسانید.

لینک صورت جزء آن حسب الامر تقدیم و به عرض می‌رساند که شهرداری تهران برای برنایه‌ای که در دست عمل دارد احتیاج به اصلاحاتی در بودجه مصوبه خود دارد که خلاصه آن به شرح زیر به عرض می‌رسد:

اصلاحات و هزینه

(۱) برای خرید کساخت و نوشتن اقرار جهت کارهای اداری و چاپ بلیت اتوبوس که به واسطه افزایش درآمد مورد احتیاج است

۲۲۰۰۰۰ ریال

(۲) برای پرداخت بهای خانه‌هایی که در خیابان شاه رضا جزء گذر شده

۱۳۰۰۰۰ ریال

(۳) کمک به آسایشگاه سلولین

۵۰۰۰۰ ریال

(۴) خرید کامیون برای حمل گوشت و کارهای ساختمانی و تعویض کامیونهای اسفند و خرید بنزین و یدگی

۱۰۸۵۰۰۰ ریال

(۵) مال الاجاره اماکن همگانی و محله‌هایی که برای حوالج شهرداری اجاره شده جهت وصول درآمد

۲۰۰۰۰۰ ریال

(۶) دستمزد و اضافه کار باأمورین اتوبوس رانی به منظور ازدیاد درآمد

۴۰۰۰۰ ریال

(۷) افزایش اعتبارات ساختمانی (از قبیل اسفالت خیابانهای اطراف ایستگاه راه آهن و خیابان شاهرضا و جاده تجریش که اعتبار در بودجه مصوب منظور نشده)

۱۸۳۶/۳۲۲ ریال

جمع اضافه اعتبار و هزینه ۳/۵۶۱/۳۲۲ ریال

برای تأمین این افزایش شهرداری چندین فیل تقاضای وام کرده بود ولی بنده موافقت نکرده سعی شد که از بعضی هزینه‌ها از قبیل حقوق کارمندان و غیره کسر شود و در درآمد شهرداری تجدیدنظر و به مالوزی که استعداد دارد پیش بینی شود.

سیر تحول قانون شهرداری در ایران، و نقایص عمده موجود در آن

فصل اله هاشمی



بخش اول - مراحل عمده تغییرات قانون شهرداری
سیر تحول تغییرات قانون شهرداری در ایران را می توان شامل چهار مرحله به شرح زیر دانست:

مرحله اول - تصویب اولین قانون بلده در سال ۱۳۲۵ قمری (۱۳۸۶ شمسی).

مرحله دوم - تغییر کلی قانون بلده در سال ۱۳۰۹.
مرحله سوم - تصویب لایحه قانون شهرداری در سال ۱۳۲۸ و تغییرات آن تا سال ۱۳۳۴.

مرحله چهارم - تغییرات و تحولات عمده از سال ۱۳۳۴ به بعد. اینک به اختصار هر یک از مراحل چهار گانه شرح داده می شوند.

مرحله اول - تصویب اولین قانون بلده

قانون بلده مصوب ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری که مشتمل بر ۱۰۸ ماده و سه مراتب متصل تر از قانون بعدی است، ترجمه و اقتباسی است از قوانین شهرداریهای فرانسه و بلژیک، که تغییراتی جزئی بنامه شرایط خاص ایران در آن داده شده است. قسمتهای اصلی قانون مذکور ترجمه است، ولی شاید به همین علت است که معیارها و مبانی آن به مراتب قوی تر و منطقی تر از قوانین بعدی است که بدون مطالعه و تحقیق و تفحص نسبت به معیارهای مورد عمل شهرداریهای سایر کشورها تدوین گردیده و به تصویب رسیده است.

درست است که تقلید بدون تصرف از دیگر کشورها پسندیده نیست ولی ناپسندیده تر آن است که کشوری که تمام یا تقریباً تمام پیشرفتهای خود را مدیون استفاده از راه و روش علمی دیگران است، در دنیایی که هیچ کشوری بی نیاز از استفاده از تجارب دیگران نیست، آن هم در یکی از مسائل بسیار مهم، تعصب به خرج دهد و نخواهد از راه‌های تجربی شده در کشورهای متمدن استفاده کند. این موضوع باید همواره مورد توجه دولتمردان مآقرار گیرد.

پاره‌ای از مسائل مهم که در اولین قانون و اصلاحات بعدی آن - که تا سال ۱۳۰۹ به تصویب رسید - ملحوظ گردیده است، عبارتند از:

- ۱- هدفها و وظایف اصلی و عمده شهرداری به تفصیل در ۱۰ مورد، در فصل اول بیان گردیده، و از جمله به اختیارات شهرداری در نظم دادن به گذر بندی و حفاظت از معابر و املاک عمومی و اراضی بایز شهر و مجاور آن در قبال متجاوزان تأکید شده است.
- ۲- انجمن شهر و شهرداری را یک مجموعه (به نام هیئت بلده) معرفی می کند و دارای شخصیت حقوقی واحد می داند. این موضوعی است که در اکثر قوانین بعدی، منحل گشته شد، و ابهامات زیادی را موجب گردیده است.
- ۳- وظایف و اختیارات انجمن و کیفیت آثاره جلسات و تنظیم دستور جلسات آن با صراحت تعیین و مقرر شده است.
- ۴- به انجمن اختیار داده شده است که برای تصمیم گیری در امور مختلف شهر، کمیسیونها و کمیته‌های اجرایی تشکیل دهد و

اختیارات لازم را به هر یک از آنها تفویض کند.

مرحله دوم - قانون بلده سال ۱۳۰۹

قانون بلده مصوب اردی بهشت ماه ۱۳۰۹ که فقط مشتمل بر ۶ ماده و ماده هفتم آن مبنی بر اعمای تمام قوانین قبلی است، در زمانی از تصویب گذشته است که اصل بر قدرت مطلقه پادشاه و دولت مرکزی و حکام ایالات و ولایات بوده و به قانون و قانونمندی کمتر اهمیت داده می شده است. به همین جهت است که معیارهای مقرر در آن، از همین اصل تبعیت می کند. پاره‌ای از ضوابط مقرر در قانون مذکور به شرح زیر است:

- ۱- تعیین شهردار به عهده وزارت کشور محول گردیده است.
- ۲- تصویب عوارض برای شهرداری هر محل موکول به پیشنهاد انجمن شهر، موافقت وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران شده است.
- ۳- تصویب بودجه شهرداری موکول به پیشنهاد انجمن شهر و تأیید وزارت کشور است.
- ۴- مقرر گردیده است که ۲ درصد از درآمد شهرداری هر محل در اختیار وزارت کشور قرار گیرد، تا از محل وجوه مذکور حقوق و مزایای مهندسانی که پروژه‌های شهرداریها را طراحی و نظارت

نظامنامه داخلی انجمن بلدی



فصل اول کلیات

ماده اول - بر طبق ماده ۲۱ نظامنامه بلدیة مصوبه کمیسیون پارلمانی داخله مورخه ۶ خرداد ۱۳۰۹ مواد ذیل بعنوان نظامنامه داخلی انجمن بلدی مقرر می‌شود.

ماده دوم - مقر انجمن بلدی شهر ۰۰۰ شهر ۰۰۰ و حدود عملیات آن بر طبق ماده ۲۶ نظامنامه بلدیة محرفه شهر ۰۰۰ خواهد بود.

ماده سوم - رقابف عمومی انجمن بلدی بشرحی است که در مواد ۲۷ و ۲۸ نظامنامه مصوبه کمیسیون پارلمانی داخله ذکر شده

خواهند کرده پرداخت شود.

مرحله سوم - قانون شهرداری ۱۳۲۸ و تحول بعدی آن تا سال ۱۳۳۴

در تیرماه ۱۳۲۸ ماده واحده‌ای به تصویب مجلس رسید که به موجب آن به وزارت کشور اجازه می‌داد لایحه قانون شهرداریها را بنا تصویب دولت از اعضای حاضر کمیسیون کشور برای مدت ۲ سال به عنوان آزمایش به موقع اجرا بگذارد و طی این مدت نقائص آن را رفع و بسرای تصویب مجلس پیشنهاد کند، لکن تا زمانی که لایحه جدید به تصویب نهایی نرسیده است همان لایحه قابل اجرا باشد.

لایحه مذکور تحت عنوان «قانون تشکیل شهرداریها و انجمن شهرها و قصبیات» که با استفاده از دیدگاههای مشورتی کارشناسان و مشاوران امریکایی تهیه شده بود در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۲۸ مشتمل بر ۵۰ ماده به تصویب کمیسیون کشور مجلس رسید و برای اجرا به دولت ابلاغ شد.

نکات عمده این لایحه به قرار زیر است:

۱- تأسیس شهرداری جدید که قبلاً در اختیار وزارت کشور بود، موکول به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران شده است.

۲- تعیین شهردار به طور مطلق از اختیار وزارت کشور خارج گردیده و مقرر شده است که انجمن شهر سه نفر را انتخاب و به وزارت کشور پیشنهاد کند، تا وزارت کشور یک نفر از آنها را منصوب کند.

۳- تعیین میزان حقوق شهردار به عهده انجمن واگذار شده است.

۴- تصویب بودجه شهرداری به انجمن شهر و تأیید انجمن ولایتی (شهرستان) محول شده است.

۵- تصویب عوارض به عهده انجمن شهر واگذار گردیده و در مواردی که متع قانونی دارد منوط به تأیید مجلس شده است.

۶- تصویب آیین‌نامه‌های مورد نیاز شهرداری به عهده انجمن شهر و در موارد مهم به عهده وزارت کشور و تأیید هیئت وزیران واگذار شده است.

لایحه قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۲۸ در سال ۱۳۳۱ بنابه اختیاراتی که به مرحوم دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت داده شده بود، با تغییرات کلی طی ۹۰ ماده به تصویب ایشان رسید و سپس در سال ۱۳۳۴ با پاره‌های تغییرات از تصویب کمیسیون مشترک مجلسین گذشت که در سطور بعد درباره آن توضیح داده می‌شود.

مرحله چهارم - از سال ۱۳۳۴ تا زمان حاضر

همان گونه که اشاره شد، لایحه قانون شهرداری مصوب آبان ماه ۱۳۳۱ مرحوم دکتر مصدق، با تغییراتی که در آن داده شده، طی ۹۵ ماده در تیرماه ۱۳۳۴ به تصویب کمیسیون مشترک کشور مجلسین رسید.

با اینکه لایحه مذکور جنبه موقت داشته و مقرر بود به تصویب نهایی مجلسین برسد، ولی بدون اینکه این مرحله طی شود به نام «قانون شهرداری» مصطلح شد و هم اکنون در دست اجراست، طی این مدت تغییرات و اصلاحات چندی در آن وارد شده و قوانین مکمل و مواد الحاقی از تصویب گذشته است که در ادامه به پاره‌های از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱- در اسفند ماه ۱۳۲۵ قانون اصلاح پاره‌های از مواد و الحاق چند ماده به قانون شهرداری از تصویب گذشت که به موجب آن ضمن اصلاح پاره‌های از مواد تعداد مواد آن از ۹۵ به ۱۱۲ ماده افزایش یافت.

۲- در آذرماه ۱۳۴۷ قانون نوسازی و عمران شهری که هدف عمده آن برقراری عوارض بر ساختمانها و اراضی واقع در محدوده و حریم شهرها (به نام عوارض نوسازی) بود، در ۲۶ ماده مورد تصویب قرار گرفت و ضمن آن قانون توسعه معابر حلی گردید.

۳- در اسفندماه ۱۳۵۱ قانون تأسیس شوراهای عالی شهرسازی و معماری ایران از تصویب گذشت و به موجب آن امور مربوط به شهرسازی و تهیه و اجرای طرحهای جامع شهری به عهده وزارت مسکن و شهرسازی محول شد.

۴- در سال ۱۳۵۲ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به

وزارت مسکن و شهرداری، مورد تصویب قرار گرفت و به موجب آن ترتیبات تازه تر و دقیق تری درباره وظایف وزارت مسکن و شهرداری، نسبت به امور شهرداری و تهیه و اجرای طرح جامع و تفصیلی شهرها مقرر گردید.

۵- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تاکنون اقدامات جدی در مورد تهیه و تصویب قانون شوراهای اسلامی و از جمله «قانون تشکلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و انتخاب شهرداران» انجام شد، و هم اکنون قانون شوراهای اسلامی و لایحه و طرح قانونی مجدداً در دست تجدیدنظر برای مطرح شدن در مجلس شورای اسلامی است. در این مدت از سال ۱۳۵۷ به بعد اصلاحات و تغییرات زیادی از پاره‌ای از مواد قانون شهرداری انجام گرفته و تبصره‌هایی به آن اضافه گردیده است.

بخش دوم - نقایض عمده موجود در قانون شهرداری
الف - شفاف نبودن وظایف و اختیارات شورای شهر

وظایف شوراهای اسلامی شهر که در ماده ۷۱ قانون شوراهای مقرر شده است، ۲۹ بند و چند تبصره را در برمی گیرد که در عین مفصل بودن فاقد جامعیت لازم است. این ماده به جای ماده ۴۵ قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴، و معاد آن تقریباً تکرار همان ماده است.

وظایف و اختیاراتی را که علی القاعده می‌تواند به عهده شورای شهر محول گردد، به نحوی که ضمناً جامع و مانع نیز باشد، می‌توان طی ۱۰ بندی به شرح زیر ذکر کرد:

- ۱- انتخاب شهردار و تعیین او.
- ۲- تعیین حسابرس بعد از خرج، به منظور رسیدگی مستمر به فعالیتها و عملیات شهری و اعلام نتیجه به شورای شهر.
- ۳- تعیین و تصویب منابع درآمد شهرداری و تعیین کیفیت تشخیص و وصول آن.
- ۴- سررسوی و تصویب برنامه‌های شهرداری، سازمان پرسنل شهرداری و نهادهای تابع و وابسته به آن، و نیز تصویب بودجه و گزارشهای مالی در طول سال و پایان سال.
- ۵- تصویب معاملات و قراردادهای شهرداری و تعیین حدود اختیارات شهردار و مسئولان ذی‌ربط در امور مذکور.
- ۶- تصویب این نامه‌های مختلف که باید به وسیله شهرداری و سازمانهای تابع و وابسته به آن اجرا شود.
- ۷- تصویب مقررات مربوط به حسن اداره امور شهر و تأمین بهداشت و رفاه و زیبایی و حفاظت از شهر.
- ۸- تصویب طرحهای توسعه آینده و توساری و بهسازی و سامان‌دهی وضع موجود شهر.
- ۹- تصویب مقررات مربوط به کنترل ساختمان و فعالیتهای ساختمانی و شهرسازی.
- ۱۰- نظارت بر حسن اداره امور شهر در کلیه زمینه‌ها، اعم از اینکه اجرایی آنها مستقیماً به عهده شهرداری باشد یا سازمان دیگر عمومی دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری.

ب - انحلال شورای شهر

اگرچه در اصل ۱۰۶ قانون اساسی، انحلال شورای شهر «در صورت انحراف از وظایف قانونی» مقرر گردیده و ترتیب انجام آن موکول به قانون عادی شده است، و نیز «قانون شوراهای شهری» از قانون اساسی (ماده ۷۹ تا ۸۲) به ترتیب رسیدگی به تخلفات» اختصاص داده شده است، ولی اساساً انحلال شوراهای هر دلیل که باشد کار دوستی نیست.

تصمیمات شوراهای شهر در جلسات رسمی و با رأی اکثریت

اعضا اتخاذ می‌شوند؛ به همین خاطر نمی‌توان شوراهای متهم به انحراف از وظایف قانونی کرد و این را متخلف و مستوجب انحلال دانست.

هر گاه تصمیمات و مصوبات شورای شهر مخالف موازین قانونی باشد، دیوان عدالت اداری می‌تواند - و باید - آن را لغو کند و اگر عضوی از اعضای شورای امر تکمیل تخلف یا سوء استفاده شود دادگاههای عمومی مجاز به تعقیب، محاکمه و جزایات او هستند. بنابراین انحلال شورا که مجازاتی جمعی محسوب می‌شود، شایسته و منطقی نیست و به اعتبار و احترام شورا و مردمی که آنها را انتخاب کرده‌اند نطمه وارد می‌سازد.

ج - دوره خدمت شهردار

دوره خدمت

دوره خدمت شهردار در هر شهر ۳۰ روز است و در صورت استعفا یا مرگ در وقت تمام مدت است.

با تصویب شورای شهر و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت

در صورتیکه شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

۱- دوره کارکردی شهردار

۱- دوره کارکردی شهردار در وقت تمام مدت است.

۲- دوره کارکردی شهردار در وقت تمام مدت است.

۳- دوره کارکردی شهردار در وقت تمام مدت است.

۴- دوره کارکردی شهردار در وقت تمام مدت است.

۵- دوره کارکردی شهردار در وقت تمام مدت است.

اصول و ضوابط شهرداری در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

تکمیل خدمت شهردار در وقت تمام مدت است و در صورتیکه شورای شهر در وقت تمام مدت است.

سازمان ملی انتخابات
 IRAN NATIONAL ELECTIONS

و برگزاری انتخابات شورای شورای جدید شهردار باید بتواند همچنان به کار خود ادامه دهد، همان طور که سایر اقدامات و مصوبات شورای شهر نیز با خاتمه دوره عمل آن معسرند و تا زمانی که تغییر داده نشدند اجرای آنها ادامه پیدا می کند.

د - جانشینی شورای شهر

یکی از اشکالاتی که همواره موجب انحلال و عدم تشکیل انجمنهای شهر در گذشته گردیده موضوع جانشینی استاندار و وزارت کشور به استناد ماده ۲۲ قانون شهرداری بوده است؛ چرا که اساساً بسیاری از مأموران وزارت کشور در مرکز و شهرستانها ترجیح می دهند شورای شهر وجود نداشته باشد تا بتوانند بیشتر اعمال قدرت کنند اکنون نیز ماده ۸۵ قانون شوراها تقریباً

برگزاری انتخابات مجدد عهدمدار باشند امر کمک خواهد کرد که بعضی از مأموران و مسئولان مربوط در وزارت کشور و استاندارها و فرماندارها نتوانند به آسانی اقدام به انحلال شورای شهر کنند.

ه - پراگندگی امور شهر در نهادهای مختلف دولتی

درست است که بسیاری از امور عمومی محلی، از قبیل تأسیسات آب، فاضلاب، برق، گاز، کتابخانه های عمومی، موزه ها، اتوبوسرانی و حمل و نقل شهری و همچنین بخش عمده ای از امور بهداشتی، فرهنگی، رفاهی و تعاونی، که در سایر کشورها جزء وظایف شهرداری است، در کشور ما زیر نظر شهرداری نیست و به وسیله دولت مرکزی و شعب تابع آن در استانها و شهرستانها اداره می شود، ولی چون کلیه امور محلی باید با یکدیگر هماهنگی و همسویی داشته باشند، لذا بهتر است شهرداری به عنوان نهاد هماهنگ کننده آنها تعیین شود و این وظیفه به شهرداری محول گردد و در قانون شهرداری نیز به آن تصریح شود.

مفهوم اصل ۱۰۲ قانون اساسی این است که شورای شهر مجاز به تصمیم گیری و برقراری ضابطه در کلیه امور محلی و شهری است، خواه اجرای آنها به عهده شهرداری باشد و خواه سایر سازمانهای عهده دار خدمات عمومی محلی؛ و این موضوع باید در قانون شهرداری تصریح شود.

و - وحدت شخصیت حقوقی شورای شهر و شهرداری

اساساً در محاورات و مکاتبات در کشورهای پیشرفته جهان و در مراکز علمی و دانشگاهی، «شهر» و «شهرداری» در مفهوم واحدی به کار برده می شود. مثلاً در زبان انگلیسی کلمه "City" که معنی رایج آن «شهر» است، در مفهوم «شهرداری» نیز استعمال می شود. در این مورد آن نهادی که دارای شخصیت حقوقی (حقوق عمومی) است همانا «شهر» است و شهرداری نیز واقع نهاد اعمال کننده این شخصیت حقوقی است و شهردار نیز به عنوان مدیر اجرایی شهرداری شخصیت حقوقی آن را اعمال می کند. لذا تردیدی نیست که شهرداری و شورای شهر جمعاً دارای یک شخصیت حقوقی اند، همان طور که قوه مقننه یک کشور نیز شخصیت حقوقی مجزا از قوه مجریه نیست.

ز - خودداری شورای شهر از تصمیم گیری بدون نظر خواهی از شهردار

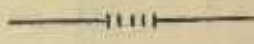
از شورای شهر نباید انتظار داشت که رأساً و بدون اینکه موضوعی از طرف نهادهای اجرایی ذی ربط مورد مطالعه کارشناسی قرار گرفته باشد، و هماهنگی آن با سایر امور شهر بررسی گردیده و به وسیله شهردار پیشنهاد شده باشد، اقدام به تصمیم گیری و صدور مصوبه کند.

در این مورد حتی اگر یک یا چند نفر از اعضای شورای شهر - یا شهروندان صاحب نظر - ضرورت صدور مصوبه ای را به شورا پیشنهاد کنند، شورا باید آن را قبل از رایزنی به شهردار ارجاع دهد و از او بخواهد تا مطالعه دقیق کارشناسی درباره موضوع انجام گیرد و نتیجه آن همراه با اظهار نظر صریح مدیر اجرایی مربوط و شخص شهردار به شورا پیشنهاد شود.

در واقع روشن دادن طرح به وسیله اعضای قوه مقننه، به جای لایحه قانونی به وسیله دولت و قوه مجریه که در بعضی از کشورها رایج است، در مورد شهرداریها قابل الگو گیری نیست و در هر مورد مطالعه کارشناسی و هماهنگی ساختن امور مختلف با یکدیگر ضرورت کلی خواهد داشت.

۱۰۰۰۰۰۰۰

وزارت داخله



قانون بلدیه مورخه ۳۰ اردی بیشت ماه

و نظامنامه مصوبه ۶ خرداد ماه ۱۳۰۹



مطبعه مطبعی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
IRAN NATIONAL ARCHIVES

جایگزین ماده ۲۲ قانون شهرداری گردیده است.

وجود ماده ۲۲ در گذشته موجب می شد که در بسیاری از موارد برای انحلال انجمن شهر زمینه سازی گردد، بهانه های مختلف برای انحلال آنها فراهم آید و برای تشکیل مجدد آنها نیز تعطل شود. اکنون هم اگر چه در ماده ۸۲ قانون شوراها مقرر گردیده است که انتخابات مجدد برای تشکیل شورا ظرف ۳ ماه بعد از انحلال انجام شود، ولی در ماده ۸۴ که وزارت کشور عملاً این امکان داده شده است که به بهانه «فراهم نبودن موجبات»، سالها انتخابات مجدد را برگزار نکند.

راه حلی که برای رفع این اشکال به نظر می رسد، این است که مقرر گردد در نبودن شورای شهر هیئتی مرکب از تعدادی از رؤسای سازمانهای دولتی محل که وظایف آنها مرتبط با امور محلی و شهری است به اضافه تعدادی از معتمدان شهر به انتخاب رؤسای سازمانهای مذکور، وظیفه جانشینی شورای شهر را تا

شهرها نه فقط محل سکونت، که - پیش از آن - محل کار و فعالیت اند!

گفت‌وگو با بهروز ندایی
شهردار گرمی
محمد سالاری راد



تفاوتی نمی‌کند که بحث شهر ۳۰ هزار نفری گرمی در میان باشد، یا شهر ۲۵۰ هزار نفری اردبیل، یا حتی شهر هفت میلیونی تهران. گرچه اکنون شهرها به واقعیت اصلی جامعه و محل اسکان بیش از ۶۰ درصد از جمعیت بدل شده‌اند، اما در هر سطحی باز هم می‌توان این تعریف را تکرار کرد که شهرها محل تبدیل و فراوری کالاها، تبادل کالاها، ارائه خدمات و البته اسکان جمعیت وابسته به این فعالیتهاست که حیطه عمل آنها نه تنها به درون شهر بلکه به کلیه فعالیت‌های حوزه نفوذشان نیز

تسری می‌یابد. این برای شهر گرمی، حیطه‌ای در حد شهرستان مغان است، برای شهر اردبیل حیطه‌ای در حد استان اردبیل، و برای تهران حیطه‌ای در حد کشور. تصمیم‌گیری برای هر کدام از این شهرها، تأثیری جدی بر زندگی و معیشت حوزه نفوذ آنها می‌گذارد. شهرها محل تمرکز سرمایه‌اند و به این دلیل مدیریت اقتصادی مجموعه پیرامونی‌شان را برعهده دارند. اگر شهری از هر کدام این وظایف سر باز زند، فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌ها و نیروی انسانی از گرد او می‌گریزند. آن‌گاه شهر از حرارت زندگی تهی می‌شود، و لوانکه خانه‌های کافی برای سکونت شهروندان سابق داشته باشد.

شهرها فقط محل سکونت و ارائه خدمات به شهروندان نیستند. آنها علاوه بر آن و پیش از آن، محل کار و فعالیت و زندگی به شمار می‌آیند.

این دیدگاه را در گفت‌وگو با بهروز ندایی، شهردار شهر گرمی، پی می‌گیریم.

شهر گرمی از با سابقه‌ترین شهرهای استان اردبیل و مرکز شهرستان مغان است. این شهر مرز مشترکی به طول ۷۵ کیلومتر با جمهوری آذربایجان دارد. بستر آن کوهستانی، و دارای چشم‌اندازهای زیبا و طبیعی دیدنی است. جمعیت این شهر در سال ۱۳۷۵ برابر با ۲۸۱۶۶ نفر بود و طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۷۵ با نرخ رشد ۲/۳۵ درصد افزایش یافته است.



محل توقف بازارچه مرزی شهر، که شهریار برای مسائلی به فعالان بازارگاهی نامیسن کرده است

● آقای شهردار، شهرها را از دیدگاه شما چگونه می‌توان تعریف کرد؟

○ البته، شهرها محل سکونت شهروندان هستند؛ اما هنگامی که شهرها شکل می‌گیرند، مجموعه‌ای از خدمات و فعالیت‌های اقتصادی را در خود متمرکز می‌کنند. به دلیل نبود این خدمات و فعالیت‌ها در مناطق پیرامونی، جمعیت آن مناطق برای استفاده از آنها به شهر روی می‌آورند. بنابراین، شهر به محل تبادل کالا و دریافت خدمات برای جمعیت خود و محدوده پیرامونی‌اش تبدیل می‌شود.

● این تعریف برای شهر گرمی چگونه مصداق می‌یابد؟

○ شهر گرمی، مرکز شهرستان مغان است. این شهرستان دارای جمعیت روستایی زیاد با فعالیت غالب زراعت و دامپروری است. روستاییان کالاها را تولید می‌کنند و خود را در این شهر می‌فروشند؛ و زندگی شهر نیز از گردش اقتصادی حاصل از همین فعالیت‌ها شکل می‌گیرد.

● آیا رکود و رونق فعالیت‌های کشاورزی در این شهر مشهود است؟

○ بله، هنگامی که روستاییان برای مبادلات کالاها و فروش محصولاتشان به شهر می‌آیند، زندگی شهر رونقی دیگر می‌یابد. به دلیل اینکه کشاورزی در اینجا به طرز عمده‌ای است، مقدار بازتولدی تأثیر زیادی در میزان محصول دارد. همین امر در رونق اقتصاد شهر نیز مشهود است. سال گذشته، که خشکسالی بود شهر دچار رکود شدیدی شد. امسال به وضوح می‌توان تأثیر بارندگی را در زندگی شهر مشاهده کرد.

● آیا این نوسانات اقتصادی محیط پیرامونی شهر در

درآمدهای شهرداری انعکاس می‌یابد؟

○ البته، ما از همین طریق می‌توانیم شرایط اقتصادی شهر را



نمای شهر و تندیس علامه سمع تقی جعفری



محل احداث شهرک صنعتی شهر که شهر داری ساخت آن را بهینه گرفته است

شهر گرمی تولید می‌شود؟

- خیر، بازرگانان این محصولات را از جاهای دیگر و از جمله از کشت و صنعت دشت مغان خریداری می‌کنند
- با توجه به اینکه نمی‌توان (لااقل در شرایط کنونی) بر اقتصاد مرزی و مبادله با جمهوری آذربایجان امید بست، چه فکری برای ایجاد شرایط به نسبت پایدار اقتصادی کرده‌اید؟

- من معتقدم شهرهایی همچون گرمی به تنهایی نمی‌توانند سر بیاورند و باید با اعتبارات دولتی به کمک آنها شتافت.
- آیا با این اعتبارات می‌توان شرایط پایدار اقتصادی ایجاد کرد؟ وظیفه شهرداری برای ثبات زندگی شهری چیست؟
- شهرداری کوشش زیادی برای ایجاد شرایط مناسب زندگی کرده است. این نهاد علاوه بر ارائه خدمات شهری، بازار چغای مرزی ایجاد کرده و بجز آن، شهرکی را با وسعت ۱۷ هکتار برای کارگاههای تولیدی تیار کرده است. در این میان از اعتبارات مقام رهبری و اعتبارات استانی نیز کمک گرفته شده است و از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی نیز دعوت به عمل آمده که به گرمی بیایند و از این شهرک استفاده کنند.

تاکنون چه کسانی از این طرح استقبال کرده‌اند؟

- تاکنون دو سرمایه‌گذار بخش خصوصی از این طرح استقبال کرده‌اند. یکی از آنها قصد ایجاد کارگاه تولید لوازم بدکی موتورسیکلت و دیگری لوازم بدکی ماشین آلات کشاورزی را دارد. این شهرک اکنون در حال احداث است و نیازمند اعتبارات بیشتر و استقبال سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است. ما از شهروندان متصل گومی که این شهر را ترک کرده‌اند دعوت می‌کنیم که برای پیشرفت شهرشان به این شهر بیایند و در اینجا سرمایه‌گذاری کنند.

فاصله این شهرک با شهر گرمی چقدر است؟

- این شهرک حدود ۱۵ کیلومتری شمال شهر گرمی واقع شده است.

آیا این فاصله، امکان موفقیت طرح را کاهش نمی‌دهد؟

- ما معتقد بودیم که این شهرک هر چه نزدیک‌تر به شهر باشد، استقبال بیشتری از آن می‌شود. اما به هر حال انتخاب محل کنونی حاصل تصمیم‌گیری برخی مدیران شهرستان و استان و همچنین محدودیتهای طبیعی و ملکی بود.

درک کنیم. مثلاً در یکی دو سال گذشته به دلیل خشکسالی، فعالیتها کاهش یافت و ما به وضوح شاهد کاهش جمعیت بودیم. اما امسال می‌توان افزایش جمعیت را مشاهده کرد. برآوردها نشان می‌دهد که این جمعیت به مرز ۳۰ هزار نفر نزدیک شده است - که بیش از جمعیت سرشماری سال ۷۵ است. ناگفته نماند که این افزایش متأثر از افزایش امکانات شهری مثل لوله‌کشی گاز و تأمین آب آشامیدنی هم هست.

مطابق آمارهای سالهای گذشته، جمعیت شهر گرمی رو به افزایش داشته است. به نظر شما دلیل این افزایش چه بوده است؟

- شهر گرمی از شهرهای سابقه‌دار است و پیش از آنکه پارس آباد و بیله‌سوار به موقعیت کنونی دست یابند، این شهر مرکزیت وسیعی داشته است. این شهر تا دوران خاصی اولین پله برای مهاجران روستایی به شغزار می‌رفت. در سالهای پس از جنگ و با استقلال جمهوری آذربایجان یکباره فعالیتهای تجاری برون مرزی رونق یافت و بر اثر آن شهر موجودی پیدا کرد و بسیاری از شهروندان درآمدی کسب کردند. اما به دلیل امتناع جمهوری آذربایجان از تداوم مبادلات مرزی، این فعالیتها کاهش یافت و موجودیت شهر وابسته به فعالیتهای کشاورزی شد.

اکنون مبادلات مرزی شما چگونه است؟

- با نبود فعالیتهای گرمی و به رسمیت نشناختن مبادلات مرزی، قاچاق کالا شکل می‌گیرد. بسیاری از کالاها به صورت قاچاقی به این سو می‌آیند. اما ما کوشش کرده‌ایم با احداث بازار چغای کوچک به این فعالیتها رسمیت بدهیم.

این بازار چه را شهرداری ایجاد کرده است؟

- بله، شهرداری مکانی موقت را با ۴۰ غرفه در اختیار متقاضیان قرار داده است که در آن پوشاک، لوازم آرایش و وسایل خانگی ساخت کشورهای آسیای شرقی فروخته می‌شود. با احداث این مکان حدود ۴۰ فرصت شغلی ایجاد شده است.

آیا بازرگانان ایرانی کالایی به آذربایجان صادر می‌کنند؟

- کالاهای صادراتی ما بیشتر محصولات کشاورزی به صورت خام یا کنسرو شده است. کم و بیش برخی از محصولات داخلی مثل شوینده‌ها نیز صادر می‌شود. البته آنها کمتر خواهان این کالاهای هستند و بیشتر به مبادله ارز با کالا علاقه دارند. شاید یکی از مشکلات مبادلات مرزی ما همین باشد.
- آیا این محصولات کنسرو شده در شهرستان مغان و

دیدگاهی جدید در برنامه‌ریزی استفاده از سرزمین

گفت‌وگو با احمد رضا یآوری
ناصر بوک‌پور

احمد رضا یآوری، متولد ۱۳۳۵ تهران، فارغ‌التحصیل اکولوژی گیاهی از دانشگاه کالیفرنیا در دیرویی (UC Davis) (۱۹۷۸) و دارای مدرک دکتری از دانشگاه علوم گرونیول در فرانسه (۱۹۹۵) است. وی هم‌اکنون مدیر گروه برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست و استادیار دانشکده محیط‌زیست دانشگاه تهران است.



هر گونه برنامه‌ریزی توسعه شهری - و در مقیاسی وسیع‌تر، برنامه‌ریزی استفاده از سرزمین - ناگزیر باید بر اساس توانها و ظرفیتهای محیط طبیعی صورت گیرد. اما تا چندی پیش دیدگاه اکوسیستمی غالب، بیش از آن که به شناخت واقعی سرزمین دست یابد، واقعیتها را تغییر می‌داد و به تفکیک انسان و طبیعت منجر می‌شد.

دیدگاههای جدید امکان برنامه‌ریزی هماهنگ و هم‌جهت با روندهای طبیعی را میسر می‌سازند و ضریب پایداری توسعه را افزایش می‌دهند.

● مفهوم توسعه پایدار از اواخر دهه ۱۹۸۰ به میان آمد و به سرعت گسترش یافت. به نظر شما چه زمینه‌ای موجب شکل‌گیری و گسترش این مفهوم شد؟

نیاز به توسعه پایدار در گذشته چندان ضروری نبود، چون تعداد جمعیت و فعالیتها و کار برپایه نحوی نبود که مسئله‌ساز بشود. اما رشد جمعیت و زندگی مرفه انسان جدید موجب تخریبهایی در طبیعت شد که نیاز به پایداری توسعه را به وجود آورد. با مطرح شدن توسعه پایدار، نیاز به روشهای تحلیلی جدید برای تشریح و ارزیابی وضعیت محیط زیست به وجود آمد. زیرا روشهای قبلی که فقط مبتنی بر دیدگاه اکوسیستمی بود نمی‌توانست پاسخگو باشد. به همین دلیل در سالهای اخیر روش جدیدی که بر تحلیل لنداسکیپ یا سرزمین استوار است رواج یافته است.

● نقاط ضعف دیدگاه قبلی چیست؟

تحلیل اکوسیستمی، انسان و طبیعت را جدا از هم می‌بیند و این دورا در مقابل هم قرار می‌دهد. این در واقع همان طرز فکر اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ است که بر مبنای آن انسان، طبیعت را چیزی در مقابل خود می‌بیند و به بررسی و تحلیل آن می‌پردازد، اما خودش را جزئی از آن نمی‌داند. این دیدگاه طبیعت را خرد می‌کند و کوچک‌ترین واحدها را اکوسیستم می‌نامد. در این حالت، اکوسیستم یک واحد زیستی است که بخشی از آن فیزیکی و بخش دیگر زیستی است. این دو با هم فعل و انفعال دارند و اکوسیستم را به یک واحد خود پسنده اکولوژی یک تبدیل می‌کنند. ولی انسان که وارد طبیعت می‌شود با دخالتهایی که در آن می‌کند، آن را به چیزی بدل می‌سازد که دیگر ته اکوسیستم است و نه

چیزی مصنوع و انسان ساخته. بدین ترتیب این نتیجه به دست آمد که تحلیل صحیح نباید فاصله‌ای بین انسان و طبیعت ایجاد کند. انسان خودش بخشی از طبیعت است و با آن منطبق اکوسیستمی نمی‌تواند هم به بررسی طبیعت بپردازد و هم آن را برنامه‌ریزی و مدیریت کند، در حالی که خود جزئی از آن است.

● آن دیدگاه در عمل به چه چیزی منجر می‌شود؟

نهایت آن دیدگاه این است که شما باید لااقل از بخشهایی از طبیعت محافظت کنید ولی باز آن محافظت از حالت پویایی طبیعی بیرون می‌آید و شکلی مصنوعی به خود می‌گیرد - مثل اینکه انسان بخواهد دور طبیعت دیوار بکشد و مواظب آن باشد. در صورتی که انسان خودش بخشی از طبیعت است، وقتی انسان به عیان می‌آید، با ارتباطاتی که بین اکوسیستم‌ها برقرار می‌کند موضوع پیچیده‌تر می‌شود و تحلیل اکوسیستمی دیگر جواب نمی‌دهد. این گونه بود که برای تحلیل موضوع چند نظر به مطرح شد، که یکی از آنها نظریه عمومی سیستم‌ها بود. طبق این نظریه، همه چیزها با یکدیگر ربط دارند و یک سیستم را تشکیل می‌دهند، و هر سیستم نیز از زیرسیستم‌هایی تشکیل شده است، و نظیر آن، نظریه دیگر، تحلیل سلسله مراتبی طبیعت بود. بر اساس آن، موجودات زنده با هم یک اکوسیستم، و اکوسیستم‌ها نیز با هم یک بیوم را تشکیل می‌دهند. علاوه بر اینها، مفهوم لنداسکیپ یا سرزمین به میان آمد. این مفهوم مجموعه‌ای از اکوسیستم‌های مربوط به هم است که یک واحد مستقل را، به صورتی که انسان آن را می‌بیند، تشکیل می‌دهد.

● نقش مناطق شهری در این طبقه‌بندیها چگونه است؟

شهر هم در واقع به عنوان یک لنداسکیپ و بخشی از طبیعت تلقی می‌شود که انسان در آن قرار گرفته است. اشکال عمده دیدگاه جدید، پیچیدگی آن بود. مسئله این بود که انسان چگونه باید یک لنداسکیپ را که خودش هم جزئی از آن است مطالعه کند، بشناسد و اداره کند. اما این مشکل هم با استفاده از منطقی که در تجزیه و تحلیل سیستمی وجود داشت حل شد. در تحلیل سیستمی، مثلاً کشاورزی لازم نیست دانشمند باشد و خاک و گیاهان مزرعه‌ای را دقیقاً بشناسد تا بتواند آن را اداره کند. همچنین به عنوان مثال، پیش‌تر عقیده بر این بود که هر بخش یک کارخانه باید بهینه کار کند تا کل کارخانه بهینه کار کند. بعد چنین گفته شد که هدف، بهینه بودن کل کارکرد کارخانه است، حتی اگر بخشهایی از آن زیر بهینه کار کنند. بر اساس این منطق، برای اداره یک لنداسکیپ یا فضای که انسان هم جزو آن است و پیچیده‌تر از فضای اکوسیستمی است، لازم نیست که همه چیز را بدانیم. گاهی است اطلاعات مرتبط با هدف را داشته باشیم تا بتوانیم آن را - لااقل از این نظر - اداره کنیم. یعنی در واقع کاری به اجزای آن نداریم، بلکه کل آن را می‌بینیم. بنابراین حفاظت از تک تک اکوسیستم‌ها و بهینه بودن وضعیت هر یک از آنها مطرح نیست بلکه کلیت اکوسیستم‌ها اهمیت دارد.



آنها معلوم نیستند و به چشم نمی آید. مثلاً راهروهای خایه‌خا شدن سگس، زنبور یا موش در شهر رویت نمی گردند و تا وقتی روی نقشه تایید شناخته نمی شوند، برخی از راهروها هم مثل جریان آب آشکار است. راهروها در واقع ارتباط بین فراجمیتهای و یا از بنام بین منشأ و مقصد را برقرار می کنند. در مورد راهروها این نکته نیز بسیار شده است: گره راهروهای طبیعی، اصل و زیربنای هر هنداسکیپ شهری اند. اگر راهروهای مصنوعی - مانند خیابانها و جادهها - طوری ساخته شوند که راهروهای طبیعی را از بین ببرند در واقع زیربنای پاینداری شهر از بین می رود. بنابراین حفاظت از راهروهای طبیعی و انطباق راهروهای مصنوعی با آنها از اصول پایداری توسعه شهری است.

● آیا دیدگاه هنداسکیپی یا تحلیل سرزمین از نظریه به عمل تبدیل شده است؟

○ در مقیاس شهری یا به طور کلی؟

● فرقی نمی کند، ولی بیشتر منظور مقیاس شهری است.
 ○ به طور کلی که الان در دنیا تمام پارکها و محیطهای طبیعی به همین صورت اداره می شود. آن دیدگاه قبلی به هم خورده است. امروزه دیگر دریافته اند این روش غلط است که پارک ملی درست کنند و خط محدوده پارک را بدون توجه به فراجمیتهای و منشأ و مقصد تعیین کنند، اکنون می دانند که محدوده پارک باید به نحوی باشد که کل جمعیت را در برگیرد نه اینکه یک بخش در داخل پارک و بخش دیگر بیرون از پارک باشد. در این صورت حفاظت بی معنی است.

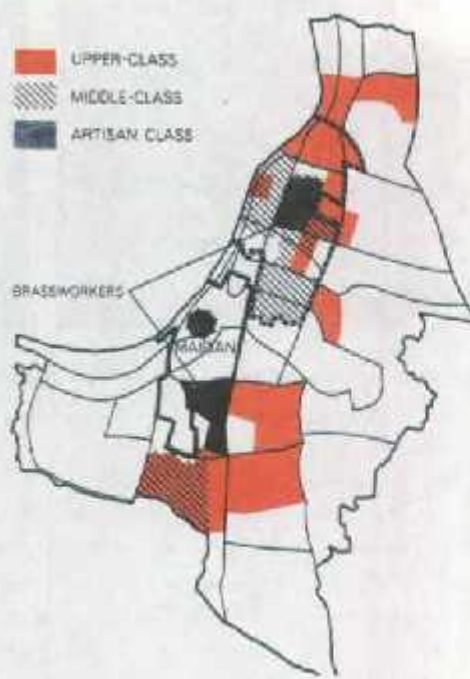
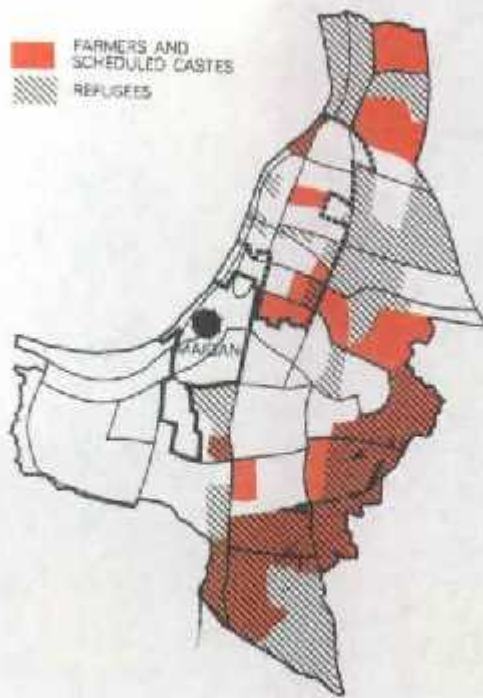
در مقیاس شهری هم در اروپا این بحثها کاملاً جا افتاده است. در برنامه ریزی شهرها می گویند تمام راهروهای طبیعی، مثل مسیر رودخانه ها، باید حفظ شود و راهروهای مصنوعی با آنها انطباق یابد. در شهرهایی که جدید ساخته می شود این موضوع حتماً رعایت می گردد. در شهرهای قدیمی هم به تدریج این انطباق ایجاد می شود. امروزه حتی بعد از سطح هنداسکیپ، صحبت از سطح دیگری است که کل دنیا را در بر می گیرد. مثلاً شهر برلین سیاستهای برنامه ریزی اش را با شهر پاریس انطباق می دهد، زیرا اعتقاد بر این است که اینها با هم ربط دارند. مثلاً تاجری که صبح در پاریس بوده است، عصر به برلین می آید و دوباره غروب به پاریس برمی گردد. ساکنان این شهرها به دلیل ارتباطات و رفت و آمدهای سریع در یک فضا زندگی می کنند. همه چیز به سرعت جابه جا می شود، بیمار بهنا منتقل می گردد، پدر گیاهان از این شهر به آن شهر می رود، و خیلی چیزهای دیگر. بنابراین اینها سیاستهای خود را با هم انطباق می دهند. شاید تعاد بین المللی این کار، مبارزه با تخریب تنوع زیستی باشد. الان در فردگاهها این مراقبت به عمل می آید که گونه های گیاهی خارج نشود، یا اینکه با این مراقبتها از شیوع بیماریها در مناطق مختلف جلوگیری می کنند. البته این اقدامات هنوز کاملاً جهانی و فراگیر نشده است.

● وضعیت کنونی را در جامعه خودمان و در نظام

● جدای از تفاوتها، این دیدگاهها چه تأثیری در برنامه ریزی توسعه شهری و محیطی دارند؟

○ در تحلیل اکوسیستمی، ما پدیدهها را جدا از هم و به صورت واحدهای مختلف می بینیم. مثلاً شهر، حومه شهر و طبیعت را از هم جدا می کنیم. در نتیجه نمی توانیم فراجمیتهای آنها را تشخیص دهیم. مثلاً فرض کنید اگر بخواهیم جامعه کلاغها را در شهر مطالعه کنیم نباید کلاغهای شهر را جدا از حومه شهر و باروستا بدانیم. چون مثلاً کلاغهای روستا ممکن است همان جمعیت شهری باشند که جابه جا می شوند یا با هم تولید مثل می کنند. بنابراین نمی شود ارتباط آنها را نادیده گرفت. اما وقتی کل سرزمین دیده می شود این فراجمیتهای را می توان مطالعه کرد. یا مثلاً فراجمیتهای گیاهی یا حیوانی با همه موضوعهایی که پراکنش آنها به گونه های است که در صورت خرد شدن به واحدهای کوچکتر یک تکه از آن دیده می شود اما کل آن را نمی توان تشخیص داد. برخی از ویژگیهای شان دیده نمی شود و به برخی ضرورتهای مدیریتی نیز پاسخ نخواهند داد. موضوع دیگری که در هر برنامه ریزی اهمیت دارد اما در دیدگاه اکوسیستمی نادیده گرفته می شود، شناخت منشأ و مقصد یا تغذیه کننده و مصرف کننده است. در هر سرزمین بخشی وجود دارد که تغذیه کننده است، و همچنین بخشی که مصرف کننده است. مثلاً همان جامعه کلاغها در شهر را - که مثال زدیم - در نظر بگیرید. فرض کنید در جایی از شهر به دلیل آلودگی هوا یا کمبود غذا کلاغها می میرند اما در جای دیگر شهر که غذای خوب دارند رشد می کنند. از این بخش از کلاغها که مرگ و میر کمتر دارد، تعدادی به آن بخش می روند و بدین ترتیب از نابودی کل جمعیت آنها جلوگیری می کنند. اینها با هم ارتباط دارند. مفهوم منشأ و مقصد را در مورد جمعیت انسانها نیز می توان به کار برد. یا در مورد منابع آب نیز همین گونه است. مثلاً فرض کنید در مورد مصرف آب تهران، منشأ ارتباطات البرز و مقصد شهر تهران است. اگر این دو با هم دیده نشوند، برنامه ریزی درست از آب در نمی آید. این رابطه منشأ و مقصد را فقط در واحد سرزمین می توان تشخیص داد. در حالی که در واحدهای اکوسیستمی بخشی از این سیستم حبسته دیده می شوند.

دیگر موضوع مهم علاوه بر فراجمیتهای منشأ و مقصد، همانا گردشورها یا راهروهای ارتباطی است. این موضوع نیز در دیدگاه جدید هنداسکیپی مطرح می گردد و مستقیماً بر نحوه برنامه ریزی تأثیر می گذارد. در واقع هر هنداسکیپ یا سرزمین از یک بستر با لکه هایی از موضوع مطالعه تشکیل می شود. به عنوان مثال می توان به لکه های گازبری مسکونی در بستر سرزمین شهر تهران اشاره کرد. لکه های متراکم گازبری مسکونی از طریق خیابانها، که همان گردشورها یا راهروهای ارتباطی محسوب می شوند، با هم ارتباط می یابند. راهروها ممکن است مصنوعی یا طبیعی باشند. از جمله راهروهای طبیعی می توان از جریان هوا و جریان آب نام برد. برخی از راهروها دیده می شوند، ولی برخی از



لنداسکینی است، چون دانش بومی و اطلاعات محلی روستاییان برای یادداری همان سرزمین شکل گرفته بود و روستاییان از روی تجربه و به اجبار، فراجمعیتها و منشأ و مقصد را در مقیاس سرزمین (همان مقیاس و پرسینکبو انسانی) درک و اداره می کردند. مثلاً کوچ یا جابهجاییهای فصلی، استفاده از راهروهای طبیعی و پرچینها در کشاورزی و نظایر اینها، چیزهایی است که در فرهنگ ما وجود داشته است، منتها در دوره ای که دید اکوسیستمی و تکنوکراتیک شکل گرفت، دانش بومی دست کم گرفته شد؛ در حالی که امروزه این درک به وجود آمده که خود نظامی سرزمین و نگاهی که انسان و طبیعت را بسا هم می بیند در دانش تجربی و محلی ما وجود داشته است.

در محیطهای شهری ما هم نمونه های خوبی در این زمینه وجود دارد مثلاً در شهر یزد می دانستند چگونه آب را از اطراف به داخل شهر انتقال دهند؛ یعنی در واقع ارتباط بین منشأ و مقصد را به خوبی برقرار می کردند؛ یا با شناسایی راهروهای جریان هوا از بادگیر برای خنک کردن استفاده می کردند؛ به این ترتیب در شرایط کویری که امکان زندگی بسیار دشوار است، فرهنگ برای استفاده از جریان هوا و گردش آب شکل گرفته است؛ یکی از دلایلی که سازمان ملل تا بدین حد بر دانش بومی و میراث فرهنگی تأکید می کند، همین است.

● پرسش دیگری ندارم، اگر نکته ای هست بفرمایید.

○ کشور ما کوهستانی و خشک است، اگر فقط به نمونه آب در کشورمان توجه کرد، اهمیت دیدگاه جدید لنداسکینی روشن می شود. بخش عمده منابع آب مورد نیاز مادر بالای کوه است و مصرف آن در دشت صورت می گیرد. هفتاد درصد آب ما از بارش برف است. بنابراین یک منشأ در کوه وجود دارد و یک مقصد در دشت، و راهروهایی هم در وسط وجود دارند که این آب را پایین می آورند. اگر بخواهیم آب را درست مصرف کنیم هم باید در منشأ آن چیزی داری کنیم، هم در مقصد بهره برداری درست صورت گیرد و هم ارتباط بین این دو را به شکلی صحیح نگاه داریم. یعنی ارتباطات لنداسکینی باید به خوبی مدنظر قرار گیرد. در مورد پوشش گیاهی و شبکه فضای سبز نیز همین طور است. این نگاه باید در برنامه ریزی شهری و محلی ما حاکم شود.

● با سپاس از شما.

برنامه ریزی ما چگونه می بینید؟

○ وضعیت توسعه شهری ما بسیار متفاوت است، مثال روشن این قضیه همین دره های شمال تهران است. شما فرض کنید اگر این دره ها و مسیر طبیعی رودخانه با درختکاری و فضاهای باز اطراف آنها تا وسط شهر ادامه می یافت، چه قدر زیبا می شد. آن وقت می توانستید در دل شهر در کنار یک مسیر طبیعی که دو طرف آن سبز شده است راه بروید. جریان خنک هوای نیز به راحتی از کوه به داخل شهر انتقال می یافت. اگر این راهروهای طبیعی را در شهر حفظ می کردیم، امروزه شرایط دیگری می داشتیم. ولی متأسفانه همان بالای بالادره را هم تنگ کردند، مسیر جریان هوا و آب را تنگ کردند و دو طرف آن را ساختمان ساخته اند. فقط جاهایی هم ممکن است سه چهار اسطوخ درخت کاشته باشند، یعنی در واقع ما راهروهای طبیعی شهر را به هم زدیم.

بر اساس منطق جدید شبکه ها مطرح می کردند و باید پوشش گیاهی موجود در ارتفاعات را تا درون دشت آورد. فضاهای سبز بالادست تا بدین دست نیز باید با هم ارتباط داشته باشند. فضای سبز در صورتی باید باقی می ماند که شبکه فضای سبز به وجود بیاید؛ در صورتی که الان این گونه نیست. فضاهای سبز شهری تکه تکه و پراکنده اند و هر کدام از آنها به زور نگه داشته شده اند. اگر بین آنها ارتباط برقرار گردد جریان هوا، تنوع زیستی، گرده افشانی، و همه این گونه موارد باعث پایداری فضای سبز می شود. اگر شبکه فضای سبز را با شبکه آبهای زیرزمینی تطبیق دهیم، یعنی در خزان را در جاهایی بکاریم که روی آبهای زیرزمینی نسبتاً سطحی باشند، به آبیاری کمتری نیاز خواهند داشت و این نیز میزان پایداری فضای سبز را افزایش می دهد.

● در جامعه حرفه ای یا دانشگاهی چه کارهایی هماهنگ با دیدگاه جدید انجام شده است؟

○ خوشبختانه کارشناسان محیط زیست ما با مفاهیم دیدگاههای جدید آشنا هستند. در دانشگاه هم مطالعاتی در زمینه شبکه فضای سبز و بیوت های شهری صورت گرفته اما خیلی محدود است. در حالی که زمینه تجربی و تاریخی برای پذیرش مفاهیم جدید در کشور ما وجود دارد. دانش بومی و سنتی ما به خصوص در محیطهای روستایی، اساساً منطق بر دیدگاه

شوراها و مقابله با بیکاری وظیفه یا اختیار؟

سعید سفیری
کارشناس علوم ارتباطات

بیکاری در کشور ما در مرز نگران کننده‌ای قرار گرفته است؛ در مرزی که هیچ مدیریتی نمی‌تواند از کنار آن به سادگی بگذرد. این گزارش در پی بیان دلایل این مشکل نیست، بلکه این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا مدیریت شهری می‌تواند در حل این مشکل بزرگ اقدامی کند. یا باید آن را فراموش کند و با تأکید بر این جمله که «وظیفه من نیست» خود را از هر

گونه پاسخگویی فارغ

سازد؟ آیا مدیریت شهری می‌تواند در حل مشکل بیکاری که بر فضای زندگی اجتماعی شهر سنگینی می‌کند، دخالت کند؟ آیا دخالت در این کار، وظیفه اوست؟ چه راهکارهایی

برای حل مشکل از طرف مدیریت شهری می‌توان اتخاذ کرد؟ اینها سؤالی اصلی تهیه این گزارش، در گفت‌وگو با صاحب‌نظران بوده است. بیکاری واقعیت دردناک زندگی شهرهای ماست و در گوشه و کنار آنها می‌توان آثار آن را یافت. به همین خاطر است که مدیریت شهری - و هیچ مدیریت دیگری - در جامعه نمی‌تواند به آن نظری نداشته باشد.



M. Youkhamniafi

آیا دخالت در حل معضل بیکاری وظیفه شهرداری است؟

محمد شریف، حقوق دان، در پاسخ به این سؤال چنین می‌گوید: اشتغال یک حق عمومی است؛ حق عمومی به این معنا که افراد بشر همان طور که باید از حق آزادی بهره‌مند باشند، از حق اشتغال نیز باید بهره‌مند گردند. به همین دلیل در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به ویژه در منشور جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی، از اشتغال به عنوان «حق» نام برده شده است. در قوانین اساسی بیشتر کشورها نیز در بخشی که به حقوق ملت اختصاص دارد، دولت مکلف شده است با توجه به استعدادهای و ویژگیها و تمایلات

افراد، برای آنان شغل مناسب ایجاد کند. این موضوع در اصل ۲۸ قانون اساسی ما هم دیده شده است. در پاراگراف اول این اصل چنین آمده است: «هر کس حق دارد، شغلی را که مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوقی دیگران نیست، برگزیند.» اصل ۲۸ در فصل سوم قانون اساسی است که سرفصل آن حقوق ملت است.

در پاراگراف دوم همین اصل چنین تصریح شده است: «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» به این ترتیب، دولت مکلف است برای مردم شغل ایجاد

کند. منظور از دولت نیز کل حاکمیت است، نه فقط قوه مجریه. نتیجه اینکه حق اشتغال یک حق عمومی است، و این حق تکلیفی را متوجه حاکمیت می‌کند. برخلاف کشورهای فدرال که در آنها سرزمین قطعه قطعه و حاکمیت چند پارچه است، در کشور ما که تک بافت است، این حق در پهنه سرزمین گسترده می‌شود.

این حقوقدان وظیفه شهرداری را در رفع مشکل بیکاری، این گونه تشریح می‌کند: «با تفکیکی که بین کشورهای تک بافت و چند پارچه پدید آوردم، تلاش می‌کنم که تکلیف شهرداریها - و به تبع آن شوراهای - را مشخص کنم. چون کشور ما تک بافت است دولت محلی و حاکمیت ایالتی ندارد. شوراهای در واقع حکام محلی نیستند که دولت مرکزی نتواند اختیارات آنها را کم یا زیاد کند. قوه مقننه که در مرکز مستقر است، صلاحیت دارد اختیارات شوراهای را افزایش یا کاهش دهد. بدین ترتیب حق موضوع اصل ۲۸ متوجه شهرداریها و شوراهای نیست. بنابراین، حقوق عمومی ملت متوجه حاکمیت است، این یک اصل است.»

شریف در مواجهه به این سؤال که آیا شوراهای و شهرداریها استعداد و توانی برای ایجاد اشتغال در سطح محلی دارند، اظهار داشت: «شهرداریها نهادهای عمومی‌اند، و تفاوت نهادهای عمومی با نهادهای حکومتی نیز روشن است. نهادهای عمومی عهده‌دار

شوراهای می‌توانند به هنگام تصویب بودجه سالانه شهرداریها، به گونه‌ای عمل کنند که هزینه کردن بودجه ناشی از گرفتن عوارض در شهر، اشتغال‌زایی داشته باشد.

انجام تکالیف ملی نیستند. اما با این حال واقعیت این است که شهرداریها عوارض از مردم می‌گیرند و با گرفتن این عوارض اقداماتی در شهر انجام می‌دهند. شهرداریها با انجام این اقدامات به طور غیرمستقیم در امر اشتغال دخالت دارند. بنابراین شوراهای می‌توانند به هنگام تصویب بودجه سالانه شهرداریها، به گونه‌ای عمل کنند که هزینه کردن بودجه ناشی از گرفتن عوارض در شهر، اشتغال‌زایی داشته باشد. منتها این تکلیف نیست، بلکه نوعی سیاست‌گذاری است که شوراهای می‌توانند مصلحت شهر را این گونه تشخیص دهند؛ اما اگر چنین عمل نکنند هیچ تکلیفی متوجه آنها نیست.»

این حقوقدان فقط یک مورد اشتغال‌زایی را به طور قانونی وظیفه شهرداری می‌داند و آن ایجاد اشتغال برای متکدیان است؛ در قانون شهرداریها در بند ۵، ماده ۵۵ وظایفی بر عهده شهرداریها گذاشته شده است، همچون واداشتن گدایان به کار و جلوگیری از گدایی. در بند ۱۶ همین ماده یکی از وظایف شهرداری، تعیین مقررات صنفی و پیشنهاد آن به شورا برای تصویب است. بند ۲۰ همین ماده مقابله با صنایع مزاحم را مطرح می‌سازد. در تبصره یک بند ۲۶ همین ماده، راجع به تعیین سقف عوارض برای کالاهای صادراتی سخن به میان آمده است. هنگامی که شهرداری می‌خواهد بر اساس بودجه تصویبی

اشتغال یک حق عمومی است؛ حق عمومی به این معنا که افراد بشر همان طور که باید از حق آزادی بهره‌مند باشند، از حق اشتغال نیز باید بهره‌مند گردند.

شورا به وظایف خود عمل کند، آشکارا در وضعیت اقتصادی شهر و ایجاد اشتغال در محدوده شهر مؤثر خواهد بود. البته باید توجه داشت که این تأثیر منوط به سیاست‌گذاریهای شورا و چگونگی تصویب قانون بوده است و نه نوعی تکلیف.»

محمد شریف اقدام به اشتغال زایی و کمک به رفع بیکاری را در منافات با وظایف شهرداری نمی‌داند. او معتقد است وقتی که مشکل اصلی یک شهر بی‌خانمانی شهروندان و یا بیکاری آنان باشد، در آن شرایط این مسئله برای شهرداریها حکم نوعی تکلیف را پیدا می‌کند. «اگر مشکل اصلی اجتماعی یک شهر بیکاری باشد، بدیهی است که شوراهای به عنوان نهادهای سیاست‌گذاری محلی باید به این معضل بپردازند و مقابله با آن برای شهرداریها به صورت تکلیف درمی‌آید؛ البته نه تکلیف عمومی بلکه تکلیفی در سطح محلی.»

چرا مدیریت شهری در حل مشکل بیکاری باید دخالت کند؟

مرتضی لطفی، عضو شورای اسلامی شهر تهران، در پاسخ به این سؤال چنین می‌گوید: «نوع مدیریت شهری ایجاب می‌کند که شهرداری در همه امور مربوط به اداره شهر دخالت کند. مجموعه شهری اساساً در محیطی جغرافیایی با جمعیتی مشخص شکل

اگر مشکل اصلی اجتماعی یک شهر بیکاری باشد، بدیهی است که شوراهای به عنوان نهادهای سیاست‌گذاری محلی باید به این معضل بپردازند

می‌گیرد به طوری که همه امور مربوط به زندگی اجتماعی در هم تنیده‌اند، و با هم ارتباط دارند. اما متأسفانه با تأخیری که در تشکیل شوراهای شهرپس از انقلاب رخ داد، وظایفی که در قانون اساسی برای شوراهای در نظر گرفته شده بود به آنها داده نشد. شوراهای شهر در ایران، در واقع شوراهای شهرداری هستند؛ در حالی که در اکثر کشورهای که شورا در آنها وجود دارد، همه امور شهری و اداره آن در دست شورا است.»

مهدی تقوی، دکتر در اقتصاد و استاد دانشگاه، در مورد بحث اشتغال و پرداختن مدیریت شهری به آن می‌گوید: «حل مشکل اشتغال در کشور نیازمند عزم ملی است. همه باید با نگاه مثبت در حل آن کمک کنند. این نیازمند آن است که ما خود را از دولت جدا ندانیم.»

در زمان حاضر میزان سرمایه‌گذاری در کشور ما نسبت به دیگر کشورهای پیشرفته بسیار ناچیز است. میزان سرمایه‌گذاری در ایران را می‌توان با کشورهای فقیر آفریقایی و آسیایی مقایسه کرد. در عین حال آمارها نشان از آن دارند که ما با خروج سرمایه مواجه هستیم. در کشور ما به دلیل متکی بودن به درآمدهای نفتی، هرگز به درآمدهای ناشی از ارزش افزوده کار نیروی انسانی توجه کافی نشده است. مجموعه این عوامل بحران اشتغال را در کشور ما به وجود آورده است.»

هنگامی که شهرداری می‌خواهد بر اساس بودجه تصویب شورا به وظایف خود عمل کند، آشکارا در وضعیت اقتصادی شهر و ایجاد اشتغال در محدوده شهر مؤثر خواهد بود

ارتباط ساخت و ساز در شهر با اشتغال انکارناشدنی است. مدیریت شهری نباید طوری عمل کند که ساخت و ساز محدود شود

چه راهکارهایی برای حل مشکل بیکاری از طرف مدیریت شهری می‌تواند اتخاذ شود؟

تقریباً تمام صاحب‌نظران بر این عقیده هستند که در شرایط فعلی، شهرداری باید در امر اشتغال وارد شود، و در تدوین سیاستهای خود به این موضوع توجه کند. اما چطور؟

مرتضی لطفی در این زمینه می‌گوید: «ارتباط ساخت و ساز در شهر با اشتغال انکارناشدنی است. مدیریت شهری نباید طوری عمل کند که ساخت و ساز محدود شود. شوراها می‌توانند از این منظر به توسعه اشتغال در ساخت و نماز، که خود بیش از صدنوع شغل به آن وابسته است، کمک کنند. همیشه بخش عمده اشتغال در جامعه از گردش سرمایه‌گذاری مردم در بخشهای مختلف تأمین می‌شود. هدایت و راهبرد این سرمایه‌گذارها، عموماً متأثر از سیاستهای راهبردی مدیریت شهری است. مدیریت شهری می‌تواند با سیاستهای انقباضی، عرصه را برای ورود مشاغل جدید به بازار محدود کند و با سیاست درست زمینه‌فعلیتهای جدید را فراهم سازد. ساماندهی مشاغل و صنوف از وظایف اصلی شهرداری است. شهرداری یا می‌تواند به ساماندهی آنها بپردازد، و یا آنها را تعطیل کند.»

این عضو شورای شهر تهران با ارائه نمونه‌ای از سنگبری‌های غرب تهران می‌گوید: «اجتماع سنگبری‌ها در غرب تهران مشکلات بسیاری را پدید آورده است. حال شهرداری یا می‌تواند آنها را تعطیل کند، و یا با ساماندهی آنها در یک بازار، مشخصاً زمینه گسترش و صادرات سنگ را فراهم سازد. این اقدامات تفاوت در تصمیمات شهرداری و تأثیر آنها بر اشتغال را روشن می‌کند.»

طولانی شدن خواب سرمایه، به هدر رفتن
بودجه‌های عمومی شهر را در پی دارد. به تبع
این امر در سالهای آینده کمتر در زمینه عمرانی
سرمایه‌گذاری می‌شود. همین خود باعث می‌شود
که نیروی کار در ساخت و ساز طرحهای
عمرانی با بیکاری مواجه گردد

دکتر تقوی، اقتصاددان، در باره راهکارهای مدیریت شهری برای افزایش اشتغال، می‌گوید: «شهرداری هرچه به بودجه عمرانی خود بیفزاید، می‌تواند به طور مستقیم در این کار دخالت کند. اما اجرای طرحهای عمرانی باید با دقت انجام شود. طرحهایی باید به اجرا در آیند که منطبق با نیازهای روز و آینده جامعه باشند. نباید بودجه را به هدر داد. باید دقیق عمل کرد و کار واقعی پدید آورد، نه کار کاغذی. در این زمینه باید بخش خصوصی را که می‌تواند با سازمانهای عمومی و دولتی مرتبط باشد تقویت کرد. اقتصاد ایران شبیه به گاوی شده است که همه می‌خواهند آن را بدوشند، اما کسی حاضر نیست به آن علف بدهد. مدیریت شهری باید در اجرای طرحهای عمرانی بازده سرمایه تقاضا و هزینه‌ها را محاسبه کند. مدیریت کشور ما، در انتخاب سرمایه‌گذارها بی‌دقت است. وقتی طرحها بدون محاسبه اجرا می‌شود، این تصور در مردم پدید می‌آید که مدیریت شهری در کارهای پیمانی خود بدون حساب و کتاب

مدیریت شهری می‌تواند با سیاستهای انقباضی،
عرصه را برای ورود مشاغل جدید به بازار
محدود کند و با سیاست درست زمینه‌فعلیتهای
جدید را فراهم سازد

عمل می‌کند و شاید در جست‌وجوی منافع دیگری است. بی‌اعتمادی مردم به مدیریت شهری چه بسا مشکلات فراوان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را برای همگان پدید آورد.»

اینها نظر متخصصان و صاحب‌نظران بود. هر یک از ایشان با توجه به تجربه و دانش خود به مواردی اشاره کردند. اما واقعاً هیچ کس نمی‌تواند تأثیرگذاری مدیریت شهری را بر مسئله بیکاری در شهر نادیده بگیرد. هرگونه اقدام مدیریت، به خصوص در زمینه عمرانی، می‌تواند تأثیری بر اشتغال داشته باشد. به تعویق افتادن طرحهای عمرانی و طولانی شدن خواب سرمایه، به هدر رفتن بودجه‌های عمومی شهر را در پی دارد. به تبع این امر در سالهای آینده کمتر در زمینه عمرانی سرمایه‌گذاری می‌شود. همین خود باعث می‌شود که نیروی کار در ساخت و ساز طرحهای عمرانی با بیکاری مواجه گردد.

شهری که در آن آمار بیکاران بیش از شاغلان باشد، شهری امن نخواهد بود. چنین شهرزی حتی با داشتن کالبدی قوی و اصولی، شهری سالم و اصولی برای زندگی نخواهد بود.

دولت و شوراها در ایران

حسین شفیعی

دکتر در علوم سیاسی

شود. ایدئولوژی انقلاب مشروطه لیبرالی بود اما دینامیسم قدرت سیاسی به دلایل ساختاری و تاریخی به سوی قدرت مطلقه متحول شد. در نتیجه خواستهای عمده انقلاب مشروطه - یعنی حکومت قانون و پارلمان و مشارکت آزاد گروهها در زندگی سیاسی - غیرقابل اجرا شدند^(۱). عقلانیت بوروکراتیک که لازمه بسط قدرت دولت مرکزی بود به اقصی نقاط مملکت تشری یافت، اما قانون تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی که به منظور مسانعت از تمرکز قدرت به تصویب رسیده بود عقیم ماند. فرایند انبساط اقتدار دولت مرکزی و انقراض نهادهای معنی از جمله انجمنها، و تبدیل آن نهادها به رشته معتمد و مشروعیت بخش قدرت دولتی، تجربه‌ای بود که با تکوین دولت مدرن در ایران آغاز شد. سازمانهای محلی از جمله انجمنها، «همچون غریبه‌ای کوشیده‌اند تا در میان نهادهای انتصابی جایی برای خود بیابند و بر کل نظام سیاسی و اداری تأثیر بگذارند؛ اما همواره با مقاومت کلیت ساختار سیاسی - اداری که متمرکز طراحی شده است روبرو گردیده‌اند»^(۲). تصور رایج در سطوح مختلف حاکمیت مرکزی این بوده است که نهادهای محلی

توضیح و تبیین زمینه‌های تاریخی حوادث بعد از خرداد ۱۳۷۶ که در عرضهای متعدد از جمله تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا به ثمر نشست، موضوعی در خور تأمل در جامعه‌شناسی سیاسی ایران است. در مورد نهادهای میهن‌جاننده مدنی همچون شوراها در ایران، تفاوت‌های متعددی صورت گرفته است. از لایحی این گونه تفاوتها، سزائی که می‌شود مطرح کرد این است که زمینه‌های تأسیس شوراها در ایران از کدامین مولفه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متأثر شده‌اند. پدیده‌ی آنتی که هر کدام از این مولفه‌ها که بر شکل‌گیری شوراها سنگینی کند و پررنگ‌تر نماید، جهت‌گیری و سمت و سوی شوراها نیز دیگرگون خواهد شد.

پیشینه شوراها در ایران به انقلاب مشروطه برمی‌گردد. هدف اصلی انقلاب مشروطه تبدیل قدرت سیاسی خودکامه به قدرت مقید به قانون بود. بر این اساس انقلاب مشروطه مقدمه تکوین ساخت دولت مدرن در ایران بود و انتظار می‌رفت که مشارکت سیاسی یا نهادینگی سیاسی و ایجاد و بسط نهادهای دموکراتیک از مجاری پارلمان، احزاب، شوراها، مجامع و گروه‌بندیهای اجتماعی نهادینه



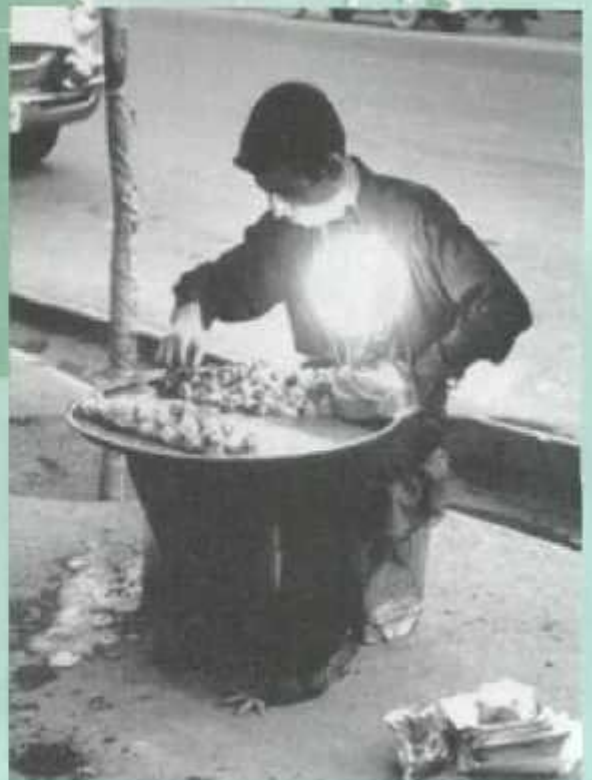
مانند انجمنها و شوراهای «موجوداتی مبهم، مزاحم و در دسر ساز تلقی کنند». بر این اساس است که در عمل نیز می‌توان مشاهده کرد که «این سازمانها با وجود تصریحات قانونی تشکیل نمی‌شوند؛ یا مدتی پس از تشکیل، چون نمی‌توانند تقاضاهای جوامع محلی را برآورده کنند از یلدا می‌روند» (۳). دوران سلطنت رضاشاه و نحوه رویارویی نظام سیاسی متمرکز با نهادها و سازمانهای محلی، مثال خوبی از روند عقیم شدن و ناکار آمدن این نهادهاست. به رغم حیات صوری انجمنهای بلدی، این انجمنها بخشی از حاکمیت دولت مرکزی - گونه حاکمیت محلی - بودند و در امتداد بوروکراسی دولتی محسوب می‌شدند.

با سقوط ناپسنگام دولت رضاشاه، انتظار می‌رفت که فصل تازه‌ای در حیات سیاسی ایرانیان آغاز شود. دوران پرتلاطم دهه اول سلطنت محمدرضا پهلوی مملو از کشمکشها و منازعات سیاسی بود که ریشه در سرکوب و اختناق سیاسی دوران قبل داشت. منازعات به حدی بود که دموکراسی دچار بحران و بن‌بست شده بود. نیروهای سیاسی اپوزیسیون در موضعی برتر قرار نه‌شستند که بتوانند یکدیگر را خنثی سازند و یکی بر دیگری مسلط شود. در چارچوب تعادل نیروهای سیاسی بود که دولت نویی محمدرضا شاه به راحتی

توانست کودتای ۲۸ مرداد را به انجام برساند. دوران بعد از کودتا سرآغاز تثبیت رژیم سیاسی اقتدارگرای بوروکراتیک بود که در قالب برنامه‌های اصلاحات از بالا به انجام رسید. اصلاحات شبه فاشیستی دهه اول بعد از کودتا، در چارچوب توسعه و گسترش پایگاه اجتماعی هیئت حاکمه، به تحکیم اقتدار دولتی انجامید.

از این دوران به بعد، روند اتساع سیاسی و شکاف فزاینده میان قدرت سیاسی رسمی و قدرت اجتماعی آغاز شد. نهادهای دموکراتیک برگرفته از انقلاب مشروطه یکی پس از دیگری نابود شدند و نهادهای بوروکراتیک جایگزین آنها گردیدند. «به رغم اینکه قانون اساسی مشروطه ضرورت تشکیل شوراهای استان و شهرستان را در نظر گرفته بود، و چنین شوراهایی سرانجام در دوران مورد بحث تشکیل شدند، اما با توجه به ساخت قدرت مستقر، در عمل این شوراهای هیچ گونه قدرت واقعی نداشتند و تغییری در قاعده کلی تمرکز و تعیین انتصابات از مرکز ایجاد نکردند. مسئله عدم تمرکز اداری هیچ گونه تناسبی با ساخت قدرت مستقر نداشت. در واقع دولت پهلوی به منظور ایجاد تمرکز و کنترل مرکزی فزاینده، سازمانهایی موازی و با مسئولیتها و صلاحیتهای متداخل ایجاد می‌کرد» (۴).

بنابراین تشکیل انجمن شهر در دوران پهلوی دوم، و همین‌طور





تشکیل انجمن بلدی در دوران پهلوی اول، منبعث از خواسته‌های دولت مرکزی به منظور اعمال کنترل فزاینده و شهادتیه بود. ماهیت قدرت سیاسی مستقل، مبتنی بر جذب و حل نیروهای سیاسی بود، نه پذیرش و پیرویش آنها. (۵) بر اساس این نگرش بود که دولت در مواقع بحرانی و انسداد مشارکت سیاسی به بسیج توده‌ها متوسل می‌شد و پس از فروکش کردن بحران، آنها را رها می‌ساخت یا مطیع و منقاد می‌کرد.

در سلسله مقالات «شوراها و دولت در ایران» (که از این پس در ماهنامه شهردارها به چاپ می‌رسد) فرایند ارتباط قدرت مرکزی و نهادهای محلی از ابتدای انقلاب مشروطه با اتکا به دیدگاه‌ها و مدارک و اسناد موجود مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. نگاه اولیه به این اسناد، این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که اگر توسعه سیاسی به عنوان نهادمند شدن مشارکت و رقابت سیاسی و روند تدریجی تعامل و نفوذ مستمر قدرت اجتماعی در قدرت سیاسی تلقی گردد، در ایران به دلایل تاریخی و ساختاری چنین اتفاقی نیفتاد و نهادهای محلی مبین قدرت اجتماعی پس از مدت زمانی نسبتاً کوتاه دچار بن بست شدند و در نهایت در معرض فروپاشی قرار گرفتند. بدون تردید، علاوه بر ساختار و ماهیت و همچنین قدرت دولتی، عناصر و عوامل فرهنگی تأثیرگذار بسریویتش درونی این نهادها نیز بر فروپاشی آنها مؤثر بوده‌اند. امید است که بیان این تجربه‌های پرهزینه چراغی قرار آید این نهاد نوپای جامعه مدنی باشد.



پایان

پسندیده: دکتر سید محمد باقر موسوی خراسانی، تهران، آبان ۱۳۸۸، ص ۱۰۰

۱- سید محمد باقر موسوی خراسانی، «تاریخ و تحول در ایران»، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۹۷-۱۰۰

۲- همانجا، ص ۱۰۰

۳- همانجا، ص ۱۰۰

S. W. G. Millen, "Political Organization in Iran: From Dynasty to Political Party", *Journal of the Royal Asiatic Society*, Vol. 23 (New Series), P. 242.



نازیلا مرادی

اشتغال

برداستی تازه از وظایف شورای شهر منجیل

متحمل خسارات جبران ناپذیری شد، اما مسئله به همین جا ختم نشد، چرا که پس از وقوع زلزله و شروع عملیات بازسازی، به یکباره در مدت کوتاهی بخش ساخت و ساز فعال شد. فعالیت این بخش در همان مدت کوتاه برابر با حجم ساخت و ساز در طول ۱۰ سال بود، بنابراین می‌توان تصور کرد که شهر کوچک منجیل و شهرداری آن ناگهان چگونه مهم‌ترین منبع درآمدی خود را که صدور پروانه‌های ساختمانی است از دست دادند.

نکته مهم دیگر اینکه، فعالیت‌های خانه‌سازی و زیرساخت‌های شهری در اقتصاد شهری نقش مهمی ایفا می‌کنند زیرا بخش وسیعی از نیروی کار غیرماهر در بخش مسکن و زیرساخت‌های مرتبط با آن مشغول به کار می‌شود. بنابراین بار کثرت این بخش در شهر منجیل، نیروی کاری که می‌توانست در آن شاغل گردد نیز بدون استفاده باقی ماند.

به رغم وضعیت‌هایی که پیش‌تر ذکر آن رفت، شورای شهر منجیل از تمام توان خود برای حل مشکل بیکاری سود جسته است.

مهم‌ترین راه‌حلی که این شورا برای ایجاد شغل در منجیل اتخاذ کرده، استفاده از شیوه‌هایی است که به طور غیرمستقیم منجر به اشتغال نیروی کار شده است. مهم‌ترین سازوکاری که شورای شهر منجیل برای تحقق این امر از آن سود جسته، عبارت است از ارتباط با نهادهای دولتی، جلب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و گردشگری.

فرایند شهرنشینی امروز نه تنها در اقتصاد شهرها بلکه در اقتصاد ملی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. از سوی دیگر، بیکاری یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که گریبانگیر شهرهای امروزی است. شاید به همین دلیل اشتغال‌زایی و تدوین سازوکارهای مربوط به آن اکنون از مهم‌ترین برنامه‌های دولتها به شمار می‌رود.

این مسئله زمانی اهمیت خود را آشکار می‌کند که بدانیم براساس آمار، در زمان حاضر ۱۰ درصد نیروی کار در شهرها را نیروی کار غیررسمی تشکیل می‌دهد. بدیهی است بی‌ثباتی شغلی مهم‌ترین خصیصه این بخش از نیروی کار شهرها به شمار می‌رود. به همین دلیل نوع تقاضای آنان به دلیل عدم سازمان‌یافتگی به مدیریت شهری منتقل می‌شود.

اما بحث درباره نیروی کار و اشتغال در شهرها خود مقوله مفصلی است. اگرچه براساس قانون، وظیفه اشتغال‌زایی بر عهده مدیریت شهری نیست اما واقعیتی به نام بیکاری در شهرها، مدیریت شهری را بر آن داشته است تا از جایگاه و سازوکارهای قانونی خود به گونه‌ای استفاده کند که به طور غیرمستقیم منجر به ایجاد شغل در شهر گردد.

شورای شهر منجیل با همکاری شهرداری این شهر، از جمله شوراهایی است که گام‌های مثبتی در عرصه اشتغال‌زایی برداشته است.

این در حالی است که پس از وقوع زلزله در گیلان، این شهر

ارتباط با نهادهای دولتی

شهر منجیل برای مهار باد و تبدیل آن به انرژی برق، بیش از هر چیز به توربین بادی نیاز دارد. این اندیشه، نخستین بار در جلسات شورای شهر منجیل پایه گذاری شد. طبق مطالعات اولیه نصب توربین بادی واحداث نیروگاه برق اگر چه مستلزم صرف سرمایه و هزینه هنگفتی بود اما در جذب افراد بیکار و ایجاد اشتغال نیز بسیار تأثیر داشت. شورای شهر منجیل برای رفع این مشکل از تسهیلاتی استفاده خواهد کرد که وزارت کشور و استانداری تحت عنوان وامهای با کارمزد اندک به طرحهای درآمدزا اختصاص می دهند.

شورای شهر منجیل پس از اتخاذ این تصمیم، جلسه ای را با حضور شهروندان در سالن اجتماعات کتابخانه منجیل برگزار کرد. همان گونه که پیش تر نیز ذکر شد، سرمایه گذاری در این پروژه بسیار کلان بود و برای خرید دو دستگاه توربین بادی ۵۵۰ کیلووات باید مبلغی در حدود ۵۶۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان هزینه می شد. در جلسه مذکور شورای شهر و شهرداری منجیل با توجه شهروندان درباره درآمدزایی و اشتغال زایی نیروگاه تولید برق، مسئله فروش سهام با قیمت های پایین را نیز مطرح کردند. به این ترتیب طرح

فعالتهای خانه سازی و زیرساختهای شهری در اقتصاد شهری نقش مهمی ایفا می کنند زیرا بخش وسیعی از نیروی کار غیرماهر در بخش مسکن و زیرساختهای مرتبط با آن مشغول به کار می شود

مهم ترین فایده تأسیس شرکت های تعاونی، اشتغال درصد زیادی از نیروی کار و دریافت تسهیلات ویژه در قالب این شرکتها از سوی وزارت تعاون است

احداث نیروگاه برق در منجیل با استفاده از وام تخصیصی وزارت کشور، فروش سهام و آورده سرمایه شهرداری منجیل به واقعیت نزدیک شد. شهرداری منجیل اندک سرمایه خود را نیز از محل فروش ماشین آلات مستهلک کسب کرده بود. این طرح اکنون در مرحله انعقاد قرارداد با سازمان انرژی اتمی برای خرید توربین ها قرار دارد.

گام مهم دیگر شورای شهر منجیل، تقویت و ایجاد تعاونیها بود. این شورا با مکاتبات و رایزنیهایی که با اداره کل تعاون استان گیلان برقرار کرده، زمینه ایجاد شرکت های تعاونی را در عرصه های مختلف فراهم ساخت. مهم ترین هدف این حرکت جدید شورای شهر منجیل سوق دادن تحصیل کردگان از پشت میز نشینی به سمت کارها و خدمات تولیدی بود. این شورا ضمن دعوت از افرادی که در زمینه های کشاورزی، شیلات، دامپروری و سایر رشته های مرتبط تحصیل کرده بودند، اساسنامه شرکت های تعاونی را در اختیار آنها قرار داد. مهم ترین فایده تأسیس شرکت های تعاونی، اشتغال درصد زیادی از نیروی کار و دریافت تسهیلات ویژه در قالب این شرکتها از سوی وزارت تعاون است.

بر اساس آمار، در زمان حاضر ۴۰ درصد نیروی کار در شهرها را نیروی کار غیررسمی تشکیل می دهد. بدیهی است بی ثباتی شغلی مهم ترین خصیصه این بخش از نیروی کار شهرها به شمار می رود

اگر چه بر اساس قانون، وظیفه اشتغال زایی بر عهده مدیریت شهری نیست اما واقعیتی به نام بیکاری در شهرها، مدیریت شهری را بر آن داشته است تا از جایگاه و سازوکارهای قانونی خود به گونه ای استفاده کند که به طور غیر مستقیم منجر به ایجاد شغل در شهر گردد

شورای شهر منجیل ۷۰۰ نفر از بیکاران شهرشان را شناسایی کردند و فهرست اسامی آنها را به همراه اسناد و مدارک لازم برای دریافت وام به اداره کل کار و امور اجتماعی ارائه کردند

همان گونه که پیداست، مهم‌ترین سازو کاری که شورای شهر منجیل برای تشویق بخش خصوصی یا افراد حقیقی به سرمایه‌گذاری استفاده می‌کند، تخصیص زمین با قیمت پایین به آنهاست. این شورا با استفاده از همین شیوه، اقدامات دیگری نیز انجام داده است. به عنوان مثال، با اختصاص زمین ارزان، اکنون کارخانه تولید قطعات برقی اتومبیل نیز در این شهر فعال شده است. با احداث کارخانه‌های مذکور اکنون درصد زیادی از جوانان بیکار منجیل جذب بازار کار شده‌اند.

گردشگری، برنامه‌های آینده

مفهوم گردشگری همواره با اشتغال و درآمد برای شهر همراه بوده است. شاید به همین دلیل مدیران شهری در منجیل، به رغم مواجهه با بحرانهای مالی، توجه به گردشگری را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود تعریف کرده‌اند. منطقه ییلاقی هرزویل از جمله

ایجاد منطقه‌ای گردشگری با تقویت امکاناتی که به جلب گردشگر در هر منطقه منجر می‌شود، همواره اشتغال بخش عمده‌ای از نیروی کار رسمی و غیررسمی را در پی داشته است

مناطق است که در مجاورت شهر منجیل قرار دارد. این منطقه علاوه بر طبیعت بکر و زیبا، دارای پتانسیل خوبی برای جذب گردشگر است. به همین دلیل به همت شورای شهر و شهرداری منجیل، شرکت توریستی آسمان سرا به عنوان سرمایه‌گذار و بخش خصوصی تأسیس شده است. قرار بر این است که ۴۹ درصد از هزینه این طرح را بخش خصوصی و ۵۱ درصد آن را شهرداری به عهده بگیرد. ناگفته پیداست که ایجاد منطقه‌ای گردشگری یا تقویت امکاناتی که به جلب گردشگر در هر منطقه منجر می‌شود، همواره اشتغال بخش عمده‌ای از نیروی کار رسمی و غیررسمی را در پی داشته است. اقدام مهم دیگر شورای شهر منجیل، رایزنی و مکاتبه با بخش خصوصی و ادارات دولتی به منظور احیای جزیره منجیل به عنوان جزیره‌ای گردشگری است. این جزیره همزمان با احداث سد سپیدرود و در هنگام عملیات خاکبرداری احداث شد. با توجه به فضا سازی مطلوب و درختان زیتون بسیاری که در این جزیره قرار دارد، سرمایه‌گذاری مناسب می‌تواند این جزیره را به منطقه شاخص گردشگری تبدیل کند. با تصویب و پی‌گیری شورای شهر اکنون شهرداری منجیل ساماندهی دیواره ساحل سد سفیدرود را آغاز کرده است. این اقدام پیش درآمد ساماندهی و بازسازی جزیره گردشگری منجیل نیز خواهد بود.

تحقق این امر هدف بزرگ دیگری را نیز دنبال می‌کند، و آن اینکه با تأسیس شرکت‌های تعاونی نوعی تعادل میان درآمدهای راکند و درآمدهایی که از طریق تولید ایجاد می‌شود به وجود می‌آید. حرکت مهم دیگر شورای شهر و شهرداری منجیل در جهت رفع مشکل بیکاری، فراهم آوردن زمینه‌های اختصاص وام اشتغال به آنان است. برای این منظور شورای شهر منجیل ۷۰۰ نفر از بیکاران شهرشان را شناسایی کردند و فهرست اسامی آنها را به همراه اسناد و مدارک لازم برای دریافت وام به اداره کل کار و امور اجتماعی ارائه کردند. بدیهی است از آنجا که وام ۳ میلیون تومانی اشتغال فقط به خرید ابزار آلات تعلق می‌گیرد، این افراد خود به خود وارد چرخه بازار و اشتغال می‌شوند.

مهم‌ترین سازو کاری که شورای شهر منجیل برای تشویق بخش خصوصی یا افراد حقیقی به سرمایه‌گذاری استفاده می‌کند، تخصیص زمین با قیمت پایین به آنهاست

جلب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

امروزه در شهرها هر گونه سرمایه‌گذاری منجر به پیدایش فرصت‌های شغلی می‌شود و تقاضای نیروی کار را افزایش می‌دهد. صرف‌نظر از سرمایه‌گذاری، حتی سپردن خدمات به بخش خصوصی نیز علاوه بر افزایش کیفیت خدمات، موجب ایجاد شغل می‌شود. شناسایی سرمایه‌گذاران بومی از نخستین شیوه‌های جلب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به وسیله شورای شهر منجیل بود. بر این اساس، گفت‌وگو با یکی از سرمایه‌گذاران منجیلی که سالها در تهران به سر می‌برد آغاز شد. نتیجه این گفت‌وگوها این بود که با اختصاص زمین از سوی شورای شهر و شهرداری منجیل، کارخانه تولید موتورسیکلت در منجیل احداث شود. این کارخانه پس از رفت و آمدهای بسیار، همکاری شورا و شهرداری منجیل و حمایت فرمانداری احداث شد و در سال گذشته شروع به کار کرد. در زمان حاضر واحدهای دیگر کارخانه نیز در حال آماده‌سازی است.

اشتغال در شهر:

مفاهیم و تعاریف

محمود پیرآبادی
کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای



این بار می‌خواهیم درباره یکی از موضوعات مهم اجتماعی صحبت کنیم؛ موضوعی که این روزها همه در مورد آن بحث می‌کنند و می‌توان گفت بزرگ‌ترین مشکل جامعه ما محسوب می‌شود: اشتغال یا به بیانی دیگر، بیکاری.

اما قبل از آنکه وارد بحث در این موضوع بشویم، لازم است نکته‌ای را یادآوری کنیم. شاید بگویید که شوراها و شهرداریها مسئول تهیه شغل برای افراد و مبارزه با بیکاری نیستند، و در کشور ما وزارتخانه مستقلی به این کار می‌پردازد و سازمانهای دیگری نیز در این حوزه وظایفی دارند. اما اگر کمی توجه کنیم، می‌بینیم که اشتغال و بیکاری با تأثیرات مثبت و منفی که بر شهر می‌گذرانند، از جمله مسائل شهری‌اند که شوراها و شهرداریها، به عنوان مدیران شهری، باید به آن توجه کنند.

جمعیت هر شهر تابعی از دو عامل اصلی رشد طبیعی (یعنی فزونی زاد و ولد بر مرگ و میر) و مهاجرت (یعنی تغییر محل زندگی افراد از نقطه‌ای به نقطه دیگر) است.

سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال موجب جذب جمعیت می‌شود و جذب جمعیت بر کار بریهای شهری تأثیر می‌گذارد. در چنین زمانی به دلیل افزایش قیمت زمین و اجاره بها، زمینهای کشاورزی اطراف شهرها تبدیل به مناطق مسکونی حاشیه‌نشین می‌شوند و شهر به طور بی‌رویه‌ای گسترش می‌یابد.

گسترده‌گی شهر، خدمات‌رسانی به شهروندان را با مشکل روبرو می‌کند، هزینه‌های جابجایی را در داخل شهرها افزایش

می‌دهد و افزایش هزینه‌های جابجایی - کالا و افراد - خود بر سایر هزینه‌ها تأثیر می‌گذارد.

بیکاری نیز بر شهر اثر دارد. افزایش لشکر بیکاران باعث روی آوردن آنها به کارهای غیر مولد و همچنین مفاسد اجتماعی می‌شود. در شهرها و جوامعی که بیکاران زیادی در آنها وجود دارد، آمار سرقتها، کلاهبرداریها، قتلها، اعتیاد، طلاق و حتی تصادفات رانندگی بالا می‌رود و همه این نابسامانیهای اجتماعی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به وظایف و مسئولیت شهرداریها مربوط می‌شود.

از سوی دیگر، بیکاری ممکن است سبب بروز پدیده‌ای به نام وندالیسم (ویرانگری) شود. تبه‌دستان شهری، حاشیه‌نشینان و بیکاران که در شهرها نمی‌توانند چنان درآمدهای داشته باشند که زندگی بخور و نمیری را برای خود و خانواده‌شان فراهم آورند، وقتی اختلاف زندگی بین خود و شمال شهرنشینان را می‌بینند، دچار نوعی پرخاشگری اجتماعی می‌شوند که بازتاب آن تخریب اموال عمومی است، که بیشتر آن از هزینه‌های شهرداریها تأمین می‌شود.

مبلغان شهری، تأسیسات عمومی، تسهیلات رفاهی و وسایل نقلیه همگانی از این حرکت ضداجتماعی آسیب فراوان می‌بینند. با این مقدمه نسبتاً طولانی آشکار می‌شود که اشتغال و بیکاری برچهره شهر و عملکرد شهرداریها تأثیرات روانی و اجتماعی و اقتصادی فراوانی می‌گذارد. جوانانی که به سن فعالیت می‌رسند و برای اولین بار وارد بازار کار می‌شوند، و افرادی که شغل خود را از دست می‌دهند و به خیل بیکاران می‌پیوندند، از جمله گروههایی اند که تحت تأثیر آثار روانی اشتغال و بیکاری قرار دارند و باید برای آنان چاره اندیشید.

اکنون به تعریف پاره‌ای از مفاهیم اشتغال می‌پردازیم:

اشتغال چیست؟

در بررسی هر موضوعی ابتدا لازم است تعریف درستی از آن ارائه شود. آیا به هر فعالیتی شغل می‌گویند؟ شاغل چه کسی است و بیکار چه کسی؟ برای روشن شدن موضوع بهتر است چند واژه اصلی را تعریف کنیم.

فعالیت اقتصادی یا کار

هر نوع عمل فکری یا بدنی که مطابق قوانین کشور و عرف جامعه غیرمجاز نباشد و برای کسب درآمد (اعم از نقدی یا غیرنقدی) صورت پذیرد و نتیجه آن تولید کالا و یا انجام خدمتی باشد، کار نامیده می‌شود.

شاغل

طبق تعریف مرکز آمار ایران، «کلیه کسانی که در هفت روز گذشته قبل از مراجعه مأمور سرشماری به کاری اشتغال داشته‌اند، شاغل محسوب می‌شوند.» در این تعریف زنان خانه‌دار و محصلان، شاغل به حساب نمی‌آیند، زیرا این فعالیتها به منظور کسب درآمد انجام نمی‌گیرد.

سرمایه گذاری برای ایجاد اشتغال موجب جذب جمعیت می‌شود و جذب جمعیت بر کار بردهای شهری تأثیر می‌گذارد

بیکار

افرادی که شاغل نیستند ولی توان کار را دارند - چنانچه در جست‌وجوی کار باشند - بیکار شناخته می‌شوند. دو نکته‌ای که در تعریف بیکار باید به آن توجه داشت قادر به کار بودن و در جست‌وجوی کار بودن است.

به عبارتی، بیکاران افرادی از جمعیت فعال هستند که در سن فعالیت اقتصادی قرار دارند، اما به علت نبود امکان اشتغال فرصتی برای کار پیدا نمی‌کنند.

با این تعریف چنانچه فردی قادر به کار باشد اما به دنبال کار نباشد، و یا به دنبال کار باشد اما توانایی انجام کار را نداشته باشد، بیکار محسوب نمی‌شود.

افزایش لشکر بیکاران باعث روی آوردن آنها به کارهای غیر مولد و همچنین مفاسد اجتماعی می‌شود

جمعیت فعال

مجموع دو گروه شاغلان و بیکاران را جمعیت فعال، و سایر افراد جامعه را جمعیت غیر فعال می‌نامند. برای توضیح بیشتر مطلب باید گفت که جمعیت هر جامعه به سه دسته تقسیم می‌شود: کمتر از ۱۵ سال؛ بین ۱۵ تا ۶۵ سال؛ و بالای ۶۵ سال.

بیشتر کسانی که در تولید مشارکت دارند از دسته دوم‌اند، زیرا دسته اول به دلیل اشتغال به تحصیل و دسته سوم به سبب از کارافتادگی و کهولت، معمولاً نقش مؤثری در تولید کالا و خدمات مورد نیاز جامعه ندارند. به این ترتیب جمعیت فعال به دو گروه تقسیم می‌شود: جمعیت فعال شاغل و جمعیت فعال بیکار.

میزان اشتغال

حال اگر بخواهیم میزان اشتغال را حساب کنیم، باید نسبت درصد شاغلان به جمعیت فعال را پیدا کنیم. یعنی تعداد شاغلان بر جمعیت فعال تقسیم می‌گردد و عدد به دست آمده در ۱۰۰ ضرب می‌شود.

میزان بیکاری

میزان بیکاری نیز به همان ترتیبی که میزان اشتغال محاسبه می‌شود به دست می‌آید. یعنی جمعیت بیکار (افرادی که شاغل نیستند و یا در جست‌وجوی کارند) بر جمعیت فعال تقسیم می‌گردد و عدد به دست آمده در ۱۰۰ ضرب می‌شود. آنچه به دست می‌آید، میزان بیکاری است.

مقداره نامه بین المللی که مصوب بهروزیه ۱۹۶۲

۱- سه منظور شمولی رشد و توسعه اقتصادی و سلابرفتن سطح زندگی و تامین نیازهای اساسی و حل مسئله بیکاری و اشتغال ناقص هر چه باشد به معنای هدفی اساسی نیست معنی واقعی جهت اشتغال کامل و موافقتی با انتخاب آزاد تنظیم و دنبال کند.

۲- هدف این سیاست تامین نوزاد است:

الف - برای همه اشخاص هر نوعی که مشغول وجود داشته باشد.
ب- این کار تا حد امکان موافق باشد.

ج- افرادی در اشتغال شغلی است یعنی که کاری امکان آن را داشته باشد و صرف نظر از رنگه، نژاد، عقیده، عقیده سیاسی، و سایر موانع ملی و دست اجتناب از برزی او مناسب باشد.

۳- این سیاست با توجه به مرحله و سطح پیشرفت اقتصادی، روابط و امکانات موجود بین هدفی اشتغال از یک سو و سایر اهداف اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر، اتخاذ شود و با روشهای مورد جریان برای عملی شدن باشد.

مواذی که در خانه سازی مصرف دارد، افزایش می یابد، و این امر خود به رونق اشتغال در این بخشها می انجامد.

اشتغال تبعی

ایجاد اشتغال پایسه، در سایر بخشها نیز تأثیر می گذارد و خود سبب ایجاد زنجیره ای از اشتغال می گردد. به این نوع فعالیتها، اشتغال غیر پایسه یا تبعی می گویند.

فرصت شغلی

در پایان بد نیست در مورد دو واژه که معنی نزدیک به هم دارند (اما نباید آنها را با یکدیگر اشتباه کرد) توضیح بدهیم. اغلب از زبان مسئولان می شنویم که مثلاً در برنامه دوم توسعه، این تعداد فرصت شغلی ایجاد شده است.

آیا فرصت شغلی همان کار است؟ اگر فرصت شغلی همان معنی کار را می دهد، چرا نمی گویند کار ایجاد می شود؟ چنانچه بخواهیم

اشتغال ناقص

اشتغال ناقص که از آن به عنوان بیکاری فصلی نیز نام می ببرند، زحمانی اتفاق می افتد که فرد شاغل زمانی را به کار مشغول است و زمانی دیگر را به دلایلی (مثلاً بدی آب و هوا) از کار بیکار می شود. تعداد زیادی از نیروی انسانی شاغل در بخش ساختمان و یا کشاورزی چنین وضعی دارند. این کارگران ناچارند مدتی از سال را کار کنند و مدتی نیز بیکار بمانند.

اشتغال کاذب

اشتغال کاذب که به آن بیکاری پنهان نیز می گویند، زمانی رخ می دهد که افراد دارای اشتغال کامل باشند، اما کاری که انجام می دهند تأثیری بر تولید جامعه نگذارد. نمونه چنین مشاغلی گدایی و کارهایی از این دست است که گرچه ممکن است برای کسند آن در آمد خوبی نیز داشته باشد، اما شغل به حساب نمی آید.

اشتغال پایسه

سرمایه گذاری در بخشهایی از اقتصاد - به عنوان مثال، در بخش مسکن و خانه سازی - به دلیل ارتباطی که آن بخش با دیگر بخشها دارد، باعث اشتغال در بخشهای دیگر می شود، تقاضا برای مصالحی نظیر آجر، شیشه، آهن، چوب، رنگ، موکت و بسیاری از دیگر

اشتغال کاذب که به آن بیکاری پنهان نیز می گویند، زمانی رخ می دهد که افراد دارای اشتغال کامل باشند، اما کاری که انجام می دهند تأثیری بر تولید جامعه نگذارد

دقیق و با زبان علمی به این پرسش پاسخ دهیم، باید بگوییم که فرصت شغلی با کار تفاوت دارد. دولت قرار نیست برای این تعداد افراد کار ایجاد کند، بلکه با اجرای پروژه ها، امکان ایجاد شغل را در جامعه از طریق خود یا بخش خصوصی فراهم می آورد. اینکه چه کسانی می توانند از این فرصتهای شغلی استفاده کنند و شاغل شوند، مثلاً فردی بیکار یا فردی که تغییر شغل داده و یا کسی که به دنبال شغل دوم می گردد، بستگی به شرایط خود آنها دارد.

هم دولت، هم شهرداریها و سایر سازمانهای مشابه و هم بخش خصوصی باید برای بیکاری و مشکلاتی که به دنبال آن فراهم می گردد، چاره اندیشی کنند. کار ضامن شرافت انسان است و انسان در جریان کار است که احساس مفید بودن و نشاط می کند.

جامع
۷- رایسبرگ، جون (مفسر و نظریه اشتغال)، از جامعه اقتصادشناسان، کتابهای جدید
چاپ اول، تهران، ۱۳۵۶.
۸- ستاد برنامه ریزی، گزارش، ۱۳۷۵.

شورای اسلامی شهر

و شهرداران شورایی



اسکندر اصلانی
عضو شورای اسلامی شهر یزد

۱) شهردار با رأی مخفی اکثریت تام، حداقل با رأی موافق دو ثلث اعضا انتخاب می‌شود. باید تلاش کرد که شهردار به اتفاق آرا انتخاب شود، در غیر این صورت شهردار و اعضای مخالف باید این سعه صدر را داشته باشند که مخالف و موافق بودن کوچک‌ترین تأثیری در روند ارتباط و همکاری متقابل آنها نگذارد و همه با احترام به قانون و رأی اکثریت با هدف خدمت در کنار هم و برای مردم و شهر خود تلاش کنند.

۲) اعضای شورا بعد از شروع به کار حداکثر یک ماه فرصت انتخاب دارند. این در حالی است که انتخاب شوندگان اکثراً شناخت لازم را از همدیگر ندارند و نداشتن شناخت لازم از روحیات همدیگر و ارتباطات بین فردی و اجتماعی تفاهم در تصمیم‌گیری را مشکل می‌کند. قانون برای انتخاب شهردار در صورت برکناری آن سه ماه فرصت می‌دهد و این در حالی است که اعضای شورا، هم تجربیات اولیه را پیدا کرده‌اند و هم شناخت نسبی از روحیات یکدیگر و ارزشها و امکانات موجود را به دست آورده‌اند. واقعیت این است که یک ماه فرصت برای انتخاب شهردار در ابتدای کار فرصت زیادی نیست ولی در هر صورت کاندیداها و به خصوص گروههای ائتلافی پیش از موعد به هر طریق ممکن باید به شناسایی افراد صالح و شایسته بپردازند و در صورت انتخاب شدن با دست پر و شناخت لازم توان انتخاب اصلاح را داشته باشند. در این زمینه نظرخواهی بموقع از مردم برای شناسایی شایستگان، نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

تبصره یک بند یک ماده ۷۱ وظایف شورای اسلامی شهر قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور، انتخاب شهردار را جزء وظایف شورا تعیین می‌کند و چنین اعلام می‌دارد: «شورای اسلامی شهر موظف است بلافاصله پس از رسمیت یافتن نسبت به انتخاب شهردار واجد شرایط اقدام نماید».

در تبصره سه ماده ۵۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ تبصره ۱۱ با اصلاحیه‌های بعدی در فصل اول در تأسیس شهرداری آمده است: «در صورتی که انجمن شهر یک ماه پس از رسمیت یافتن موفق به انتخاب شهردار نشود، انجمن منحل و طبق مفاد این قانون تجدید انتخابات خواهد شد».

در هر شرایطی نقطه اوج و اقتدار شوراهای اسلامی شهرها در زمان حاضر انتخاب شهردار است - اگرچه از نظر اختیار و اقتدار، شوراهای شهر ایران در زمره ضعیف‌ترین شوراهای شهر جهان است. به هر صورت شهردار بازوی اجرایی قوی و مطمئن و مجری مصوبات شورای اسلامی شهر است و در هر شرایطی شهردار نقش تعیین‌کننده خواهد داشت. در نوشته حاضر، نقش شورا در انتخاب و نحوه همکاری با شهردار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

درست است که شوراها باید مردم‌داری کنند ولی این امر نباید موجب تضعیف شهردار شود و شورا هرگز نباید در مقام تقابلی با شهردار قرار بگیرد

چرخه‌های کارآمد شهرداری اطلاع دارد. وجود این اطلاعات و آگاهیها قدرت و سرعت تصمیم‌گیری شهردار را افزایش می‌دهد، از تعارضات درون سازمانی می‌کاهد، و فاصله بین پرسش و پاسخ را به حداقل می‌رساند. به علاوه شهردار متوجه این مسئله هست که در صورت عدم موفقیت در خانه اصلی خود به هر ترتیب موقعیت و منزلت شغلی خود را تا حدودی از دست خواهد داد؛ ولی خطر این انتخاب در این است که شهردار در کمند روابط همکاری با همکاران خود قرار گیرد و نتواند با مدیران و کارکنان برخورد

۳) در بیشتر کشورها ائتلاف‌ها و کاندیدهای شوراها نامزدهای خود را برای سمت شهردار معرفی می‌کنند و نامزدهای شهرداری اسامی مدیران احتمالی خود را در صورت انتخاب اعلام می‌دارند. اگر نامزدهای شوراها یا اسلامی شهرها در دور دوم انتخابات این شهامت و صلابت را داشته باشند تا شهردار و مدیران آینده شهرداری را معرفی کنند، مردم شهر فرصت بهتری خواهند داشت تا با شناخت بیشتر به مدیران آینده صف و ستاد در امور شهر و شهرداری رأی دهند.

۴) انتخاب شهردار می‌تواند از میان اعضای شورای شهر یا کادر شهرداری - یا خارج از این دو - صورت گیرد.

الف) انتخاب شهردار از میان اعضای شورای شهر

در این حالت احتمال وجود کسی که دارای تجربیات و تحصیلات لازم باشد نادر است. اگر چنین فردی وجود داشته باشد که استعداد و علاقه لازم را داشته باشد و وابسته به گروه یا حزب خاصی نباشد و مورد اقبال اعضای شورای اسلامی شهر نیز قرار بگیرد، فرصت مناسبی است که بهتر است از آن استفاده شود.

ب) انتخاب شهردار از میان کادر شهرداری

این انتخاب مزایایی دارد، از جمله اینکه شورا به مدیران شایسته شهرداری شخصیت و بهاداده است و انگیزه مؤثری است برای خودیابی افراد برجسته در میان کارکنان. نقطه مثبت دیگر این حرکت در این است که شهردار، سازمان و محیط کار و اطرافیان خود را به خوبی می‌شناسد و به نقاط قوت و ضعف آشناست و از

در بیشتر کشورها ائتلافها و کاندیدهای شوراها نامزدهای خود را برای سمت شهردار معرفی می‌کنند و نامزدهای شوراها اسامی مدیران احتمالی خود را در صورت انتخاب اعلام می‌دارند

قاطع کنند. در این صورت احتمال از دست رفتن فرصتها وجود دارد.

ج) انتخاب شهردار خارج از اعضای شورا و شهرداری

در این حالت میدان انتخاب وسیع‌تر و دست اعضای شورا بازتر است. ولی احتمال دارد این گونه افراد شهرداری را خانه دوم خود تلقی کنند و منافع سازمانهای وابسته خود و سایر مقامات سیاسی و اجرایی را بیشتر از شهرداری در نظر داشته باشند و یا به عبارت دیگر، سیاسی عمل کنند و دیگر اینکه ورود و وقوف این افراد به مسائل شهری و شهرداری نیز دارای اهمیت است.

در هر صورت شورا باید از هر فرصت و وسیله ممکن در انتخاب شهردار بهره‌گیرد و توجه داشته باشد که انتخاب شهردار یکی از تصمیمهای تعیین‌کننده در طول مدت خدمت شوراهاست.

۵) شورای اسلامی شهر باید سعی کند اقتدار و اختیار شهردار را تقویت کند، وجود شهردار مقتدر نشان دهنده وجود شورای مقتدر است. درست است که شوراها باید مردم‌داری کنند ولی این امر نباید موجب تضعیف شهردار شود و شورا هرگز نباید در مقام تقابل با شهردار قرار بگیرد. در حد امکان حمایت و پشتیبانی از شهردار سیاست درستی است، و تلاش طرفین در ایجاد محیطی با تفاهم و درک صحیح متقابل موجب تقویت این اصل می‌گردد.

۶) اعضای شورا باید در نگرشهای خود کلان‌نگر و جامعه‌گرا باشند و از خودمحوری و وابستگی و پیوستگی به گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در تصمیمات خود بپرهیزند و اساس اتفاق و همفکری و هم‌سویی شورا را فدای مصالح شخصی و گروهی نکنند، حقوق و حدود خود را بشناسند و خارج از قانون و وظایف و اختیارات شورا توقعی از شهردار و شهرداری نداشته باشند. این امر موجب حفظ حرمت شورا و احساس امنیت شهردار و شهرداری خواهد بود.

۷) گناه شورا در تصمیمات خود وارد جزئیات می‌شود و شهرداری در اجرای آن تصمیمات با مشکل مواجه می‌گردد و خود نیز از مسائل اساسی و اصولی غفلت می‌کند. پرهیز از این موضوع فرصت تفکر و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را بالا خواهد برد.

یکی از مشکلات شوراهای اسلامی شهرها این است که شهرداران سالیان سال انتصابی بودند و تجربه کار با شورای شهر را نداشتند

۸) طرح مسائل انتقادی از شهردار و سایر سازمانها بهتر است قبل از مطرح شدن در جلسات علنی و رسمی شورا، در جلسات خصوصی یا غیرعلنی مطرح شود و جوانب موضوع بررسی و تحلیل گردد. در زمان طرح موضوع نیز حتی الامکان باید سعی شود شهردار و یا مسئول مربوط حضور یابد. کسی هم که انتقاد را مطرح می‌کند باید اطلاعات کافی از جریان امر داشته باشد. نهایتاً هدف از طرح مسائل باید اصلاح امر باشد و نباید اجازه داد مسائل سیاسی یا گروهی یا شخصی در این گونه موارد تأثیر بگذارد.

۹) بهتر است شورای شهر هر چند ماه یک بار جلسات دوستانه با شهردار و مدیران و کارکنان شهرداری داشته باشد تا پیشنهادهای، انتظارات و انتقادات در محیطی دوستانه و صمیمی مطرح شود، بدون اینکه صورتجلسه‌ای تنظیم گردد. در برقراری ارتباط صمیمی با شهردار و کارکنان شهرداری بسیاری از مشکلات حل و سوه تفاهم هارفع می‌گردد.

شهردار انتخابی

شورای اسلامی شهر و شهردار، دو مفهوم وابسته و پیوسته به یکدیگرند، که اعتبار و اقتدار هر یک در واقع اعتبار و اقتدار دیگری است. در بیشتر شهرهای دنیا شهردار، خود رئیس شورای شهر و یا عضو شورای همان شهر است. اگر شهردار خارج از اعضای شورای شهر هم باشد در حقیقت منتخب شورا است و مشروعیت و مسؤلیت خود را مستقیماً از شورا کسب می‌کند و با یک واسطه منتخب مردم است.

یکی از مشکلات شوراهای اسلامی شهرها این است که شهرداران سالیان سال انتصابی بودند و تجربه کار با شورای شهر را نداشتند و بافت شهرداریها هم که در رأس آن یک شهردار انتصابی بوده فرهنگ ادارات دولتی را پیدا کرده است.

به طور خلاصه، شهردار شورایی باید دارای خصوصیات و گرایشهای زیر باشد:

۱- شهردار باید بر این باور باشد که خود از بافت و پیکره شورا است و چونان یازوی توانا و شایسته و امینی است که پیوسته در کنار شورا خواهد بود و در برابر اجرای مصوبات و اعمال سیاستهای منطقی و قانونی شورا متعهد و مشغول است. این طرز فکر موجب تقویت همدلی، همسویی و همکاری طرفین خواهد شد و ارزش و اعتبار و موقعیت شورا و شهردار و شهرداری را در جامعه بالا خواهد برد.

۲- شهردار باید خود را در مقابل شهر پاسخگو بداند و برای جلب توجه مقامات، اهالی یا گروههای سیاسی در مقام رقابت با شورا در نیاید. این حرکت موجب می گردد که اشخاص ثالث نتوانند

شهردار باید سعی کند در تمام جلسات شورا و حتی کمیسیونهای تخصصی آن حضور مستمر داشته باشد، یا حداقل یکی از معاونان شهرداری در این جلسات به نمایندگی شرکت کنند

شخصیت و شایستگی و مقبولیت اجتماعی مدیرانی که از طرف شهردار انتخاب و یا معرفی می شوند، مبرک شخصیت و شایستگی شهردار نیز هست

۴- شهردار باید سعی کند با اعضای شورا در مسائل مختلف شهر مشورت و تبادل نظر کند. حتی در انتخاب و انتصاب مدیران نیز که قانوناً جزء اختیارات اوست، باید هماهنگ با شورا عمل کند و در انتخاب خود توجه داشته باشد. شخصیت و شایستگی و مقبولیت اجتماعی مدیرانی که از طرف شهردار انتخاب و یا معرفی می شوند، معرف شخصیت و شایستگی شهردار نیز هست. این امر انتقادات از مدیران را تعدیل می کند و موجب جلب حمایت و پشتیبانی اعضای شورا از شهردار و مدیران می شود.

۵- شهردار باید سعی کند در تمام جلسات شورا و حتی کمیسیونهای تخصصی آن حضور مستمر داشته باشد، یا حداقل یکی از معاونان شهرداری در این جلسات به نمایندگی شرکت کنند. این امر به شهردار امکان خواهد داد تا مستقیماً در جریان مذاکرات و مصوبات شورا اقرار بگیرد و بدین ترتیب نیاز مجددی هم به مطالعه صورتجلسات نخواهد داشت. با علم به اینکه شهرداران فرصت مطالعه صورتجلسات را کمتر پیدا می کنند، این اقدام موجب بالارفتن اطلاعات آنان و تقویت قدرت در تصمیم گیری شان خواهد شد و زمینه ایجاد تفاهم و هماهنگی مطلوب را فراهم خواهد ساخت.

بین شورا و شهردار قرار گیرند و از برخورد دو مسئولیت که حدود حقوق شان را قانون معین می کند - و تقریباً در تمام زمینه ها منافع مشترک دارند - سوء استفاده کنند. این امر در عین حال موجب تحکیم احترام و اعتماد متقابل شورا و شهردار خواهد شد.

۳- رابطه شهردار با شورا رابطه حساسی است، و حفظ تعادل از مشکل ترین مسائلی است که شهردار با آن روبروست. اینجاست که باید گفت شهردار بودن تنها تجربه و تخصص نیست بلکه نوعی علم و فن و هنر است. شهردار نباید به یک فرد یا گروه، رئیس یا هیئت رئیس شورا گرایش خاصی نشان دهد. از نظر شهردار شورا باید محور و ملاک و محترم باشد و در بیرون از شورا نیز نباید وابسته و پیوسته به گروهی خاص باشد. عدم وابستگی و پیوستگی و حفظ بی طرفی و بی نظری شهردار موجب می گردد که آسیب پذیر نباشد و به عنوان مسئولی مستقل و فردی با شخصیت، حریم حرمتش حفظ گردد و مورد قبول اکثریت باشد.

دبیر صفحه شورا و مشارکت
مرحان ذکاوی

طراحی فضاهای مطلوب شهری

ویلیام وایت

ترجمه و اقتباس: محمود صنعتی - علی صفوی

از سال ۱۹۶۱، مساعداتی تشویقی در اختیار سازندگان که اقدام به ساخت میدانهای عمومی می‌کردند، قرار می‌گرفت. هر ساختمان اداری جدید، از طریق تأمین میدان یا فضای مشابه آن، از چنین مساعدتهای بهره‌مند می‌گشت. در مجموع، تا سال ۱۹۷۲، حدود بیست جریب از گران‌قیمت‌ترین فضاهای باز جهان بدین صورت ایجاد شد.

در این میان برخی از میدانها مردم بیشتری را به خود جذب کردند. اما در بیشتر آنها تعداد اندکی از مردم حضور می‌یافتند. در زمان صرف ناهار در روزی مناسب و معتدل، تعداد کسانی که در میدانها می‌نشستند، به طور متوسط چهار نفر در هزار فوت مربع فضا بود - که این رقم برای چنین مرکز متمرکزی بسیار ناچیز است.

به خاطر میلیونها دلاری که برای فضای مسطح اضافی به سازندگان پرداخت شده بود، بازگرداندن فضاهای خیلی بهتر تقاضای کاملاً برحق به نظر می‌رسید.

من مسئله را با دونالد آلوت، رئیس کمیسیون برنامه‌ریزی شهری، در میان گذاشتم. وی احساس می‌کرد که منطقه‌بندی خشک درست و مناسب است. اگر می‌توانستیم علت مؤثر واقع شدن فضاهای خوب و مؤثر واقع شدن فضاهای بد را پیدا کنیم، به اصول راهنمای بی‌عیبی دست می‌یافتیم و قواعد جدیدی ایجاد می‌کردیم.

بدین ترتیب مطالعه فضاهای آغاز کردید که در کل شامل ۱۶ میدان، ۳ پارک کوچک و تعدادی فضاهای خرد و ریز بود.

کار با کشیدن نموداری از چگونگی استفاده مردم از میدانها آغاز شد. فیلمبرداریهای زمان‌بندی شده از نقاط مخاطب بر میدان انجام شد و الگوهای رفتاری مردم از سحرگاه تا غروب ضبط گردید. ماهواره‌های تکرار میدانها را ساختیم و روی نقشه‌ها ثبت کردیم، که مردم کجا می‌نشینند، جنسیت‌شان چیست و اینکه تنها یا با همراه آمده‌اند... ما همچنین با مردم مصاحبه کردیم و فهمیدیم که کجا کار می‌کنند، هر چند وقت یک بار به میدان می‌آیند و راجع به آن چه نظری دارند. اما بیشتر رفتارهای آنها را مطالعه کردیم.

ویلیام وایت (۱۹۹۹-۱۹۱۷) استاد فضاهای عمومی، کارها و مطالعات جدیدی بر روی رفتارهای انسان در فضاهای عمومی شهرها انجام داده است. وی در ابتدا مطالعات خود را در زمینه طراحی و برنامه‌ریزی شهری در قالب پروژه برنامه‌ریزی شهر نیویورک آغاز کرد. مادامی که او در این پروژه با گروه دست‌اندرکار همکاری می‌کرد، دائماً در این فکر بود که آیا این فضاهایی که گروه او برای مردم برنامه‌ریزی و طراحی می‌کنند، در عمل نیز مطلوب خواهند بود یا خیر.

در این زمان، او انجام تحقیقی را در این زمینه در شهر نیویورک درخواست کرد و متعاقباً امکانات لازم برای انجام این تحقیقات فراهم آمد. او در ادامه، تحقیقات خود را به دیگر شهرها نیز تعمیم داد.

وایت به مدت ۱۶ سال در خیابانهای شهر راه می‌رفت و با دیدی کنجکاوانه به تحلیل رفتارهای مردم در فضاهای شهری می‌پرداخت. اطلاعاتی که او از بررسی و نتیجه‌گیری جداول خود به دست می‌آورد، چیزهایی به راستی ارزشمند و جذاب بودند. در طی این مدت که وایت در مورد رفتارهای انسانها تحقیق می‌کرد، مقالاتی نیز در این باب نوشت که از جمله مهم‌ترین آنها مقاله حاضر، با عنوان «طراحی فضاهای» از کتاب کشف مجدد مرکز شهر (*) است که در سال ۱۹۸۸ به رشته تحریر درآمده است و در اینجا ترجمه‌ای مفهومی از آن ارائه می‌گردد.

بیشتر افراد حاضر در میدانها، کارمندان جوانی بودند که از ساختمانهای نزدیک به آنجا می آمدند؛ و از ساختمانهای داخل میدان افراد کمتری حضور می یافتند.

در اکثر موارد، استفاده کنندگان از میدانها از ساختمانهایی که در شعاع سه بلوکی میدان قرار گرفته بودند، می آمدند. پارکهای کوچکی مانند «پالی» و «مزرعه سبز»، ترکیب متنوع تری از مردم (افراد مسن با درآمد بالاتر) را به خود جذب می کردند؛ اما حتی در آنجا نیز کارمندان حضور بیشتری داشتند. در این مطالعه بر نکته‌ای اساسی در مورد قضا‌های خوب و مناسب تأکید گردید؛ و آن اینکه «عرضه باعث ایجاد تقاضا می شود». یک فضای جدید خوبه ترکیب جمعیتی جدیدی را به وجود می آورد و مردم را به عاداتی



جدید (همچون تهاار خوردن در فضای آزاد) سوق می دهد و آنها را به اتخاذ روشهایی جدید ترغیب می کند.

میدانهایی که مورد استفاده بیشتری قرار می گیرند، مکانهای اجتماعی هستند و نسبت زوجها و گروهها نیز در آنها بیشتر است. در میدانهای نیویورک، تناسب مردم در دسته‌های دوتایی یا بیشتر، حدود ۵۰ تا ۶۲ درصد، و در میدانهایی که کمترین استفاده از آنها به عمل می آید، ۲۵ تا ۳۰ درصد است. بی تردید تناسب بالاتر دلالت بر حسن انتخاب دارد. چنانچه مردم به صورت گروهی جایی را برگزینند و صادر آنجا باثوق کنند، غالباً از قبل تصمیم به این کار گرفته‌اند از طرف دیگر، بر طبق آمار، این گونه مکانها که مورد استفاده گروهها قرار می گیرند در جذب افراد تنها نیز موفق تر عمل می کنند. فضای با نشاط و زنده، می تواند بهترین مکان برای افراد تنها باشد.

همچنین نسبت زنان، در مکانهایی که مورد استفاده بهتری

قرار می گیرند، بالاتر است. تناسب زن و مرد، در هر ناحیه‌ای متفاوت است. به عنوان نمونه، در مرکز شهر نیویورک این تناسب به صورت ۶۰ درصد مرد و ۴۰ درصد زن، دیده می شود. این نسبت در نواحی دیگر شهر متفاوت است. عموماً زنها بیشتر از مردها برای انتخاب محل نشستن خود ارزش قائل می شوند و زمان بیشتری را برای تطبیق دادن خود با محیط پیرامون شان صرف می کنند؛ و از طرفی نسبت به موارد آزاددهنده محیط نیز حساس ترند.

بنابراین نسبت زن و مرد یکی دیگر از مشاهدات گروه بود. این مطالعه چنین نتیجه‌ای به دست آمد که اگر میدانی نسبت بیشتری از زنها را در خود جای داده باشد، حتماً افرادی ناراضی و برعکس، چنانچه تعداد زنها در میدانی بالاتر باشد، نشان از میدانی خوب و با مدیریت عالی دارد که همگان نیز چنین فضایی را انتخاب می کنند.

ریتیم زندگی میدانها در نقاط مختلف بسیار شبیه به یکدیگر است. در ساعات اولیه صبح هر چند وقت یک بار، حضور مراجعه کنندگان مشاهده می شود؛ اما با نزدیک شدن به ساعات ظهر، کاربران اصلی شروع به رفت و آمد می کنند و به تدریج فعالیتها به حد نصاب خود نزدیک می شود و تا کمی قبل از ساعت دو بعد از ظهر، در همان حد باقی می ماند. با وجود این تقریباً ۸۰ درصد فعالیتهای مردم در میدانها در زمان صرف تهاار است و فعالیتهای ناچیزی هم پس از ساعت پنج و نیم بعد از ظهر اتفاق می افتد.

در طول زمان صرف تهاار، مردم با ظرفیت و تعداد بالایی بخش می شوند و عموماً به سراغ قسمتهایی که به صورت شبانه روزی فعال اند می روند، و بقیه قسمتها را کمتر انتخاب می کنند. از چنین برداشتهایی می توان دریافت که استفاده حداکثر مردم از فضاها در خارج از ساعتها، بیگانه‌ترین راهنما برای ترجیحات مردم است. وقتی مکانی جذاب جمعیت باشد، مردم ممکن است در همه جای آن بنشینند؛ در حالی که آنجا ممکن است لزوماً به لحاظ محل نشستن، جای مناسبی هم نباشد.

انتخاب محل نشستن زمانی که جمعیت اصلی برانگیزه می شوند اهمیت می یابد. در چنین مواقعی قسمتهایی از میدان خالی می شوند، ولیکن برخی جاهها کماکان مورد استفاده قرار می گیرند. مردها علاقه بیشتری برای نشستن در ردیفهای جلویی دارند و چنانچه جایی حالت دروازه‌ای داشته باشد، همچون نگهبانان دروازه در اطراف آن جمع می شوند. اما زنها جاهای کمی دنج‌تر را دوست دارند و اگر در جایی دلبسته مسوازی در کنار هم واقع شده باشند، زنها دوست دارند که روی روی یکدیگر و در امتداد آن دلبسته بنشینند. مکانهای خاص، باثوق دسته‌هایی از گونه‌های مختلف مردم اند. دیوار جنوبی یکی از میدانهای مورد بررسی، مدنی مکانی برای جمع شدن معامله‌گران دورین بود. و خود انواعی از این گونه فعالیتها ممکن است بیشتر از یک فصل به طول بیانجامد و یا اینکه ممکن است سالها ادامه یابد.

انگوه‌های ایستادن در میدانها تقریباً با قاعده و منظم است، به طوری که مردم معمولاً این عمل را در میان یکی از مسیرهای پررفت و آمد همانند خیابان، و به هنگام توقف برای حرف زدن، انجام می‌دهند. آنها همچنین به مستقر شدن در نزدیک امتیای همچون تیر پرچم یا مجسمه، تمایل نشان می‌دهند. مردم از جاهای مشخص شده مانند پلکان و یا حاشیه استخر نیز برای ایستادن استقبال می‌کنند؛ اما وسط فضاها و وسیع را کمتر برای ایستادن برمی‌گزینند.

بدون تردید، رفتارهای مردم از مهم‌ترین اتفاقات درون میدان به شمار می‌آید در حالی که معمولاً در عکسهای معماری رفتارهای مردم مشاهده نمی‌شود، و عکسها به گونه‌ای گرفته می‌شوند که کمتر انسانی در این تصاویر به چشم می‌خورد. این موضوع خود به



نسبت زنان، در مکانهایی که مورد استفاده بهتری قرار می‌گیرند، بالاتر است، زیرا بیشتر از مردها برای انتخاب محل نشستن خود ارزش قائل می‌شوند و زمان بیشتری را برای تطبیق دادن خود با محیط پیرامون نشان صرف می‌کنند.

مناسب باشد. در آنجا ممکن است زمینی برای فروش نیز وجود داشته باشد و مثلاً می‌تواند فضای استفاده نشده‌ای باشد که از زمان احیای شهری باقی مانده است. این گونه املاک کم قیمت ارزانی دارند. در عین حال ممکن است فضایی که تنها چند قطعه آن سوپر قرار دارد، از دید کسانی که شهامت یا حوصله رفتن به آنجا را ندارند، بسیار دورتر به نظر رسد.

شاید مردم «بایند» به چنین مکانهایی بروند، زیرا این نوعی ورزش است و ورزش آنها را سالم نگه می‌دارد. اما آنها رغبتی به چنین کاری نشان نمی‌دهند؛ چرا که شماع مؤثر یک مکان خوب، حتی در داخل بسته مرکز شهر نیز، در حدود سه بلوک یا قطعه است. لذا حدود ۸۰ درصد استفاده کنندگان از داخل همین محدوده می‌آیند و این امر مسلماً نشان دهنده تنبلی عابران پیاده است.

بدون تردید، رفتارهای مردم از مهم‌ترین اتفاقات درون میدان به شمار می‌آید در حالی که معمولاً در عکسهای معماری رفتارهای مردم مشاهده نمی‌شود.

احتمالاً تنها از طریق تکیه بر ایجاد پارکهای نزدیک به یکدیگر می‌توان این روند را تغییر داد. بایستی توجه داشت که چون استفاده از فضا تا حد زیادی به موقعیت آن بستگی دارد، اضافه کردن فضاهای باز مناسب، نه تنها تقاضا را به حد اشباع نمی‌رساند، بلکه باعث افزایش آن نیز خواهد شد.

عامل بعدی «موقعیت مناسب» است. بسیاری معتقدند، به شرط دارا بودن موقعیت مناسب، طراحی فضایی که مردم را به خود جذب نکند مشکل است. اما مسئله جالب توجه این است که این عمل هر چند وقت یک بار اتفاق می‌افتد در بر سرسپای اولیه ما آشکار گردید که گرچه موقعیت پیش زمینه موقعیت است، اما به هیچ وجه آن را تضمین نمی‌کند، به طوری که بسیاری از بدترین میدانها در بهترین نقاط واقع شده‌اند.

تصامی میدانها و یازگهای کوچکی که مورد بررسی قرار گرفته دارای موقعیت مناسب بودند. اکثر آنها در خیابانهای اصلی و برخی دیگر در خیابانهای فرعی جالب و فریبندهای قرار داشتند. همه آنها نزدیک به ایستگاههای اتوبوس یا مترو بودند و جریان

نحوی همراه کننده است. تماشا کردن یک میدان خالی از دید بالا، تنها حسی از هندسه محیطی به دست می‌دهد، و این موضوعی یکساخت و کامل کننده است. اما پایین‌تر و از دید انسانی، تصویر زنده‌تر می‌شود. از این زاویه دید، حرکات مردم، رنگها، راه رفتن مردم به صورت تند یا سریع، یازبهای بچه گانه، و خیلی اتفاقات دیگر در درون فضا مشاهده می‌شود حتی اگر در چنین فضایی کثیوشها و دیوارها خاکستری باشند، به دلیل وجود لباسهای رنگارنگ مردم و به ویژه خانمها حس شادی از محیط به وجود می‌آید. حال در ادامه به عوامل مؤثر در چنین مکانهایی - که مورد استفاده بیشتری قرار می‌گیرند - پرداخته می‌شود. اولین عامل چندان واضح و آشکار است که اغلب نادیده گرفته می‌شود و آن «مردم» است. مکان می‌بایست برای جذب مردم، به جریان تند و برجوش آنها اجازه ورود دهد.

فضا بایستی در قلب مرکز شهر، دارای محدوده تملیک شده‌ای باشد، اما از آنجا که در آن منطقه توسعه طرح کران تر تمام می‌شود، انتخاب زمینهای ساختمانی دور از مرکز شهر، می‌تواند

پرجوش و وسیعی از عابران در پیاده‌روهای حاشیه آنها حرکت می‌کردند. با وجود این، وقتی تعداد آنها نسبت به کسانی که وارد پارکها یا میدانها شده بودند، در زمان حداکثر شیوخی در آنجا می‌نشستند تخمین زده شد، تعداد متفاوتی به دست آمد: از ۱۶۰ نفر در خیابان «واتر» تا ۱۷ نفر در خیابان اصلی پارک.

بنابراین عامل «موقعیت» نیز همانند عامل «مردم» نمی‌تواند عامل اصلی باشد. عامل مورد مطالعه دیگر «خورشید» بود. ما اعتقاد داشتیم که خورشید مسکن است عاملی مهم و اصلی باشد و بررسیهای اولیه ما نیز، اولین امر دلالت داشت، اما بررسیهای بعدی چنین نبود و نشان می‌داد که هر چند خورشید عاملی مهم به شمار می‌آید، اما تفاوت در میزان محبوبیت میدانها را نزد استفاده کنندگان، آشکار نمی‌سازد.



عامل دیگری که مورد بررسی قرار گرفت «شکل فضاها» بود. اعضای گروه طراحی شهری کمیسیون براین عقیده بودند که معمارهای محکم و بدون عیب آنها از طریق یافته‌های ما تصدیق می‌شود. به عنوان نمونه، این اعضا مشتاق متنوع کردن ساخت پارکهای نواری بودند. این پارکها، فضاهای پارک و طولانی‌ای هستند که کمی بزرگ‌تر از پیاده‌روهای وسیع‌اند و در اکثر اوقات حضور مردم در آنها به چشم نمی‌خورد.

اما چنین معیارهایی با داده‌های ما تأیید نمی‌شد. این درست که اکثر پارکهای نواری شکل کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما این تأییدی بر اینکه شکل دلیل اصلی باشد، نیست. بر طبق بررسیهایی به عمل آمده، از برخی میدانهای چهار گوش که دارای شکل مناسبی بودند، بسیار کم استفاده می‌شد. این در حالی است که در میان چندین فضای که از آنها بیشترین استفاده به عمل می‌آید، تنها نوارهای پارک و طولانی حاشیه خیابانها، پارکها و نظایر آنها به چشم می‌خورند.

به عنوان نمونه، یکی از پنج مکان نشستن در نیویورک که

دارای بیشترین حد محبوبیت‌اند، فقط کنگره‌های دراز و باریک یک ساختمان است. تحقیقات ما ثابت نمی‌کرد که شکل فاقد اهمیت است اما با این حال، همانند مورد «خورشید» معلوم شد که باز هم عوامل مهم‌تر و اساسی‌تری نیز وجود دارد.

بایستی دید اگر شکل فضا عامل اصلی نیست، آیا «مقدار فضا» می‌تواند عامل اصلی باشد؟ برخی از طرفداران حفظ منابع طبیعی بر این باورند که مقدار می‌تواند عامل اصلی باشد. به عقیده آنها مردم فضای باز را به عنوان جایی برای رهایی از جمعیت بیش از حد برمی‌گزینند و بدین ترتیب مکانهایی که دارای بیشترین میزان فضا، نور و هوا هستند، بیشترین جمعیت را نیز به خود جذب می‌کنند. آنها معتقدند در صورتی که میدانها بر اساس مقدار فضایی که ایجاد می‌کنند دسته‌بندی شوند، مطمئناً تناسب بهتری میان مردم و فضا ایجاد می‌گردد. اما باز دیگر بررسیها هیچ رابطه آشکاری را بین آنها نشان ندادند، به طوری که چندین مورد از کوچک‌ترین فضاها بیشترین تعداد و چندین مورد از وسیع‌ترین آنها، کمترین تعداد از مردم را در خود جای می‌دادند.

اما سیستم «مقدار فضای قابل نشستن» تا چه اندازه مؤثر است. در اینجا ما شروع به بررسی دقیق مسئله کردیم و با محاسبه تعداد فضاهای قابل نشستن در یک طول مشخص توانستیم دریابیم که: «مردم بیشتر به حضور در مکانی تمایل نشان می‌دهند که جای مناسبی برای نشستن در آنجا وجود داشته باشد.»

حال که نگاهی به بررسیهای مان می‌اندازیم، تعجب می‌کنیم که چرا این عامل از همان ابتدا برای مان آشکار نبود. جذابتهای یک فضا هر چه که باشد، در صورت نبودن محلی برای نشستن، توان ترغیب مردم به آمدن و نشستن در آنجا را ندارد.

محلهای جمعی نشستن

ابتدایی‌ترین مواضع برای نشستن عبارتند از محلهایی که به صورت اتفاقی در فضاهای شهری وجود دارند - از قبیل پله‌ها، سکوها و لبه‌ها.

به رغم اینکه عموم مردم از این فضاها استقبال می‌کنند و به آنها توجه نشان می‌دهند، افرادی نیز پیدا می‌شوند که به آنها، مختلف به دنبال پیدا کردن راههایی برای جلوگیری از نشستن دیگران در این مواضع هستند.

این افراد به خاطر اینکه نشستن عموم در این محلهای برای آنها مزاحمت ایجاد می‌کند و مسکن است به منافع آنها صدمه بزند، از روشهایی از قبیل حوازد زیر برای جلوگیری از نشستن استفاده می‌کنند:

- نصب سیمه‌های فلزی دندانه‌دار بر روی لبه‌ها
- استفاده از سطوح بتنی زبر و ناهموار
- استفاده از توده برای سخت کردن عمل نشستن
- استفاده از لبه‌های شیب دار و لغزنده

همان گونه که می‌دانیم، استفاده از روشهای مذکور بسیار وقت‌گیر و سخت است. در صورتی که انجام ندان چنین کارهایی، با آنکه ممکن است در ابتدا چندان خوب به نظر نیاید، ولی در بلند مدت باعث ارتقای کیفیتهای اجتماعی شهر می‌شود و به شهر رونق و سرزندگی می‌بخشد. در این میان مزیت عمده حق انتخاب بیشتر است. در فضاهای عمومی هر چه قسمتهای قابل نشستن بیشتری به وجود آید، مردم برای نشستن در محلهای دلخواه آزادی عمل بیشتری خواهند داشت. این در حالی است که با وجود سطوح شیب‌دار فراوان در سطح شهر، فرصتهای فراوانی برای ایجاد چنین ویژگیهایی وجود دارد و با توجه به مطالب پیش گفته جا دارد

که توجه ویژه‌ای به آنها شود.

ارتفاع محل نشستن

یکی از مهم‌ترین اصول طراحی مکان‌های مناسب برای نشستن، توجه به ارتفاع آن است. بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده، به نظر می‌رسد که بهترین طیف از ارتفاع مطلوب برای نشستن، بین ۶۶ تا ۷۲ اینچ است. اما یک سطح تا چه حد می‌تواند بلندتر و یا کوتاه‌تر باشد؟ در یکی از موارد مطالعه که دارای ارتفاع متغیری بین ۷ اینچ در یک طرف تا ۴۴ اینچ در سمت دیگر بود، فرضی پیش آمد تا این مورد نیز به دقت مورد مطالعه قرار گیرد. نتیجه‌ای که به دست آمد، این بود که مردم تقریباً هر جایی که ارتفاع آن بین ۶ تا ۳ فوت باشد می‌نشینند و این میزانی است که می‌بایست در اصول جعبه‌سازی مورد توجه قرار گیرد. عامل دیگری که بسیار حائز اهمیت است، و غالباً نادیده گرفته می‌شود، محل تکیه‌گشاه است. ندرتاً آیه یا نیمکتی پیدا می‌شود که برای

احساس کردیده که عبیران برای گردش از میان میدانها یا هر جایی که جریان عبور را قطع نکند راغب‌ترند، تا نقاطی که حد و مرزهای تعریف شده‌تری دارند. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که میدانها بیش از ۳ فوت بالاتر یا پایین‌تر از سطح خیابان نباشند. هر چه جریان رفت و آمد به پارک آسان‌تر باشد، مردم بیشتر به پارک می‌آیند و در آن می‌مانند، این امر در مورد معلولان نیز صدق می‌کند. مکانی که یا در نظر گرفتن نیازهای معلولان طراحی می‌شود بیشتر مورد توجه و استفاده آنها قرار می‌گیرد. این امر حتی برای افراد سالم نیز صادق است. محلهای مخصوص نشینان آب برای معلولانی که از صندلی چرخدار استفاده می‌کنند، برای کودکان نیز به همان اندازه دست یافتنی خواهد بود. البته بهتر این است که مواضع مربوط به استفاده معلولان از دیگر موارد جدا نشود و همراه با آنان در نظر گرفته شود.

نیمکتها

نیمکتها عناصری هستند که غالباً برای تزئین محیط استفاده می‌شوند. اهمیت دادن به نحوه قرار گیری آنها در مجموعه، قرینه و متناسب قرار گرفتن آنها و چیزهایی از این دست، از مواردی هستند که غالباً اهمیت آنها برای طراحان بیشتر از اهمیت کارایی آنها برای استفاده عابران است. در بسیاری از موارد نیمکتها دارای فواصل متناسب و با ارتفاع خوبی هستند.

تماشای کنید نیمکتها چگونه بر می‌شوند. معمولاً اولین کسی که از راه می‌رسد یکی از دو انتهای نیمکت را می‌گیرد و نفر بعدی سعی در تصاحب انتهای دیگر نیمکت دارد. تنها هنگامی که جایی به این صورت باقی نمانده باشد، مردم در وسط نیمکتها می‌نشینند و یا حتی ایستادن را انتخاب می‌کنند.

از آنجا که انتهای نیمکتها بیشترین کار را انجام می‌دهند، این تصور به وجود می‌آید که وسط نیمکتها اضافی و ناکارآمد است؛ ولی ماجرا این نیست و در واقع جذابیت دو طرف نیمکت به خاطر وجود وسط آن و حق انتخابی است که به فرد می‌دهد.

صندلی

حاصل پسر داریم به اختراعی عالی و حیرت‌انگیز: صندلی قابل چاپچاین. این صندلی با داشتن پشت راحت است و اگر دسته نیز داشته باشد راحت‌تر هم هست. اما چیزی با ارزش عمده آن قابلیت چاپچاین آن است. صندلیها به حق انتخاب وسعت می‌بخشند و به زیر نور خورشید و دور از آن، و همچنین به نزدیک یک شخص یا دور از او، حرکت می‌کنند. بی‌تردید امکان انتخاب به اندازه انجام آن اهمیت دارد. وقتی آدم بداند که هر وقت بخواهد می‌تواند حرکت کند، در آن صورت راحتی بیشتری را نسبت به عدم تحرک احساس می‌کند. شاید به همین علت است که مردم اغلب به یک صندلی نزدیک می‌شوند و سپس قبل از نشستن روی آن، صندلی را مقلاری به این سو و یا آن سو حرکت می‌دهند و سرانجام درست همان جایی که صندلی در حالت اول قرار داشت قرار می‌دهند. این حرکتها سودمند هستند و نشان از اراده آزاد فرد به خودش دارند و بدین ترتیب انسان از جای نشستن خود اطمینان پیدا می‌کند.

حسرت‌های کوچک می‌تواند چیزی به دیگران بگوید. اگر تازه‌واردی در یک جای شلوغ و پر از ازدحام، صندلی نزدیک به یک زوج را انتخاب کند، ممکن است آن را چندین بار حرکت دهد. وی در این حال بی‌اسی را منتقل می‌سازد: «از نزدیک بودن به شما متأسفم، اما نمی‌شود کاری کرد. من به خلوت و تنهایی شما احترام می‌گذارم، همان‌طور که شما برای من». در عین حال تغییر مکانی دو جالبه صندلی ممکن است علامت سپاسگذاری متقابل باشد.

مکان می‌بایست برای جذب مردم، به جریان تنه و بر جوش آنها اجازه ورود دهد.

یکی از پنج مکان نشستن در نیویورک که دارای بیشترین حد محبوبیت اند، فقط کنکره‌های دراز و باریک یک ساختمان است.



نشستن از دو طرف به حد کافی عریض باشد.

البته در زمانهایی که جمعیت زیاد می‌شود، مردم ممکن است از دو طرف یک لبه نیز استفاده کنند، اما آنها به هنگام این کار راحت نیستند. آنها در این حال با سختی روی لبه‌ها به حالت رو به جلو می‌نشینند.

پس مورد دیگری نیز به این یافته‌های شگفت‌انگیز اضافه می‌شود، و آن اینکه مردم روی چینه‌ها و فضا‌های عریض‌تر بیشتر از موارد کم عمق می‌نشینند.

پله‌ها نیز به همین دلیل کارآمد هستند. آنها نه تنها عرض متناسبی برای جوانگویی به تعداد زیادی از افراد دارند، بلکه به علت تنوع ارتفاع در آن نیز بسیار مورد توجه‌اند.

گردش و نشستن تساقضی با هم ندارند بلکه مکمل یکدیگرند. من بر این امر به این دلیل تأکید دارم که تعداد بسیار زیادی از طراحان فکر می‌کنند که این دو را باید از هم جدا کرد. به عنوان نمونه، مناطق گردش عابران در نیویورک از مناطق کاری جداست. اما مردم چنین حد و مرزهایی را نادیده می‌گیرند. ما

مردم فضای باز را به عنوان جایی برای رهایی از جمعیت بیش از حد برمی گزینند و بدین ترتیب مکانهایی که دارای بیشترین میزان فضا، نور و هوا هستند، بیشترین جمعیت را نیز به خود جذب می کنند

درختان خست به خرج داده باشد، درختان بیشتری کاشته می شود؛ اگر مواد خوراکی نباشد، می توان یک گاری خوراکی در پارک گذاشت؛ اگر هیچ شیرینی نباشد، چه بسا فردی نیکوکار تشویق به ایجاد آبخوری شود.

با این حال آنچه تغییرش بیش از همه مشکل می نماید، موقعیت فضا و ارتباط آن با خیابان است. برای آنکه کارایی یک فضا خوب باشد، باید در دسترس و کنترل باتیان خود باشد.

خیابان به عنوان بخشی از میدان عمومی یا میدان شهر عمل می کند. در واقع درک اینکه خیابان کجا تمام می شود و میدان کجا آغاز می گردد، مشکل است. زندگی اجتماعی در فضاهای اطراف میدان پیوسته در حال جریان است و مهم ترین نقاط اغلب گوشه خیابان است. یکی از آنها را برای مدت طولانی تماشا کنید تا ببینید که زندگی در فضاهای وسیع تا چه حد اهمیت دارد. آنجا مردم دائماً در حال صحبت کردن یا غذاخافظی های طولانی هستند. اگر در آن گوشه یک دکه اغذیه فروشی باشد، مردم در اطراف آن حلقه می زنند و در آنجا ازدحام بیشتری صورت خواهد گرفت. این حالت بیانگر یکی از عالی ترین روشها برای افزایش رونق و سرزندگی فضاهای شهری است.

«فسر در یک اولمستد» از پارک داخلی و پارک بیرونی سخن به میان می آورد و چنین استدلال می کند که جدا کردن قطعاتی از فضاهای شهری از کلیت یک شهر به وسیله حائلهایی از قبیل ترده

نحوه استفاده از چندین صندلی به وسیله گروههای اجتماعی کاری، تشریفاتی است که ارزش تماشا کردن را دارد. در یک گروه سه یا چهار نفری از زنان مسکن است یک نفر بتر باشد و نشستن دیگر افراد را نلویجاً رهبری کند. چیدن صندلی نیز به هنگام لزوم می تواند کمی وقت گیر باشد اما مردم از آن لذت می برند. این کار خود نوعی تفریح است. تماشای این قبیل اعمال معاشرتی یکی از لذتهای مکان خوب است.

صندلیهای ثابت مانع از حق انتخاب می شوند آنها مسکن است برای نگاه کردن جالب باشند و به شکل چارپایه، صندلیهای دوفزری فلزی، مکعبهای گرانیتی و مانند آن، عناصر تزئینی جالبی را ایجاد کنند، و این نخستین کارایی آنها باشد. با این حال آنها برای نشستن انعطاف پذیری لازم را ندارند و لذت مردم راحت نیستند.

در جاهایی همچون استادیوم یا سالنهای تئاتر، صندلیهای ثابت ضرورت پیدا می کنند. با این حال در فضاهای باز به آنها نیازی نیست؛ زیرا در اطراف آنها انقدر فضا هست که قابلیت تحرک وجود داشته باشد. به عنوان مثال، در موردی در فضایی آزاد چند صندلی فلزی دوفزریه با چسب لبو کسی در پیاده رو نصب شده بود، که دانش آموزان آن را از جای خود بیرون آوردند. در این وضعیت طراح نمی تواند دیگر کاری برای اسلای آنها بکند و این در حالی است که صندلیهای دوفزریه این طراح چندین جایزه طراحی را ربوده اند.

مردم بیشتر به حضور در مکانی تمایل نشان می دهند که جای مناسبی برای نشستن در آنجا وجود داشته باشد

عابران برای گردش از میان میدانها یا هر جایی که جریان عبور را قطع نکند و اغلب ترند، تا نقاطی که حد و مرزهای تعریف شده تری دارند

چمن

چمن دارای تطابق پذیری بسیار بالاست. چمن گرچه راحت ترین مکان برای نشستن نیست، اما برای خواب نیمروز یا حمام آفتاب، بیگ نیک و بی رتاب دسک خوب است. چمن به مانند صندلیهای متحرک دارای این ارجحیت است که بیشترین حق انتخاب ممکن را در ترتیب نشستن می دهد. مردم اکثراً بروی چمن با ژوئایای مایل نسبت به یکدیگر می نشینند.

چمن قابلیت روانی نیز دارد. یک دسته چمن در کنار گرانیت یا بتن حالتی فرح بخش دارد و وقتی از مردم می پرسیم دوست دارند در پارک چه چیزی ببینند، معمولاً درخت و چمن در رأس لیست قرار دارد.

ارتباط با خیابان

برای ساماندهی فضاهای طبق نکات ذکر شده چند فرصت وجود دارد. اگر طراح در مورد جاهای نشستن کوتاهی کرده باشد، می توان صندلیهای بیشتر و بهتری پیش بینی کرد؛ اگر در مورد

یا حصار، باعث نابودی سرزندگی اجتماعی آنها می شود. به عقیده او، این امر بین احساس مردم از پارک و عملکرد پارک تناقض ایجاد می کند و آن را به زندان یا محوطه های سلطنتی شبیه می سازد که برای عموم هیچ گونه دعوت کننده ای ندارد.

اسا هتوز هم حائلهها در اطراف پارکها با این نظر به اشتباه که احساس امنیت در فضا را افزایش می دهد، ساخته می شوند. این در حالی است که این حصارها چنین حسی را به وجود نمی آورند بلکه باعث مجزا و غم انگیز تر شدن فضا نیز می شوند. به نظر او یک فضای خوب مردم را به داخل قرا می خواند و باعث انقباض حرکت مردم از بیرون به درون نمی گردد. نو مورد فضای میدان نیز به همین صورت است. آدم نباید از قبل تصمیم بگیرد که چه موقع وارد میدان شود؛ بلکه این امر می بایست به صورت یکباره و دفعتاً اتفاق بیفتد.

ترجمه
William H. Whyte:
City: Rediscovering the
Center, The Design
of Spaces, 1988.

شهرداری نانت و برنامه های اشتغال زایی

شهرداری نانت
ترجمه: مینو موسوی

در گذشته وجود داشته‌اند، دنبال نمی‌کند و بیشتر مشاغلی را که جنبه تجریمی دارند و مطابق با نیازهای روز جامعه هستند، هدف خود قرار می‌دهند. از جمله گروهها و سازمانهایی که با آژانس مذکور همکاری می‌کنند، عبارتند از:

- سازمانهای انرژی، صنعتی، تجاری و بازرگانی که در سطح ملی فعالیت می‌کنند، مانند اداره پست و نظایر آن.

- سازمانهای انرژی، صنعتی، تجاری و بازرگانی که در سطح محلی به فعالیت می‌پردازند، مانند ادارات دولتی، مدارس و دانشکده‌ها، بیمارستانها و نظایر اینها.

- گروهها و تشکلهای مختلفی که در جهت منافع عمومی فعالیت می‌کنند.

فعالیت این آژانس به شیوه مشارکتی و به مانند حلقه‌ای ارتباطی است. تعاونیها و سازمانهایی که در جهت رفاه و تأمین امنیت اجتماعی فعالیت می‌کنند، کمیته‌های محلی، سدیگاهها، انجمنها که برای اهداف مشترک تلاش می‌کنند و سرویسهای خدمات‌دهی شهری، از جمله دیگر نهادهایی هستند که به مشارکت با این آژانس می‌پردازند.

جوانان ۱۸ تا ۲۶ سال (که بیکار هستند) می‌توانند از کمکهای این آژانس بهره‌مند شوند. جوانان می‌توانند در دوران تحصیل خود طبق معیارهای این آژانس دوره‌های آموزشی را بگذرانند و مشغول به کار شوند. حتی برنامه‌هایی هم برای گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال و اشتغال زایی برای آنها، در نظر گرفته شده است.

همچنین معلولانی که کمتر از ۳۰ سال دارند، می‌توانند بر طبق اصول این آژانس مشغول به کار شوند. هر مؤسسه یا سازمانی که می‌خواهد با همکاری این آژانس در جهت اشتغال زایی اقدام کند، باید مجوز رسمی از وزارت کار و امور استخدامی دریافت دارد. پروژه اجرایی این مؤسسه یا سازمان، و همچنین محورها و اهداف آن باید در اختیار آژانس ملی اشتغال زایی شهرداری نانت قرار گیرد. توضیح کامل پروژه اجرایی و برنامه زمان بندی مراحل اجرای آن الزامی است. همچنین شرایط و مشخصات افرادی که برای استخدام در نظر گرفته شده‌اند، تطابق کامل میان پروژه با معیارهای تعیین شده به وسیله این آژانس، تعیین ساختاری

شهرداری نانت در فرانسه برای اشتغال زایی، آژانس ویژه این کار را تأسیس کرده است و با برقراری ارتباط با سازمانها و مؤسسات مختلف و با ایجاد تسهیلات ویژه در واقع به عنوان حلقه ارتباطی میان جویندگان کار و سازمانها و مؤسسات مختلف عمل می‌کند.

آژانس ملی اشتغال زایی شهرداری نانت، معیارهایی را تعیین کرده است و برای حل مشکلات کسانی که در بازار کار ملی و پشتیبانی ندارند، به آنها کمک می‌کند. این معیارها به گونه‌ای تعریف شده‌اند که تصمیمات قابل اجرا برای اشتغال زایی اتخاذ شود و به وسیله سرویسهای خدمات‌دهی شهری به اجرا درآید. عملکردهای این آژانس بر اساس سیاستهای عمومی و مشارکتی برنامه‌ریزی می‌گردد و در این میان موقعیت خاص بازار کار در مورد مشاغل مختلف حتماً در نظر گرفته می‌شود. ایجاد شرایط لازم برای به اجرا درآوردن این برنامه‌ها بر حسب موقعیتهای متفاوت زمانی است.

این آژانس که دارای سیستم اطلاع‌رسانی توانمندی است، به طور دائم تغییرات و تحولات را در نظر می‌گیرد. جویندگان کار می‌توانند برای کسب اطلاعات لازم و بهره‌مند شدن از کمکهای این آژانس کارایی یا مشاوران این مرکز، مشورت و تبادل نظر کنند و از کمکهای لازم بهره‌مند گردند. هدف اصلی این آژانس توسعه عملکردهای مفید و کاربرد اجتماعی اقتصادی است. این آژانس به ویژه سعی دارد که خلاقیت و ابتکار را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد و مشاغل برنامه‌ریزی شده نیز به هرج وجه جنبه رقابتی یا مشاغلی که در گذشته وجود داشته‌اند، ندارند. آژانس اشتغال زایی در نظر دارد که به نیازهای تازه، و در واقع نیازهایی که هنوز در جامعه برآورد نشده‌اند، پاسخ دهد و برای جوانان زمینه‌های شغلی بپایند و با ثباتی را به وجود آورد. این آژانس برای اجرای برنامه‌های خود به طور کامل از کمک و حمایت دولت بهره‌مندی می‌گیرد. محورهای فعالیت آژانس اشتغال زایی شهرداری را متخصصان و کارشناسان مختلف برنامه‌ریزی می‌کنند.

گروههای مختلفی که در سطح بخش و استان و منطقه به فعالیت می‌پردازند، با این آژانس همکاری می‌کنند. آژانس اشتغال زایی شهرداری شیوه‌های کلاسیک یا خامشی‌هایی را که

تلقی عامه از شهرداری به عنوان نهادی خدماتی، جایگاه آن را به سطحی بسیار پایین تنزل داده است. در نظر عامه مردم شهرداری سازمانی است که خدمات شهری ارائه می‌دهد و بهای آن خدمات را نیز دریافت می‌کند. تلقی از شهرداری به عنوان سازمانی برنامه‌ریز و حلقه اتصال مسائل اقتصاد شهری و فرهنگ و سیاست شهری، تجربه‌ای نایب و جالب توجه است. در مغرب زمین شهرداری نهاد اجرایی حکومت محلی است؛ نهادهای که بر اساس حکمرانی و حاکمیت محلی قرار دارد. ارائه برنامه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی به وسیله شهرداریهای اروپایی امری عادی تلقی می‌شود. مقاله‌ای که فراروی دارد، تجربه شهرداری نانت فرانسه را در برنامه‌ریزی اشتغال برای شهروندان ارائه می‌کند، و می‌تواند الگویی مناسب برای اشتغال زایی به وسیله شهرداریهای ایران باشد.



مشاغل مورد نیاز از طرف شهر دار بها، سازمانها و مؤسسات مختلف پیشنهاد می شود. قراردادهای کاری معمولاً به مدت ۵ سال با طی دوره آموزشی یک ماهه است. این قرارداد در هر زمان با توافق طرفین می تواند لغو شود. براساس معیارهای این آژانس هر مؤسسه و سازمانی که گامی در جهت اشتغال زایی جوانان بر می دارد در واقع دوره های آموزشی را برنامهریزی می کند، حرفه و شغلی را پایه گذاری می کند و آینده مؤسسه یا سازمان خود را با دادن موقعیت مناسب به جوانان تضمین می کند. آژانس ملی اشتغال زایی شهرداری نانت کمک می کند که جوانان متناسب با مشاغل ایجاد شده انتخاب شوند و دولت هم در این زمینه کمکهای مالی می کند. قرارداد «دوره آموزش» قراردادی است که هدف از آن ایجاد امکانات لازم برای جوانان است تا بتوانند مهارت و شایستگی لازم را برای کسب یک حرفه به دست آورند. در پایان این دوره آموزشی به جوانان مدرک فنی و حرفه ای درجه دو یا یک، به وسیله همان سازمان یا مؤسسه ای که دوره را در آن گذرانده اند داده می شود. این مدرک حتماً باید به تایید آژانس اشتغال زایی برسد.

این مؤسسات بدین ترتیب در پایه گذاری تشکلات آموزشی سهیم می گردند و حقوقی را برای جوانان به وجود می آورند. جوانان هم با دریافت مدرک مورد نظر و دستیابی به شایستگی و مهارت لازم برای آن مؤسسه کار می کنند و در تداوم ارتباط میان مؤسسه و شهرداری مؤثر خواهند بود. تمام مؤسسات و سازمانهایی که در بخش تجاری، صنعتی، بازرگانی، کشاورزی، و حتی در بخشهای غیرصنعتی و غیرتجاری به فعالیت می یازند، می توانند این دوره آموزشی را برگزار کنند. جوانان بین ۱۶ تا ۲۶ سال می توانند این دوره را طی کنند و حتی مجبور نیستند که پس از طی این دوره اجباراً مشغول به کار شوند. در عوض این فرصت که مؤسسات برای جوانان ایجاد می کنند، می توانند از پرداخت حق بیمه اجتماعی معاف گردند. هر مؤسسه مبلغی معادل ۱۰ هزار فرانک در سال کمک دریافت می کند و اگر کار آموز بیش از ۱۸ سال سن داشته باشد، ۲ هزار فرانک به این مبلغ اضافه می شود. همچنین

آژانس ملی اشتغال زایی شهرداری نانت کمک می کند که جوانان متناسب با مشاغل ایجاد شده انتخاب شوند و دولت هم در این زمینه کمکهای مالی می کند

آژانس ملی اشتغال زایی شهرداری نانت به مؤسسات و سازمانها کمک می کند که در پایه گذاری شغل و دادن موقعیت و امکان به جوانان جوینده کار سهیم باشند و گامی مثبت در جهت ریشه کنی معضل بیکاری بردارند

منسجم و مشخص، و بالاخره تضمین حرفه ای بودن موارد تعیین شده، باید مشخص باشد. آژانس ملی اشتغال زایی شهرداری نانت به مؤسسات و سازمانها کمک می کند تا شاخصهای ویژه جوانان را برای استخدام آنها تعیین کنند. فرمهای استخدامی نیز با در نظر گرفتن نوع شغل و موارد خاص مربوط به آن، به وسیله این آژانس تهیه می شود.

از زمان عقد قرارداد، مؤسسه یا سازمان ذی ربط به مدت ۱۲ ماه فرصت دارد تا شرایط لازم را برای شروع فعالیتهای خود ایجاد کند.

این آژانس اطلاعات مربوط به مشاغل را در سایتهای اینترنت در اختیار علاقه مندان قرار می دهد. دیگر اینکه برای یافتن کاندیداهای و معرفی آنها به سازمانها و مراکز مختلف، با در نظر گرفتن وضعیت بازار کار و وضعیتها و نقصهایی موجود، با مؤسسات ذی ربط همکاری می کند. تمام قراردادهای اشتغال زایی جوانان که به وسیله این آژانس وضع می گردد، مطابق قانون کار است. ابتدا باید مشاغل تمام وقت در نظر گرفته شود و سپس با توجه به نتایج به دست آمده، کارهای پاره وقت در همان حوزه و زمینه مدنظر قرار گیرد.

دولت ۷۰ درصد هزینه‌هایی را که هر مؤسسه یا سازمان برای اشتغال‌زایی برعهده می‌گیرد، تقبل می‌کند. همچنین است ۵۰ درصد هزینه‌هایی که هر سازمان یا مؤسسه‌ای صرفاً آگاهی افراد و تطابق آنها با آخرین پیشرفت‌ها و روش‌های روز دنیا می‌کند. تعهد مؤسسه یا سازمان عبارت است از تقسیم کار برای افراد پس از طی دوره آموزشی در همان مؤسسه یا سازمان و ایجاد امکانات لازم. هر مؤسسه یا سازمان می‌تواند برای اشتغال‌زایی جوانان در زمینه‌های اقدام کند که مربوط به امور تحقیقاتی خاص آن مؤسسه یا سازمان است.

۴۰ درصد حقوق این جوانان در سال اول، ۲۰ درصد در سال دوم و ۲۰ درصد نیز در سال سوم از طرف دولت و با مساعدت شهرداری پرداخت می‌شود. نوعی قرارداد کارهای فصلی هم وجود دارد که در این قراردادها از طرف دولت کمک مالی نمی‌شود. هر مؤسسه می‌تواند برای افرادی که در شرایط سختی زندگی می‌کنند (افراد برهنگار و محروم جامعه) ایجاد اشتغال کند.

مؤسسات یا سازمان‌هایی که برای افراد معلول اشتغال‌زایی می‌کنند، از تسهیلات ویژه دولت و شهرداری نانت بهره‌مند

اگر زمان آموزش بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ ساعت باشد، ۵۰ فرانک دیگر افزوده می‌شود. مؤسساتی که بیش از ۲۰ نفر حقوق بگیر دارند، با برگزاری دوره برای اشتغال‌زایی جوانان ۶ هزار فرانک کمک دریافت می‌کنند. برگزاری این دوره، در زمره موارد مالیاتی که بر منشای میزان درآمد و نوع کار مؤسسه تعیین می‌شود، قرار نمی‌گیرد.

میزان حقوق این جوانان نیز در ابتدا پایین است و کم‌کم به مرور زمان افزایش می‌یابد. حقوق جوانان بنابر سن و سال آنان و مدت دوره آموزشی شان تعیین می‌شود. تقسیم ایجاد امکانات عملی در طی دوره آموزشی به وسیله مؤسسه مربوطه اجباری است. جوانان جوینده کار باید در امتحان ورودی شرکت کنند و سپس مراحل آموزشی و تجربیات مختلف نظری و عملی را بنابر نوع شغل و حرفه انتخابی طی کنند. باید در زمان ثبت نام و آغاز دوره آموزشی تمام موارد قانونی مطرح شود.

چار چوب قانونی وزارت کار و امور استخدامی یا مشورت کارشناسان امور بازرگانی، صنعتی و جزاینها تعیین می‌شود. دولت به مدت سه سال از این قراردادها حمایت مالی می‌کند، به گونه‌ای



می‌شوند. مؤسسات یا سازمان‌ها می‌توانند شغل‌های گروهی را در چار چوب فعالیت‌های جمعی و گروهی پایه‌گذاری کنند. این مؤسسات از پرداخت مالیات یا حق بیمه اجتماعی برای این افراد معاف خواهند بود، در ضمن از کمک‌های مالی نیز برخوردار می‌شوند.

اژانس ملی اشتغال‌زایی شهرداری نانت به مؤسسات و سازمان‌ها کمک می‌کند که بر پایه‌گذاری شغل و دادن موقعیت و امکان به جوانان جوینده کار سهیم باشند و گامی مثبت در جهت ریشه‌کنی معضل بیکاری بر دارند. این اژانس در انتخاب افراد به این مؤسسات یاری می‌رساند و آنها را در طی مراحل مختلف همراهی می‌کند. با این اقدامات اژانس اشتغال‌زایی شهرداری نانت تا به حال جوانان زیادی را با ایجاد مهارت و شایستگی لازم از چنگال بیکاری رها کرده و در واقع برای انسان‌های زیادی حقوق قائل شده است، و امتیازات زیادی را نیز برای کارفرمائی که در این جهت اقدام می‌کنند، قائل می‌شود. این اژانس در واقع حلقه ارتباطی محکمی میان شهرداری، جوانان جوینده کار، مؤسسات و سازمان‌های مختلف است و نقش مثبت و تأثیرگذاری را ایفا می‌کند.

که در دو سال اول تمام هزینه‌ها و در سال سوم ۵۰ درصد هزینه‌ها را تقبل می‌کند. مؤسسات و سازمان‌ها از پرداخت حق بیمه برای این جوانان معاف خواهند بود و دولت مبلغ ۲۲۵ یورو در ماه به این مؤسسات پرداخت می‌کند. از جمله مقررات تعیین شده به وسیله این اژانس برای مؤسسات و سازمان‌های مرتبط، لغو امتیاز درخواست کار به وسیله بازتشیگان است تا بدین ترتیب فرصت بیشتری برای جوانان به وجود آید.

از دیگر برنامه‌های اژانس مذکور این است که افراد با آخرین فناوری‌ها و تحولات آشنا شوند و شایستگی لازم را برای تطابق با این پیشرفت‌ها کسب کنند. تطابق افراد با آخرین پیشرفت‌ها و روش‌ها نیازمند عملکردهایی است که به وسیله اژانس ملی اشتغال‌زایی شهرداری نانت، برنامه‌ریزی می‌شود و هزینه مالی آن را نیز دولت پرداخت می‌کند.

تطابق کارمندان هر مؤسسه یا سازمانی با آخرین تغییرات و تحولات، امر مهمی در پیشبرد صحیح امور هر سازمان به شمار می‌آید. کاهش ساعت کار کارمندان نیز از دیگر عوامل افزایش کارهای بهره‌ور است. کمک‌های مالی دولت بر حسب نوع فعالیت‌ها و میزان کار و مشکلات هر مؤسسه یا سازمان تعیین می‌گردد.

www.MairieetEmploi

الگوی مدیریت شهری در مسکو

ترجمه و تلخیص: شهرزاد فرزین پاک



تجربه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و تحقق نظام شورایی (Soviet) در امپراتوری روسیه نقطه عطفی در تحولات این کشور است. پس از انقلاب اکتبر قلمرو امپراتوری به ۱۵ جمهوری متصل به یک نظام سوسیالیستی متمرکز تقسیم شد. عین این الگو در خرده نظامهای مدیریت شهری شوروی نیز منعکس گردید. الگوی مدیریت شهری شوروی مبتنی بر مشارکت مستقیم و بی واسطه شهروندان در اداره امور شهرهاست. شهروندان به رای مستقیم شهردار و اعضای دوما (معادل انجمن ای شهر) را انتخاب می کنند. مسئولیت شهردار در مقابل شهروندان است و دوما نظارتی بر امور شهرداری ندارد. شهردار می تواند در صورت تعارض یا تناقض مصوبات دوما آنها را رد کند یا اجرا نکند. به هر حال الگوی مدیریت شهری مسکو یکی از انواع الگوهای مدیریت شهری است، که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

می کنند. پس از اساسنامه شهر ممکن است شهردار پیشنهادها و طرحهای قانونگذاری را به دومای شهر ارائه کند تا مورد بحث قرار گیرد. همچنین شهردار مسکو این قدرت را دارد که هر قانونی را که دومای شهر اعلام می کند رد کند و می تواند قوانین را مجدداً برای دقت بیشتر و در نظر گرفتن ملاحظات خاص به دوما بازگرداند. شهردار فعلی مسکو بوری لوزگوف است که در ۱۹ دسامبر سال ۱۹۹۹ برای سومین دوره چهار ساله منوالی انتخاب شد.

حکومت شهر

حکومت شهر، مدیریت فعالیتهای شهری و عملکردهای ادارات شهری را بر عهده دارد. عضو ارشد حکومت شهری مدیر اجرایی است که به وسیله شهردار انتخاب می شود و به وی گزارش می دهد. قلمرو فعالیت حکومت مسکو یا موارد زیر مرتبط است:

۱- اقتصاد و زیرساختهای شهر شامل خدمات عمومی شهری، حمل و نقل عمومی، ارتباطات و زیرساختهای مهندسی.

۲- فعالیتهای ساختمانی درون شهر

۳- مدیریت، فروش و اجاره زمینها و دیگر اموال شهری، شامل انتقال اموال به عنوان بخشی از روند خصوصی سازی شهری و توسعه سیاستهای اقتصادی برای شهر.

۴- توسعه زیرساختهای اجتماعی شهر، شامل فراهم آوردن سرویسهایی همچون بهداشت عمومی، آموزش، فرهنگ و ورزش در کنار حمایت از گروههای آسیب پذیر شهری.

هر یک از این قلمروها با عناصر مختلفی از ادارات و شرکتها مرتبط است. مدیریت می شوند و هر یک یا به وسیله حکومت شهری کنترل می شوند و یا طرف قرارداد آن هستند. براساس تصمیم شهردار مسکو در ۲۱ ژانویه ۲۰۰۰، اعضای حکومت شهر شامل این افراد هستند: مدیر اجرایی و معاون اول مدیر اجرایی که مسئول فعالیتهای اولیه حکومت شهری هستند؛ رئیس دفتر شهردار؛ نماینده (معاون) مدیر اجرایی؛ مدیران کل؛ رؤسای بخشهای اداری؛ و اعضای ارشد حکومت شهری.

اعضای ارشد حکومت شهری عبارتند از: شهردار مسکو و مدیر اجرایی مسکو، لوزگوف، که در سال ۱۹۳۶ متولد شده و فارغ التحصیل مؤسسه نفت و گاز گوبکین است.

ولری شاتیسو، معاون شهردار و نمایندهای که مسئول مجتمع اقتصادی، سیاست و توسعه است. حوزه مسئولیت وی شامل

نگاهی اجمالی به ساختار قانونگذاری، اجرایی و اداری ساختار اداری شهر در اساسنامه شهر که در ژوئن سال ۱۹۹۵ تنظیم گردید، به عنوان سند قانونی شهر توصیف شده است. شهر با استفاده از شعبه های اجرایی و قانونگذاری کنترل می شود. شعبه اجرایی را شهردار کنترل می کند و متشکل از دپارتمانها، کمیته ها و شعبه های مختلف و سازمانهای وابسته به آنهاست که اداره و عنفکردهای شهری را، تحت نظارت اداره ارشد حکومت شهری، به عهده دارند. حکومت شهر پاسخگوی شهردار است. هیئت قانونگذاری، دومای شهر مسکو است که متشکل از نمایندگان انتخابی است. دومای شهر قوانین شهری و دیگر مقررات شهری را تصویب و بر فعالیتهای حکومت شهری نظارت می کند، تحت قانونگذاری قدرال، رئیس دومای شهر و شهردار مسکو نیز از اعضای انجمن قدراسیون هستند.

شهردار مسکو

شهردار، که به وسیله شهروندان مسکو برای یک دوره ۴ ساله انتخاب می شود، بالاترین مقام اجرایی شهری است. شهردار دولت شهری را تعیین می کند، مسئولان بخشهای مختلف در ادارات شهری را مشخص می سازد و فعالیتهای ادارات شهری را هدایت

۱۹۳۷ و فارغ التحصیل از مؤسسه متالوژی مسکوست.

اداره شهر

ادارات شهری متشکل از دپارتمانها: کمیته‌ها، شعبه‌ها و سازمانهای مرتبط با آنهاست که پیش از این طبق اساسنامه

هماهنگ کردن اقتصاد سیاست، توسعه تحقیقات علمی و صنعت در مسکو و پرداختن به نیازهای شهر در قالب کالاهای مصرفی و خدمات است. وی متولد سال ۱۹۴۷ و فارغ التحصیل مؤسسه رادیو، مهندسی و الکترونیک است.

یوریس نیکولسکی، نماینده مسئول مجتمع اقتصادی، که حوزه مسئولیت وی توسعه نیرو و عرضه آب و سیستمهای فاضلاب، جاده‌ها، حمل و نقل و ارتباطات، طراحی منزل و حفاظت مهندسی از خانه‌های مسکونی و عرضه مواد غذایی است.

ولادیمیر رزین، نماینده مسئول مجتمع معماری، ساخت، نوسازی و توسعه. حوزه مسئولیت وی شامل توسعه و اجرای طرحهای عمومی توسعه شهر، بهبود معماری شهر و تحقق برنامه‌های ساخت و ساز در شهر است. وی متولد سال ۱۹۳۶ و فارغ التحصیل کالج معدن مسکو، و همچنین عضو آکادمی مهندسی بین‌المللی است.

اولگ تولکاجیو، نماینده مسئول مجتمع اموال و زمینها. حوزه مسئولیت وی شامل مدیریت اموال و زمینهای شهری از جمله اموال شهری خصوصی است. وی متولد سال ۱۹۴۸ است و از مؤسسه فیزیک و مهندسی مسکو فارغ التحصیل شده است.

لئونیلدا شوتسوا، نماینده مسئول مجتمع حوزه اجتماعی. حوزه مسئولیت وی شامل هماهنگ کردن سیاست اجتماعی حکومت شهری از جمله آموزش، بهداشت، اشتغال، فرهنگ و ورزش و بررسی موضوعات خانواده و جوان است. شوتسوا، متولد ۱۹۴۹ و فارغ التحصیل از مؤسسه هوانوردی خارکوف.

یوری رُسیاک، نماینده مسئول مجتمع اقتصاد - سیاسی و توسعه. حوزه مسئولیت وی شامل برنامه‌ریزی و اجرای سیاستهای اقتصادی، سرمایه‌گذاری، مالی و مالیاتی شهر و توسعه اقتصاد شهری است. وی متولد سال ۱۹۵۴ و فارغ التحصیل مؤسسه مهندسی و ساخت مسکوست.



شهر دار، که به وسیله شهروندان مسکو برای یک دوره ۴ ساله انتخاب می‌شود، بالاترین مقام اجرایی شهری است

شهردار مسکو این قدرت را دارد که هر قانونی را که دومای شهر اعلام می‌کند رد کند و می‌تواند قوانین را مجدداً برای دقت بیشتر و در نظر گرفتن ملاحظات خاص به دوما بازگرداند

ایسوزیف اردزولیکیز، نماینده مسئول روابط بین‌المللی، حوزه مسئولیت وی شامل روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بین‌المللی، جذب سرمایه برای تأمین مالی برنامه‌های شهری و هماهنگ کردن فعالیتهای بین‌المللی کلیه دپارتمانهای حکومت شهری است. وی متولد ۱۹۴۸ و فارغ التحصیل از مؤسسه پلی‌تکنیک تئین در چورچیاست.

آنانسولی یسرو، نماینده مسئول مناطق اداری و توسعه مسئولیتهای مستقل محلی، وی علاوه بر این، نماینده شهردار در دومای شهر است. حوزه مسئولیت وی شامل هماهنگ ساختن مسئولان شهری با فعالیتهای افراد محلی است. وی متولد سال

شهری ایجاد شده‌اند. این مجموعه متشکل از حدود ۱۲ هزار کنار می‌باشد. اداره شهری پیش از هر چیز با اداره و عملکرد ۵ مجتمع حکومت شهری سروکار می‌یابد. مجتمع سیاست اقتصادی و توسعه که در حدود یک هزار نفر کارمند دارد، مجتمع اقتصاد با ۴۶۰ نفر کارمند، مجتمع معماری، ساخت، نوسازی و توسعه با ۲۵۰ نفر کارمند، مجتمع املاک و زمین با حدود ۱۶۰ کارمند و مجتمع حوزه اجتماعی که دارای ۷۵۰۰ نفر کارمند است. برخی دیگر از دپارتمانها و شعبه‌های مدیریت شهری - مثل دپارتمان مالی - در خارج از این ۵ بخش اصلی قرار می‌گیرند.

تقسیمات اداری شهر و مسئولان اداری اجرایی

صاحب اداری شهر را مناطق اداری، زیرمناطق اداری و دیگر نواحی شهر تشکیل می‌دهند که دارای مرز و اسامی مشخص و هماهنگ با تفکیک شهر هستند. تقسیم مناطق اداری از طریق قوانین سازمانی و هماهنگ کننده فعالیتهای ادارات منطقه‌ای و زیرمناطق محلی شهری انجام شده و مشخص کننده کنترل اجرایی قوانین شهری است. مناطق شهری مسکو با توجه به مشخصات تاریخی، جغرافیایی، برنامه‌ریزی شهری، جمعیت، خصوصیات اقتصادی - اجتماعی، حمل و نقل و ارتباطات، زیرساختهای مهندسی موجود و توانایی هماهنگی موضوعات محلی در جذب ساکنان شکل گرفته‌اند.

عملکردهای اجرایی - اداری، هماهنگی و نظارتی را

مسئولان اداره شهری در مناطق اداری تعیین می کنند و نصب یا عزل این افراد بر عهده شهردار مسکوست. حکومت زیر منطقه‌ها اوپراوا (Uprava) خوانده می شود که متشکل از مجمع زیر منطقه‌ای و رئیس اوپراوا است که خود رئیس مجمع و اداره



طریق و با توجه به سهم مالیات انتقالی دولت فدرال به شهر، در اختیار دارد. تعدادی از گروه‌های کاری و کمیته‌های مرتبط نیز بر محل قانونی اجرای تصمیمات دوما را به عهده دارند.

اصلی‌ترین کمیته‌های دومای شهر عبارتند از: ۱- کمیته مالی و بودجه که مسئول بودجه شهر و مقاصد تعیین شده برای صرف آن، سیستم مالیات محلی و جمع آوری مالیات در شهر است؛ ۲- کمیته سیاست اقتصادی که مسئول مدیریت املاک شهری و خصوصی سازی اموال دولتی و شهری در مسکوست؛ ۳- کمیته سیاسی - اجتماعی که مسئول رفاه، آموزش، بهداشت، هنرها و محیط اجتماعی است؛ ۴- کمیته اجرای قانون که مسئول تضمین اجرای قوانین شهری در مسکوست؛ ۵- کمیته توسعه اداره و حکومت مستقل که مسئول سازماندهی و هماهنگی فعالیت‌های اداره شهری تحت اسامانه شهری است؛ ۶- کمیته مربوط به فعالیت‌های دومای شهر که مسئولیت تهیه دستور جلسات دومای شهر و هماهنگی فعالیت‌های دوما را به عهده دارد؛ ۷- کمیته بازرگانی که مسئول توسعه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در شهر

مناطق شهری مسکو با توجه به مشخصات تاریخی، جغرافیایی، برنامه‌ریزی شهری، جمعیت، خصوصیات اقتصادی - اجتماعی، حمل و نقل و ارتباطات، زیرساخت‌های مهندسی موجود و توانایی هماهنگی موضوعات محلی در جلب ساکنان شکل گرفته‌اند

دومای شهری مجلسی متشکل از نمایندگان است که مستقیماً به وسیله رای دهندگان مسکو و مطابق با قوانین شهر انتخاب می شوند

است؛ ۸- کمیته سیاست‌های مسکن و اصلاحات آن که مسئولیت توسعه آبی مسکن و مطلوبیت‌های آن در اقتصاد شهر را به عهده دارد؛ ۹ و ۱۰- کمیته سیاست‌های محیطی که مسئول استفاده عقلایی از منابع طبیعی و حمایت از محیط زیست است.

قانونگذاری در دوما به وسیله نمایندگان و کمیته‌های مختلف و گروه‌های کاری انجام می شود. دیار نمایندگان اداری شهری، بازار گانی شهری و دیگر سازمان‌های رسمی در صورت احتیاج دومای شهر مجبور به تهیه اطلاعات مربوط به فعالیت‌های خود و ارائه کمک به دومای شهر در جهت هر چه دقیق‌تر انجام شدن مسئولیت‌های آن هستند. دومای شهر این قدرت را دارد که در مورد عملکرد حکومت شهری قضاوت کند و رای دهد و در موارد خاص نیز می تواند به حکومت شهری و یا بخشی از آن رای اعتماد نهد.

سیستم قضایی شهری

فدراسیون روسیه سیستم قضایی واحدی را در دیوان فدرال به کار گرفته است که شامل دادگاه داور شهری مسکو، دادگاه شهر مسکو و دادگاه‌های بین شهری یا منطقه‌ای است. وظیفه دیوان داور شهری مسکو حمایت از حقوق و منافع قانونی شرکتها، سازمانها و شهروندان در حوزه فعالیت‌های اقتصادی است. دادگاه شهر مسکو و دادگاه‌های منطقه‌ای آن، دادگاه‌های قضایی عام هستند و به بررسی موارد مدنی و جنایی می‌پردازند.

زیر منطقه نیز هست. اوپراوا عمدتاً به مقوله‌هایی چون موضوعات محلی، مدیریت اقتصاد محلی و خدمات اجتماعی آن می‌پردازد. مسئولان انتخاب شده برای نمایندگی در اوپراوا در مجمع شروع به کار می‌کنند. اعضای این مجمع مشاور هستند. شهروندان مسکو این مشاوران را برای مدت ۴ سال انتخاب می‌کنند. رئیس اوپراوا خود می‌تواند در این انتخابات شرکت کند.

دومای شهر

دومای شهری مجلسی متشکل از نمایندگان است که مستقیماً به وسیله رای دهندگان مسکو و مطابق با قوانین شهر انتخاب می‌شوند. دومای شهر متشکل از ۲۵ نماینده از مناطق مختلف شهر است که برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند. رئیس دومای شهر و معاون وی با برگه‌های رای مخفی نمایندگان انتخاب می‌شوند. رئیس و معاون وی مسئولیت اداره جلسات دومای شهر و انجام وظایف نمایندگان - از جمله اجرای قطعنامه‌ها و دیگر مدارک رسمی دومای شهر - را به عهده دارند.

اولین انتخابات نمایندگان در ۱۲ دسامبر سال ۱۹۹۴ و دومین انتخابات در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۷ انجام شد. دومای شهر مسئول اجرای قوانین محلی شهر و کنترل تحقق آنها، از جمله بودجه اصلی مسکو، مروری بر تحقق بودجه شهر و تأیید و کنترل موارد استقنازه از بودجه است. علاوه بر این، دومای شهر وضع با لغو عوارض و بخشش بازپرداخت به مالیات دهندگان را نیز از همان

منبع: www.Google.Municipality of Moscow.

معرفی مرکز علمی لیل در فرانسه



مرکز علمی «آت لیرن» در شهر لیل فرانسه به عنوان مرکز علمی و دانشگاهی، به نیازهای علمی شهروندان پاسخ می‌دهد.

این مرکز علمی نمونه‌ای است از طراحی استراتژی برای توسعه اقتصادی کلان شهرها؛ بدین معنا که در چنین مراکزی می‌توان با ایجاد ارتباطات محکم با مراکز دانشگاهی، پروژه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کلان شهرها را طراحی و منطبق با اصول شهرسازی و مدیریت شهری ارائه کرد.

در واقع «آت لیرن» نمونه‌ای است از تحقق محیط زیست سالم که با معیارها و نیازهای تجاری و فرهنگی یک جامعه شهری منطبق شده و نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی داشته است.

این مرکز به مانند شهری است از علم و دانش، که فعالیتهای گسترده‌ای را در زمینه دانش و فناوری، علوم انسانی و اقتصادی انجام داده و به عنوان حلقه اتصال میان دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی عمل کرده است.

یکی دیگر از کاربردهای مرکز یاد شده، ایجاد هماهنگی میان مؤسسات مختلف و طراحی آخرین فناوریها و سرویسهای خدمات شهری است.

همچنین «آت لیرن» مکانی است برای تحقق مشارکتهای فردی و گروهی، به گونه‌ای که تاکنون مشارکتهای متنوع و گسترده‌ای را در زمینه‌های پروژه‌های بزرگ کلان شهرها با مراکز اقتصادی و دانشگاهی به اجرا در آورده است.

این مرکز در سطوح مختلف علمی و تحقیقاتی، موقعیتهای خاصی را برای محققان در محیطی تفریحی و دیدنی به وجود آورده است، به گونه‌ای که به مثابه قطب محکمی برای برقراری ارتباط میان کلان شهرها و مشارکتهای آنها در زمینه‌های علمی، اقتصادی، و فنی عمل می‌کند.

در این مرکز از تمامی نیروهای مفید دعوت شده است تا با مشارکت در طرحهای تهیه شده، گامی مثبت در جهت توسعه شهرها برداشته شود.

شایان ذکر است که پایه‌های اصلی پروژه «آت لیرن» از سال ۱۹۸۸ برنامه‌ریزی شد و در قالب طرح جامع توسعه و شهرسازی کلان شهر لیل در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید.

در ابتدا طرحها و افکار ابتدایی پروژه مذکور مطرح گردید و نقاط ضعف و مشکلات و راه‌حلهای آنها بررسی شد. سپس مشارکت در طرح با عنوان اقتصادی و مؤسسات مختلف و تعیین معیارها و ساختارهای فنی، در مراحل بعدی مورد بحث قرار گرفت.

نکته جالب توجه دیگر در این پروژه، برنامه‌ریزی و ایجاد شبکه‌های گسترده اطلاع‌رسانی برای انتقال نتایج تحقیقات به شهروندان، به منظور ارتقای دانش و علوم به آنان است.

ترجمه: سرویس حقوقی
تنظیم: علی کلانتری

WWW.Les Strategies de L'aménagement et du Développement Urbain

در کنفرانسی که ماه به گذشته در برلین برگزار شد این شهر به عنوان شهری که قصد دارد با رویکرد به «امنیت و همبستگی» در آینده حرکت کند، و همچنین به عنوان «شهری اجتماعی» معرفی گردید.

در این کنفرانس همچنین عنوان شد که برای نیل به شکل‌گیری «شهری اجتماعی» می‌بایست جامعه را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جز اینها به سمت تعادل برد و خصوصاً تمرکز بر امنیت اقتصادی شهر را افزایش داد.

لازم به ذکر است که برای برنامه بلند مدت «شهر اجتماعی» و تبدیل برلین به شهری مدرن، تاکنون ۷۷۰ میلیون یورو در ۲۴۹ پروژه هزینه شده است و ۱۵۰۰ شخص حقیقی و حقوقی، مأمور اجرا و پیگیری این پروژه‌ها شده‌اند.

از دیگر مفاد برنامه یاد شده، می‌توان به اصلاح اجاره‌بهای مسکن و ایجاد خانه‌های ارزان قیمت، وضع قوانین سرفه‌جویی



برلین

در مجموع، تمام فعالیتهای انجام شده در برلین به گونه‌ای طراحی شده‌اند که در آنها انسان حکم محور توسعه را داشته باشد و کیفیت ارائه خدمات برای زندگی شهروندان، همواره در سطح بالایی باشد.

ترجمه: فرحناز بیست
تصحیح: سحر

WWW.Socialstadt.de

گرفت امنیت خیابانهای درون شهری و جاده‌های بیرون شهری به هنگام رانندگی بود. در این میان، مقوله‌هایی چون نحوه اسناد رسانی به مسدومان، نصب علائم هشدار دهنده در خیابانها، حمایت از عابران پیاده - خصوصاً خردسالان و کهنسالان - و نشووندهای برخورد با رانندگان خاطی بررسی گردید، و بر آموزش رانندگان و حتی عابران پیاده تأکید شد.

دیگر موضوعاتی که در این کنفرانس مورد بررسی قرار گرفت، عبارت بودند از: اجرای روشها و سیستمهای امنیتی و مراقبتی و تعیین استانداردها در این زمینه، تعیین روشهای کمک به آسیب‌دیدگان مطابق با شرایط خاص شهرها، تشکیل گروههای N.G.O برای مبارزه با خشونت برنامه‌ریزی برای جلوگیری از بروز حوادث در مدارس، بررسی آمار آسیب‌دیدگان ناشی از استفاده از مواد مخدر و الکل، بررسی رشد خشونت بر اثر فقدان عدالت اقتصادی و اجتماعی در جوامع، کاربرد مطبوعات و رسانه‌ها برای انتقال پیامهای مفید در جهت تأمین امنیت جامعه و انتشار مقالات گوناگون، با عنوان «چگونه در شهرها به امنیت برسیم».

از نکات جالب توجه در این کنفرانس، نوآوریها و ابتکارات فردی شرکت‌کنندگان، مانند ارائه مقالات در قالب عکس و تصویر به عموم مردم بود، که نقش عمده‌ای در آموزش‌های عمومی داشت. همچنین شرکت کنندگان در کنفرانس از مکانهای خاص شهر مونترال دیدن کردند و با برنامه‌های به اجرا درآمده در این شهر برای مبارزه و پیشگیری از جرم و جنایت در شهر آشنا شدند. در پایان کنفرانس نیز برنامه‌های آینده دبیرخانه دائمی مبارزه با خشونت در شهرها، که عبارت است از ۹ کنفرانس بین‌المللی، ۸ نشست سالانه و ۷۰ نیزگردد در باره موضوعات مختلف در ۶۰ کشور جهان معرفی گردید.

ترجمه: بهروز سوری
تصحیح: سحر

WWW.Conferencia Mundial

البته در زمینه استفاده از نور در شهر، می‌بایست به سازگاری عناصر نیز در محیطهای عمومی توجه کرد و بین استانداردهای نورهای ترفیکی و تأسیساتی تمایز قائل شد.

به عنوان نمونه، تونلها و زیرگذرها مکانهایی هستند که اهمیت ویژه‌ای دارند و می‌بایست همواره روشن باشند. زیرا چشم انسان زمانی که از نور و روشنائی بسیار زیاد وارد تاریکی می‌شود، تطابق خود را لحظاتی از دست می‌دهد و در واقع حدود سه ثانیه زمان لازم است تا خود را با خط افقی نور حداقل داخل تونل تطبیق دهد. بدین ترتیب انسان در ۵۰ متری ۸۰ متر اول در تونل به شکلی کاملاً کور رانندگی می‌کند، بنابراین روشنائی منطقه ورودی تونلها باید به گونه‌ای طراحی شود که چشم به سرعت به موقعیت جدید عادت کند.

بدین منظور، ابعاد نور به گونه‌ای اندازه‌گیری می‌شوند که

انرژی در ساخت و بناها و میاززه با آلودگی محیط زیست اشاره کرد.

یکی دیگر از برنامه‌های مهم برلین، ایجاد موانع قانونی نظیر وضع مالیاتهای سنگین برای مهاجران - به منظور ممانعت از مهاجرت به برلین - است. این کار باعث شده است که از بار جمعیتی و گسست اجتماعی در برلین به میزان بسیار زیادی کاسته شود.

در کنفرانس پیشگیری از جرم و جنایت که با حضور نمایندگان شهرهای مدعو جهان برگزار شد، برنامه‌ها و محورهای مبارزه با این معضل جهانی بررسی و تعیین گردید.

از جمله عمده‌ترین موضوعات مطرح شده در این کنفرانس، عبارت بودند از:

آزار رساندن و بدرفتاری با کودکان، کودکانی که قربانی سوء استفاده و یا بی توجهی می‌شوند، خشونت میان جوانان، عدم امنیت در مکانهای ورزشی، خشونت در مدارس و افزایش استفاده از سلاح در شهرها، و نظایر اینها.



مونترال

در این کنفرانس واقعیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و روشهای اصلاح افراد بزه‌کار و تشکیل کمیته‌هایی برای پیشگیری از خشونت بررسی شد و روشهای وقوع خشونت میان همسران - خصوصاً زنان - مورد بحث قرار گرفت.

از جمله سایر مباحثی که در کنفرانس یاد شده مورد توجه قرار

شهرداری وین به منظور تأمین امنیت جانی و مالی، و جلوگیری از تخلفاتی که در تاریکی شب انجام می‌شوند، مبادرت به ایجاد روشنائی فضاهای شهری و خصوصاً فضاهای بدون دفاع کرده است.

بدین منظور، گروههای کارشناسی، ملی بررسیهای مختلف مکانهایی را که در آنها احتمال وقوع جرم و جنایت وجود داشت - از قبیل تونلها، زیرگذرها، مناطق مخصوص عبور عابران پیاده، پاساژها، پارکها و خیابانها و مجسمه‌های مسکونی - شناسایی کردند.

این در حالی است که هم اکنون روشنائی شبکه خیابانها در شهر وین به طور مداوم در حال افزایش است و شهرداری در کنار ساخت و سازهای جدید به توسعه روشنائی بخشهای مختلف شهر، و تناسب روشنائی با محیط توجه کرده است.

طی کنفرانسی در مونترال کانادا،

پیشگیری از جرم و جنایت در شهرها بررسی شد

شهرداری وین، تأکید بر نورپردازی در شهر



روشنایی

آئینه باید به این نکته نیز توجه داشت که روشنایی می‌بایست با نوع کاربری نیز همخوانی داشته باشد. به عنوان مثال، روشنایی در مناطق تاریخی و سنتی با مناطق مجلل و تجاری متفاوت است. در منطقه‌ای که خاص حرکت پیاده است، نور نه تنها وسیله‌ای برای بهتر دیدن به شمار می‌آید، بلکه به لحاظ امنیتی نیز در رأس مسائل است و باید در طراحی روشنایی تلاش شود تا اصول زیبایی، آرامش و جذابیت در سطح شهر رعایت گردد. موضوع نورپردازی، در پارکها نیز اهمیت خاصی دارد. روشنایی ملایم در مناطق سبز و طبیعی، آرام بخشی است اما در اینچنین نباید عنصر امنیت را فراموشی کرد.

در نورپردازی پارکها می‌بایست منابع نوری با فواصل کم از یکدیگر کار گذاشته شوند. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که نور نباید در میان شاخ و برگ درختان ناپدید گردد.

همچنین، در خیابانها و مجتمعهای مسکونی می‌بایست بدون ایجاد سزاخمت، احساس امنیت را تقویت کرد و باید از نورهای استفاده کرد که این خصوصیات را داشته باشند: روشنایی با بازتاب مناسب، استفاده از نورهای رنگی گرم در نقاط مرتفع و استفاده از نورهایی که منابع آنها پنهان اند.

در این زمینه می‌بایست روشنایی به گونه‌ای طراحی و تأمین شود تا بتوان از فاصله ۴ متری، شخص یا شیء مقابل را شناسایی کرد.

عناوین، برای از بین بردن حالت رعب‌انگیز بعضی از فضاها، باید نه تنها خیابانها و راهپاها روشن شوند بلکه می‌بایست به روشنایی محیط اطراف نیز توجه کرد. این موضوع به ویژه در مناطق ورودی شهرها و توقفگاههای موقتی دارای اهمیت خاصی است.

ترجمه از مجله نورپردازی

WWW. Magistat der Stadt Wien

برگزیده شد، شهرهای ژوهانسبورگ، دوربن، کیپ‌تاون، پرتوریا، استرن و بندر الیزابت را به عنوان نواحی کلان‌شهری تعیین کردند. و برای هر یک از آنها شورا در نظر گرفتند.

وظیفه این شوراهای یکپارچه ساختن ارائه خدمات در نواحی کلان‌شهری از طریق سرویسهای رفاهی و مؤسسات ذی‌ربط است.

هیئت یلا شده همچنین شهرداریهای کشور را از ۸۴۳ شهر به ۲۸۴ شهر تقلیل داد و محدوده هر یک را مشخص کرد. این محدوده‌ها در تعیین نقشهای انتخاباتی و عملکرد دولتهای محلی کاربرد دارند.

از سوی دیگر، به شوراهای کلان‌شهری این اختیار داده شد تا شهر را به صورت نامتمرکز اداره کنند و قانونگذاری را در شهر برعهده گیرند.

برای تأمین بودجه شهرداریها نیز، فرمولی برای تقسیم عادلانه درآمد ملی بین دولتهای محلی تهیه شده است تا از شهرداریهای کم‌درآمد حمایت گردد.

بزرگ‌ترین بخش پروژه مربوط به تخصص‌بازانه به شهرداریهاست، نامه آنها در ارائه دسته‌ای از حداقل خدمات به شهروندان کمک شود.

در بودجه شهرداریهای آفریقای جنوبی، ردیفی گنجانده شده است که به افرادی بضاقت کمک می‌شود همچنین شهرداری به نهادهایی که با مشکلات مالی روبه‌رو هستند کمکهای اعطا

راشده خارج از تونل می‌تواند داخل را ببیند، و تشخیص دهد که آیا در منطقه ورودی مانی وجود دارد یا خیر. به این لحاظ، سعی شده است نور داخل تونلها به گونه‌ای طراحی شود که نور داخل با نور خارج تونل تفاوتی نداشته باشد.

در پاساژها و زیرگذرها نیز باید روشنایی مورد توجه ویژه قرار گیرد، البته این رویکرد در خیابانهای تجاری با استفاده از لامپها و تابوهای رنگی تغییر شکل یافته است.

در این سیستم برتوهای نوری بدون خیره‌کنندگی در یک زاویه معین مقابل مسیر حرکت اتومبیلها قرار می‌گیرند و بدون ایجاد مزاحمت، افق دید رانندگان را واضح می‌سازند.

همچنین فضاها را از شهر که مخصوص استفاده عابران پیاده طراحی شده‌اند، نور و روشنایی خاص خود را می‌طلبند؛ بدین معنا که نور رنگی و آرام بخش، نور بدون خیرگی و افزایش نقاط نورانی می‌بایست مورد توجه دقیق قرار گیرند.

در قانون اساسی آفریقای جنوبی که در سال ۱۹۹۸ تفسیر یافته، سه دسته شهرداری تعیین شده است.

در این دسته‌بندی، شهرداریهای دسته «الف» برای کلان‌شهرها، شهرداریهای دسته «ب» برای مناطق و شهرداریهای دسته «ج» برای نواحی تعیین شده‌اند. هیئت دسته‌بندی شهرداریها که به دست رئیس جمهور

جایگاه شهرداریها در قانون اساسی آفریقای جنوبی



ژوهانسبورگ

اسلاخ تعرفه و بهای خدمات شهری، کنترل و پیگیری مطالبات شهرداریها از هر یک از نهادهای دولتی و خصوصی، واگذاری قدرت جمع آوری عوارض به شهرداریها و جز اینها.

همچنین شهرداریهای افریقای جنوبی مسئولیتها را در زمینه جلوگیری از جرایم بر عهده دارند، که عبارتند از: اشتغال زایی و جلوگیری از بیکاری، مدیریت کاهش هزینهها و احیا و ایجاد منابع درآمد محلی.

در این زمینه کوشش می شود تا طبق برنامه های زمان بندی شده، اقتصاد محلی در هر یک از شهرها احیا گردد و با بیکاری جوانان نیز مبارزه شود.

ترجمه: شهریار غلامی و پاک

WWW.Google/South African Municipalities

می کنند، تا از طریق سرمایه گذاری در بخشهای سودآور به درآمدزایی برسند.

سیستم قانونگذاری و برنامه ریزی نیز بدین صورت است که شوراهای محلی، طی سیستمی مشخص، گزارش عملکرد خود را اعلام می کنند تا شهروندان در جریان اقدامات آنان قرار گیرند. دولت از سال ۱۹۹۴ اقدام به اجرای برنامه های زیربنایی شهری کرد، که بخشی از آنها شامل سیستمی از کمکهای دولتی در جهت کمک به شهرداریها برای ارائه خدمات به مستمندان و نیازمندان بود.

از جمله دیگر برنامه های حمایتی دولت از شهرداریها، می توان به این موارد اشاره کرد: تدوین سیستم مالیاتی واحد در کشور، تدوین دستورالعملهای تأمین منابع مالی خدمات شهری،

منشور توکیو برای نیم قرن آینده

توکیو قصد دارد در نیم قرن آینده با اجرای برنامه ریزیهای شهری، به شهری جهانی تبدیل شود و هزاران گردشگر را به سوی خود جذب کند.

سابقه توکیو به عنوان پایتخت ژاپن حدود ۴۰۰ سال است و امروزه مشکلات زیست محیطی نیز به آن اضافه شده است. از این رو برنامه ریزان شهری بر آن شده اند، تا استراتژی حساب شده ای را به نام «برنامه توکیو در سده ۲۰۰۰» طراحی کنند. تا از آن طریق بتوانند وضعیت شهر را در ۵۰ سال آینده ساماندهی کنند. بدین ترتیب در انتهای اجرای برنامه، توکیو به شهر صلح و دوستی تبدیل خواهد شد.

اهداف و خط مشی برنامه مذکور عبارتند از: ایجاد شهری مدنی که توازن فعل و سکونت در آن رعایت شده باشد، ایجاد محیطی با طبیعت و فرهنگ غنی، افزایش سطح رفاه در توکیو به عنوان شهری که تعامل افراد و کالا و اطلاعات در آن به خوبی صورت می گیرد، پرورش منابع انسانی مستعد و منحصر به فرد، حذف محدودیتهای اجتماعی نامعقول و ایجاد جامعه ای که در آن شهروندان شیوه زندگی خود را با توجه به توانایی و انگیزه های شان انتخاب کنند، ایجاد شهری امن، بهبود محیط شهری، حمایت از سلامت شهروندان، و نظایر اینها.

از دیگر اهداف برنامه یاد شده می توان به این موارد اشاره کرد: کاهش بار زیست - محیطی و ایجاد جامعه ای پایدار، پایه ریزی جامعه ای که کودکان در محیطی سالم رشد کنند، ایجاد جامعه ای اشتغال زا، اطلاع رسانی بموقع و مناسب شهری، تحقق آرمانهای کلان شهر توکیو و تبدیل آن به شهری بین المللی و جذاب.

به عبارت دیگر، در این برنامه سعی می شود تا در کلان شهر توکیو، از سنگینی ترافیک و بار منفی زیست محیطی کاسته شود، مسدولات بین المللی افزایش یابد و سرعت جابه جایی افراد و کالا - و خصوصاً اطلاعات - نیز بیشتر شود.

در برنامه توکیو ۲۰۰۰، مشکلات مربوط به واحدهای خانه سازی و عدم توازن در عرضه و تقاضای مسکن از بین می رود و کارسری مؤثر از زمین از طریق تأکید بر ساخت خانه های اجارهای انجام می شود.

در این برنامه به منظور ایجاد طبیعت سالم و مفرح به وضعیت پارکهای بزرگ رسیدگی می شود و با همکاری شهرداری به ترویج درختکاری - خصوصاً در مناطق ساحلی - پرداخته می شود. در این میان شهروندان نقش تعیین کننده و مهمی بر



عهده دارند. در این بحث از برنامه، ایجاد محیط سالم برای آبیان و زهکشی مداوم رودخانه و استفاده از طبیعت کوهستانی به عنوان مناظر چشم نواز و تفریحی، مورد توجه جدی قرار گرفته است.

همچنین شهرداری توکیو بهسود شبکه های حمل و نقل عمومی و دسترسی سریع به فرودگاهها را در دستور کار خود قرار داده، و به ایجاد دسترسیهای سریع به مناطق ساحلی توجه نشان داده است.

از سوی دیگر، شهرداری توکیو به منظور پرورش منابع انسانی مستعد و منحصر به فرد، فرصتهایی را برای کودکان ایجاد می کند تا با جامعه، طبیعت و تعامل با افراد به شکلی عینی و تجربی آشنا شوند.

بدین منظور، حقوق شهروندی در قالبهای مناسب ارائه می شوند و برای آموزش ماندگار، کارگاههای عملی برگزار می گردند و به معلمان نیز شیوه های جدید آموزش ارائه می شود.

همچنین در برنامه مذکور، چنین در نظر گرفته شده است که وضعیت اقتصاد شهری به واسطه تنظیم ساختارهای توزیع بهبود یابد، و برای توسعه صنعت نیز منابع انسانی متخصص، مطابق با توسعه اجتماعی، تربیت شوند.

لازم به ذکر است که در برنامه یاد شده، به منظور کاهش میزان خطر و ایجاد شهری امن، این موارد مدنظر قرار گرفته است: ایجاد امکانات پیشرفته برای جلوگیری از زلزله و سیل، معرفی سیستمی جدید برای مقابله با آتش سوزی، ایجاد امنیت در

در آن مواردی از این دست در نظر گرفته شده است: ارائه خدمات به معلولان در داخل خانه‌ها، ایجاد زمینه مشارکت اجتماعی معلولان ذهنی، فراهم ساختن امکانات آموزشی و تفریحی و ورزشی برای کودکان معلول، برقراری سیستم پیشرفته اورژانس و استفاده از وسایل مسفرن پزشکی، سرویس نیروهای داوطلب بهداشتی و درمانی، و جز اینها.

از سوی دیگر، به منظور اشتغال زایی در شهر، در نظر است تا آموزش به شرکتها و نهادهای آموزشی به بخش خصوصی واگذار شود و صنایع محلی در آموزش کارگران فعال تر گردند. ساعات کاری کاهش یابد و امکان جذب افراد معلول به کار فراهم گردد. تاگفته نماند که در این خصوص، استفاده از سرمایه گذار، یهای خارجی به شدت مد نظر قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که مقامات شهر توکیو برای تبدیل این کلان شهر زل زنی به شهری بین المللی، چنین اقداماتی را در نظر گرفته اند: معرفی شهر به عنوان مرکز تجاری بین المللی، جذب گردشگران خارجی و برگزاری مجامع بین المللی، تمیق تفاهات متقابل از طریق مبادلات فنی و فرهنگی، و ایجاد شهری که مردم سایر کشورها به راحتی در آن زندگی کنند، از طریق بهبود محیط زندگی و افزایش سطح شعور اجتماعی.

ترجمه: علی مرزبان

Planning Division, Bureau of Policy and Information, Tokyo Metropolitan Government.

رودخانه‌ها و مسیلهایی که در داخل شهرها جریان دارند، بهسود فعالتهای اضطراری (اورژانسی)، ایجاد پایگاههایی برای واکنش سریع در برابر حوادث طبیعی و ایجاد جامعه‌ای امن از طریق پیشگیری از بزهکاری.

به علاوه، برای فراهم ساختن سلامت شهروندان این ناسدهای تدوین شده است که بر طبق آن، شهروندان موظف اند از وسایل نقلیه‌ای استفاده کنند که میزان آلودگی آنها بسیار پایین باشد. حجم ترافیک و تقاضای سفر رفت و آمد نیز با استفاده از سیستم‌های ماهواره‌ای کنترل می شود و از طریق ایجاد پیاده‌روهای درختکاری و سنگفرش شده، شهروندان به پیاده‌روی تشویق می شوند.

در این برنامه پیش بینی شده است تا منابع انرژی طبیعی - و حتی زیانه‌ها - مورد استفاده قرار گیرند. بدین منظور، شهرداری برای باز یافت و کاهش زیانه‌های صنعتی و تجزی به تأیید، برنامه‌های بلندمدتی را مطرح کرده است.

دیگر اینکه، به منظور ضمانت از تولید نخاله‌های ساختمانی مقصور شده است به جای تخریب کل ساختمان، اسکلت آن حفظ شود و مسرفاضای داخلی آنها تغییر یابد البته برای زیباسازی و بهبود ظاهر شهر، ساختمانهای قدیمی تجدید بنا می شوند و به نما و ظاهر سایر ساختمانها نیز رسیدگی می گردد.

از جمله دیگر مقادیر برنامه توکیو ۲۰۰۰ حمایت از افراد مسن و آسیب پذیر و ایجاد و ترویج مراقبتهای بهداشتی و پزشکی است که

آب، محور اساسی توسعه

کنفرانس بین المللی مدیریت شبکه آبها از هشتم تا یازدهم ژوئیه سال جاری با محوریت «آب، عامل اساسی توسعه» برگزار شد.

آب و مسائل حاشیه‌ای آن از عوامل مهم در «توسعه پایدار» به شمار می آیند که کوتاهی در اجرای صحیح سیستمهای اصولی تصفیه و سالم سازی آن، باعث مرگ و میر و شیوع انواع بیماریها در شهرها می شود.

دسترسی آسان به آب تصفیه شده برای همه افراد جامعه، از اصول اساسی توسعه پایدار و مسائل مهم شهروندان است که تأثیر بسزایی در ارتقای بهداشت و سلامت جامعه دارد.

ارزش آب و فواید مستقیم این پدیده الهی بر زندگی بشر امروز، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه پایدار مطرح شده است. در کنفرانس یاد شده، نقش اطلاع رسانی در مورد آب و مسائل مربوط به آن، به ویژه مسائلی که مربوط به آب آشامیدنی و ذخایر



آن می شود، بسیار پراهمیت تلقی شده است. با بررسی مسائل و مشکلات مربوط به ذخایر آب و روشهایی برای بهبود استفاده صحیح از آب در آینده، معیارهایی در این کنفرانس تعیین گردیدند تا راه چلهایی اساسی برای حل مشکلات موجود تعیین شود.

معیارهای پیشنهادی در سطح ملی، محلی و بین المللی برای ارائه در کنفرانس یاد شده عبارت بودند از: ناپایداری و بازگشت ناپذیر بودن ذخایر و منابع آب، ضرورتهای آب برای ارتقای کیفیت زندگی و محیط زیست، لزوم مشارکت همه جانبه مردم، دولت، سازمانها و مؤسسات مختلف در حفظ منابع آب و نقش اساسی زنان در مدیریت صحیح آنها و حفظ ذخایر آن.

موضوع دیگری که در کنفرانس یاد شده مورد بررسی قرار گرفت، این است که در تعیین معیارهای صحیح فنی و مالی در مورد شبکه آبها می بایست شرایط اجتماعی و اقتصادی هر شهر و کشور در نظر گرفته شود. این معیارها باید در برگیرنده تمام زمینه‌های کشاورزی، صنعتی، آشامیدنی، حمل و نقل، تأمین انرژی و حتی اوقات فراغت باشد.

از سوی دیگر، تلاش شده است تا با ایجاد فضای رقابتی میان شهرها و کشورها، تقسیم منابع آب به گونه‌ای انجام شود که با افزایش میزان تگرانی در تأمین آب، حساسیت مردم در حفظ آن زیاد گردد. در این زمینه می بایست توسعه پایدار و جنبه‌های فرهنگی آن را بسیار پراهمیت برشمرد.

همچنین در این کنفرانس، برنامه‌های سازمان ملل متحد در مورد «توسعه شهرها» بیان گردید و از دولتها خواسته شد تا فعالتهای اقتصادی و سیاسی خود را در جهت حفظ حقوق و منافع شهروندان اجرا کنند. از جمله این برنامه‌ها، مدیریت صحیح و اصولی منابع آب بر اساس روشهای علمی و کاربردی است.

آب و مدیریت منابع آبی تا آنجا اهمیت یافته است که باید سال ۲۰۰۳ را «سال آبها» نامگذاری کرد و گفتوگوهای مرتبط با این موضوع و پیامدهای اجتماعی آن را ایجاد کرد و گسترش داد.

به طور کلی اهداف برگزار کنندگان این کنفرانس عبارت بوده است از: طبقه بندیهای مشخص درباره مدیریت آبها، شناخت مسائل مربوط به آبها بر پایه مطالعات موضوعی و موردی مناسب با قوانین، تبادل تجربیات در خصوص تقویت سیستمهای اجرای شبکه آبها، ایجاد بسترهای لازم مطالعاتی و تحقیقاتی، مبادله روشها و ابزارهای مناسب برای رسیدن به توسعه پایدار در زمینه شبکههای آبرسانی و بررسی نوآوریها و خلاقیتهای در چارچوب فعالیتهای مشارکتی.

از سوی دیگر، سازمان یونسکو نیز از پژوهشگران و مؤسسات و سازمانهای خصوصی و دولتی که در زمینه شبکه آب و مسائل مربوط به آن فعالیت می کنند، دعوت کرده بود تا با شرکت در این نشست برای مشارکتهای علمی و عملی بسیج شوند تا بدین وسیله گروههای مختلف مشارکتی (N.G.O.) شکل بگیرند.

برنامه هایی که در این کنفرانس ارائه گردیدند، بدین شرح است: برگزاری نشستهای سالانه در زمینه آب و مسائل مربوط به

آب، شناخت عوامل مؤثر در شکل گیری مشارکتهای شناخت آب به عنوان یکی از عوامل اصلی و ضروری امنیت اجتماعی، پیشگیری از بروز آلودگیها به منظور حفظ کیفیت و سلامت آبها، تدوین اصول مدیریت آبها، ارزش منابع آب و روشهای مالی صحیح مدیریت آب، نقش مطبوعات در مدیریت آب، و آموزش و تقویت ظرفیتهای منابع آب با اطلاع رسانی مناسب.

ناگفته نماند که در زمینه بهداشت و سلامت آب، قراردادهایی در چارچوب بین المللی و مطابق با استانداردهای جهانی تدوین گردیده و دولتهای شرکت کننده نسبت به اجرای مفاد آنها متعهد شده اند.

گفتنی است که زبان این کنفرانس عربی و انگلیسی و فرانسه بوده، و همچنین قرار بوده است که در پایان کنفرانس گزارشی تهیه شده در قالب CD، کتاب و نشریات مختلف در سطح بین المللی منتشر شوند. دولتها نیز موظف شده اند تا بر اساس آبها، برنامه های آموزشی دقیقی برای ارائه به شهروندان تهیه کنند.

در ادامه این گزارش

تاریخ

WWW. Les Strategies de L'arrangement et du Développement Urban

شهرداری نانت مراکز مداخله در مسائل اجتماعی تأسیس کرد

شهرداری نانت فرانسه، مراکزی را برای هدیریت مسائل و بحرانهای اجتماعی تأسیس کرده که موجب ارتقای کیفیت زندگی شهری شده است.

مراکز مداخله در مسائل اجتماعی در نانت از آن مراکز است که وظیفه کمک رسانی به شهروندانی را که با مشکلات مالی، مسکن، نوسازی ساختمان و مانند اینها مواجهند بر عهده دارد.

این مراکز خود دارای زیر مجموعه های آموزش شهروندی - خصوصاً به افراد تنها و مطرود - و بخش توسعه مشارکتهای اجتماعی و واحد هماهنگی و برقراری ارتباط میان شهرداری و شهروندان برای توسعه شهر است.

از دیگر مراکز این شهرداری، مرکز بهداشت و سلامت عمومی جامعه است. از جمله وظایف این مرکز، بهبود روشهای درمان و پیشگیری از بیماریها و آلودگیها، ارتقای سطح بهداشت و سلامت عمومی با توسعه اطلاع رسانی، افزایش احساس مسئولیت شهروندان و بررسی شرایط بهداشتی در مدارس و مکانهای ورزشی است.

این مراکز کلیه روشهایی را که منجر به پیشگیری از شیوع بیماریها می شود، بررسی می کند و نتایج آن را در اختیار شهروندان قرار می دهد.

مراکز گسترش مشارکتهای جوانان نیز از دیگر واحدهای شهرداری نانت است که پشتیبانی از جوانان را در چارچوب سیاستهای تعیین شده در سطح محلهها بر عهده دارد و مسئولیتهای مشارکتی را در اداره شهر به آنان واگذار می کند. در واقع مراکز یاد شده مسئول تعیین اجرای سیاستهایی در زمینه زندگی اجتماعی و مشارکت جوانان است.

از جمله وظایف این مرکز، کارشناسی آن دسته از پروژه های شهرداری است که با زندگی و تعاملات اجتماعی سروکار می یابد. می توان با مشارکت دادن جوانان در پروژه های یاد شده روند اجرای آنها را سرعت بخشید.

ناگفته نماند که برنامه ریزی تالارهای شهرداری زیر نظر این مراکز صورت می گیرد و فعالیتهای دانشجویی نیز در



همین مراکز سازماندهی و جهت دهی می شود. مرکز شهروندی و آمایش سرزمین، از دیگر مراکز شهرداری نانت است که سه وظیفه اصلی را بر عهده دارد. این وظایف عبارتند از:

۱- توسعه تدریجی مراحل اجرای سیاستهای شهرداری در ظرفیت حمایت از مشارکتهای ایجاد تشکیلات حمایتی و نظارتی از فعالیت جوانان و اجرای سیاستهای بخشی در هر محله از طریق تشکیل کمیته های مشاور در محله ها.

۲- مدیریت عمومی فعالیتهای اجتماعی بخشها از طریق توسعه فعالیتهای شهرداری در جهت مدیریت امور باز نشستگان، افراد ناخوانده و شهروندان از کار افتاده ای که مشکلات اقتصادی و اجتماعی دارند.

۳- سازماندهی و مدیریت مشارکتهای نهادهای و خدمات رسانی اجتماعی به اقشار آسیب پذیر جامعه.

مرکز مدیریت عمومی زندگی اجتماعی از دیگر مراکز شهرداری است که مسئولیت توسعه مراحل مختلف و کنترل روند اجرای سیاستهای عمومی فعالیتهای اجتماعی را بر عهده دارد. این مرکز در عین حال مسئول ارزیابی سیاستهای عمومی شهرداری است و در زمینه های آموزش و پرورش، ورزش، کودکان، خانواده، سلامت و بهداشت عمومی و همکاریهای شهری در سطوح بین المللی فعالیت می کند.

مرکز مورد بحث، مسئول کنترل و هماهنگی فعالیتهای مربوط به مؤسسات و بخشهای مختلفی که فعالیتهای اجتماعی انجام می دهند نیز هست.

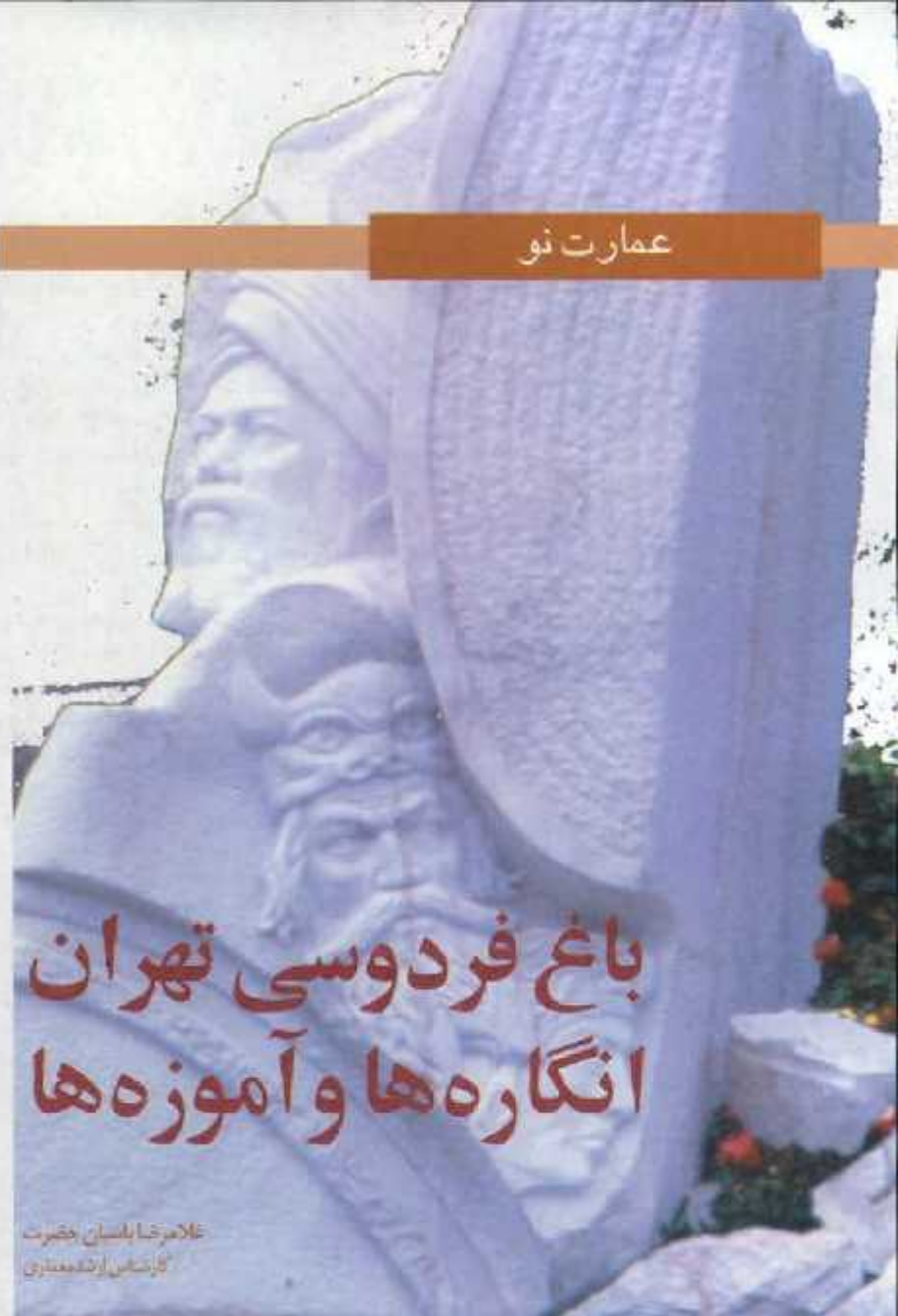
یکی دیگر از مراکز شهرداری، مرکز خدمات رسانی فضای سبز و محیط زیست است که این وظایف را بر عهده دارد. ایجاد و مدیریت فضای سبز شهری، مدیریت و کنترل تحقق و اجرای پروژه های فضای سبز و هماهنگی آنها با سایر بخشهای مرتبط با کودکان و نوجوانان ورزشی و تفریحی، سازماندهی فعالیتهای رفاهی و تفریحی شهرداری با سایر ارگانها و سازمانهای شهر نانت، حمایت و توسعه میراث فرهنگی و طبیعت شهر و همچنین انجام پروژه هایی به منظور ایجاد انگیزه و حس مسئولیت در زمینه حفظ محیط زیست شهری.

شایان ذکر است که شهرداری نانت با تأسیس مراکز یاد شده و درگیر ساختن شهروندان در وظایفشان، موفقیتهای زیادی را در زمینه های مرتبط با مدیریت شهری به دست آورده است.

در ادامه این گزارش

تاریخ

WWW. Les Strategies de L'arrangement et de L'arrangement Urban



باغ فردوسی تهران انگاره‌ها و آموزه‌ها

علامه خانبه‌اشان حضرت
کاشانی ارشد معماری

مقدمه

در شماره ۳۳ ماهنامه شهرتاریخ گزارشی درباره باغ فردوسی تهران (گسترش باغ جمشیدیه) درج گردید. طرح باغ فردوسی برنده جایزه بین‌المللی آقایان در سال ۲۰۰۱ شده است. این طرح تجربه‌های موفق را در ایجاد زمینه‌های جدید همکاری مشاور با کارفرما، روش اجرای کار و جزئیات ویژه در باغ، استقبال مردم و کارشناسان از کار اجرا شده به همراه آورده و به نتایج قابل‌انگیزی نیز دست یافته است که می‌تواند برای سایر کارفرمایان و شهرداران در طرح‌های مشابه مورد استفاده قرار گیرد. بسیاری از شهرهای کشور، در مجاورت اراضی پايكوهی و در شرایط مشابهی مستقر شده‌اند. این اراضی در حالی که می‌توانند به عنوان پستری برای تقویت رابطه انسان و طبیعت به کار روند، در معرض تهدید توسعه بی‌رویه شهر قرار گرفته‌اند.

طرح باغ فردوسی در مقیاس کلان (طراحی شهری - محیطی دره‌های کلک‌چال) و در مقیاس اجرایی (باغ فردوسی)، گونه‌هایی از راحل را برای تحقق اهداف طرح پیشنهاد کرده است که می‌تواند به عنوان الگویی برای برخورد با طبیعت و اراضی پايكوهی مجاور شهرها برای سایر نقاط کشور تلقی شود.

در این نوشته ابتدا به خلاصه‌ای از سابقه و اهداف طرح اشاره شده و سپس مبانی و ویژگیهای طراحی معرفی گردیده است. در پایان نیز فرایند اجرا و مشکلات اجرایی کار، که به ویژه می‌تواند مورد استفاده شهرداران قرار گیرد، مطرح شده است.

سابقه طرح باغ فردوسی

باغ فردوسی ابتدا با عنوان گسترش باغ جمشیدیه تهران، در شمال و غرب این باغ مطرح گردید. باغ جمشیدیه که در سالهای ۱۳۵۵-۵۷ در شمال تهران و در انتهای خیابان جمشیدیه طراحی و احداث شده بود، به قدری مورد استقبال مردم قرار گرفت که نگهداری فضای سبز و عناصر موجود در آن را دشوار ساخت. در نتیجه شهرداری تهران بر آن شد تا برای پاسخگویی به نیاز مردم، فضای باغ را گسترش دهد. باغ جمشیدیه که به وسیله دره‌ای در شرق و باغی در جنوب محدود شده بود، فقط از سمت شمال و شمال غرب قابلیت توسعه داشت. از این رو بود که اراضی یاد شده برای توسعه باغ جمشیدیه در نظر گرفته شد.

اراضی باغ فردوسی (توسعه باغ جمشیدیه) از سمت شرق و جنوب به پارک جمشیدیه، از غرب به تنگ حصارک - که مسیر مسعود به کلک‌چال است - و از شمال به ارتفاعات متعدد کلک‌چال محدود می‌شود. مساحت این باغ حدود ۳۰ هکتار است که از یک خط القعر در بخش غربی و بدنه‌های تپه‌های مجاور و بدنه‌های ارتفاعات شمال باغ جمشیدیه تشکیل می‌شود. ارتفاع پایین‌ترین بخش باغ حدود ۱۸۰۰ متر و بالاترین بخش حدود ۲۱۰۰ متر است و بین شمال و جنوب آن حدود ۳۰۰ متر اختلاف ارتفاع وجود دارد. بستر اراضی متشکل از صخره، سنگ، خاک و قطعات بزرگ و کوچک سنگ‌های ناپایدار است.

مجاورت این اراضی با باغ جمشیدیه، باغ منظره (از دوگانه شهید باهنر)، دره جمشیدیه و دره تنگ حصارک، شرایط خاصی را ایجاد می‌کند که می‌توان از آنها به عنوان امکان - و در عین حال محدودیت - نام برد.

اهداف و ایده‌های طرح

اصلی‌ترین هدف کارفرمای طرح، یعنی شهرداری تهران، آماده کردن اراضی پايكوهی شمال و غرب باغ جمشیدیه برای پذیرایی جمعیت بیشتری از مردم در باغ بوده است. اما ندانیه پیشنهاد طراح و توافق کارفرما قرار شد مطالعه گسترده‌تری در دره‌های اطراف صورت پذیرد. این مطالعه با نام طراحی محیطی دره‌های



سنگ عظیم و لاگون و درخت توت دو پیر خدا نشانی

ب - نام گذاری باغ به نام فردوسی، شاعر و اندیشمند ایرانی خردمند و وطن دوست که عمر خویش را در جهت وحدت ملی ایران صرف کرد، و نصب تندیس او در ورودی دو باغ جمشیدیه و فردوسی.

هدف دوم - ایجاد وحدت عملکردی بین سه باغ جمشیدیه، فردوسی، منظر به (باهنر).

این هدف نیز با تهیه طرح جامع اردوگاه منظر به، به وسیله مشاور و بافت شهر و به مدیریت طراح باغ فردوسی، پی گیری و با اجرای باغ فردوسی تا حدودی عملی گردید. گرچه پس از تهیه طرح جامع اردوگاه منظر به همه اقدامات لازم از طرف دو سازمان ذی ربط پی گیری نشده است.

هدف سوم - ایجاد یک باغ عمومی (پارک) کوهستانی برای پذیرایی از مردمی که باغ جمشیدیه به علت کمبود فضا قادر به پذیرایی از آنها نیست.

تحقق این هدف با دو ایده انجام شد:

الف - طراحی یک باغ کوهستانی با طبیعت خشک و سطوح قابل استفاده برای مردم (در بخش غربی).

ب - ایجاد حلقه های باغهای شیب دار ایرانی، بر طبیعت ناهموار و پیر شیب کوهستانی، و در نتیجه ایجاد سطوح متنوع منطبق با طبیعت برای استراحت مردم در شیبهای مختلف، همراه با آب و آبشار و جویساره که برای استقرار افراد در سنین مختلف در ارتفاعات کوه در بخش شرقی قابل استفاده است.

هدف چهارم - ارائه الگویی از طراحی در طبیعت و منطبق با طبیعت برای اراضی پایکوهی.

برای این هدف نیز دو ایده در نظر گرفته شد:

الف - طراحی همسایگی با زمین، به صورت تور پهن شده بر روی توپوگرافی موجود و طراحی به مقیاس ۱:۱، که اجرای آن با حداقل دستکاری در ساختار طبیعی و همچنین حداقل تحرین، عملی می گردد.

ب - حفاظت و تکثیر گونه های گیاهی کوهستانی و استفاده از آنها به عنوان عناصر طراحی.

هدف پنجم - تقویت رابطه مردم و به خصوص نسل جوان با طبیعت کوهستان.

برای هدف مذکور سه ایده در نظر گرفته شده است:



سنگ عظیم و لاگون - این مرکز میدان تجمع خانه های باغ

کلک چال انجام شد و هویت و عملکرد چهار دره بیرامون آن - یعنی در آباد جمشیدیه، تنگ حصارک و گلبدره - را تعیین کرد. از جمله برای اراضی باغهای فردوسی و جمشیدیه و باغ منظر به هویتی فرهنگی قائل شد، با در نظر گرفتن این هویت و اهداف دیگری که از مطالعات کلان طراحی محیطی دره های کلک چال به دست آمد، بر جنبه های کاربردی فرهنگی این اراضی تأکید شد و ملاحظات طراحی قرار گرفت.

اهداف اصلی باغ فردوسی و ایده های مطرح شده از طرف طراح برای تحقق آنها عبارتند از:

هدف اول - ایجاد مرکزی فرهنگی، به ویژه برای نسل جوان (بر اساس طراحی محیطی دره های کلک چال).

این هدف با دو ایده مطرح گردید:

الف - ایجاد خانه های فرهنگ اقوام ایرانی در بستر یک باغ و محیط طبیعی که موجب آشنایی بیشتر مردم تهران و بازدید کنندگان با اقوام ایرانی و ایجاد محبت و صمیمیت بین آنها گردد.

پایه‌های فلزی یا بتنی کار گذاشته شود. اما این گونه پیشنهادها ضد طبیعت و ضد سلامت با طبیعت است. وجود تک درخت توت و این سنگ زیبا الهام بخش طراح برای ایجاد یک فضای تجمع گردید که در اطراف این دو عنصر طبیعی شکل گرفته است. برای شروع کار ابتدا سنگ به نام «سنگ عظیم وازگون» نام گذاری شد و به جای احداث دیوارهای بتنی یا پایه‌های فلزی پیشنهادی مهندسان، بخشی از طبیعت پیرامون به عنوان حائل و نگهدارنده مورد استفاده قرار گرفت و سنگ و درخت در همان شکل طبیعی حفاظت شد. امروز این سنگ و درخت توت به صورت دو یار جدا نشدنی در وسط میدان خانه آذر بايجان مورد توجه بازدید کنندگان است.

نمونه دیگر، سنگی است که در شروع خاکبرداری خانه آذر بايجان در وسط زمین به چشم می‌خورد. به علت کوچک بودن بخش قابل مشاهده سنگ، قرار بود سنگ از محل برناشته و مصرف شود پس از خاکبرداری به ترویج مشخص گردید که این قطعه سنگ

الف - احترام به تمام اجزای موجود در طبیعت، حفظ آنها و قرار دادن آنها در مرکز طراحی.

ب - ایجاد نماشگاه گیاهان کوهستانی در دره‌های موجود.
پ - ایجاد باغ مجسمه‌های سنگی با استفاده از سنگهای سرگردان کوه.

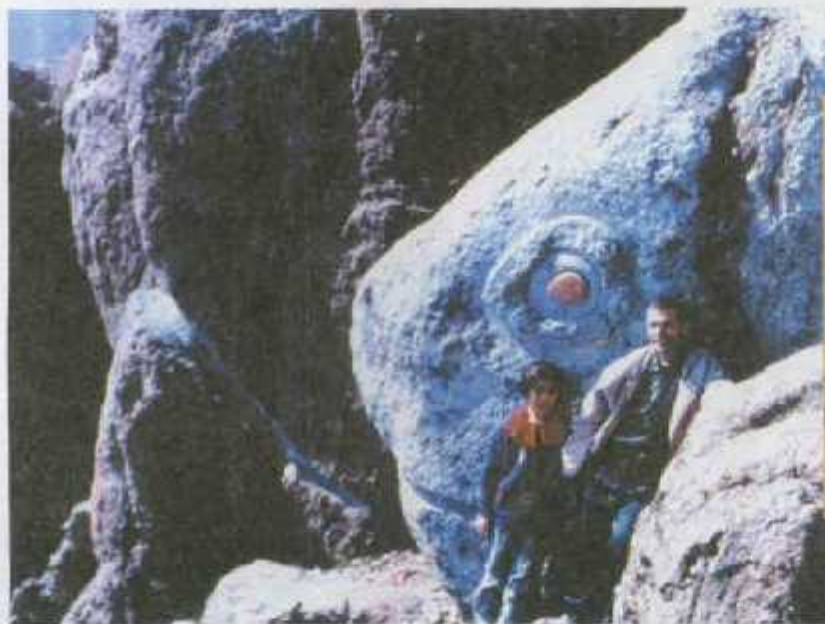
هدف ششم - ارائه الگویی از هماهنگی و ماندگاری در کاربرد مصالح.

برای این هدف دو ایده مطرح گردید:

الف - استفاده از سنگهای معادن قدیمی مجاور که دارای مقاومت کافی اند و کاربرد آنها از بزرگترین تا کوچکترین قطعات در محلهای متناسب.

ب - استفاده از سنگهای طبیعی و در حال سقوط ارتفاعات فرودست و کاربرد آنها به صورت طبیعی در طرح.

مبانی طراحی
رفاقت با طبیعت



کر و یکی ایده ششم مجسمه‌ها

مجموعه مجسمه‌های فلزی در ارتفاع

بسیار حجیم است و بسیاری است چنین سنگی خود یکی از ارزشهای طبیعی است. در نتیجه به جای خرد کردن سنگ، طرح ساختمان تغییر داده شد. به طوری که امروزه این سنگ در داخل خانه آذر بايجان قرار دارد. گرچه ایده طراح برای نصب تار عاشق لیر و مدل جام حسلو به عنوان دو نشانه از منطقه آذر بايجان بر روی آن امکان اجرا نداشت، ولی اکنون وجود این سنگ نشانه‌ای از استحکام فضای این خانه است.

موضوع رابطه با سنگها، صخره‌ها و گیاهان و خاطره‌ها بسیار گسترده است. زیرا در هر قدم یکی از این عناصر همراه با خاطره‌های آن به چشم می‌خورد. رابطه عاطفی که در طی ماهها کار بین طراح با عناصر طبیعی، سنگها و صخره‌ها به وجود آمد، وی را بر آن داشت تا آنها را به صورت موجودات زنده قابل احترام تصور کند و برای تحقق این تصور بکوشد. حاصل این تصور ایجاد باغ مجسمه‌های سنگی در بخش شمال شرقی باغ و برقرار استخر طبیعی باغ جمشیدیه است. سنگهای بزرگی که بر اثر تحولات طبیعی در گوشه و کنار افتاده و یا به یکدیگر تکیه زده بودند و به صورت عادی سنگهای خطرناکی تلقی می‌گردید، با نگرش رفاقتانه

طراحی در باغ فردوسی بر پایه رفاقت با طبیعت و احترام به عناصر طبیعی - همچون سنگ، سخره، بستر سنگی، درختان و بوته‌های کوهستانی - قرار دارد. معمولاً انسان بنا به عادت، رفاقتی خود را به نام می‌خواند. یا همین عادت، طراح برای رفاقت با کوهستان بر هر عنصر نامی نهاد که موقعیت، شکل و فضای پیرامون آن در خاطر نقش بندد؛ و بدین ترتیب نوعی رابطه بین طراح و عناصر طبیعی به وجود آمده است. با اصل رفاقت با طبیعت، به هر عنصر طبیعی موجود در این محدوده کوهستانی حتی المقدور در محل استقرار خود به عنوان موجودی قابل احترام نگریسته شده و تلاش گردیده است که فضای پیرامونی این عناصر با توجه به آنها طراحی شود.

احترام به عناصر طبیعی

نمونه‌های متعدد و خاطرات خالبی در این مورد وجود دارد. از جمله اینها وجود یک سنگ عظیم در وسط مسیر طبیعی بخش غربی است. به علت شکل خاص سنگ و ناپایداری استقرار و احتمال فروغلیتیدن آن، مهندسان راه و ساختمان و مجری طرح معتقد بودند که این سنگ باید خرد شود ولی در مقابل تصمیم طراح برای حفظ آن، پیشنهاد کردند که برای تثبیت، در اطراف سنگ

بسیاری از شهرهای کشور، در مجاورت اراضی پایکوهی مستقر شده‌اند. این اراضی در حالی که می‌توانند به عنوان بستری برای تقویت رابطه انسان و طبیعت به کار روند، در معرض تهدید توسعه بی‌رویه شهر قرار گرفته‌اند

با اصل رفاقت با طبیعت، به هر عنصر طبیعی موجود در این محدوده کوهستانی حتی المقدور در محل استقرار خود به عنوان موجودی قابل احترام نگریسته شده و تلاش گردیده است که فضای پیرامونی این عناصر با توجه به آنها طراحی شود

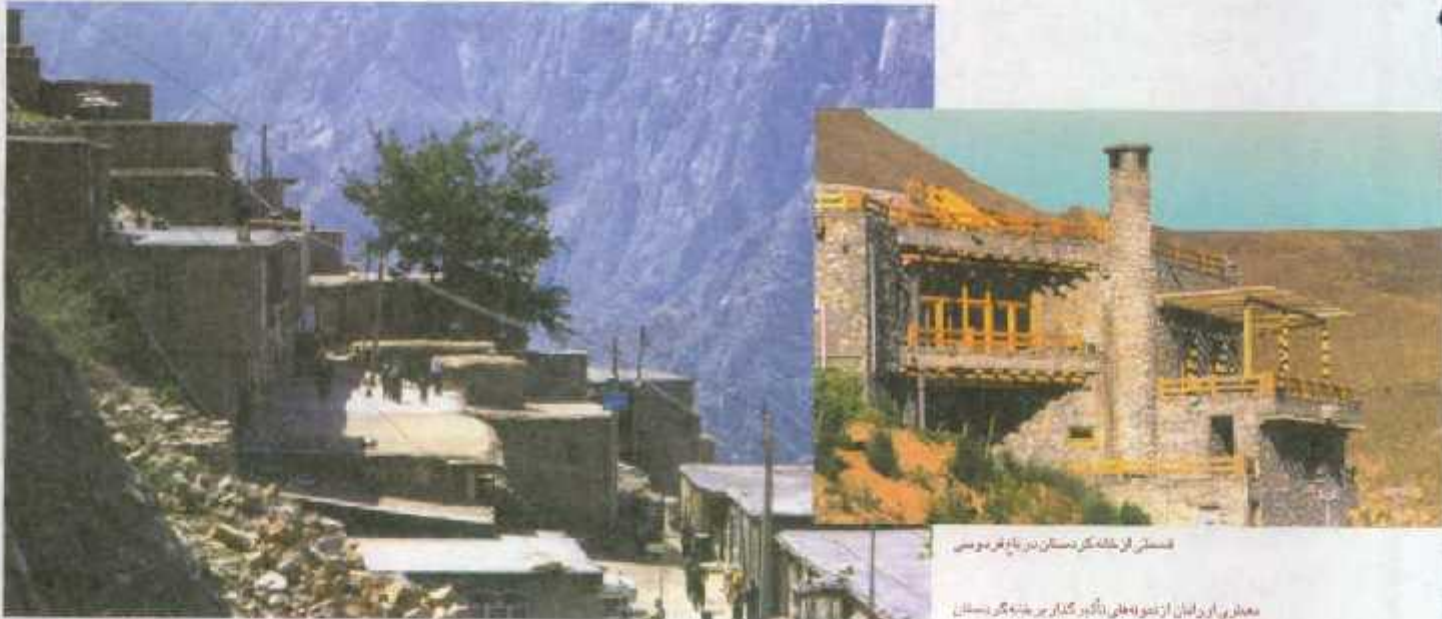
خانه‌های فرهنگ اقوام مختلف ایرانی (کرد، بلوچ، فارس، آذری، ترکمن، لر و جز اینها)، با تأکید بر دو نکته صورت گرفت:

۱- یادآوری تنوع قومی در ایران که یکی از ارزشهای فرهنگی بی‌ظنیر کشور ماست.

۲- تأکید بر همبستگی و وحدت این اقوام در طول تاریخ چند هزار ساله کشور.

در طرح برای هر یک از اقوام در نقاط مناسب کوهستان یک خانه فرهنگی پیش‌بینی گردیده و تاکنون چهار واحد آنها - یعنی خانه شمال غرب (آذربایجان)، خانه غرب (کردستان)، خانه ایلات شمال (ترکمن) و خانه زاگرس (بختیاروی و...) - اجرا شده است. در همین طرح بر فراز قلعه کوه یک میمادگاه برای جمع خانه‌های فرهنگ پیش‌بینی گردیده که هنوز ساخته نشده است.

انتخاب محل خانه‌ها با توجه به روحیه هر قوم، در ترکیب با فضاهای طبیعی، سخره‌ها و کوهپای پیرامون صورت گرفته است. طرح هر خانه از معماری بومی تأثیر پذیرفته (نظیر خانه



مستقل از خانه کردستان در باغ فرموسی

معماری ایران باستان از نمونه‌های دیگر گذار بر پهنه کردستان

کردستان که از معماری سنگی منطقه اورامان تأثیر گرفته است، ولی خانه‌ها در ترکیب با طبیعت آزادی عمل خود را حفظ کرده‌اند. هر خانه دارای فضایی برای برگزاری جشن و اجتماع و برگزاری مراسم است که خود به عنوان پیش فضای خانه نیز محسوب می‌گردد. در برخی از خانه‌ها نشانه و یادمانی برای خاطره برزگان قوم در نظر گرفته شده است، از جمله سیمای شهریار و ستارخان در خانه آذربایجان و یا سیمای مختوم‌قلی، شاهر بر آواز ه ترکمن، در خانه ترکمن.

فضاهای متنوع طرح

اگر به اصل رفاقت و احترام به طبیعت برگردیم، آن‌گاه مجبور خواهیم بود در چارچوب ایده‌های طرح در هر محل بر حسب شرایط بنا مقیاس ۱:۱ و بر روی زمین به تناسب وضعیت زمین و مصالح در دسترس طراحی کنیم. مصالحی که در اندازه، شکل، ارتفاع و عناصر ترکیبی متفاوت‌اند، مهم‌ترین دستاورد این گونه کار کردن، تنوع عناصر و فضاها خواهد بود و توجه استفاده‌کنندگان مختلف را جلب خواهد کرد.

به آن‌ها، هر یک در هیئت موجودی افسانه‌ای و یا خاطره‌انگیز ظاهر گردیده است. برای احترام به خلوص طبیعی آنها در پیشنهاد طرح فقط به اشارتهای برای جاندار کردن آنها اکتفا شده است. یک چشم، یک لبه و یا یک دست، آن هم به صورت خطی ظریف، سنگها را به موجودات قابل درک تبدیل کرده است. بدین ترتیب حدود ۳۰ مجسمه یا حکاکی مجسمه‌ساز هنرمند، خوشمیل و زبوی، در ابعاد مختلف بر فراز کوه به وجود آمده است.

تسهیل حضور مردم در طبیعت

برای گردش و استراحت مردم، در بخش شرقی باغ (محور انبارها) تراسهای متعددی از ابتدای راه تا بالاترین نقطه کوه در ترکیب با جویبارها، مجسمه‌های طبیعی، سخره‌ها و با فضاهای سبز سایه‌دار پیش‌بینی شده است. مردم بر حسب سن و توانایی صعود از کوه، در آنها مستقر می‌شوند و صحنه زیبایی از حضور سازمان یافته خود در دامن طبیعت را به نمایش می‌گذارند.

عناصر ساختمانی طرح

یکی از اهداف طراحی باغ فردوس، تبدیل این محدوده به فضایی فرهنگی، به ویژه برای نسل جوان، بوده است. ایده استقرار

معايير

راههای حرکت از میدان با از کنار خانه‌ها و بازار قراز و فرود مجسمه‌ها و سخرها انتخاب شده است. مجموعه خانه‌های اقوام از طریق بازیگه ای که ناشی از سرریز آب آشامیدنی است به یکدیگر می‌پیوندد. این پیوند از مقابل مجسمه فردوسی که در جنوب ترین بخش باغ و در کنار میدان ورودی است، می‌گذرد.

نورپردازی

به علت اشراف باغ به شهر تهران و حضور مردم تادیر هنگام نورپردازی و زندگی شب مورد توجه قرار گرفته و دیوارها، کفها و سنگها نورپردازی شده است - اگر چه در زمان حاضر این بخش از تأسیسات به نحو مطلوب کار نمی‌کند.

نورپردازی عمومی حتی المقدور آرام و یکنواخت و بر حسب اختلاف سطح و تردد در مسیرها تنظیم شده است. برای محله‌ها و عناصر ویژه، نورپردازی اختصاصی با پروژکتور مناسب در نظر گرفته شده است.

دیوارها

دیوارهای حائل مورد نیاز طرح و کنهها به صورت موج، همراه با الفت و خیز طبیعت و به تناسب با همراهی با میزان خاک پشت آنها، و حتی المقدور کم ارتفاع، طراحی شده است. در کنهها و دیوارها هنگامی که دارای سطوح بزرگ هستند، با ایجاد اختلاف سطح به



منظر بخش مرکزی باغ

صورت طرحهای متحرک و منحنی، شکلهای تازه‌ای پدیدار گشته و از یکنواختی کسالت‌بار پر هیز شده است. دیوارها و کفها همواره با عناصر طبیعی و گیاهان کوهستانی ترکیب شده‌اند.

معماری منظر

معماری منظر در پارکهای شهری بیشتر بر سلیقه و نظر طراح منظر متکی است و طبعاً معمار منظر دارای آزادی عمل بیشتری برای اعمال سلیقه خود است. در طرحهای مشابه باغ فردوسی منظر تحت تأثیر طبیعت کوهستان و تابعی از آن است. ویژگیهای گوه، صخره‌ها، سنگها، نوع و میزان خاک، شیب، موقعیت جغرافیایی، افتاب‌گیری و عوامل متعدد دیگر بر طرح تأثیر می‌گذارند. از آنجا که بستر طرح را معمار طراحی می‌کند، طراح

با توجه به دیدگاه ماندگاری و انطباق بر طبیعت طرح، معماری منظر باغ فردوسی ترکیبی است از ایده‌های معماری، صخره‌ها، سنگها با بوته‌ها، گیاهان، گلها و درختچه‌ها و درختان

منظر در این مورد هم دچار محدودیت است. به دلایلی که در مباحث طراحی پارک گفته شد، با توجه به دیدگاه ماندگاری و انطباق بر طبیعت طرح، معماری منظر باغ فردوسی ترکیبی است از ایده‌های معماری، صخره‌ها، سنگها با بوته‌ها، گیاهان، گلها و درختچه‌ها و درختان.

یکی از مشکلات طراحی منظر، یافتن گونه‌های گیاهی است که بتوانند ضمن زیبائی و تنوع منظر، شرایط سخت کوهستان را تحمل کند. به علت تنوع فضاها از نظر سطح، ارتفاع، ترکیب یا صخره‌ها و جز اینها، ضمن ملحوظ داشتن طرح کلی منظر، مینی بر استفاده حداکثر از گونه‌های گیاهی کوهستانی، برای هر نقطه و هر قطعه از پارک به تناسب فضای پیرامونی طرح معماری منظر خاص طراحی شده است. (۱)

گونه‌های استفاده شده در باغ فردوسی شامل سه گروه است: درختان، درختچه‌ها، و گیاهان پوششی. گروه اول درختان هستند که برای حفاظت خاک و ارتقای کیفیت فضای سبز مجموعه روی شیبهای مجاور مسیرهای اصلی کاشته شده‌اند. این درختان عبارتند از توت، ترقایی معمولی، سرو، نقره‌ای، کاج تهران، نوبل نقره‌ای، آلبالو تلخ، ارغوان معمولی و گاهی سنبل‌روس. برای پوشاندن شیبها و گناه نیز بالای دیوارهای سنگی اطراف مسیرها از درختچه‌هایی نظیر بیواکتا، هیزو کیوم،

قطعاً هر چه اعتماد کارفرما و مشاور طراح به یکدیگر بیشتر و دامنه همکاری فکری و عملی آنها گسترده‌تر باشد، طرح به اهداف خود نزدیک‌تر و از نظر کیفیت طراحی و اجرا نیز موفق‌تر خواهد بود

کوئوتناستر، سطاق معمولی، سطاق آمریکایی، تیغ وحشی، یاس زرد و نسترنهای بیخ، بیخ امین الدوله، سنجد زیتنی، مروارید، تر گس درختی، بادام وحشی و گنبدین استفاده شده است.

به منظور هماهنگی با سنگها و صخره‌ها در باغچه‌های لای سنگها در کنار مسیرهای عبور از انواع نسترن، گیاهان پوششی نظیر انواع سدم و گیاهان صخره‌ای نظیر آرابیس، ابریتا، سانتولیتا، لاواندر و سراسنوم و گاه گل‌های فصل استفاده گردیده است.

فراپند اجرا

تفاوت با طرحهای معمول

طرح باغ فردوسی و طرحهای مشابه آن با طرحهای معمول در دست‌انجامی شهرداریها - مانند راهسازی، بیل‌سازی، آسفالت و یا



منظره مسخریوانه مرکز و سنگهای جلوس

چهارم - دعوت از پیمانکاران (نظری تجربه و یا مدیریت در طرحهای مشابه).

پنجم - انتخاب پیمانکاری که دارای تونل بالا و سابقه کار مشابه باشد.

بخش دوم: شروع به کار

اول - آموزش نیروی کار پیمانکار.

دوم - طراحی مجدد با مقیاس ۱:۱ روی زمین.

بخش سوم: نظارت و تکمیل طرحها

اول - تهیه نقشه‌های تقریباً عین مطابق با سایت موجود.

دوم - تهیه نهایی نقشه‌های ساختمان مطابق با سنگها و صخره‌های زیر زمین.

سوم - نظارت مستمر همراه با تکمیل نقشه‌ها در ضمن اجرا.

دستاوردها و تجربیات طرح باغ فردوسی

استقبال گسترده مردم و به خصوص نسل جوان و اقوام ایرانی از مضامین و ایده‌های طرح، ستایش بازدید کنندگان خارجی و شهردارهای شهرهای کشور، و اکنون افتخار جایزه بین‌المللی ۲۰۰۱ آقاخان به طرح، مشاور و همچنین شهرداری تهران، حاکی از موفقیت این طرح است.

طراحی و اجرای باغ فردوسی تجربه متفاوتی در طراحی و اجرا و دستاوردهای قابل استثنایی نیز برای طراحان، کارفرما و مردم شهر تهران و تا حدودی برای سایر شهرها داشته است که می‌توان آنها را به صورت زیر برشمرد:

- توفیق در طراحی یک پارک در محیط کوهستانی یا حداقل آب در دسترس.

- تجربه نحوه اجرای تأسیسات زیربنایی، بدون تخریب کوه، استفاده از عناصر طبیعی به عنوان دستمایه اصلی در طراحی.

- تلفیق عناصر فرهنگی یا طبیعت با عملکرد کوهستانی پارک.

- ارائه الگویی از سازه‌های طبیعی پیرامون شهرها که نکات مثبت آن می‌تواند مورد استفاده مسئولان سایر شهرها، شهرداران و طراحان شهری - محیطی قرار گیرد.

- تقلیل هزینه طرح؛ با استفاده از مصالح طبیعی موجود و کاربرد حداقل مصالح، دستکاری حداقل در طبیعت، انطباق قدم به قدم طرح بر زمین، که مجموعه این اقدامات موجب تقلیل هزینه طرح شده است.

- تسهیل ارتباط مردم شهر با طبیعت از طریق یک بستر طراحی شده.

- تقویت رابطه مردم با طبیعت مجاور شهر که موجب ایجاد انگیزه در مردم برای حفاظت از طبیعت و دفاع از ارزشهای طبیعی شهر خواهد شد.

- ایجاد فضاهایی خاص برای حضور و استفاده اسل جوانان از طبیعت.

- آموزشهای ترویجی کار محلی برای کاربردی‌ترین تجربیات متفاوت سنگ طبیعی.

- جلب توجه شهرداران و کارشناسان شهرداریهای کشور به مسرات طبیعی شهرهایی با شرایط مشابه، جایگزین شدن نگرش توسعه پایدار در برخورد به اراضی پاکوهری و دره‌های شهری در تسطیحات شهریهای کشور، و در نتیجه توقف تخریب و یا جاده‌سازیهای ضد طبیعت در برخی ارتفاعات مجاور شهرها.

احداث بنای شهرداری - متفاوت است.

اگر یک طرح از نظر نوع سایت، نوع طراحی و کیفیت اجرا یا طرحهای تپ متفاوت باشد، قطعاً به قراردادی با شرح خدمات و توافق شرایط خاص نیاز دارد. اما متأسفانه عقد چنین قراردادی برای طرحهای عمرانی و سازمانهایی نظیر شهرداری - که غالباً طرحهای تپ با قراردادهای تپ اجرا کرده‌اند - مشکل است. این در حالی است که دستیابی به یک طرح با کیفیت مورد انتظار در مطالعه، ایده، طراحی و اجرا در روشهای معمول قرارداد همسان (تپ) نمی‌گنجد و باید بر حسب هر مورد، شرح خدمات خاص و قراردادی اختصاصی شامل حق السجسه، نحوه طراحی، نحوه نظارت و اختیارات طراح منعقد گردد. همچنین بدیهی است که موفقیت در طراحی زمانی حاصل می‌شود که در اجرای طرح همه نظریات طراح مورد توجه و ملاک عمل قرار گیرد و از اعمال نظر و سلیقه شخصی کارفرما و مدیران مالی و اجرایی اجتناب شود. حتی زمانی که برآورد کمبود بودجه یا ننگاهای زمانی لازم است تغییراتی در طرح اعمال شود، ضروری است با نظر و موافقت طراح انجام پذیرد.

قطعاً هر چه اعتماد کارفرما و مشاور طراح به یکدیگر بیشتر و دامنه همکاری فکری و عملی آنها گسترده‌تر باشد، طرح به اهداف



نورپردازی پارک در شب در موهان چاله آترامهان

خود نزدیک‌تر و از نظر کیفیت طراحی و اجرا نیز موفق‌تر خواهد بود. دستیابی به این امر در قدم اول با عقد قرارداد متناسب با شرایط و خواستههای طرفین امکان پذیر است.

مرحله اجرای این طرحها نیز با طرحهای معمول معماری تفاوت دارد. این تفاوت را می‌توان در سه بخش بیان کرد.

بخش اول: اقدامات قبل از اجرای کار، شامل:

اول - تنظیم فهرست بهای خاص برای پاسخگویی به شرایط زمین و مصالح.

دوم - تنظیم قرارداد غیر تپ (مدیریت پیمانگی یا امائی) برای پیمانکار.

سوم - تهیه اسناد مناقصه خاص.

استفاده از عامل آسفالت زبر و درشت دانه در کاهش تصادفات شهری

رحمان تفهیمی

۱- مقدمه

شیکه حمل و نقل شهری یکی از عناصر اصلی و جذابی ناپذیر شهری است، به گونه‌ای که حتی شکل شهر هم در اعصاب تابعی از این شیکه بوده است. وسایط نقلیه در جامعه امروز تبدیل به نیازی اساسی برای هر فرد در جامعه گردیده و شهر کارآمد، شهری شده است که بتواند تسهیلات لازم برای حرکت وسیله نقلیه را فراهم آورد. این آمد و رفت حوادثی را نیز به همراه دارد. این حوادث دارای علل متعدده و مختلفی هستند. یکی از عمده‌ترین علل حوادث رانندگی عدم توقف به موقع وسایط نقلیه در مواجهه با خطرناک است، که به دلیل کوتاه بودن فاصله ادراک خطر و عامل ایجاد خطر، و در نتیجه توقف ناپهنگام خودرو به دلیل سرعت زیاد به روی سطح آسفالت است.

آشنایی با مقاله «مقاومت سحر خوردگی روسازی راه» نوشته «مهندس محمد حسن میرابی مقدم»، مراب به این ذکر واداشت که نقش آسفالت بجز فرایندها و نیروهای شیمی - فیزیکی حاکم بر آن چگونه می‌توانند در شهرسازی در خدمت ایمنی زیست عموم مردم قرار گیرد همین امر زمینه‌ساز بیوند نظریه‌های شهرسازی با امکانات فناوری برای کاهش خطر سفرهای شهری گردید که در ادامه بیان می‌گردد.

۲- طرح مسئله

یکی از عمده‌ترین حوادث در شهرها تصادفات رانندگی در شبکه راههاست که معمولاً منجر به خسارات مالی و جانی می‌گردد. این تصادفات که تحت تأثیر عوامل مختلف روی می‌دهند، تجزیه و تحلیل شدنی و دارای روشهایی برای پیشگیری‌اند که با توجه به نوع علل حاکم باید راهکارهای لازم را طرح کرد.

تصادفات رانندگی در سه بخش کلی طبقه‌بندی می‌گردد:

الف - تصادف وسیله نقلیه با وسیله نقلیه (شامل اتوبوس، کامیون، سواری، وانت و موتور سیکلت، دوچرخه و سایر وسایطی که به نوعی عامل نقلیه هستند)

ب - تصادف پیاده با وسیله نقلیه (تصادف پیاده با هر گونه عامل نقلیه‌ای)

ج - تصادف وسیله نقلیه با عوامل کالبدی (سقوط در تره، تصادف با کبوه، تصادف با ساختمان، سقوط در چاله، برخورد با موانع و جزاینها)

به طور کلی در هر تصادف سه عامل نقش دارند: (۱)

۱- عامل جاده‌ای، ۲- عامل وسیله نقلیه، ۳- عامل انسانی.

۱-۲-۱- عامل جاده‌ای

عامل جاده‌ای به عوامل زیر تقسیم می‌گردد:

۱-۱- جنس و کیفیت راه: نوع آسفالت، شیب طولی و عرضی، قوس، سطح عرضی خیابان.

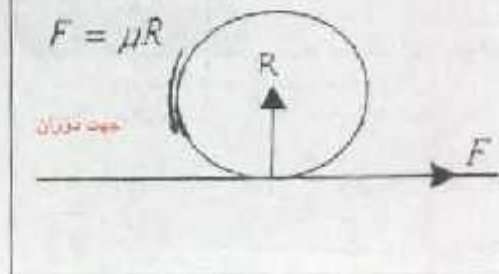
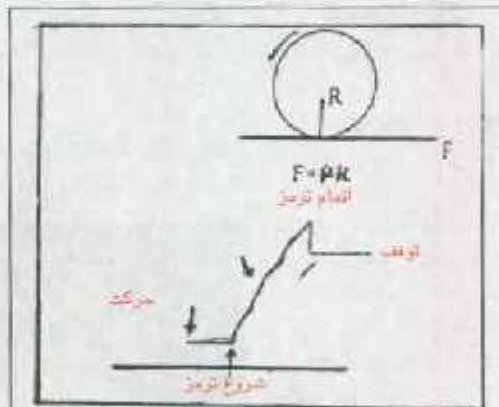
۱-۲- نشانه‌ها و علائم راهداری، مانند: تابلوها و علائم راهنمایی و هندساری، گارد و حفاظ و جداول حاشیه جاده، خط کشی‌ها، گل میخ‌ها و شیرنگ‌ها، نور و چراغهای راهنمایی و هدایتی.

۱-۳- خطرهای راه گرما و یخبندان، باران، سیل، ریزش کوه، عبور حیوانات، سوانح دید، انحرافات دید (مثل تابلوهای تبلیغاتی در محل‌های نامناسب)، تقاطعها و ترافیک عبوری.

۲-۲- عامل وسیله نقلیه و نقش آن

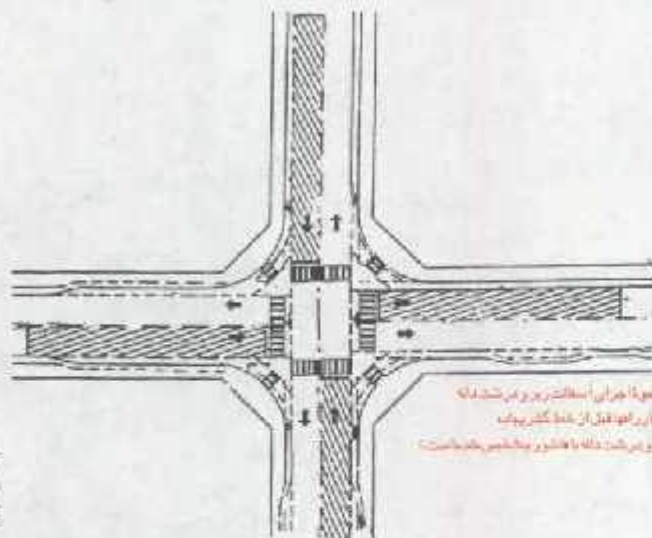
عامل وسیله نقلیه و نقش آن به شکل زیر تقسیم می‌گردد:

۲-۱- نوع وسیله نقلیه، وسایط نقلیه سبک و وسایط نقلیه سنگین



شکل ۱-۱- نیروی واکنش در جسم متحرک
و رابطه آن با نیروی واکنش در جسم ساکن

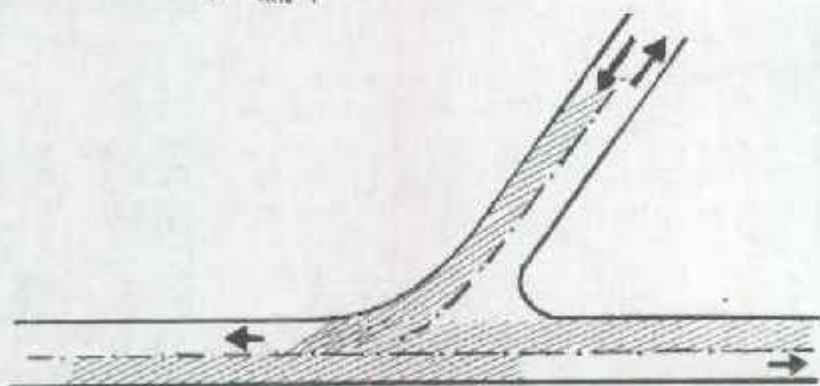
**نوع ساختمان و ترکیبات لاستیک، ترکیبات
آج، طراحی کل آج و عمق آج لاستیک نقش
تعیین کننده‌ی رادار مقاومت سر خوردگی
روسازی راه دارند**



شکل شماره ۵- نحوه‌ی جریان آسفالت زیر و بر سطح آج
در آج‌های رویی و چار و بر روی آج‌های عمیق
(نوع آج آسفالت زیر و بر سطح آج‌ها با فشار و یکسان باشد)

می‌گذارد و به عنوان عاملی ثابت و دارای تأثیر، اهمیت می‌یابد. در مطالعات انجام شده، مشخص گردیده است که در سطوح آسفالت درشت و زیر مقاومت اصطکاک پذیری وسایط نقلیه بسیار بالا می‌رود.

در شکل‌های شماره ۵ و ۶ آج لاستیک در سطوح صاف و زیر جاده نشان داده شده‌اند. از روی این نمودارها می‌توان دریافت که میزان اختلاف اصطکاک لاستیک صاف و آجدار در سطوح زیر خیلی کم است و منحنی آنها کاملاً نزدیک به هم قرار دارند. ولی در سطوح صاف این دو لاستیک دارای اختلاف اصطکاک زیادی هستند و با افزایش مقدار سرعت اختلاف بین ضریب اصطکاک آنها بیشتر می‌گردد. بنابراین معلوم می‌شود که در سرعت‌های بالا (بیش از ۵۰ کیلومتر بر ساعت) لاستیک آجدار بسیار بهتر از لاستیک صاف عمل می‌کند (میرایی مقدم).



شکل شماره ۶- نحوه‌ی استفاده از آسفالت زیر و بر سطح آج در تعیین آنجا که ماشین در یک طرفه یا در هر دو طرفه
توقف آسفالت زیر و بر سطح آج‌ها با فشار و یکسان باشد است.

**از آنجا که در روند بررسی تصادفات، آسفالت
به عنوان تنها عامل یکبار چه و گسترده در
پیش روی قرار دارد و از دیگر سو سازمان
مشخصی (شهرداری) متولی آن است، در
شرایط اقتصادی و اجتماعی کنونی، یگانه
عنصر مؤثر در کاهش تصادفات تلقی می‌شود
و از همین رو اهمیت ویژه‌ای یافته است**

**در واقع نوع آسفالت زیر و درشت دانه
اصطکاک پذیری بالایی را برای توقف
خودرو، بدون توجه به وضعیت لاستیک، از
خود نشان می‌دهد**

در واقع نوع آسفالت زیر و درشت دانه اصطکاک‌پذیری بالایی را برای توقف خودرو بدون توجه به وضعیت لاستیک، از خود نشان می‌دهد. آسفالت‌های ریز و صیقلی در مقابل لاستیک‌های صاف دارای اصطکاک‌پذیری بالایی نیستند و با توجه به میزان آج لاستیک و اکتش‌های متفاوتی را نمایان می‌سازند.

۴- نقش آسفالت زیر و درشت دانه در کاهش تصادفات
آسفالت زیر یا دانه درشت به سه صورت می‌تواند در کاهش تصادفات نظام حرکتی تأثیر بگذارد:

- ۱- اصطکاک‌پذیری بالا و جلوگیری از سر خوردگی
- ۲- واکنش لرزشی حاصل از تغییر بافت و انتقال آن به بدنه اتومبیل (ویبره کردن)
- ۳- واکنش شنیداری یا توجه به تغییر نوع صدا.

- میزان فشردگی یا دلاستیک
- وزن قرار گرفته بر روی لاستیک

۲-۳- استفاده از آسفالت زیر و درشت دانه در کاهش تصادفات

بافت درشت آسفالت به دلیل ایجاد اصطکاک بیشتر با سطح لاستیک، باعث کاهش سرعت در وسایط نقلیه می‌شود و عملکرد توقف وسیله نقلیه را آسان می‌کند. در عملکرد توقف اتومبیل آسفالت و نوع و کیفیت لاستیک وسایط نقلیه نقش مؤثری دارند. مطالعات انجام شده دال بر این موضوع است که «نوع ساختمان و ترکیبات لاستیک، ترکیبات آج، طراحی کل آج و عمق آج لاستیک نقش تعیین کننده‌ی رادار مقاومت سر خوردگی روسازی راه دارند» (میرایی مقدم). البته با توجه به وضعیت اقتصادی و فرهنگ حرکتی وسایط نقلیه، و به رغم ضروری بودن تسوین ضوابط و آیین‌نامه‌های خاص برای وضعیت لاستیک خودروها، عملاً با توجه به هزینه بالایی اقدامات کنترلی، نمی‌توان کنترل مستمر و مؤثری برای رعایت استانداردها در لاستیک در حال استفاده به کار بست و در واقع لاستیک تا زمان فرسایش کامل، به گردش خود برگردد. محورهای چرخ و حمل وزن اتومبیل ادامه خواهد داد. بدین ترتیب لاستیک از چرخه سیاست‌گذاری به روی عامل مؤثر بر کاهش تصادفات خارج می‌شود. از آنجا که در روند بررسی تصادفات، آسفالت به عنوان تنها عامل یکبار چه و گسترده در پیش روی قرار دارد و از دیگر سو سازمان مشخصی (شهرداری) متولی آن است، در شرایط اقتصادی و اجتماعی کنونی، یگانه عنصر مؤثر در کاهش تصادفات تلقی می‌شود و از همین رو اهمیت ویژه‌ای یافته است. آسفالت به روی همه وسایط نقلیه تأثیر مشابه

۵- راهبردها در شهرسازی

۵-۱- گردآوری اطلاعات

معمولاً در هر سیستم مدیریت شهری بانک اطلاعات قوی در مورد تصادفات رانندگی، به صورتی که در برگزیده اطلاعات مدیریتی باشد، باید به وجود آید. برخی از این اطلاعات شامل موارد ذیل است:

- ۱- نقطه دقیق تصادف
- ۲- تعداد وسایل درگیر به صورت مستقیم
- ۳- تعداد وسایل نقلیه غیر درگیر در تصادف که بر روی تصادف تأثیر داشته‌اند
- ۴- نوع وسایط نقلیه
- ۵- مدل و مشخصات فنی وسایل نقلیه
- ۶- وضعیت جنسیت، تجربه، سن، شرایط فیزیکی، شرایط روانی راننده
- ۷- زاویه تصادف
- ۸- نوع تصادف
- ۹- نوع خسارت
- ۱۰- عامل تصادف
- ۱۱- سرعت وسایط نقلیه
- ۱۲- وضعیت جاده (از نظر ساختمان، مقطع عرضی، شیب و نوع آسفالت)
- ۱۳- وضعیت اقلیم و شرایط جوی.

۵-۲- تجزیه و تحلیل اطلاعات

از طریق گردآوری این اطلاعات نقاط بحرانی که سلسله تصادفات در آنها رخ داده است شناسایی و براساس مشخصات کمی و کیفی طبقه‌بندی می‌گردند. یکی از عوامل بسیار مؤثر در تصادف عامل سرعت است که با استفاده از نوع آسفالت می‌توان آن را کاهش داد. طبق آمارهای تهیه شده در سازمانهای ترافیکی، بعضی از نقاط در اکثر کشورها بیشتر از سایر نقاط در معرض تصادفات قرار دارند که عبارتند از:

- تقاطعها

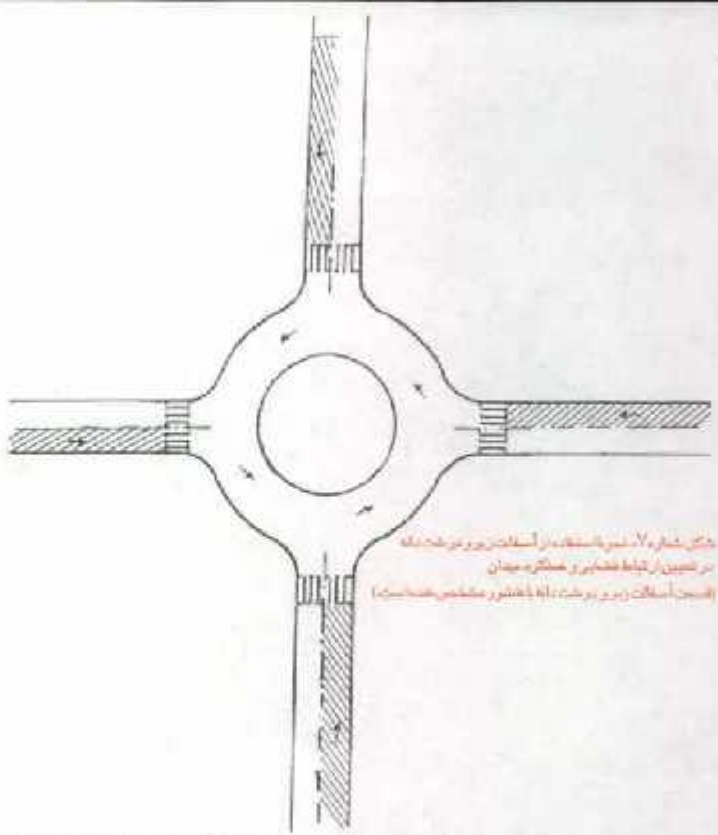
- ورودیهای فرعی به اصلی
- پیچها و قوسهای داخلی خیابانها
- محل گذر پیاده.

۵-۳- استفاده از آسفالت زیر و درشت دانه در محلهای

شناسایی شده

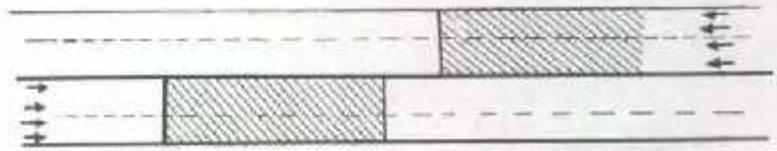
در صورت استفاده از آسفالت زیر و درشت دانه در قرن از نقاط بحرانی با توجه به سرعت و مقطع عرضی خیابان می‌توان به وسیله سه عامل مؤثر ادراکی راننده (عامل کاهش سرعت، عامل لرزش و عامل صدا)، راننده را به سمت کنترل سرعت و کنترل انوسیل هدایت کرد.

در خطوطی که نیاز به کاهش سرعت و توقف دارند، در صورتی که آسفالت زیر و درشت دانه استفاده شود، در کاهش سرعت ورود به تقاطعها و در نتیجه در کاهش تصادف، تأثیر عمده دارد. از دیگر سو، این کار با آموزش صحیح تبدیل به نوع عادت در رانندگی می‌گردد که رانندگان خودرو و تغییر در نوع آسفالت شروع به کاهش سرعت خود می‌کنند و به مرور زمان این امر تبدیل به فرهنگ و آداب رانندگی می‌شود.



یکی از عوامل مؤثر در بروز تصادفات رانندگی، کوتاه بودن فاصله بین ادراک خطر و عامل ایجاد تصادف است. کوتاه بودن فاصله از دو بخش تشکیل می‌گردد

۱- کوتاه بودن زمان در ادراک راننده تا واکنش، ۲- کوتاه بودن زمان در ترمز تا توقف.



محل گذر پیاده، ورودیهای فرعی به اصلی و درشت دانه در زمین آسفالت مشخص و همگن در خیابانها بر راننده
وضعیت آسفالت زیر و درشت دانه، بافتون مشخص شده است.

۴-۱- ادراک راننده

آسفالت زیر و درشت دانه به دلیل تغییراتی که در نوع حرکت اتومبیل به وجود می‌آورد، می‌تواند به سرعت ادراک راننده کمک کند. این تغییرات شامل تغییر در سرعت اتومبیل به واسطه ایجاد اصطکاک، با سطح خیابان و تغییر در ارتعاشات بدنه اتومبیل (ویبره شدن) به دلیل تغییر سیستم حرکتی اتومبیل است. از طرف دیگر به دلیل تغییر در بافت آسفالت تغییر در صدای حرکتی اتومبیل حاصل از برخورد لاستیک با آسفالت نیز ایجاد می‌شود که به ادراک شنیداری راننده کمک می‌کند. این سه عامل ادراکی که تحت عنوان عوامل ادراکی «سرعت، لرزش و صدا» طبقه‌بندی می‌گردند، در فرایند بخش اول ادراک راننده و عمل ترمز نقش تسریع کننده دارند، و این خود به کاهش تصادفات می‌انجامد.

۴-۲- ترمز تا توقف

همان گونه که قبلاً نیز بحث گردید، آسفالت زیر و درشت دانه با توجه به شرایط آب و هوایی، سرعت، وضعیت لاستیک، اصطکاک پذیری بین سطح جاده و لاستیک وسایط نقلیه را بالا می‌برد و کاهش سرعت و عمل توقف را تسهیل می‌کند و باعث می‌گردد که عملکرد سیستم ترمز و توقف در مدت زمان کوتاه حداکثر ممکن و زمان ادراک از احتمال حادثه و ترمز تا محل توقف، در حداکثر کارایی بروز کند.

پانویسها

- ۱- سلطانی، تأثیر گذار بر هر یک از این عوامل می‌تواند به صورت پررنگ در این تحقیقات بررسی گردد.
- ۲- سوسولری، فرهنگ معاصر، حسن و مقاومت شوخ‌خودگی روزمره، زا، «مطالعه تطبیقی حمل و نقل» زمستان ۱۳۷۸.
- ۳- میرزایی، مقدم، مقدم حسن و نظامت شوخ و دیگر روزمره، زا، «مطالعه تطبیقی حمل و نقل» زمستان ۱۳۷۸.
- ۴- فریب، فریب، فرهنگ معاصر، حسن و مقاومت شوخ و دیگر روزمره، زا، «مطالعه تطبیقی حمل و نقل» زمستان ۱۳۷۸.
- ۵- سلطانی، سلطانی، مقدم حسن و نظامت شوخ و دیگر روزمره، زا، «مطالعه تطبیقی حمل و نقل» زمستان ۱۳۷۸.
- ۶- سلطانی، سلطانی، مقدم حسن و نظامت شوخ و دیگر روزمره، زا، «مطالعه تطبیقی حمل و نقل» زمستان ۱۳۷۸.
- ۷- سلطانی، سلطانی، مقدم حسن و نظامت شوخ و دیگر روزمره، زا، «مطالعه تطبیقی حمل و نقل» زمستان ۱۳۷۸.
- ۸- سلطانی، سلطانی، مقدم حسن و نظامت شوخ و دیگر روزمره، زا، «مطالعه تطبیقی حمل و نقل» زمستان ۱۳۷۸.
- ۹- سلطانی، سلطانی، مقدم حسن و نظامت شوخ و دیگر روزمره، زا، «مطالعه تطبیقی حمل و نقل» زمستان ۱۳۷۸.
- ۱۰- سلطانی، سلطانی، مقدم حسن و نظامت شوخ و دیگر روزمره، زا، «مطالعه تطبیقی حمل و نقل» زمستان ۱۳۷۸.

ارزیابی سیاست ایجاد شهرداری در روستاهای بزرگ (با تأکید بر بخش شهرداریها و اشتغال)

مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری سازمان شهرداریهای کشور

هرم شهری است.

دیگر اینکه، با انتخاب یک شهر یا تبدیل روستایی به شهر، در واقع نقش و مسئولیتی جدید به آن داده می شود که نه تنها باید برآورده از تواناییهای بالقوه آن باشد بلکه این نقش و مسئولیت، مرتبط با اهداف طرّحهای فرادست و پیش بینی شده برای آن مکان خاص باشد.

ضرورت انجام پژوهش

شهری که خاص کشور مادر زمان کنونی، ضرورت پرداختن به این موضوع را دو چندان می کند. این شرایط با قرار گرفتن کشور در مرحله ای که نیاز به ارائه ساختاری سلسله مراتبی بین زیستگاهها و مراکز جمعیتی حیاتی به نظر می رسد، تعریف می گردد.

چارچوب نظری بخش کالبدی

شهرداری پس از تأسیس در یک مکان جمعیتی یا ایجاد مدیریتی جدید و با ساختار وظایف تازه نیاز تغییر می که در ماهیت آن مکان پیش می آورده به علاوه عملکرد و وظایفی که بر عهده دارد، مجسوعاً تأثیراتی را در سطوح مختلف (خاصه کالبد) یک سکونتگاه به جای می گذارد. مفهوم کالبد در پژوهش حاضر به صورت نظری در سه سطح کلان، میانه و خرد تعریف شده است. به طور کلی در این بخش عناوین زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

- ۱-۱- تعریف شهر
- ۱-۲- ملاکهای تمایز شهر از روستا
- ۱-۳- نقش شهر و سازمان فضایی
- ۱-۴- مفهوم بافت و ویژگیهای آن.

چارچوب نظری بخش اقتصادی

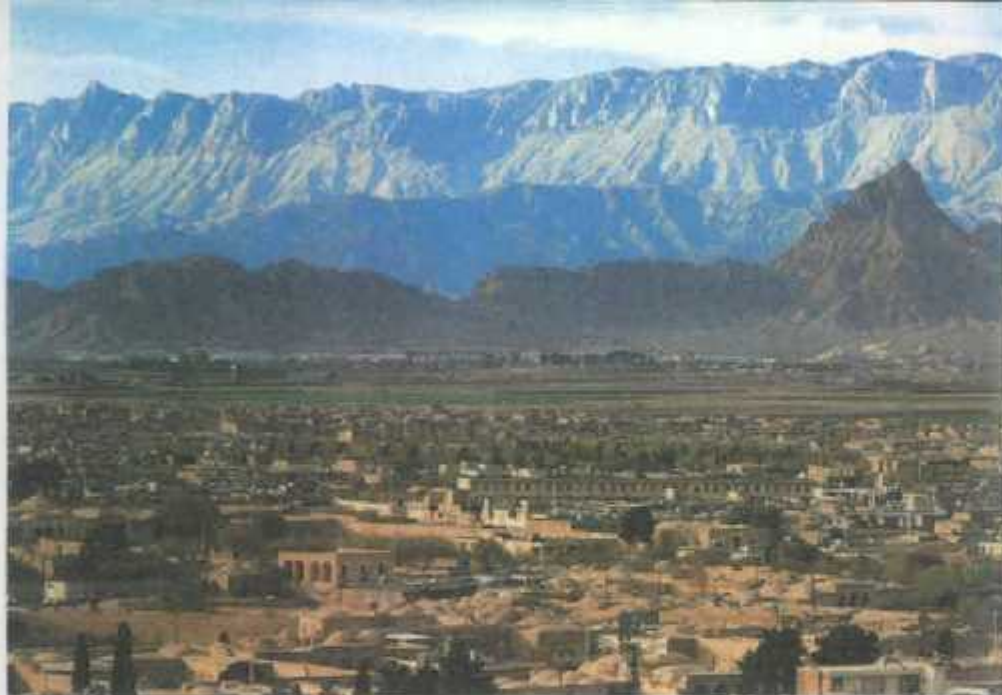
ایجاد شهرداریهای جدید هنگامی مناسب است که دارای توجیه اقتصادی، و در واقع به صرفه باشد. این اتفاق ممکن است در دو حالت روی دهند:

- ۱- منطقه از نظر ایجاد و کارکردهای اقتصادی، دارای ویژگیهایی باشد که مطابق تعریف بر بیدایش شهر دلالت کند.
- ۲- منطقه اگر چه با توجه به تعریف از شهر، هنوز ویژگیهای شهری شدن را ندارد و از این لحاظ ضرورتی برای ایجاد شهرداری در آن احساس نمی شود، اما ایجاد شهرداری موجب خواهد بود منافعی برای جامعه می شود که از هزینه های مصرف شده برای آن بیشتر است. بدین منظور می توان دو معیار برای داوری در زمینه ایجاد شهرداریهای جدید ارائه کرد: نخست بایستی بتوان معیارهای اقتصادی برای متمایز ساختن شهر از روستا

طرح مسئله

بشر در مسیر تحول تمدن خود مراحل مختلفی را طی کرده است که هر کدام از این مراحل ویژگیهایی را از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی داشته است. به پیروی از همین ویژگیها سکونتگاههای بشری هم تحولات مختلفی را، از غارنشینی اولیه تا امروزی، سپری کرده است. در مسیر تحول تاریخ سکونتگاههای شهری، دونوع از این سکونتگاهها به چشم می خورد: نخست، شهرهایی که با توجه به توانهای طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و... محیط پیرامون خود، به تدریج از سکونتگاهی روستایی به شهر تبدیل شده اند و رابطه ارگانیک با محیط پیرامون خود دارند، و دوم نیز شهرهایی که بدون هیچ توان و طرح و برنامه ای به صورت خودرو در مدت زمان اندکی تبدیل به شهر شده اند. ظرفیتهای لازم را در این زمینه نداشته و فاقد هر گونه رابطه ارگانیک با محیط اطراف خود بوده اند. این شهرها تا حدودی با دخالتهای ناخواسته عصر کنونی و تحولات آن شکل گرفته اند. به هر حال با ایجاد شهر نیاز به دستگاهی برای اداره شهر به وجود می آید که امروزه به نام سازمان شهرداری شناخته می شود. حال این سؤال مطرح است که چه سکونتگاهی ویژگی شهر شدن دارد و شهرداری باید در کجا تأسیس شود. به یقین، سه متغیر اقتصاد، اجتماع و کالبد می توانند به عنوان عوامل مهم برای ایجاد شهرداری در یک مکان مدنظر باشند. طبق این شاخصها در این پژوهش بررسی شهرها و روستا شهرها پرداخته می شود تا ببینیم برده شود که آیا معیارهای مذکور به آن حد از تعریف در این مکانها رسیده اند که ویژگی شهری به آنها دهند و آنها را با سکونتگاههای مجاور متفاوت سازند. با اینکه ویژگیهای شهرنشینی هنوز در حال تکوین و شکل گیری تدریجی در این سکونتگاههاست؛ و اینکه فضای ساده روستاها به سوی شکلی از استقرار و سیما که محصول شهر و شهرنشینی است پیش می رود یا خیر، مثبت بودن این جوانها هر کت مطلوب، حسن انتخاب فضایی و تأیید سیاست ایجاد شهرهای جدید در پایین ترین پیکره

مطالعات طرح پژوهشی «ارزیابی سیاست ایجاد شهرداری در روستاهای بزرگ» در مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، با همکاری مهندسان مشاور پارت، در سال ۱۳۷۵ انجام گرفته است. به دلیل موضوع ویژه این شماره ماهنامه، که شهرداریها و اشتغال است، سعی شده است بخش اقتصادی و خصوصاً قسمت شهرداری و اشتغال در این پژوهش به صورت برجسته تر ارائه گردد.



۳- شهرداریها و سرمایه گذاری

شهرداریها در انجام وظایفی که برعهده دارند از بدو تأسیس اقدام به هزینه کردن می کنند. بخشی از این هزینهها صرف پرداخت حقوق و دستمزدهای همکاران شهرداری می گردد اما بخشی دیگری از آن برای ایجاد سرمایه (سرمایه گذاری) مصرف می شود.

معمولاً سرمایه های فیزیکی را (شامل ابزار و ادوات تولید) بر حسب کارکرد اقتصادی شان به سه نوع تقسیم می کنند:

۱-۳- سرمایه های مولد اقتصادی مستقیم، که شامل ابزار و ادوات تولید می گردد.

۲-۳- سرمایه ها و بالاسری اقتصادی، که این نوع سرمایه ها شرایط و تسهیلات مورد نیاز سرمایه های مولد را ایجاد می کند.

۳-۳- سرمایه های بالاسری اجتماعی؛ که آنها نیز مستقیماً در تولید دخالت ندارند بلکه شرایط و تسهیلات تولید کالا را در جامعه فراهم می کنند.

۴- شهرداری و اشتغال

احداث شهرداری در یک منطقه از چند مجرای بریزان اشتغال و ترکیب مشاغل در آن تأثیر می گذارد که در زیر به برخی از این مجراها اشاره می شود:

۱-۴- سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال

همان طور که قبلاً هم گفته شد شهرداری برای انجام وظایف خود به ناگزیر اقدام به سرمایه گذاری می کند. روشن است که هرگونه سرمایه گذاری منجر به پیدایش فرصتهای شغلی می گردد و تقاضای نیروی کار را افزایش می دهد.

۲-۴- سازمان شهرداری و ایجاد شغل

با ایجاد شهرداری این سازمان برای اداره امور شهر نیاز به استخدام پرسنل پیدا می کند؛ که این مسئله مخصوصاً در شهرهای کوچک زمینه مساعدی و ابزاری اشتغال زایی افراد فراهم می سازد.

۳-۴- شهرداری و تقویت مشاغل خدماتی

انجام وظایف محول شده به وسیله شهرداریها زمینه های مساعدی را برای تقویت مشاغل خدماتی ایجاد می کند. به طور مثال، اقدام شهرداری به صدور پروانه ساختمانی و نظارت بر امور مربوط به ساخت و ساز باعث اهمیت یافتن نقش مهندسان ساختمان و طراحان و نقشه کشها می شود. به علاوه، احداث خیابانهای جدید و تعمیر قیمت زمینها می تواند به گسترش

فراهم کرد، و در ثانی باید بتوان پیامدهای اقتصادی اقدامهای شهرداری را مشخص ساخت و امکان مقایسه میان هزینه های تأسیس و عملکرد شهرداری را با قواید حاصل از عملکرد آن فراهم آورد. برای سنجش گزینه اول می توان به شاخصهای زیر اشاره کرد:

۱- ابعاد و کارکردهای اقتصادی شهر

برای شناخت شهر طبق این ضوابط و تشخیص شهر را روستا، می توان گفت در شهر:

- یکبارگیری زمین در ساخت خانهها به شدتی بیش از سایر عوامل تولید انجام می گیرد.

- در شهر نسبت تولید به زمین در مقایسه با نواحی همجوار بالاتر است.

- در شهر نسبت عوامل تولید (غیر از زمین) به زمین در مقایسه با نواحی همجوار بیشتر است.

علاوه بر موارد پیش گفته، می توان از طریق کارکردها و فعالیتها نیز شهر را از روستا تشخیص داد؛ بدین گونه که:

- شهرها اغلب کارکرد غیر کشاورزی دارند.

- اغلب شهرها به تولید کالا و بیش از آن به مبادله کالا می پردازند.

با همه این تفاسیل، بعضی از کشورها به همراه این ملاکها برای تشخیص سکونتگاههای شهری از غیر شهری از چگالی جمعیت هم استفاده می کنند.

۲- ابعاد اقتصادی مدیریت شهری

برای بررسی این ابعاد و پیامدهای اقتصادی ایجاد شهرداری در متعلقات مختلف اگر در شرایطی قرار داشته باشیم که در آن ایجاد شهرداری پس از شکل گیری شهر و شهرنشینی اتفاق افتاده باشد، می توان با مطالعه ابعاد و کارکردهای اقتصادی شهر به این ابعاد پی برد. اما اگر ایجاد شهرداری قبل از شکل گیری زندگی شهری (شهرنشینی اجتماعی) باشد، باستی بحث را از مدیریت علمی روز (تأسیس شهرداری) پی گرفت. به طور مشخص وظایف محول شده به شهرداری را می توان ذیل چهار عنوان کلی زیر طبقه بندی کرد:

۱- وظایف عمرانی؛ ۲- وظایف خدماتی؛ ۳- وظایف نظارتی؛ و ۴- وظایف رفاه اجتماعی.

اقدام شهرداری برای تحقق بخشیدن به وظایفی که قانون برعهده آن گذاشته است به ناگزیر به رفتارهایی منجر می گردد که ماهیتاً اقتصادی اند یا پیامدهای درخور توجه اقتصادی دارند.

مشاغلی چون نگاهبانی معاملات مسکن بینجامد

۴-۴- شهرداری و تغییر ترکیب بیکارها

به طور معمول اقتصاددانان مایلند تا سه نوع بیکاری را از یکدیگر تمکیک کنند:

اول، بیکاری ناشی از عدم کفایت تقاضا.

دوم، بیکاری اصطلاحی.

سوم، بیکاری ساختاری.

بیکاری اول، همان طور که از نامش پیداست، عبارت است از نوعی بیکاری که به دلیل عدم کفایت سطح تقاضای کلی جامعه وجود دارد. به این نوع بیکاری گاه «الواری» نیز می گویند، چون آن را می توان با افزایش تقاضای کل جامعه از میان برد.

بیکاری نوع دوم یا بیکاری اصطلاحی نیز سبب تغییر شغل می شود و مدت آن نیز معمولاً کوتاه است.

بیکاری نوع سوم یا ساختاری، به عدم تعادل و عدم هماهنگی مهمی اشاره می کند، یعنی وجود موقعیتهای شغلی اشغال نشده ای که افراد بیکار قادر به اشغال آنها نیستند، چرا که این افراد نمی توانند مهارت لازم را کسب کنند و یا اینکه موقعیتهای شغلی از نظر جغرافیایی چنان دور هستند که اشغال آنها به وسیله بیکاران موجود امکان پذیر نیست.

احداث شهرتاری در یک ناحیه می تواند در ترکیب بیکارهای موجود در آن ناحیه تغییر ایجاد کند. مثلاً شهرتاریها با حضور خود در یک منطقه نیاز به تخصصهای ویژه ای را تقویت می کنند. تا زمانی که افرادی دارای این تخصص در منطقه وجود نداشته باشند، نوعی بیکاری ساختاری پدید خواهد آمد.

به علاوه، حضور شهرتاریها و پیدایش مشاغل خدماتی برخی از افراد را تشویق به ترک شغل و گرفتن مشاغل جدید می کند و این کار ممکن است بیکاریهای اصطلاحی را پدید آورد. با توجه به وضعیت بیکاری آلواری موجود در فعالیتهای کشاورزی سنتی، پیدایش مشاغل تمام وقت در عرصه زندگی جمعی شهری گاهنده بر بیکاری ناشی از عدم کفایت تقاضا می گذارد.

۵- شهرداری و تولید

ایجاد شهرداری در روستا - شهرها می تواند وضعیت تولید را در آنها از دو نظر تغییر دهد: نخست، تغییر در زمینه میزان و مقدار تولید و تغییر دوم در زمینه ترکیب تولید.

با عنایت به مطالب گفته شده راجع به سرمایه گذاری به وسیله شهرداریها و تأثیر ایجاد شهرداریها بر کم و کیف نیروی مشاغل، می توان نتیجه گرفت که احداث شهرداریها می تواند از محرک تغییر در عوامل تولید در دسترس، میزان محصول و تولید کل روستا - شهر را تغییر دهد.

۶- شهرداری و موقعیت منطقه ای

ایجاد شهرداری در یک روستا - شهر می تواند موقعیت منطقه ای روستای تبدیل شده به شهر را دگرگون سازد؛ به این معنا که ایجاد شهرداری ممکن است به تحولاتی بینجامد که در

نتیجه آن حوزه نفوذ و میزان تأثیر گذاری شهر در یک منطقه متحول و دگرگون گردد. مهم ترین این تحولات عبارتند از:

۱-۶- تغییر در اندازه بازار شهر.

۲-۶- تغییر در آموزش کارآفرینان.

۷- عوامل مؤثر بر میزان موفقیت شهرداریهای تازه تأسیس

۱-۷- منابع در دسترس برای تأمین درآمد.

۲-۷- میزان منابع غیرمالی در دسترس شهرداریها.

۳-۷- توانایی مدیریتی شهرداری.

چارچوب نظری بخش اجتماعی

سیاستهای دنبال شده در طول سالهای گذشته، در عمل انبوه جمعیت روستایی را به سمت نقاط شهری روانه کرد. این شهرها کمتر طی فرایند صنعتی شدن و پایه دلیل استقرار فعالیتهای عمده در خود، بلکه بیشتر به دلیل استقرار فعالیتهای خدماتی و گاه ابقای تفتی واسطه برای سرمایه های خارجی، استقرار فعالیتهای وارداتی، استخراجی و نظایر آنها، جمعیت فراوان و انبوهی را در خود جای دادند.

مکان یابی صنایع بزرگ و برخی از فعالیتهای اشغال زا و محرک رشد پیرامون چند شهر بزرگ کشور نیز منجر به دور باطلی شد که «بحال ایجاد و توسعه شهرهای متوسط و کوچک را در پهنه سرزمین محدود کرد، به گونه ای که پس از چند سال تابر اسیری میان شهرهای کشور و فاصله فراوان شهر و روستا موجب بروز مسائل و مشکلاتی با ابعاد متفاوت گردید که تهی شدن بخشهایی از سرزمین از جمعیت و از هم گسیختگی نظام اسکان، تنها یکی از آنهاست.

با گذشت چندین سال از تحولات یاد شده، امروزه نظام شهری ناکارا و از هم گسیخته ای به وجود آمده است که مشخصه اصلی آن بزرگ سری کلان شهر تهران در سطح ملی و چند شهر بزرگ در سطح برخی از منطقه ها و انبوهی از شهرهای کوچک و روستا - شهرهاست.

این ساختار دو گانه منجالی رشد و توسعه هماهنگ و یکپارچه سرزمین را بسیار محدود کرده است. در این بخش از پژوهش به مقولات زیر پرداخته می شود:

- معایب و تعاریف نظام شهری.

- مدل های توزیع اندازه شهر.

- نظام منطقه ای و نظام شهری.

- نظام سلسله مراتب شهری.

- نظام پهنه سلسله مراتب شهری.

- بررسی و نقد نظام سلسله مراتب شهری کشور.

علم اقتصاد، نیاز امروز شهرداری

عباس توکلی

کارشناس مالی شهرداری کرج

درجه آزادی بالا در بخش مالی سازمانهای غیردولتی مانند شهرداری، هم باعث افزایش سرعت و کارایی می شود و هم زمینه های سوء استفاده و یا استباهات را فراهم می کند

است. لذا یا توجه به مطالب پیش گفته نمی توان نیاز شهرداری به علم اقتصاد و کارشناسان اقتصادی را نادیده انگاشت.

با توجه به وضعیت فعلی اقتصاد کشورمان، اکنون که مسائل اقتصادی جایگاه مهمی در اندیشه مسئولان یافته است، توجه به اقتصاد شهرها درجه اهمیت بالایی دارد و تهیه طرح جامع اقتصادی شهرها می تواند راهکاری علمی و مناسب در جهت توسعه اقتصادی متعادل و بلندمدت شهرها - و در نتیجه کشور - باشد. این طرح باید شامل برنامه های برای رسیدن به اهداف اقتصادی در شهرها باشد؛ که از جمله اینهاست افزایش اشتغال، کنترل قیمت ها، رشد و توسعه پایدار، افزایش رفاه شهروندان و نظایر اینها. اهداف مذکور با توجه به جمعیت، پایداری، اندازه، نقش قالب شهر و دیگر پارامترها تعیین می شود.

تهیه طرح جامع اقتصادی شهرها می تواند راهکاری علمی و مناسب در جهت توسعه اقتصادی متعادل و بلندمدت شهرها - و در نتیجه کشور - باشد

اولین وظیفه شهرداریها در این زمینه، تأسیس مرکز پژوهشهای اقتصادی است که می تواند تحقیقات و مطالعات جامعی را در زمینه های مذکور انجام دهد.

نکته آخری که باید ذکر گردد، این است که زمانی که هزینه های تحقیق و مطالعه و پژوهش در امور شهری افزایش نیابد و استفاده از دانش روز جای روشهای سنتی موجود در اداره شهر را نگیرد، نمی توان به آینده های روشن و پیشرفته برای شهرهایمان امید داشت. در این میان شوراهای شهر با توجه به دامنه مسئولیتها و اختیارات خود می توانند استفاده از زندگانی از دانش و تجربیات صاحب نظران رشته های مختلف در قالب کمیته های تخصصی شورامه عمل آورند. این امر به شرطی امکان تحقق می یابد که هنگام تهیه بودجه شهرداری و شورای شهر، توجه ویژه ای به امور تحقیقاتی و مطالعات شهری شود تا این امر به عنوان قسمتی از وظیفه مدیریت شهر، نهادینه و قانونی گردد. (۲)

همان طور که قانون شهرداری مشخص کرده است، شهردار مسئول مسائل مالی شهرداری است و سند حسابداری با اعضای شهردار اعتبار می یابد. این بدان معناست که تصمیم گیری نهایی در مورد وصول درآمدها و انجام هزینه ها بر عهده شهردار است. از طرف دیگر، طبق آیین نامه مالی شهرداریها تمامی فعالیت های مالی باید در چارچوب بودجه صورت گیرد. مفهوم ضمنی این مطلب آن است که شهردار باید تست به نحوذ بر آورد، تنظیم اجرا و تفریح بودجه و متمم آن دارای اطلاعات کافی باشد تا بتواند برنامه های مدنظرش را در قالب بودجه بگنجاند و اجرا کند. اما آیا در عمل نیز این گونه است؟ آیا اکثر شهرداران به غیر از صدور دستور دریاقتها و پرداختها، آن هم در قالب پاراف نامه ها، نظارت دیگری نیز به بخش مالی شهرداری اعمال می کنند؟

مسئله بعضی از شهرداران از نحوه تنظیم اسناد حسابداری نیز اطلاعات کاملی ندارند. البته واضح است که لزومی ندارد شهردار به عنوان مدیر شهر از امور جزئی در زیر مجموعه خویش یا خبر باشد و مثلاً وقت خود را صرف مطالعه دفاتر مالی کند؛ ولی وی قطعاً باید با روی اجرایی و نظارتی کارآمدی در بخش مالی داشته باشد. تجربه شهردار سابق تهران باید به مدیران آموخته باشد که درجه آزادی بالا در بخش مالی سازمانهای غیردولتی مانند شهرداری، هم باعث افزایش سرعت و کارایی می شود و هم زمینه های سوء استفاده و یا استباهات را فراهم می کند. برای جلوگیری از این نومی، به هنگام دادن اختیارات به مدیران مالی باید سیستم نظارتی این بخش را ایمن قوی کرد. در این نظارت می توانست از طریق اهرمهایی مانند حسابرسی حراست، مشاور مالی شهردار و یا حتی شرکت های حسابرسی خصوصی یا دولتی اعمال شود. البته واضح است که این امر باید به تشخیص شهردار انجام شود و گزارش آن نیز مستقیماً به او ارائه گردد.

علاوه بر این، با توجه به مقدمه بحث و اهمیت تنظیم بودجه، وجود مشاور اقتصادی ضرورتی انکارناپذیر برای شهردار محسوب می شود. شهردار شهر مانند رئیس جمهور یک کشور با مسائل بسیاری روبرو و درگیر است که حل آنها به مشاوره با صاحب نظران و آگاهان علوم مختلف، از جمله اقتصاددانان، نیاز دارد. برای مثال، ارزیابی فایده - هزینه یک پروژه عمرانی کاری است که تنها از عهده یک کارشناس خبره اقتصادی برمی آید. این امر به ویژه در کلانشهرهای کشور بسیار مهم تر است. زیرا در این شهرها روزی نیست که طرح یا برنامه ای پیشنهاد و تدوین نشود یا به مرحله اجرا نرسد. (۱)

از طرف دیگر، حیات اقتصادی یک کشور نتیجه فعالیت اقتصادی شهرها و روستاهای آن است. برای تعیین نقش قالب اقتصادی شهرها و هدایت و اصلاح این نقش، شهرداریها باید وارد عمل شوند. عدم شناخت سمت و سوی فعالیتهای اقتصادی شهر باعث می توجهی به آن در برنامه ریزیها می شود. و این خود می تواند منجر به ایجاد مشکلاتی برای شهر و حتی کشور شود. مثال بارز این قضیه، شهر تهران و مشکلات گذشته و فعلی آن

پانویسها:

۱- اولین روزی که پس از علی مرادقلی استبداد می توان شروع کار به امور مالی شهر را در مراغه کرد. مدیر امور مالی و عده کمترین را بر سرید و وقتی ملوکه شد قارخ المصوبی اقتصاد مستقیم و مناسب پرسید اقتصاد چارچوب را مورد نظر قرار داد.

۲- برای مثال می توان این روایت را مطرح کرد که با توجه به منبع اصلی درآمد شهرداری یعنی درآمد مالی از فعالیت های اقتصادی در شهرها، اکثر شهروندان برای چند شهر کشور تابع شایسته مسکن بر آورد نشده است. اگر این تابع در بخش شهرها تعیین و مشخصه است آیا شهر را در بر دامنه روزی بر وجهی بر خور تر چهره آن کرده اند؟

استکهلم؛ آمیزه‌ای موفق از برنامه‌ریزی و مدیریت

گزارشی از وضعیت اشتغال، خدمات اجتماعی و نحوه اداره شهر توسط شورای شهر استکهلم

قسمت دوم

مازیلا مرادی



استکهلم جزیره‌ای است که میان دریاچه آب شیرین مالارن و دریای آب شور بالتیک واقع شده است و آب نقش مهمی در چشم انداز و مناظر شهری آن ایفا می‌کند. منطقه استکهلم، که پایتخت را نیز شامل می‌شود، از قرون وسطی به عنوان مرکز شناخته شده است و اکنون بیش از ۱/۸ میلیون نفر جمعیت دارد.

شورای شهر استکهلم مسئولیت رفاه شهروندان (نه تنها رفاه اجتماعی بلکه آموزش پایه)، خانه‌سازی و مسکن، جاده‌سازی، تأمین آب و فاضلاب، برق، فعالیت‌های فرهنگی، حفظ و نگهداری از فضای سبز و جنگلها، و همچنین مراکز تفریحی و ورزشی را بر عهده دارد. به منظور رفع نیازهای بهداشتی و درمانی شهروندان، تعداد زیادی بیمارستان با بهره‌گیری از متخصصان از سوده در این شهر وجود دارد و همچنین به شهروندان سالمند در منازل شخصی آنان امکانات پزشکی ارائه می‌شود.

شورای شهر استکهلم برای کاهش ترافیک در شهر، و حمل و نقل عمومی شهری بارانه پرداخت می‌کند. به علاوه، شهرداری شهر برای حفظ خطوط فابری سوبسید پرداخت می‌کند. این برنامه‌ها موجب شده است که هر سال هیئت‌هایی از دیگر کشورها، از سوئد و استکهلم دیدار کنند. آنچه در بی می‌آید، شاخصه‌های یک شهر اروپایی از دیدگاه شورای شهر استکهلم است. بخش نخست این گزارش در شماره پیش به چاپ رسید. ناگفته نماند که گردآوری نتایج سفر هیئت اعزامی، و انعکاس آن در ماهنامه شهردار بهمان بدون مساعدت و همکاری روابط عمومی شورای شهر تهران امکان پذیر نمی‌بود.

وظیفه تولید و ارائه خدمات به عهده کمون هاست و مصوبات شورا و کمون هانیز قابل اجرائت و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان رای به انحلال آنها داد. هموطنان ایرانی برای امر تکیه کردند که مهم‌ترین مسئله همانا ایجاد توافق علی است و تمامی نهادها و ارگانها این امر را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. از سوی دیگر، مهم‌ترین ویژگی فرهنگ سوئدی عقلایی بودن آن است و از همین روست که این کشور یادداشت به میلیون جمعیت، اکنون دهمین کشور پیشرفته اقتصادی در سطح دنیاست. در پایان این دیدار اسفندماه، رئیس هیئت ایرانی، از عملکرد سالم و شفاف طای این نهادها به عنوان مهم‌ترین عامل موفقیت آنها نام برد.

استکهلم چگونه اداره می‌شود؟

شهر استکهلم دارای بزرگ‌ترین شهرداری سوئد است و شورای شهر و هیئت اجرایی آن مراکز تصمیم‌گیری و اداره استکهلم به شمار می‌روند. شورای شهر استکهلم به عنوان هیئت عالی تصمیم‌گیری این شهر با ۱۰۱ عضو فعالیت می‌کند. پیش از تصویب سوابح از سوی شورای شهر، هیئت اجرایی شهر درباره تمامی موارد تجاری اظهار نظر می‌کند. این هیئت مسئولیت اجرای کلیه مصوبات را نیز بر عهده دارد. هیئت اجرایی شهر دارای ۱۳ عضو و ۱۲ قائم مقام (یا نماینده) است که هر کدام به نمایندگی از سوی احزاب سیاسی در شورای شهر فعالیت می‌کنند.

شهر استکهلم و ضلعات آن به ۸ بخش تقسیم شده است که هر بخش را یکی از اعضای شورای شهرداران (شهردار و ۷ معاون او) اداره می‌کنند. اعضای شورای شهرداران همگی از سیاستمداران متخصص‌اند که هر چهار سال یک بار از سوی شورای شهر به صورت تمام وقت استخدام می‌شوند. شهردار علاوه بر ریاست شورای شهرداران، ریاست هیئت اجرایی شهر را نیز بر عهده دارد. دبیر خانه های شورا، امور ارجاع شده از طرف

بیکاری، محور گفت‌وگو با ایرانیان مقیم سوئد

در ادامه دیدار هیئت ایرانی از استکهلم، اعضای شورای شهر تهران با ایرانیان مقیم استکهلم ملاقات کردند. این ایرانیان از میان افرادی گرد آمده بودند که در شورای شهر استکهلم فعالیت داشتند. در این زمینه هموطنان ایرانی به رشد اجتماعی و اقتصادی سوئد اشاره کردند و با تأکید بر تأثیرات و نفعات همجانبه آن، به مسئله بیکاری در ایران پرداختند. آنها همچنین یکی از مهم‌ترین دلایل کنار آمدی شوراها را شهر استکهلم را نقش این شورا در کاهش بیکاری عنوان کردند.

از دیگر مسائل مطرح شده، عوارض و مالیات‌هایی است که شهرداری برای اداره شهر از شهروندان دریافت می‌کند. با توجه به اینکه ۸۰ درصد مالیات‌ها در سوئد به طور مستقیم از سوی شهرداری دریافت و هزینه می‌شود، طبیعی است که مردم نظارت مستقیم بر چگونگی انار امور شهری داشته باشند.

همان گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، تمامی نیروی شورای شهر در سوئد صرف امور شهری نمی‌شود بلکه رسیدگی به سالمندان، نگهداری کودکان و مانند اینها نیز از وظایف مهم شورای شهر است. در واقع باید گفت در سوئد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بر عهده شورای مرکزی شهر است و انجام خدمات و مدیریت شهری را کمون‌های محلی بر عهده دارند. وظایف و محدوده فعالیت کمون‌ها را مجلس تعیین می‌کند و آنها در چارچوب معین به فعالیت می‌پردازند و حتی می‌توانند از ساخت و سازهایی که موافق نظر شهروندان نیست، جلوگیری کنند.

از پرسشهایی که برای اعضای اعزامی شورای اسلامی شهر تهران مطرح شد، انحلال کمون‌ها، ضمانت اجرای مصوبات کمون‌ها و میزان دخالت آنها در مسائل اجتماعی بود. در پاسخ به این سؤال، ایرانیان فعال در شورای شهر استکهلم به ضرورت ایجاد هماهنگی در سطح کشور سوئد اشاره کردند. به گفته آنها،



هستند دستیابی به این اهداف از طریق قوانین و نوع تصمیم‌گیریهایی سیاسی و محلی میسر است. اقتصاد شهری و

شورای شهر، هیئت اجرایی شهر و کمیته‌های بررسی و ارزیابی را به انجام می‌رسانند. دفتر اجرایی شهر استکهلم یکی از ادارات مرکزی است که مسئولیت کنترل و نظارت بر بودجه و مسائل استراتژیک مهمی چون توسعه شهری را بر عهده دارد. شوراهای مناطق ۱۸ گانه شهر استکهلم مسئولیت ارائه بیشتر خدمات شهری را در مناطق خود بر عهده دارند. تعداد اعضا و قائم‌مقامان شوراها در هر یک از مناطق به وسعت آن منطقه بستگی دارد.

این اعضا در ابتدا از سوی احزاب سیاسی معرفی می‌شوند و سپس به وسیله شورای شهر به این سمتها منصوب می‌گردند. هر شورای منطقه‌ای دارای یک مدیر و یک سوبیرست است که مسئولیت ضمانت اجرایی مصوبات را در آن منطقه بر عهده دارد. انجام فعالیتهایی که به کل شهر مربوط می‌شود به عهده کمیته‌های ویژه‌ای است که حمایت از سلامت محیط زیست، طراحی شهری، کنترل ساخت و ساز، املاک و مستللات و ترافیک و امور خیابان‌ها را بر عهده دارند. بسیاری از فعالیتهای

با توجه به اینکه ۸۰ درصد مالیاتها در سوئد به طور مستقیم از سوی شهرداری دریافت و هزینه می‌شود، طبیعی است که مردم نظارت مستقیم بر چگونگی اداره امور شهری داشته باشند

در سوئد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بر عهده شورای مرکزی شهر است و انجام خدمات و مدیریت شهری را کمون‌های محلی بر عهده دارند. وظایف و محدوده فعالیت کمون‌ها را مجلس تعیین می‌کند و آنها در چارچوب معین به فعالیت می‌پردازند و حتی می‌توانند از ساخت و سازهایی که موافق نظر شهروندان نیست، جلوگیری کنند.

اقتصاد کشور نیز نقش مهمی در این زمینه بر عهده دارند. امروزه نزدیک به دو سوم از کل درآمد مالیاتی شهر در زمینه مسائل مربوط به رفاه اجتماعی شهروندان هزینه می‌شود. به طور کلی: شوراهای مناطق شهری مسئولیت ارائه خدمات اجتماعی را به شهروندان بر عهده دارند و این امر از طریق ۲۵ هزار کارمند تمام وقت صورت می‌پذیرد. علاوه بر خدماتی که شورای شهر مستقیماً وظیفه ارائه آنها را بر عهده دارد، برخی از خدمات وانیز بخش خصوصی ارائه می‌کند. در این زمینه شورای شهر مشخص می‌سازد که چه هزینه‌هایی باید پرداخت شود و این بدان معناست که تنها در این رقابت، کیفیت ساماندهی و ارائه انواع خدمات مدنظر است و مسائل مالی تعیین‌کننده نیست. در واقع قوانین مربوط به خدمات اجتماعی است که امنیت اجتماعی و مالی تمام ساکنان را تأمین می‌کند. از سوی دیگر، قوانین مربوط به خدمات بهداشتی و پزشکی، ساکنان این شهر را از حقوقی چون مراقبت‌های پزشکی و دریافت کمک‌های تخصصی و ویژه بهره‌مند می‌سازند. این قوانین در حمایت از معلولان و شهروندانی که به ناتوانیهای گوناگون دچارند نیز مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

سازمانهای داوطلب در شهر استکهلم

سازمانهای داوطلب در استکهلم از طریق انضای خود و

شهر استکهلم از طریق شرکت‌های زنجیره‌ای و کمپانیهای به ثبت رسیده که شورای شهر نیز از سهامداران اصلی آنهاست، صورت می‌پذیرد. هر کدام از این کمپانیها دارای یک هیئت مدیره است.

همان گونه که در ابتدای گزارش نیز ذکر شد، این شورا در زمینه ایجاد اشتغال و مبارزه با بیکاری گامهای مهمی برداشته است. یکی از دلایل تحقق این امر تصویب طرح برابری فرصتها بود. مصوبه برابری فرصتها در سال ۱۹۸۰ به اجرا درآمد. برابری فرصتها به معنی قابلیت شهروندان برای به دست آوردن استقلال اقتصادی از طریق شغل مناسب است. براساس این طرح همه افراد اجتماع باید بدون توجه به جنسیت - و تنها براساس قابلیتهای خود - بتوانند در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی و تجاری مشارکت ورزند.

خدمات اجتماعی در استکهلم

شهردار استکهلم از سال ۱۹۹۶ به ریاستی سوئد انتخاب شد. تجربیات وسیع استکهلم در زمینه رفاه اجتماعی، منجر به پیدایش دستورالعملهای خدمات اجتماعی کنونی شده است. خدمات اجتماعی این نکته را تضمین می‌کند که تمامی ساکنان و شهروندان سوئدی از استانداردهای مناسب زندگی بهره‌مند

بسیاری از فعالیتهای شهر استکهلم از طریق شرکتیهای زنجیره‌ای و کمیته‌های به ثبت رسیده، که شورای شهر نیز از سهامداران اصلی آنهاست، صورت می‌پذیرد

تاریخی ترین و قدیمی‌ترین بخش شهر، منطقه مرکزی است که قدمت آن به قرن ۱۳ میلادی بازمی‌گردد. این منطقه مهم‌ترین و پرجان‌ترین بخش شهر و یادبود تاریخی منحصر به فردی است که بنا بر قوانین موجود، حفاظت می‌شود.

امروزه هدف از طراحیهای شهری، توسعه شهر به گونه‌ای است که مکانی جذاب و گیرای برای فعالیتهای شغلی و سکونت ساکنان آن باشد بدین منظور وسایل موجود ارتباطات و حمل و نقل باید گسترش یابند، مسیرها و راهپسای جدید احداث شوند و همچنین در جهت حفظ و بهبود وضعیت ساختمانیهای موجود تلاش به عمل آید.

ساکنان استکهلم نسبت به دیگر جوامع مشابه وابستگی کمتری به اتومبیل شخصی خود دارند. به منظور توسعه و بهبود وضعیت سیستم راه آهن شهری و منطقه‌ای و همچنین کاهش بار ترافیک در بخش مرکزی شهر، سرمایه‌گذاری زیادی شده است تا بتوان مناطق مختلف را به نحو بهتری به هم متصل ساخت. از نظر ترافیک موتوری شهر در وضعیت مطلوبی به سر می‌برد، تعداد تصادفات بسیار اندک است و زمان سفرهای درون شهری بسیار

فعالیت اجتماعی آنان، نقش مهمی را در اداره شهر ایفا می‌کنند. فعالیتهای این سازمانها اغلب برای بخش دولتی ارزشمند است. این سازمانها به مشارکت فعالانه افراد وابسته‌اند. شورای شهر استکهلم به این سازمانها یارانه (سوسید) می‌پردازد تا بتوانند به فعالیتهای خود ادامه دهند. دامنه فعالیت سازمانهای داوطلب بسیار وسیع است و از دوختن لباس تا دیدار از سالمندان در منازل آنان، دیدار از زندانیان و افراد توقیف شده را در بر می‌گیرد.

طراحی شهری در استکهلم

منطقه استکهلم با سرعتی بیش از سایر بخشهای سوئد در حال گسترش است و اکنون حدود ۱/۸ میلیون نفر جمعیت دارد. در طول ۱۰ سال گذشته به جمعیت این منطقه تقریباً ۲۰۰ هزار نفر افزوده شده است.

مصوبه‌ی برابری فرصتها در سال ۱۹۸۰ به اجرا درآمد. برابری فرصتها به معنی قابلیت شهروندان برای به دست آوردن استقلال اقتصادی از طریق شغل مناسب است. بر اساس این طرح همه افراد اجتماع باید بدون توجه به جنسیت - و تنها بر اساس قابلیت‌های خود - بتوانند در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی و تجاری مشارکت ورزند.

سازمانهای داوطلب در استکهلم از طریق اعضای خود و فعالیت اجتماعی آنان، نقش مهمی را در اداره شهر ایفا می‌کنند

کوتاه، و مشکل ترافیک به طور جدی وجود ندارد. اما با این همه درصد دی اکسید کربن هوار و به افزایش است و باید برای کاهش آن اقدام کرد.

از دیگر مسائل مهم، کاهش آلودگیهای صوتی حاصل از وسایل نقلیه موتوری است. هم اکنون مذاق در شهر وجود دارند که عبور وسایل نقلیه در آنها ممنوع است.

شورای شهر در عین حال طرحهای بازسازی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین ترتیب که در مناطق مرکزی، اینبه قدیمی را مرمت و بازسازی و ساختمانهای جدیدی را نیز در این مناطق احداث می‌کند. امروزه اراضی بزرگ و یکدستی برای ساخت و ساز در استکهلم باقی نمانده است و به همین دلیل بنا بر تصمیم شورای شهر، در آینده ساخت و سازها باید تا آنجا که ممکن است بر روی اراضی ساخته شده و مسکونی صورت پذیرد.

محیط زیست

استکهلم دارای آب و هوای سالمی است و دلیل این امر نیز آگاهی شهروندان نسبت به مسائل زیست محیطی و ضرورت سرمایه‌گذاری در این حوزه‌هاست. شهروندان استکهلم به حفظ و

سازمان ترافیک و طراحی منطقه‌ای، مسئولیت طراحی، برنامه‌ریزی و همکاری در زمینه‌های زیربنایی شهری، حمل و نقل عمومی، مسائل زیست محیطی و توسعه مداوم در منطقه استکهلم را بر عهده دارد.

استکهلم بر روی ۱۴ جزیره بنا شده و یک سوم منطقه شهری آن از بناها و فضای سبز طبیعی پوشیده شده است. آب با وجود آنکه برای این کشور قوتی محسوب می‌شود، مشکلاتی را نیز برای اهالی به همراه دارد. وجود آب از یک طرف امکان ایجاد مسیرهای اتوبوسرانی و ساخت خطوط راه آهن را مشکل می‌کند اما از طرف دیگر حمل و نقل آبی را فراهم می‌آورد.



پروژه‌های ساختمانی جهان است که در ساخت آن به حفظ محیط زیست توجه خاصی شده است. انرژی این مجتمع با استفاده از سلولهای خورشیدی - که در سقف ساختمانها تعبیه شده - تأمین می‌گردد و زیاده‌های خانگی در سیستمهای بسته پردازش می‌گردند و به کود و بیواتاز (زیست‌گاز) تبدیل می‌شوند.

مراقبتهای بهداشتی در استکهلم

بر اساس استانداردهای بین‌المللی، سوئد وضعیت بهداشتی مطلوبی دارد. میانگین طول عمر زنان در این کشور ۸۱ و مردان ۷۶ سال است. از وظایف اصلی دولت مرکزی، تعیین اصول و مبانی بهداشت و خدمات بهداشتی با وضع قوانین و مقررات مربوط به آن است. شورای استانی استکهلم در این منطقه، مسئولیت ارائه کامل خدمات بهداشتی و پزشکی را به شهروندان بر عهده دارد. این شورا مالک تمامی بیمارستانها، مراکز بهداشتی و دیگر مؤسسات است و سازمانهای خصوصی با اعضای قرار داد، شورای استانی را در جهت

نگهداری از محیط زیست و همچنین خرید محصولات محلی که در محیط زیست نابایدارند و به سرعت جذب می‌شوند و از آلودگی بیشتر محیط زیست جلوگیری می‌کنند، علاقه زیادی نشان می‌دهند.

از دلایل پاکیزگی، بهداشت و سلامت شهر سرمایه‌گذاری در سه حوزه زیربنایی شهر است:

۱- فاضلاب

۲- توسعه شبکه حرارتی در منطقه

۳- حمل و نقل عمومی با کیفیت بالا.

نظارت بر کیفیت هوا از مهم‌ترین ابزارهای حفظ کیفیت هوای استکهلم است. بسیاری از طرحهای در دست اجرا همانند پروژه ژئوس، در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش تولید ماشین‌آلاتی است که به حفظ و نگهداری از محیط زیست یاری می‌رساند. آب آشامیدنی استکهلم از دریاچه سالارن تأمین می‌شود.

پیش از تصویب لوایح از سوی شورای شهر، هیئت اجرایی شهر درباره تمامی موارد تجاری اظهار نظر می‌کند. این هیئت مسئولیت اجرای کلیه مصوبات را نیز بر عهده دارد. هیئت اجرایی شهر دارای ۱۳ عضو و ۱۳ قائم مقام (یا نماینده) است که هر کدام به نمایندگی از سوی احزاب سیاسی در شورای شهر فعالیت می‌کنند

تکمیل و ارائه خدمات یاری می‌کنند

بخش عمده هزینه‌های خدمات پزشکی و بهداشتی در استکهلم از طریق درآمدهای مالیاتی - یعنی با بستن مالیاتهای متناسب با درآمدهای شهروندان - تأمین می‌گردد. دیگر درآمدهای عمده در این زمینه از طریق وامها و هزینه‌های دریافتی از طرف دولت مرکزی تأمین می‌شود. حق ویزیت بیماران نیز ۳ درصد از درآمدهای شورای شهر را تشکیل می‌دهد.

سخن آخر

همان گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، حیطه وظایف شوراهای شهر در سوئد چنین نیست که همچون کشورها تنها به حیطه مسائل اجرایی شهردارها محدود گردد، با طرح این گزارش، امید آن می‌رود که شوراهای اسلامی در کشور ما بار دیگر بر وظایف واقعی و قانونی خود تأمل کنند.

فاضلاب در سه کارخانه ویژه تصفیه می‌شود و پس از تصفیه مکانیکی، شیمیایی و بیولوژیکی به دریای بالتیک باز می‌گردد. در شهر استکهلم، ۳ مرکز خدمات شهری مسئولیت مداوم توسعه و در این شهر بر عهده دارند. اینها عبارتند از شرکت آب استکهلم که خدمات آب و فاضلاب را به ساکنان شهر ارائه می‌کند؛ شرکت انرژی که وظیفه مدیریت کارآمد و مؤثر و همچنین بازیافت انواع مختلف مواد زائد را بر عهده دارد؛ و «بیرگا» که سومین کمیانی بزرگ انرژی در سوئد است و وظیفه تولید و توزیع برق، گاز شهری، انرژیهای گرم کننده و خنک کننده منطقه‌ای را بر عهده دارد و به شدت در جهت کاهش مصرف انرژی تلاش می‌کند.

امروزه محضه‌های جدیدی طراحی و به شهر استکهلم افزوده شده که در ساخت آنها روشهای اکولوژیکی (بوم‌شناختی) مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. بزرگ‌ترین مجتمع استکهلم پس از طی مراحل تکمیلی، ۷ هزار آپارتمان کوچک، خانه ویلایی و مدرسه خواهد داشت و حدود ۲۵ هزار نفر در آن به کار و زندگی خواهند پرداخت. بنابه نظر سازمان ملل، این مجتمع از بزرگ‌ترین

آموزش، عنصری مهم در بهبود مدیریت شهری

دریا حلوغانی

هر سازمان وقتی می‌تواند توسعه و بهبود یابد که افراد آن به طور خودکار و مداوم با فناوری علمی شغلی آشنا شوند و برای بهسازی و رشد خویش گام بردارند و طرز رویه‌رو شدن با تغییر و نقش داشتن در آن را فراگیرند. به عبارت دیگر، از طریق آموزش نه تنها می‌توان کارکنان را با شیوه‌ها و فنون مختلف کار آشنا کرد، بلکه می‌توان در طرز فکر، نگرش و افق دید افراد نیز رسوخ کرد و تغییری متناسب بارشد و توسعه فردی و سازمانی در آنان پدید آورد.

آموزش مدیران و کارکنان شهرداری که نقش حساس و مؤثر در سازمان دارند، دارای اولویت خاصی است، زیرا اگر کارکنان خود به نوسازی و انطباق با تغییرات و تحولات سازمان معتقد باشند، با امکانات و نفوذ خود می‌توانند به عنوان عادلان تغییر در پذیراساختن سایر افراد سازمان برای نوسازی و تغییر مؤثر واقع شوند. پس در واقع، یکی از مهم‌ترین امور مربوط به بهبود شهرداری که سازمانی خدماتی است، همانا آموزش کارکنان است.

به طور کلی فعالیتهای مربوط به آموزش کارکنان باید شامل این موارد باشد:

پرورش تواناییها و مهارتهای کارکنان در امر تصمیم‌گیری، آموزش میزان حساسیت برای پیشرفت مهارتهای مربوط به خودآگاهی، ارتباط، تحمل شرایط و حل ناسازگاری، آموزش کارکنان در زمینه نوسازی و توسعه اطلاعات شغلی، آموزش و پرورش کارکنان در زمینه بهسازی خود و رشد و پیشرفت شخصی، آموزش کارکنان در زمینه درک فرایند تغییر و پرورش آنان به عنوان عوامل تغییر و آموزش کاربرد فناوری جدید.

در فعالیتهای بهبود سازمانی، مهم‌شناسایی این است که دستگاه موردنظر با امکانات و نیروهای که در اختیار دارد و محدودیتهایی که با آنها رویه‌روست، اکنون در چه سطح از عملکرد و اثربخشی سازمانی قرار دارد. به عبارت دیگر، در فعالیتهای بهبود سازمان تلاش می‌شود که از بیشترین تواناییها و نیروهای بالقوه کارکنان استفاده شود و فاصله بین عملکرد و اثربخشی آنان با آموزش‌های لازم پر گردد.

ضرورت آموزش کارکنان

شهرزاد محرق، مدیر آموزشی منطقه ۶ شهرداری تهران، در باره ضرورت آموزش کارکنان شهرداری ابراز داشته: «اولویت نخست در شهرداری باید در اختیار گذاشتن امکانات رای کارکنان باشد. وقتی کارمند یا کارگر شهرداری اطلاعات کافی از شغل خود داشته باشد، کارش را به بهترین صورت انجام می‌دهد. وقتی دیدگاه افراد از نظر علمی و عملی بالا برود، نوع برخوردشان نیز متفاوت می‌شود. در واقع مردم به کار خود اشراف و با آرزای رجوع نیز رفتار شایسته و سازمان یافته‌دارد. از سوی دیگر، آموزش برای روزآمد کردن کارمندان بسیار مهم است و آنان بدین ترتیب می‌توانند اطلاعات کافی در اختیار مراجعه کنندگان قرار دهند»

وی در ادامه گفت: «کسب اطلاعات علمی، حتی برای کارکنان دیپلمه در بیان کاری آنها بسیار مؤثر و کارآمد است. درخواست سازمان مسئولان این است که برای بخش آموزش کارکنان اهمیت خاصی قائل شوند و بودجه بیشتری را در اختیار مناطق قرار دهند تا بتوان امکانات آموزشی مناسبی را در اختیار کارکنان قرار داد. به هر حال گام اول در هر اداره‌ای، به ویژه اداره‌های خدماتی، آموزش است.»

مصطفی پور، معاون طرح و برنامه منطقه ۷، مهم‌ترین عامل ضرورت آموزش را تحول در مدیریت شهری می‌داند و می‌گوید: «تحول در مدیریت شهری در گرو تحول در منابع انسانی سازمان است و تحول در منابع انسانی نیز بدون دگرگونی در نگرش به دانش و آگاهی در سازمان میسر نیست. تا هنگامی که به هزینه آموزش به عنوان هزینه مصرفی سازمان نگریسته می‌شود و نه به عنوان هزینه سرمایه‌گذاری، تحول در مدیریت

شهرداری محقق نخواهد شد. از سوی دیگر، تغییرات بسیاری در بستر اجتماعی و شیوه زندگی شهروندان رخ داده و مسئولیت مدیریت شهری روز به روز سنگین‌تر شده است؛ اما تحول در نحوه انجام وظایف و مسئولیتهای شغلی و روشهای انجام کارها به کندی صورت می‌پذیرد، پس تأکید بر دانش، آگاهی و خلاقیت تنها راه بیرون رفتن از این تأخیر فرهنگی - فن‌شناختی مدیریت شهری است.»

در مؤسسات خدماتی، به دلیل برخورد متقابل با شهروندان و رابطه نزدیکی که باید میان کارکنان و شهروندان ایجاد شود، آموزش کارکنان اهمیت ویژه‌ای دارد. نحوه برخورد و رویارویی کارکنان سازمانهای خدماتی با مردم که به نوعی مزاحمه‌کنندگان آنها هستند، نقش عمده‌ای در جلب اعتماد آنها نیست. به سازمان موردنظر دارد و می‌تواند ضمانت رضایتمندی مردم از ارگانهای دولتی - خدماتی محسوب شود. بنابراین اولین گام توسعه مدیریتی و شهری، آموزش کارکنان در چگونگی ارائه خدمات بهتر است که لازم است در سیاستگذارهای کلان مورد بررسی قرار گیرد تا به بهترین نحو در فهرست وظایف سازمانهای مربوطه تدوین شود.

محمدحسن چراغی، مدیر کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران، درباره ضرورت آموزش کارکنان شهرداری چنین می‌گوید: «آموزشهای موردنیاز کارکنان نخست به صورت اولیه برگزار می‌گردند و بگذارد دیگر هم به صورت یادآوری و بازپزایی تکرار می‌شوند. زیر این یادآوری همیشه موردنیاز است. برای نمونه، کسی که سترک ۲۰ سال پیش مهندسی عمران دارد، مسلماً باید از اطلاعات و روش‌های روز آگاهی داشته باشد. پس با چنین نگاهی به سازمان با مجموعه‌ای از اعضا رویه‌رو



محمدحسین چورجانی

هستیم که همواره باید آموزش ببیند، و در واقع این ضرورت همواره حس می‌شود.

این امر نمی‌تواند به طور موردی و چند سال یک بار باشد. وقتی با این حجم زیاد به آموزش دقت شود، هیچ سازمانی و یا ادارهای نمی‌توانند متولی کل آموزش سازمان عریض و طویلی مانند شهرداری باشند. با این دید و سیاست کلی که راهبردی و سیاست‌گذاری برنامه‌های کلان آموزشی به عهده خود شهرداری است، اجرای آن را باید به توانی سپرد.

مشکلات واحد آموزشی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در امر آموزش کارکنان دیده می‌شود، این است که متأسفانه تنها معدودی از مناطق شهرداری دارای واحد خاصی به نام آموزش هستند. در بیشتر مناطق شهرداری هنوز واحد جداگانه آموزش دیده نمی‌شود. چه بسا واحدی غیر مربوط - همانند امور مالی یا اداری و مانند اینها - عهده‌دار این امر باشند.

تحول در مدیریت شهری در گرو تحول در منابع انسانی سازمان است و تحول در منابع انسانی نیز بدون دگرگونی در نگرش به دانش و آگاهی در سازمان میسر نیست. تا هنگامی که به هزینه آموزش به عنوان هزینه مصرفی سازمان نگریده می‌شود و نه به عنوان هزینه سرمایه‌گذاری، تحول در مدیریت شهری محقق نخواهد شد.

در منطقه ۳ نیز رئیس امور مالی مسئولیت آموزش کارکنان را به عهده دارد. وی، بدالله کاظمی، در مورد مشکلات آموزشی کارکنان مسائل بسیاری را ذکر می‌کند و می‌گوید: «مهم‌ترین معضل، فقدان واحدی به نام آموزش در مناطق شهرداری است که در هر منطقه‌ای واحد خاص با نام آموزش کمتر دیده می‌شود. برای نمونه، در برخی مناطق واحد اجتماعی عهده‌دار امور آموزشی است و در بعضی مناطق دیگر - همانند منطقه ۳ - امور اداری، آموزش کارکنان را بر عهده دارد. به طور قطع نبود متولی خاص سبب می‌شود که روند آموزش به کندی پیش رود و از نظر کمی و کیفی دچار مشکلات شود. پس گام اساسی این است که متولی خاصی برای امر آموزش و اطلاعات و آمار در مناطق وجود داشته باشد و مسائل آموزشی و

نیاز مناطق با برنامه‌ریزی و هماهنگی کامل بررسی شود و مشخص گردد که هر منطقه به چه چیزی نیاز دارد، و سپس آموزشهای لازم برای پیشبرد اهداف شهرداری به کارکنان داده شود. مطلب دیگر که اهمیت دارد، این است که اداره کل تشکیلات شهرداری تهران، نیازهای مناطقی را با توجه به عملکرد آنها بررسی کند و بودجه لازم را به آن اختصاص دهد؛ یعنی بودجه‌بندی مناطق باید با مطالعه صورت گیرد.»

وی می‌افزاید: «در منطقه ۳، کارکنان متخصص که تحصیلات عالی را طی کرده و دارای مدارج بالایی علمی باشند، بسیار کم هستند. به نظر من باید کارکنان متخصص، شناسایی گردند و به آنها بورسیه داده شود. باید به کارکنان از نظر کیفی رسیدگی شود تا نیروهای سازمان به تناسب خوبی برسند. با این کار، کارکنان آگاهی مطلوبی پیدا می‌کنند و شغل خود را بهتر انجام می‌دهند.

از مسائل مهم دیگر که می‌توان به آن اشاره کرد، فقدان واحدی به نام اطلاعات و آمار در منطقه است. زیرا افزون بر واحد آموزش، و برای تکمیل این واحد، به واحد اطلاعات و آمار نیاز است تا بتوان دسترسی بموقع و بهنگام به اطلاعات و آمار داشت. دیگر اینکه باید ارتباط بین شهرداری و آموزش عالی بیشتر شود تا نیروهای متخصص تربیت شوند؛ به دلیل اینکه بسیاری از کارکنان مناطق تجربه کاری برای تمسک شغل خود دارند اما به نظر می‌رسد که اطلاعات علمی و دانشگاهی آنان نسبت به تجربه کاری‌شان زیاد نیست. اگر ارتباط با مراکز آموزش عالی بیشتر شود و کارکنان آموزش بهینه‌تری ببینند، می‌توان در زمان کمتر و به گونه‌ای راحت‌تر به اهداف مورد نظر رسید.»

مصطفی پور، مسئول آموزش منطقه ۷ شهرداری تهران، مشکلات آموزش کارکنان را چنین عنوان می‌کند:

- ۱- کم توجهی به مدیریت منابع انسانی
- الف - ضعف نیروی متخصص (بیش از ۷۰ درصد از نیروها غیرمتخصص هستند)
- ب - تخصیص اندک اعتبارات بودجه آموزش (تقریباً ۴ درصد بودجه مورد نیاز تخصیص داده می‌شود)
- ج - گرایش به تمرکز در آموزش (مناطق سهمی در نیازسنجی آموزشی، تعیین اهداف آموزشی، اجرا و ارزشیابی ندارند).
- ۲- نامشخص بودن اهداف، شرح وظایف و استانداردها عملکرد برای کارکنان شهرداری
- ۳- عقب افتادگی دانش سازمان نسبت به فناوری و روشهای جدید متناسب با نیازهای امروزین خدمات رسانی
- ۴- ضعف سامانه انتقال دانش کاربردی به بستر اجرایی سازمان
- ۵- ضعف ویژگی دانش‌گرای سازمان، دانش و اطلاعات در



کامران موشغی پور

حاصل شده بین انبوه‌های قبلی و آنچه که باید در زمان حاضر به صورت آندوخته دانست بسیار زیاد شد است و بسیاری از کارها باید شکل تخصصی به خود بگیرد.

آنچه که ایجاد مشکل می‌کنند، این است که کارمندان نمی‌پذیرند که احتیاج به آموزش دارند، و در واقع به هیچ وجه زیر بار آموزش نمی‌روند. بنابراین گام اول همانا توجه کارمندان است نسبت به این نکته به اهمیت آموزش بی‌بورد.

کارکنان با این استدلال که در حین انجام کار بازوایی مختلف حرفه‌های خود آشنا خواهند شد (نوعی آموزشی غیررسمی) زیر بار آموزش رسمی نمی‌روند. متأسفانه این آموزش در گذر زمان صورت می‌گیرد و کاری که اداره تشکیلات و آموزش شهرداری به عنوان متولی امر آموزش باید انجام بدهد، این است که در درجه اول، آموزشهای نادرست گذشته را از ذهن کارمندان پاک کند و بعد به ارائه آموزشهای جدید بپردازد.

وی با برشمردن مشکلات شهرداری در زمینه آموزش، به منتساب این مشکلات اشاره می‌کند و می‌گوید: «مشکل از اینجا است که بیش از اینکه آموزشهای رسمی در سازمان مؤثر باشد، خود فرد، نحوه ورود او به سازمان، انواع آموزشهای غیررسمی که دریافت می‌کند و نحوه ادامه به کار او در سازمان، نقش تعیین کننده دارد.»

وی می‌افزاید: «ما همیشه بین اهداف رسمی و اهداف واقعی

سازمان با انبساط مواجه است. زیر اطلاعات و آگاهی در سازمان به دلیل نبود امنیت شغلی و منافع در حافظه افراد مسدود می‌شود و به جریان نمی‌آیند و اصولاً سازمان دانش گرانگیز است.

۶- اهمیت اندک مقوله بهره‌وری (کارایی - اثربخشی) در سازمان: از آن رو که سازمان رقابتی نیست.

۷- ضعف سامانه مدیریت منابع انسانی، همانند:

الف - ضعف جذب و گزینش نیروی متخصص

ب - ضعف سامانه پاداش و انگیزش

ج - ضعف سامانه چرخه و چابک‌جایی کارکنان

د - ضعف سامانه شناسایی استعدادها و خلاقیتها

ه - ضعف برنامه‌ریزی آموزش

و - ضعف سامانه ارزشیابی شایستگی کارکنان.

برخلاف سایر مناطق شهرداری که مشکلات بسیاری در امر آموزش کارکنان دارند، مسئول آموزش منطقه ۶ شهرداری تهران معتقد است که به غیر از فضای آموزشی - که مشکل آن هم حل شده - مورد دیگری وجود ندارد. وی می‌گوید: «مشکل اساسی در امر آموزش کارکنان فضای آموزشی بود که شهرداری منطقه برای راحتی کارکنان و اینکه بتوانند در یک ساعت مشخص هم در محل کار خود باشند و هم از کلاسهای آموزشی استفاده کنند، سالنهای مدرسه‌های نزدیک به شهرداری را در اختیار گرفته است. به غیر از این مورد، مسئله دیگری برای آموزش مطرح نیست.»

به طور کلی آموزش کارکنان شهرداری با توجه به نیازهای آموزشی و براساس پست سازمانی تعیین و برنامه‌ریزی می‌شود. درنگاهی کلان باید معاونتها، قسمتها و واحدها تقسیم‌بندی گردند و به لحاظ تحصیلات و شغل آنان، برنامه‌ریزی آموزشی صورت گیرد. سپس منطقه، نیازهای آموزشی را در اختیار اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران قرار می‌دهد، تا این اداره با در نظر گرفتن امکانات موجود و ایجاد کردن سیاستهای کلی سازمان، به این نیازهای آموزشی پاسخ دهد.

چراغی با اشاره به نقش آموزش غیررسمی در سازمانها می‌گوید: «کسی که در یک جایگاه سازمانی منصوب می‌شود، حتی در صورتی که به تمام زوایای کار خود واقف نباشد، اعتراف به این امر نمی‌کند، زیرا به این واسطه کارش را از دست می‌دهد. توسعه سازمانی نوعی آموزش غیررسمی است که حکم می‌کند فرد به هر نحوی که شده، خود را موفق نشان دهد تا بتواند کار خود را حفظ کند.

واقضیت این است که به دلیل پیشرفتهایی که صورت گرفته،

اولین گام توسعه مدیریتی و شهری، آموزش کارکنان در چگونگی ارائه خدمات بهتر است که لازم است در سیاستگذاران پهنای کلان مورد بررسی قرار گیرد تا به بهترین نحو در فهرست وظایف سازمانهای مربوط تدوین شود

خود تفاوت قابلیم. آنچه که به عنوان خط‌مشی‌های آموزشی مشخص به مدیران گفته می‌شود، با آن بستری که به عنوان سازمان برای شان فراهم می‌گردد کاملاً متفاوت است. به عنوان مثال، در کلاسهای رسمی گفته می‌شود که اگر شما آموزش ببینید رشد یافته و ارتقاء درجه پیمان می‌کنید، ولی در عمل بستری فراهم می‌شود که غیر از این است - و این امر در جامعه هم مصداق می‌یابد.

ما حتی برای آموزش افرادی که خود مشتاق آموزش هستند هم باید امتیازات خاصی را در نظر بگیریم تا به مقوله آموزش علاقه نشان دهند. این امر دقیقاً به این علت است که مادر حالت عمومی، مطالب آموزش نیستیم و فرهنگ آموزش در کشور ما صورت عام و فراگیر به خود نگرفته است.»

چراغی معتقد است که در زمان حاضر یکی از مشکلات سازمانها، مدرک‌گرایی است. وی آموزش را امری حذاً مقولاً مدرک‌گرایی می‌داند و در این باره می‌گوید: «آنچه که ما دنبال می‌کنیم آموزش است، نه مدرک‌گرایی. به این معنی که شخص



بهنام کاظمی

است که چارت سازمانی چگونه طراحی شود تا این امر، بی‌اهمیت تلقی نگردد. این در صورتی است که سیاست فعلی شهرداری، بیشتر بر واگذاری امور به بخش خصوصی است تا سیاستگذار بهای کلان یا ستاد شهرداری یا در حد میانی یا ناحیه و در حوزه اجرایی یا منطقه باشد.

وی در ادامه با تأکید بر اهمیت خصوصی سازی در شهرداری تهران، اضافه کرد: «در صورتی که بخش خصوصی بتواند از عهده برنامه ریزی و اجرای آموزش برآید، باید این کار را به بخش خصوصی واگذار کرد. متأسفانه ذهنیت حاکم این گونه شکل گرفته است که کلیه امور باید به وسیله سازمان انجام شود ولی سیاست کلی شهرداری بر کوچک سازی سازمان است تا به تدریج نقش سازمانهای خصوصی پررنگ تر شود. اکثر نیازهای آموزشی شهرداری را بخش خصوصی می تواند برآورده کند؛ و مسلماً در دوره های آموزشی، مدرسان و استادان دانشگاه موفق تر خواهند بود.»

آموزش نیاز نسل گذشته شهرداری

امسار و ارقام تعداد کارکنان شهرداری و نسبت کارگری به کارمندی و میزان سطح سواد مناطق شهرداری، نشان دهنده این امر است که آموزش به ویژه برای نسل گذشته شهرداری که از نظر سطح سواد نیز در مرتبه پایینی قرار دارند، ضروری و لازم است.

چراغی در پاسخ به این پرسش که چرا نیروهای قدیمی و کارگری شهرداری دوره های آموزشی را طی نکردند، می گویند: «واقعیت این است که شهرداری تا گذشته نه چندان دور سازمانی خدماتی بوده که بیشترین نیروهای آن کارگری بوده اند و بافت کارگری بر قسمت کارمندی استیلا داشته است. پس در گذشته شهرداری بیشتر به رفع امور جاری شهری همانند رفت و روب، جمع آوری زباله ها و برخی مسائل فضای سبز می پرداخته تا بتواند شهر را اداره کند. اما در چند سال اخیر شهرداری از بافت قدیمی خارج شده و به ساختار کارمندی توجه کرده است. تناسب حجم کاری که به فعالیتهای شهرداری افزون شد، نیاز به قشر کارمندی و کارشناسی را ضروری کرد.»

شهروز محسر که در پاسخ به این پرسش که آیا کارکنان خدماتی از آموزش بهره مند می شوند یا نه، اظهار می دارد: «برای کارکنان خدماتی سازمان، دوره های رفتار سازمانی، چگونگی پذیرایی، نظافت و بهداشت تجهیزات کاری بر گزار می شود. تلاش شده است که اگر نمی توان آنها را از نظر تحصیلات دانشگاهی بالا برد، دست کم از نظر سطح علمی به آنها کمک کرد. نمایان ذکر است که این کلاسهای آموزشی مورد استقبال قرار گرفته اند. در پایان دوره، افراد امتحان می دهند و به آنها مدرک داده می شود؛ و این امر افزون بر کارایی شغلی سبب ارتقای سطح شغل نیز خواهد شد.»

آیا مناطق در آموزش سهمی دارند؟

بر اساس نیازسنجی که در هر منطقه از شهرداری صورت می گیرد، مدیران هر قسمت به نیاز کارمندان از نظر آموزش بیشتر آگاهی می یابند. در زمان حاضر مسئولیت مناطق در امر آموزش کارکنان تنها به اعلام نیاز منطقه خلاصه می شود و مناطق خیلی کم در کار اجرا دخالت دارند.

مدیر اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری در پاسخ به این پرسش که آیا شما با ایفای نقش مناطق در امر آموزش موافق هستید یا خیر، می گویند: «در شهرداری مناطقی هستند که به

باید به این نیاز پی ببرد که احتیاج به معلومات و اندوخته های علمی دارد، ولو آنکه این اندوخته ها منفعت مالی چندانی هم برای او نداشته باشد.»

امسار آنجا که در یک نظام سازمانی باید کلیه بیتمها و مسئولیت کارکنان مشخص باشد، طراحی جدول سازمانی از اولویتهای تأسیس سازمان به شمار می آید. بدین ترتیب آن سازمان خواهد توانست با استفاده از خدمات واحدهای زیرمجموعه خود، که قبلاً نقش و مسئولیت آنها در جدول وظایف

شهرداری تا گذشته نه چندان دور سازمانی خدماتی بوده که بیشترین نیروهای آن کارگری بوده اند و بافت کارگری بر قسمت کارمندی استیلا داشته است

سازمانی آمده است، به نحو مطلوب انجام وظیفه کند. یکی از مشکلاتی که در زمان حاضر در امر آموزش و در شهرداری تهران بر سر راه گسترش آموزش به چشم می خورد، چه بسا قنار نگرستن این واحد در جدول سازمانی باشد. نمودار سازمانی فعلی، متعلق به سالها قبل است که در آن به شرح وظایف کارکنان پرداخته شده است و در زمان حاضر نمی تواند پاسخگوی نیاز شهرداری باشد. بنابراین اصلاح این نمودار سازمانی به دست متخصصان امری ضروری است که البته در حال انجام است و تا پایان نیمه دوم امسال به اتمام خواهد رسید. مسلماً با ابلاغ این نمودار سازمانی به مناطق، بسیاری از مشکلات واحدهای آموزش و سایر واحدها بر طرف خواهد شد.

مدیر کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران می گویند: «مسئولی امر آموزش، حتماً باید واحد مشخصی باشد. در بعضی مناطق می خواهند ضرورت آموزش را مشخص کنند تا ضمن اینکه، جایگاهی هم برای خود ایجاد کرده باشند. در صورتی که این دو مقوله کاملاً جدا از یکدیگرند و آنچه مهم می نماید این

علت بدهکاری سازمانهای دیگر به شهرداری، با این سازمانها قرارداد آموزش می‌بندند و کارسندان را آموزش می‌دهند و هم اکنون مشاهده می‌شود که آموزشها با ضوابط مورد نیاز یکسان نیست. اگر منظور این گونه ابغای نقش مناطق باشد، قطعاً نظر ما منفی است زیرا چنین کاری سلب مسئولیت از خود ماست. ما اینجا به عنوان متولی آموزش مسئول سیاستگذاری و جهت‌دهی به برنامه‌های آموزشی کل شهرداری هستیم. اگر تعریف از آموزش این باشد که بستی فراهم شود تا کارمندان حق انتخاب داشته باشند که در این سازمان بمانند یا به سازمان دیگری بروند این سیاست اکنون متناسب با شرایط ایران نیست. اما اگر آموزش به گونه‌ای تعریف شود که هم در چارچوب نیازهای سازمان باشد و هم اینکه فرد تعهدی داشته باشد که از دانشی که کسب کرده برای نیازهای سازمان از اندوخته خود استفاده کند، یا این حساب هم باید آموزش مورد نیاز سازمان باشد و هم اینکه در جهت آن سیاستگذاری باشد تا متوجه شوند که مشکلات و معضلات شهرداری به چه سمتی است.»

حرکت شود، باید یک درصد کل بودجه شهرداری (یعنی یک درصد حدود ۵۰۰ میلیارد تومان) به بخش آموزش اختصاص داده می‌شود. ولی آنچه که تاکنون (طی چند سال گذشته) شهرداری برای آموزش هزینه کرده، مبلغی در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان است که این رقم از یک درصد کل بودجه شهرداری بسیار کمتر است.

مصطفی پور، مسئول آموزش منطقه ۷ شهرداری تهران، سرداشتن موانع ساختاری مدیریت منابع انسانی، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش و تحقیقات، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و خلاقیت نیروی انسانی، ایجاد تقویت امنیت و گسترش سبک خلاقیت را مهم‌ترین راه‌حلها برای از بین بردن مشکلات آموزش کارکنان می‌داند.

مدیر کل تشکیلات و آموزش شهرداری معتقد است که در زمان حاضر شهرها با تمام ویژگی‌هایی که دارند، با مقولات جامعه توسعه یافته مرتبطند. وی چنین ادامه می‌دهد: «فرهنگ شهرنشینی، مسزنان بیکاری، معضلات اقتصادی و همه موارد

اعتباری که در شهرداری برای اداره کل تشکیلات و آموزش در نظر گرفته شده حدود ۴۰۰ میلیون تومان است که اگر قرار باشد بر طبق تصویب هیئت دولت و بخشنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی حرکت شود، باید یک درصد کل بودجه شهرداری (یعنی یک درصد حدود ۵۰۰ میلیارد تومان) به بخش آموزش اختصاص داده می‌شود

وی به نقش مناطق در امر آموزش اشاره می‌کند و آن را کمک در مسائل آموزشی می‌داند.

چراغی در پاسخ به این پرسش که اکنون که تمام اجزای برنامه آموزش در دست اداره کل تشکیلات و آموزش است آیا از برنامه‌های آموزشی رضایت دارید، اظهار می‌دارد: «آنچه که تا به حال در شهرداری صورت گرفته نقایص بسیاری داشته است و آنچه را هم که باید به دست ما انجام شود، در مرحله فراهم کردن مقدمات هستیم. شاید اکنون زمان مناسبی برای نقد و بررسی نباشد، در بسیاری از کارهای سازمانی هر گونه اثر خوب یا بد که کارشناسان از خود باقی می‌گذارند، دست کم پس از یک دوره زمانی آشکار می‌شود. بنابراین امکان ندارد که بازتاب عملکرد به سرعت مشخص شود. نقد و بررسی فعلی بیشتر در مورد نحوه کار گذشتگان است. به همین ترتیب، نمی‌توان توقع داشت که آموزش تأثیر آتی بگذارد، زیرا گاهی اوقات احتیاج به ایجاد تغییر در نگرش افراد - و حتی دو سواددی تغییر در رفتار - حساس می‌شود، بنابراین نمی‌توان توقع تأثیر سریع از آموزش داشت.»

چه باید کرد؟

آنچه مسلم است اینکه آموزش مناسب، نیازمند بودجه کافی است تا بتوان بازدهی آن را در سازمان مشاهده کرد. اعتباری که در شهرداری برای اداره کل تشکیلات و آموزش در نظر گرفته شده حدود ۴۰۰ میلیون تومان است که اگر قرار باشد بر طبق تصویب هیئت دولت و بخشنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

دیگر در شهر دخیل اند. متولی این گونه امور در بیشتر کشورها، و بخشی از آن در کشور ما، شهرداری است و آموزش کارکنان و کارگران شهرداری می‌تواند در برقراری ارتباط میان شهرداری و شهروندان بسیار کار ساز باشد.

زمانی که سخن از شهر توسعه یافته به میان می‌آید، باید سازمانی مانند شهرداری متولی امور شهر توسعه یافته باشد و در شهرداری توسعه یافته باید حتماً کارمندان و کارشناسان خاص به لحاظ علمی و کاربردی حضور داشته باشند. در یک کلام، آموزش در امر توسعه هر سازمانی مانند شهرداری با ایجاد جایگاه تخصصی، تجربه‌آموزی، نقد و بررسی گذشتگان و آیندگان و حتی به تعبیر من، اخلاقی فکر کردن کارمندان و شهروندان همراه خواهد بود. اگر آموزش در بین کارمندان و شهروندان نسری پیدا کند، آن وقت شهری خواهیم داشت که در آن هم شهروندان اخلاقی‌تر و علمی‌تر به مقولات نگاه می‌کنند و هم کارمندان، به تعبیر دیگر، در امر توسعه‌یافتگی پیوند نزدیکی بین کارمندان شهرداری و شهروندان ایجاد می‌شود که در توسعه مدیریت شهری و توسعه زندگی شهری بسیار مؤثر است.»

مجال برای مشارکت

ناحیه سبز بستری برای تجربه استانداردسازی و مشارکت جویی در خدمات شهری

سیروس موسوی

انواع خدمات شهری، جمع‌آوری و حمل و دفن زباله دارای حساسیت و پیچیدگی بیشتری است.

با توجه به خدمات متنوعی که شهرداریهای نواحی مختلف به مردم ارائه می‌کنند، می‌توانیم بگوییم که چرا ملک مدنی، شهرداری تهران قصد دارد در رویکرد جدید ناحیه سحوری، از نواحی به عنوان نقطه تماس شهرداری با شهروندان در جهت ارتقای کیفی و کمی سطح خدمات استفاده کند. وی اعتقاد دارد که با این رویکرد قادر خواهد بود خدمات بیشتری به شهروندان ارائه کند.

زباله از معضلات بزرگ زیست محیطی شهر تهران است. نیروهای خردم شهرداری در اقدامی سریع و شبانه‌نهار صورت مسئله (زباله) را از دید شهروندان پرمصرف به طوری زیبا و آراسته پاک می‌کنند. بدون اینکه آنها را متوجه ارزش «طلای کثیفی» کنند که آنها در کیسه‌های زباله یا به صورت بازکنار خیابان می‌گذرانند تا در زیر خروارها خاک مدفون شوند.

ناحیه سبز شهر تهران با تجربه‌ای کمتر از یک سال بیشتر تلاش خود را صرف تغییرات کیفی در مدیریت زباله کرده است. ناحیه سبز تهران عنوان طرحی جدید است که در ناحیه یک شهرداری منطقه ۶ تهران به طور آزمایشی فعالیت خود را با جهت‌گیریهای مشخصی آغاز کرده است.

در دی ماه سال ۱۳۸۰ معاونت خدمات شهری و سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران، در طرحی آزمایشی، ناحیه یک شهرداری منطقه ۶ را به عنوان ناحیه سبز یا ناحیه الگو برای آزمایش طرح‌هایی در زمینه تفکیک زباله از مبدأ معرفی کرد. پس از آغاز به فعالیت این ناحیه، محور فعالیت دیگری در زمینه استانداردسازی خدمات شهری برای ستاد در نظر گرفته شد. پس از گذشت ۵ ماه از آغاز به کار ناحیه سبز یاد شده، معاونت خدمات شهری در تیر ماه امسال یکی دیگر از نواحی سبز را در ناحیه ۷ منطقه ۲ شهرداری برقرار کرد. پس از آن در مرداد امسال سومین ناحیه سبز شهرداری را در ناحیه یک منطقه ۱۸ تأسیس کرد.

حوناخچه سبز مناطق ۳ و ۱۸ به دلیل تجربه ناچیزشان، در این گزارش کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و عمده بحث گزارش دربارهٔ ماهیت، اهداف و فعالیت‌های ستاد ناحیه سبز شهر تهران است که در ناحیه یک منطقه ۶ شهرداری تهران قرار دارد. این ستاد نقشی محوری در شکل‌گیری و فعالیت سایر نواحی سبز شهر تهران دارد.

ستاد ناحیه سبز، با توجه به فعالیت‌هایی که در زمینه خدمات شهری در سطح ناحیه انجام داده، مدعی است که توانسته است



مشارکت مردم در مدیریت شهری همواره مورد توجه و خواست مدیران شهری بوده است. آنها همیشه خود را نیازمند دخالت و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های شهری عنوان می‌کردند. ولی وضعیت کنونی همکاری و مشارکت مردم در مدیریت شهری و میزان تأثیرپذیری مدیران شهری از مردم نشان‌دهنده تعقیب اساسی در این زمینه و عدم استفاده از توانهای بالقوه موجود است. در این گزارش به معرفی فعالیت‌های ستاد ناحیه سبز با سمت و سوی جلب مشارکت‌های مردمی پرداخته می‌شود. یکی از عرصه‌های بسیار مهمی که مدیریت شهری همواره خواستار مشارکت مردم در آن بوده، عرصه خدمات شهری است. تجربه و یافته‌های علمی نشان می‌دهند که همکاری مردم با مدیریت شهری در این زمینه، علاوه بر کاستن از هزینه‌های شهرداری، بیشتر سبب به اهداف کمی و کیفی مدیریت شهری را نیز هموارتر می‌سازد. امروزه خدمات شهری به مجموعه‌ای متنوع از خدمات شامل جمع‌آوری و انتقال زباله، نظافت و رفت و روب معابر، لایروبی آنها و شست‌وشوی جداول، نرده‌ها و محافظ‌های خیابانها، شست‌وشوی پلهای هوایی و پلهای عابر پیاده، ایستگاه اتوبوس، تابلوها و علائم راهنمایی و رانندگی و سایر تجهیزات شهری، جلوگیری از سد معبر، نظارت بر عملیات ساختمانی، جلوگیری از عملیات خلاف ساختمانی و مانند اینها اطلاق می‌شود. که مدیریت آنها در شهرداریهای نواحی تهران متمرکز است. تأمین این گروه از خدمات از دیرباز جزو وظایف اصلی شهرداری بوده است. در میان

جرمان مشارکت جویی را که همواره از طرف شهرداری خواسته می شد تغییر دهد به عبارتی این نهاد شهروندان را متقاضی مشارکت در طرح تفکیک زباله کرده است.

در انتخاب نواحی سبز تاکنون دلایل متفاوت و متعددی مد نظر قرار گرفته است غریب‌چور مدیر اجرایی ستاد ناحیه سبز شاخصهای اساسی انتخاب نواحی سبز را روشن و تعریف شده توصیف می کند؟

- ویژگی های شهری هر منطقه از نظر تمرکز فضاهای شهری، قابلیت ایجاد یا عدم ایجاد فضاهای خدماتی و امکان تغییر در وضعیت موجود

- میزان هماهنگی طراحی فضای شهری (مسکونی و متعلقات) با استانداردهای علمی بین المللی.

- میزان تمایل به همکاری در مدیران متولی هر منطقه و نیز پرسررسی میزان تمایل شهروندان به مشارکت در تحولات شهری از جمله استانداردسازی و ویژگی های فرهنگی مناطق.

ناحیه سبز در کنار فعالیتها و اهداف کنونی خود در صدد کاستن از مشکلات و دشواریهای ناشی از تصمیم گیریهای جدید شهرداری بخصوص در زمینه خدمات شهری است.

شعارهای منشور ناحیه سبز

شعارهای منشور ناحیه سبز، پیش از هر چیزی می تواند ماهیت اهداف و جهت گیریهای این طرح را نشان دهند:

- ناحیه سبز ستادی است هماهنگ کننده و بسطی است بسوی همکاری بین بخشی در شهرداری منطقه ۶ و شهرداری تهران.

• تفسیر شیوه جمع آوری زباله و تفکیک مواد زائد جامد و مکانیزاسیون زفت و روب شهری

• اصلاح و منسوخ کردن عناصر شهری همچون زیباسازی، فضای سبز، کنترل ترافیک و حمل و نقل، شهرسازی و معماری و مهار انواع آلودگیهای شهری

• تغییر الگوی مدیریت با استعانت از همکاری بین بخشی یا سوجه به اهداف مذکور، می توان آنها را در محورهای عمدهای چون آگاه سازی و جلب مشارکت مردمی، طرح تفکیک زباله از مبدأ، استانداردسازی خدمات شهری و جلب همکاری بین بخشی مورد بررسی قرار داد.

آگاه سازی عمومی و جلب مشارکت مردمی

از اهداف اساسی طرح ناحیه سبز، جلب مشارکت مردمی است. تاکنون در مقاطع زمانی مختلفی، مدیریت شهری تهران شعار مشارکت ملی را سر داده اما نتوانسته است آن گونه که باید و شاید، همکاری مردم را تشویق بخشد از آنجا که یکی از محورهای اصلی فعالیت ناحیه سبز بهبود کیفی محیط زیست شهری است، مشارکت مردم که خود بخشی از این محیط هستند، اجتناب ناپذیر است.

اشکار است که جلب مشارکت مردم نیاز به آگاه کردن آنها از ماهیت و اهداف ناحیه سبز دارد. تا زمانی که مردم از اهداف و نیات مجریان طرح آگاه نباشند، ضرورتی برای مشارکت نمی بینند. امروزه به سبب توسعه رسانه های جمعی و استفاده گسترده شهروندان از این رسانه ها، مجاری انتقال پیامها و آگاهیهها افزایش یافته است. اما آنچه، ناحیه سبز علاوه بر رسانه های یاد شده برای انتقال پیام خود برگزیده، روشی غیر از رسانه های رادیویی یا مکتوب است. این ستاد با کمک رابطین سبز که آموزشهای لازم درباره مسایل شهری، خدماتی، اهداف ناحیه سبز و ارتباطات عمومی را دیده اند، پیام خود را به صورت رودررو به ساکنان ناحیه انتقال می دهند. رابطین سبز در اقدامی تحسین برانگیز، که ویژگی هر کتبه ای خودجوش مردمی غیردولتی است، برای توجیه کردن مردم و دعوت آنها به همکاری با ستاد ناحیه سبز و فراهم آوردن محیط زمینی سالم و آرام، به تک تک منازل و ادارات ناحیه سبز مراجعه می کنند.

برگزاری جشنها و نمایشگاههای مختلف فرهنگی - هنری نیز از دیگر عملیهای انتقال پیام ناحیه سبز است. ستاد ناحیه سبز، تاکنون برای تغییر نگرش مردم نسبت به اهمیت و ارزش خلایق کیفیت و ضرورت تفکیک زباله جامد از مبدأ، اقدام به برگزاری دو جشن «دوستی با درختان» کرده، و در دو مسر حله کاغذهای مصرف شده دانش آموزان و دانشجویان را در ازای امدای بن تخفیف کتابچه جمع آوری کرده است. در مورد دیگری، برای تسوییح اهداف و ماهیت خود با همکاری انجمن زنان پیشرو اقدام به برگزاری نمایشگاه توانمندیهای بانوان ناحیه سبز در میدان ولی عصر کرده است.

گذشته از این، بهروز غریب پور، کارگردان و مدیر اجرایی طرح ناحیه سبز، با توجه به تواناییهای حرفه ای و دغدغه های خود در زمینه محیط زیست، تاکنون یک سریال تلویزیونی به نام «بابا یاران» (در باره صرفه جویی در مصرف آب) و یک فیلم مستند به نام «مرتب خاک سبز» (در باره زباله های شهر تهران) ساخته است که بزودی از تلویزیون بیخش خواهند شد.

دو سوبه بودن همکاری مردم و مسئولان ناحیه سبز از طریق تلفن گویای این ستاد امکان پذیری می گردد. شهروندان ناحیه سبز

- ناحیه سبز بر سر محور همکاری بین بخشی (درون شهرداری) قراربخشی (خارج از شهرداری) و مشارکت مردمی اتکا دارد.

- ناحیه سبز محوری نیست و به اقدامات موازی اعتقادی ندارد و آن را عاملی برای نابودی سرمایه های ملی و باورهای مردم می داند.

ذکر اهداف مورد نظر ناحیه سبز، ماهیت این طرح را روشن تر خواهد کرد. ناحیه سبز به عنوان طرحی آزمایشی، اهداف زیر را دنبال می کند:

• آگاه سازی عمومی و ارتقای میزان مشارکت مردمی



شهروندان است. غریبه‌پور معتقد است تا زمانی که شهروندان به خوبی و با نظم از محیط زندگی آنها تخلیه نگردد، آنها به تفکیک زباله جامد و همکاری با ستاد ناخیه سبز نمی‌شوند.

یکی از همکاران جدی ستاد ناخیه سبز در زمینه تفکیک زباله، شرکت پخش و توسعه کتاب ایران با «پکانه» است شرکت «پکانه» در کنار فعالیتهای خود در این زمینه در گستره شهر تهران، با اجرای طرح ملی «کتاب» صرفه‌جویی، محیط زیست» در برنامه‌هایی مشترک با ستاد ناخیه سبز و سایر تشکلهای زیست محیطی، برنامه‌های جمع‌آوری کاغذهای باطله را ساماندهی می‌کند. بنا به گفته مسئولان مرتبط با طرح تفکیک زباله از مبدأ، تاکنون عملکرد ستاد ناخیه سبز موفقیت آمیز بوده است و میانگین آمار زباله‌های جامد تفکیک شده در این طرح در مقایسه با طرح‌هایی که پیش از این اجرا شده، بیشتر بوده است.

یکی از روشهای برآورد میزان توفیق ستاد ناخیه سبز در اجرای طرح تفکیک زباله از مبدأ، توجه به میزان کمی زباله خشک جمع‌آوری شده است. صافقی، نماینده سازمان بازپخت و تبدیل مواد شهرداری تهران در ستاد ناخیه سبز، میزان افزایش سرانه زباله خشک را در ناخیه سبز حدود ۷۲ گرم عنوان می‌کند که در مقایسه با میزان ۱۲ تا ۲۵ گرم - که در طرح‌های پیشین به دست آمده - حدود ۷۰ درصد رشد نشان می‌دهد. میانگین وزن زباله‌های خشک جمع‌آوری شده در سطح ناخیه سبز، در آغاز اجرای طرح حدود ۲۵۲ کیلوگرم در روز بود که این میزان در خرداد ماه امسال به ۱۴۶۰ و در تیرماه امسال به ۱۴۴۳ کیلوگرم در روز افزایش یافت. این میزان زباله خشک از ۲۱۴۰ سد و ۲۵۳ مخزن ریلی مستقر در واحدهای مسکونی، تجاری و اداری جمع‌آوری شده است.

توفیق آینده این طرح، همچنان که مدیران اجرایی ستاد نیز به آن واقفاند، تداوم خدمات‌رسانی منظم و رسان مبتدیه شهروندان ناخیه و تلاش در بالا بردن سطح کیفی این خدمات است.

با توجه به هدف دراز مدت طرح ناخیه سبز که تسری دادن تجارب مفید اجرای آن به نواحی مجاور و سپس کل شهر تهران است، نتیجه‌گیری از فعالیتهای ستاد و ارزیابی میزان توفیق آن در رسیدن به اهداف مورد نظر در زمینه تفکیک زباله از مبدأ نیازمند زمان بیشتری است.

یکی از مسائلی که در دنیای پیشرفته در مورد زباله مطرح می‌گردد، طرح‌هایی کاهش تولید زباله است که شاید در ایران بسیار عجیب باشند. عبدالله، عضو شورای پژوهشی سازمان حفاظت محیط زیست، کاهش زباله از مبدأ را یکی از راه‌های مهم برای رفع معضل زباله می‌داند. او می‌گوید که امروزه در جهان هر کسی گالای تولید می‌کند که بخشی از آن به زباله تبدیل می‌شود، باید از ابتدا هزینه آن را بپردازد.

با توجه به تأکیدات بسیاری که دین اسلام درباره رعایت بهداشت در مصرف دارد، و همچنین ضرورت‌های موجود، شایسته است که ستاد ناخیه سبز طرحی جامع برای ترغیب و تشویق شهروندان به استفاده کامل و بهینه از مواد مصرفی و جلب همکاری سازمانها و رسانه‌های فرهنگی - تبلیغی در جهت ترمیم الگوی جدید تولید و مصرف مواد مصرفی تهیه کند. اینجا باید به این باور طرح ناخیه سبز بازگشت که مدیریت صحیح زباله مستلزم همکاری بین بخشی و فرهنگش است. امروزه رواج مسرف‌گرایی در سطح وسیعی از جامعه خطرهای بسیاری را



می‌توانند در خواسته‌ها، پیشنهادها و انتقادات خود را از طریق این تالار به اطلاع مسئولان ستاد ناخیه سبز برسانند.

تفکیک زباله از مبدأ

یکی از محورهای اساسی فعالیت ناخیه سبز، گسترش فرهنگ تفکیک زباله در بین شهروندان و ارائه خدمات منظم و زمانمند در زمینه جمع‌آوری زباله‌های تر و خشک است. مجریان طرح ناخیه سبز معتقدند که یکی از دلایل ناموفق بودن کوششهای چندین ساله شهرداری تهران در زمینه تفکیک مواد زائد جامد و جمع‌آوری، دفن و بازیافت زباله، واگذار شدن این وظیفه بر عهده یک یا چند سازمان مشخص است. این در حالی است که بر رسیه‌های علمی و تجارب جهانی موبد این نکته‌اند که تنها در چارچوب مدیریت بین بخشی درون شهرداری و جلب مشارکت و همکاری مدیریتهای فرابخشی دخیل در امور شهری و خارج از چارچوب مسئولیتهای و تواناییهای شهرداریها، می‌توان این امر خطیر و پراهمیت اجتماعی را به انجام رساند.

آمارهای تولید زباله در شهر تهران سرسام‌آور است. میزان تولید سالانه تهران حدود ۲۲۰۰/۰۰۰ تن، و وزن مخصوص آن ۲۳۰ کیلوگرم در متر مکعب است. جالب است که بدانید از ارتفاع زباله یکساله تهران در مساحتی حدود یک هکتار بالغ بر ۷۲۲ متر خواهد بود. یقیناً بخش عمده‌ای از این زباله بازیافت شدنی است و نیاز به همت عمومی شهروندان و شهرداری در تفکیک زباله از مبدأ دارد.

نخستین اقدام ستاد ناخیه سبز در زمینه تفکیک زباله از مبدأ ثبت نام از متقاضیان مشارکت در این طرح از طریق رابطان سبز است. رابطان سبز یا مراجعه به منازل و ادارات محدوده ناخیه سبز، توانسته‌اند تا مرداد امسال، به حدود ۱۳۰۰۰ شهروند مشارکت در طرح تفکیک زباله و استفاده از خدمات ستاد ناخیه سبز کد اشتراک دهند. در واحدهای مسکونی یا اداری مشترکان، بسته به میزان تولید زباله خشک تولیدی، سبدها و مخازنی نصب می‌شود که به طور معمول یک روز در میان تخلیه می‌شوند. یکی از اقدامات مورد تأکید مدیر اجرایی ستاد ناخیه سبز، تخلیه منظم مخازن و سبدهای زباله جامد و جمع‌آوری صحیح زباله‌های تر

برای محیط زیست - به خصوص در شهرها - ایجاد کرده است که تغییر این انگ و نیاز به همت جمعی تولید کنندگان، مصرف کنندگان و نهادهای تأثیرگذار فرهنگی دارد.

استانداردسازی فعالیتها و خدمات شهری

استانداردسازی به معنی رعایت اصول و معیارهای علمی و تجربی در انجام فعالیتها و خدماتی است که از طرف شهرداری به مردم ارائه می شود. انواع خدماتی که شهرداری در نواحی خود در قالب خدمات شهری به شهروندان ارائه می کند، هر یک دارای اصول و معیارهای علمی خاصی هستند که ناحیه سبز قصد دارد آنها را براساس این معیارها استاندارد کند.



بهزاد جوادیان، معاون اجرایی و هماهنگی ستاد ناحیه سبز، یکی از محورهای اساسی مورد توجه ستاد ناحیه سبز را استانداردسازی مناسبات و خدمات شهری ذکر می کند. او معتقد است که ناحیه سبز در این زمینه می بایست الگویی برای نواحی و مناطق همجوار باشد.

استانداردسازی خدمات شهری، مستلزم استفاده از تخصصهای مختلفی است که بتوانند مدیران شهری را در تهیه و اجرای طرحهای خودیاری کنند. از طرفی نیز ارتباط متخصصان و مدیران شهری می بایست دو سویه و ناشی از نیاز و تعهد متقابل باشد. ناحیه سبز در تداوم هدف استانداردسازی مورد نظر خود، برای جلب مشاوره کارشناسان و متخصصان و اشتیاق مدیران شهری به استفاده از نظریات آنها، مبادرت به تشکیل کمیته های تخصصی متعددی کرده است. وظیفه کنونی این کمیته بررسی و ارزیابی کارشناسی طرحها و پیشنهادهای شهری در سطح منطقه ۶ شهرداری است و ولی مسئولان این کمیته ها امید دارند که در آینده بتوانند پشتیبان فکری و تخصصی نواحی سبز و سایر شهرداریهای مناطق مختلف تهران باشند.

هر یک از کمیته های تخصصی از نمایندگان معاونتهای شهرداری منطقه ۶ و جمعی از کارشناسان و متخصصان با تجربه در زمینه تخصصی هر کمیته تشکیل می شود. مهم ترین کمیته های تخصصی فعال ستاد ناحیه سبز

عبارتنداز:

کمیته های اجرایی، رویه ها عمومی، اطلاع رسانی، حمل و نقل و ترانزیت، سازینافت، ساماندهی صنایع و مشاغل، زیباسازی و فضای سبز، اقتصاد بازرگانی، معماری و شهرسازی، آموزش ناحیه سبز، آموزش و پرورش و مشارکت های مردمی، در کنار کمیته های فعال، ستاد ناحیه سبز در حال تشکیل کمیته های دیگری مانند کمیته تندرستی، کمیته شهرداران نواحی و کمیته مدیران حوزه معاونت خدمات شهری است.

از دیگر اقدامات ستاد ناحیه سبز برای دستیابی به هدف استانداردسازی می توان به انتخاب خیابان ایان به عنوان خیابان نمونه و مجتمع مسکونی بهجت آباد و قریه ایان به عنوان مجتمع های مسکونی نمونه و ایجاد بانک اطلاعاتی و گروه پژوهشی اشاره کرد. ستاد ناحیه سبز در نظر دارد خیابان ایان را که از بخش غربی ناحیه سبز می گذرد، به عنوان محلی برای اجرای طرحها و پیشنهادهای کمیته های تخصصی مورد توجه جدی قرار دهد. در این زمینه طرحها و پیشنهادهای برای تعمیر سنگفرش پیاده رو، ساماندهی مبلمان شهری، هدایت آبهای سطحی و حذف جویهای روبار حاشیه خیابان، زیباسازی و آرام سازی ترافیکی آن ارائه شده است.

مجتمع های مسکونی بهجت آباد و قریه ایان نیز که از نظر معماری و شهرسازی براساس اصول و معیارهای علمی مناسب بنا شده اند، برای اجرای الگوهای بهینه زندگی شهری مورد توجه ستاد ناحیه سبز قرار گرفته اند. بانک اطلاعاتی ستاد ناحیه سبز از مدارک و اسناد علمی مکتوب و غیرمکتوب در زمینه مدیریت شهری، بازینافت زباله و دانشهای تخصصی شهری تشکیل می شود. در کنار بانک اطلاعاتی، ستاد گروه پژوهشی خود را برای انجام پژوهشهایی در زمینه مدیریت و مسائل مختلف شهری، مدیریت زباله و موضوعات مورد علاقه ستاد تشکیل داده است.

آنچه در ارزیابی فعالیت ستاد ناحیه سبز می توان گفت، این است که ستاد مذکور در زمینه استانداردسازی خدمات شهری زیربناهای مناسبی را فراهم کرده ولی ارزیابی میزان موفقیت آن نیازمند گذشت زمان است.

همکاری بین بخشی

از دیگر اهداف ستاد ناحیه سبز که به اعتقاد مجریان، نمود آن تاکنون هزینه های زیادی برای مدیریت شهری و شهروندان داشته، همکاری بین بخشی میان مدیرانتهای داخلی در شهرداری تهران است. ناحیه سبز نخستین شعار خود را «هماهنگی و یسری سازی برای همکاری بین بخشهای مختلف شهرداری منطقه ۶ و شهرداری تهران» عنوان می کند و اقدامات سوازی را نیز «عاطفی برای نابودی سرمایه های ملی و باورهای مردم» می داند.

گذشته از سازمانها و معاونتهای مختلفی که در چارچوب مدیریت شهرداری دست به اقداماتی در شهر می زنند، مدیریتهای مختلف دیگری خارج از شهرداری نیز دارای تأثیراتی آشکار و پنهان در محیط شهری هستند. پراکندگی و تعدد در مدیریت شهری در ایران، معضلی آشکار است که همگان بر آن واقفند. آمد، گاز، برق، تلفن، انواعی از خدمات شهری اند که مدیریتهای مستقل از شهرداری دارند و برای ارائه خدمات خود به شهروندان دست به تغییراتی در چهره شهرهای می زنند.

ستاد ناحیه سبز با توجه به این معضل پرهزینه در مدیریت

می‌تواند بسیاری از قابلیت‌ها و امکانات رسیدن به این هدف و شاید بسیاری از مشکلات و ایرادات این رویکرد را که مورد بحث محافل مدیریت شهری است، یا هزینه‌هایی کمتر (در مقایسه با سطح شهر تهران یا شهرهای دیگر کشور) نمایان سازد.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری نواحی سبز در شهر تهران در راستای رویکردی جدید در مدیریت شهری شهرداری تهران بوده است. شهرداری تهران در این رویکرد قصد نزدیک کردن مردم و مسئولان شهری در تصمیم‌گیری و اجرا دارد. نواحی سبز به دلیل قرار گرفتن در پایین‌ترین حلقه سطح‌بندی مدیریتی شهرداری، و داشتن بیشترین ارتباط با شهروندان، همچنین محدودیت وسعت ناحیه و در نظر گرفتن عزیت قابلیت اجرایی بیشتر طرح‌ها در عرصه‌های کوچک، مناسب‌ترین گزینه برای آزمایش و تجربه شیوه‌های جدید مدیریتی خواهد بود. شهرداری تهران از اواخر سال گذشته تاکنون در صدد افزایش توان اجرایی و مدیریتی نواحی شهرداری و اعطای مسؤلیت‌هایی فراتر از سطح ناحیه برای استقلال نواحی است. رویکرد ناحیه محوری که مورد تأکید ملک مدنی، شهردار کنونی تهران است، یکی از گام‌های اساسی در تحول مدیریت شهری حاضر و رسیدن به مدیریت واحد شهری تصور می‌شود.

ماهیت و اهداف در نظر گرفته شده برای نواحی سبز و پایین بودن میزان مشکلات و تعداد شهروندانی که احتمالاً از تصمیم‌گیری‌های جدید مدیریت شهری آسیب می‌بینند، فرصت مناسبی است که بسیاری از طرح‌ها قبل از اجرا در سطحی وسیع مانند کلان‌شهر تهران، در سطح محدود یک ناحیه عملی شود تا از دوباره‌کاری‌ها و ناهم‌بندی کردن مردم و سلب اعتماد و حمایت آنها از شهرداری جلوگیری شود.

شهری، اهداف خود را بر سه پایه جلب مشارکت و همکاری بین‌بخشی، فرابخشی و مردمی نهاده است. ولی در اهداف خود تنها به مشارکت مردمی و «تغییر الگوی مدیریت با استعانت از همکاری بین‌بخشی» اکتفا کرده است. این ستاد تاکنون توانسته است در جلب همکاری و هماهنگی بخش‌های مختلف مدیریتی درون شهرداری گام‌هایی بردارد ولی فعالیت آن برای جلب مشارکت و هماهنگی مدیریتهای خدماتی مستقل از شهرداری چندان به چشم نمی‌آید. کمیته‌های تخصصی ستاد، از آنجا که دارای نمایندگانی از سازمانهای مختلف تابع شهرداری تهران و شهرداری منطقه ۶ هستند، بستری مناسب را برای نزدیک کردن نگرشها و اقدامات آنها فراهم می‌کنند.

ستاد ناحیه سبز دوزمینه جلب مشارکت و همکاری مدیریتهای مستقل شهرداری تنها توانسته با آموزش و پیروزی همکاری‌هایی را به عمل آورد و بیشتر بر استفاده از تواناییهای بالقوه تبلیغی و فرهنگ‌سازی در زمینه مسائل شهری تکیه کرده است.

نکته در خور تأمل در جهت‌گیری اهداف ستاد ناحیه سبز، این است که هدف ناحیه سبز در زمینه تغییر الگوی مدیریت با استعانت از همکاری بین‌بخشی نتوانسته است مبنای جلب مشارکت فرابخشی قرار گیرد. به اذعان مدیران و شعارهای منشور ناحیه سبز، طرح ناحیه سبز بر سه پایه مشارکت بین‌بخشی، مشارکت فرابخشی و مشارکت مردمی استوار است. در حالی که بیشتر توجه ستاد به جلب مشارکت بین‌بخشی است. ضرورت ایجاد بستری آزمایشی برای جلب همکاری و هماهنگی مدیریتهای مستقل از شهرداری که دارای دخالت‌هایی در شهر هستند، اهمیتی کمتر از جلب مشارکت بین‌بخشی ندارد. با توجه به ضرورتی که به اجرای رویکردی جدید در زمینه مدیریت واحد شهری احساس می‌شود تجربه آزمایشی آن در ناحیه سبز

فراخوان مقاله

فصلنامه «مدیریت شهری» از صاحب‌منظران و متخصصین امور اقتصاد شهری دعوت به عمل می‌آورد تا با ارسال مقاله‌های علمی خود برای موضوع ویژه شماره آینده تحت عنوان «مدیریت مالی شهر» به غنی‌تر کردن محتوای فصلنامه کمک کنند.

موضوع‌های پیشنهادی این شماره عبارتند از:

- ۱- منابع درآمدی شهرناریها (شهرهای کوچک و بزرگ)
- ۲- مدیریت هزینه‌ها در شهرناریها
- ۳- مدیریت مالی منابع؛ چگونگی تخصیص منابع مالی برای تأمین هزینه‌ها و مکانیزم قیمت‌گذاری کالا و خدمات شهرناریها
- ۴- استقلال مالی شهرناریها و استقلال سیاسی آنها
- ۵- آیین‌نامه‌های مالی شهرناری و سیستم حسابداری
- ۶- منابع مالی شهرناریها و طرح‌های توسعه شهری
- ۷- حقوق شهری و درآمد شهرناریها

مهلت ارسال مقاله ۸۷/۱۵

تصحیح و پژوهش
به‌پوشش تاریخ درگزاری
همایش ملی فضای سبز شهری ارومیه
از ۲۲ تا ۲۳ آبان به ۸ و ۹ آبان
تعمیر می‌داید...

آژلیه هاگت اسپید
تلفن: ۷۶۷۳۵۲۰ فاکس: ۷۵۲۹۶۵۳

شرکت ایتراک
ITRAC
ایتراک
تعمیرات کشتارگاههای صنعتی و بهداشتی
تجهیزات کارخانه های تولید رزقه به نود گانه (ناموت)
گوره های لاشه سوز و رزاله سوز
آبانه های حیثی و صنایع کشتارگاهها و انواع رزقه های شهری و صنعتی
ایران - تهران - میدان ستارگان (شرق) - پلاک ۲۰ - صندوق پستی ۹۱۲۲-۱۳۳۵
تلفن : ۲۲۷۶۸۳۹ - ۲۲۷۶۹۹۰ - ۲۲۷۶۷۱۴ - ۲۲۷۶۹۹۰

طرح‌های نیمه تمام شهری؛ روایتی رها شده اما طولانی

تورج نادری

انتظام هر شهر، چه از نظر کالبدی و چه از نظر اجتماعی، از تباط مستقیم با نظام ساماندهی آن دارد. هر شهری که دارای نظام ساماندهی باشد، همانند رودخانه‌ای که جریان دارد، به طور متناوب در حال حرکت و تغییر در جهت اهداف از قبل تعیین شده است. در نتیجه می‌توان نوشتن راپور پایه حفظ ساختارهای قدیمی در آن به خوبی مشاهده کرد.

توسعه و گسترش نیز از مشخصه‌های بارز شهرهای دنیاست. رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای خدمات شهری، مدیریت هر شهر را بر آن می‌دارد که همبازی نیازهای موجود شهری، با توسعه و عمران شهر جوابگوی این نیازها باشد. در شهرهایی که نظام ساماندهی مشخص دارند، هم افزایش نیازهای شهری و

هم توسعه و بهسازی شهر، دارای نظام معینی است. به گونه‌ای که اکثر پارامترهای نیاز و توسعه شهری با یکدیگر همخوانی دارند و در نتیجه رشد و توسعه شهری دارای اهنگی متناسب است. این امر بر منظر شهر نیز اثر مستقیم می‌گذارد. به نحوی که روند ساخت و ساز همواره از نظامی خاص پیروی می‌کند و سازه‌های شهری مرتباً گسترده، بهینه و بازسازی می‌شوند.

پویایی منطقی ساخت و ساز در هر شهر بیانگر دارا بودن نظام هماهنگ مدیریت شهری یا مشخصه‌اندیشه استراتژیک است. و مهم‌تر از آن اینکه بر توجیه اجرایی مدیریت شهری نیز صحت می‌گذرد.

این خود نشان می‌دهد که مدیریت اجرایی شهر قابلیت اجرای دستورالعملهای تدوین شده در نظام ساختاری شهر را دارد.

بدین ترتیب هیچ گاه یک سازه در شهری دارای نظام ساختاری بی‌دلیل نخواهد بود و روند ساخت آن نیز به راحتی متوقف نمی‌شود. در این حالت آهنگ پیشرفت کار سازه را هم ضرورتی برای تعیین می‌کند که کلیه‌های عملیاتی نظام اجرایی شهر، به طور کلی شهرهای جهان سوم دارای هویتی دوگانه‌اند: اول اینکه بر اساس رویکردهای جهانی، نیازها و خواسته‌های شهری نیز رویکردی مدرن و جدید به خود می‌گیرند.

و مدیریت شهری تمایل به مدرنیته شدن و پویایی هماهنگ با نظام توسعه جهانی پیدا می‌کند. دوم اینکه بافت کالبدی فیزیکی و اجتماعی نهادینه شده در این گونه شهرها، این اجازه را نمی‌دهد که مدیریت شهری بتواند پویایی لازم را به شهر بدهد. در این گونه شهرها مدام پروژه‌های سازه‌ای جدید به هیاهو و تبلیغات مخصوص نظامهای سرمایه‌گذاری جهان اولی شکل می‌گیرند. از همین دست است فراموش شدن پروژه‌های از قبل تعریف شده در ساختار شهرهای جهان سوم؛ که البته مدیریت شهری نیز نتواند و توان پیشبرد پروژه‌های جدید را ندارد و آنها را به تدریج در نیمه کاره یا لایه‌های مختلف رها می‌کند.

همچنین رشد بی‌رویه جمعیت و مهاجرت‌های بی‌ضابطه به مراکز شهرها، نیازهای ضروری و اساسی را در پی دارد. این امر مدیریت شهری را وادار می‌کند که خارج از قواعد موجود دست به احداث سازه‌هایی بزند که از توان اجرایی و عملیاتی مدیریت شهری خارج است. خود آنها نیز پس از مدتی در ادامه کار نیمه کناره‌ها می‌شوند و به طور کلی نتیجه تمامی این کارها، وجود پروژه‌هایی غم‌انگیز متوقف نیمه کاره و رها شده در بیشتر شهرهاست.

نظام شهرسازی در ایران نیز از تباط مستقیمی با رویکردهای جهانی از یک طرف و سیاست‌گذاری‌های سیاسی و اجتماعی منطبق از طرف دیگر، و به علاوه توان کاربردی مدیریت شهری، چه در نحوه مدیریت اداره‌های و چه در نحوه مدیریت عملیاتی، دارد.

تمامی عوامل پیش گفته نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌های ساخت و ساز در شهرها را به خصوص کلان شهرهای ایران دارند و تا اندازه‌ای و عدم توازن برنامه‌ریزی در میان موارد مذکور پیشرفت پروژه‌های سازه‌ها را دچار سردرگمی و اختلال می‌کند. همین امر باعث افزایش فزاینده پروژه‌های عمرانی نیمه تمام در شهر شهرها می‌شود. در نگرش کلان شهری، می‌توان یکی از علل تأثیرگذار و تعیین‌کننده در مورد متوقف ماندن پروژه‌های





احداث مسکن، مراکز اداری خصوصی و واحدهای صنعتی
بیرامون شهرها.

الته شهرداری بر این پروژهها نظارت دارد و اموری همچون صدور پروانه و مجوز و مانند اینها را انجام می‌دهد. هنگامی که این سه دسته اقدامات عمرانی از نظر اجرایی مورد بررسی قرار گیرند، مشاهده می‌شود که با این اقدامات نه صورت طرح کالبدی توسعه و پیشنهاد شده‌اند (و ضوابطی که برای آنها تدوین گردیده فاقد برنامه‌ریزی قابل اجرا برای تحقق آنها بوده‌اند)، یا اینکه اصولاً هیچ برنامه مدون و مشخص اجرایی (چه از نظر فنی و چه از نظر مالی) برای دستیابی به اهداف مورد نظر تدوین نگردیده است.

مساجدی در خصوص آن دسته از پروژههای عمرانی که مسئولیت اجرایی آنها به عهده شهرداری است، اظهار داشت:

«از جمله مهم‌ترین پروژههای عمرانی مربوط به شهرداریها می‌توان به شبکه عبور و مرور شهری (چه شبکه زمینی که خیابانهای شهری هستند و چه شبکه‌های زیرزمینی نظیر مترو) اشاره کرد. از همین دست است سایر مسئولیتهای عمرانی شهرداری نظیر ایجاد فضای سبز و جزایرها. می‌توان گفت که این برنامه‌ها در فضاهای توسعه شهری تدوین گردیدند ولی تون اجرایی شهرداریها و امکانات آنها از نظر فنی و نیز از نظر تأمین اعتبار لازم برای انجام پروژه در نظر گرفته نشده است. در این مورد نمی‌توان مسئولیت عدم تحقق پروژهها را متوجه پروژههای شهری کرد یا علت عدم تحقق آن را صرفاً ضعف و ناتوانی شهرداریها برشمرد. برای حل مشکل اول، باید طرحهای توسعه شهری از حالت آرمان گرایانه خارج شوند، و توسعه شهر بر اساس واقعیات موجود در جامعه تدوین گردد.

اگر طرح‌های توسعه شهری با مشارکت مردم و بر اساس حساسیت و نیاز آنها و نحوه مشارکت آنها در تحقق طرحها تدوین می‌گردند، بی‌تردید آنچه از این طرحها به اجرا گذاشته می‌شود، بسیار فراتر از آن چیزی می‌بود که تاکنون تحقق پیدا کرده است.

عمرانی را فقدان چارچوب و ساختار اصلی مناسب شهری دانسته.

حمید مایندی، رئیس هیئت مدیره جامعه مهندسين شهرساز ایران، در این زمینه چنین می‌گوید: «در کشور ما همیشه فقدان برنامه از یک طرف، و در صورت وجود برنامه نیز ناکارایی در برنامه تدوین شده، بسیار مشهود بوده است.

طرح‌هایی که باید برای کلان شهرها تهیه شوند طرحهای جامع تفصیلی نام دارند و برای شهرهای کوچک نیز طرحهای

اینها طرح‌هایی هستند میان مدت، که با توجه به جمعیت آتی شهر در افق زمانی طرح تهیه می‌شوند و توسعه شهر را چه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و چه از نظر فیزیکی و کالبدی، ترسیم می‌کند.

در طرح‌های جامع و تفصیلی که در گذشته برای شهرهای بزرگ - و همچنین طرح‌های هادی برای شهرهای کوچک - تهیه شده‌اند، پیشنهادهایی عمرانی ارائه گردیده که آنها را عمدتاً می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: اجرای بخشی از اقدامات عمرانی در شهرها بر عهده شهرداریهاست که عمدتاً عبارتند از شبکه عبور و مرور شهری، فضاهای سبز و تاسیسات، قسمت دیگر شامل تاسیسات زیربنایی شهری و ساختمانهایی است که اجزای آنها از حوزه مسئولیت شهرداری خارج است، و در زمره مسئولیت سازمانهای دیگر قرار می‌گیرد، که از آن جمله‌اند احداث شبکه آب و فاضلاب، توزیع برق، تلفن و مانند اینها. از همین دست است پروژههای عمرانی که مسئولیت آن به عهده سازمانهای دیگر است: مثل فضاهای توسعه آموزشی و فضاهای فرهنگی (نظیر کتابخانه، سینما و جزاینها) فضاهای بهداشتی و نظایر اینها.

گروه سوه از برنامه‌های عمرانی سطح شهر نیزه که در طرح‌های توسعه و عمران عنوان می‌شود، به دست‌بخش خصوصی صورت می‌گیرد. مهم‌ترین این اقدامات عبارتند از

از طرف دیگر، ضعف مدیریتهای شهری - به خصوص مدیریت شهرداریها - در گذشته، باعث شده است که زمینه تحقق و اجرای مطلوب طرحها فراهم نگردد.

به عبارت دیگر، می توان گفت که یکی از مهم ترین دلایل عدم پیشرفت پروژه های عمرانی در حیطه مسئولیت شهرداریها، نداشتن تدبیر پروژه هایی است که باید در مقطع زمانی تعیین شده اجرایی شدند (ولی نشده اند). اکنون این زبان دیر کرد اجرای پروژه های عمران شهری است که دارد پرداخت می شود.

به عنوان مثال، در طرح جامع تهران که در اواخر سال ۱۳۴۹ به تصویب شورای عالی شهرسازی رسید، شبکه عبور و مرور سریع السیر باید تا پایان سال ۱۳۷۰ به انجام می رسید؛ حال آنکه (در دوره ای ۲۵ ساله) احداث می شد و احداث بخش عمده ای از این شبکه عبور و مرور از سال ۱۳۷۰ آغاز شد. اگر بررسی مسئله توسط پانزده کسره مانند پروژه های عمرانی شهری از حالت کمال آن - در چارچوب طرح جامع و تفصیلی - خارج گردد و بادی می گردند به آن نگرسته شود، می توان دریافت که فقدان مطالعه کارشناسی دقیق و برآورد هزینه های تمام شده و مسائل فراروی در پیشبرد تک پروژه عمرانی نیز از دیگر دلایلی است که می تواند مانع از عدم اجرای پروژه شود.

پناهالدین ادب، نماینده مجلس، در این باره چنین می گوید: «همان بیماری که کن کشور درگیر آن است، گویان گیر شهرداریها نیز شده است. عدم مطالعه دقیق هم در زمان طراحی به چشم می خورد و هم در زمان آغاز عملیات. مطالعه ناکافی باعث می شود که معمولاً برآورد درست از هزینه های هر پروژه به عمل نیاید. طبیعتاً چون نظام اقتصادی کشور نیز دارای طبیعت تورمی است، وقتی ضریب تورم به درستی در برآورد هزینه ها منظور نمی شود و هزینه پایه نیز به درستی برآورد نمی گردد، عملیات اجرایی پروژه در هنگام اجرا از نظر مالی دچار مشکل می شود. در خصوص پروژه های شهری، علاوه بر مطالعات و برآورد اولیه مالی، بررسی مسائل دیگر هم ضرورت دارد. افزون بر اینها، در انجام پروژه های شهری معارض هم وجود دارد. حال اگر این معارض از قبل به صورت مناسبی پاز دارنده مورد بررسی قرار نگیرند و به سوازهات شروع عملیات پروژه فکری به حال بر طرف کردن آنها نشود، طبیعی است که پروژه متوقف می گردد یا عقب می ماند.

به عقیده من، هنگامی که تجزیه و تحلیل درست از وضعیت فنی و مالی پروژه عمرانی شهری وجود ندارد و موانع بازدارنده بر سر راه انجام عملیاتی پروژه بر شناسایی نمی گردد، طبیعی است که پیشبرد عملیاتی پروژه شهری با مشکل مواجه می شود.»

پناهالدین ادب در مورد نقش مدیریت واحد شهری در زمینه پیشبرد پروژه های شهری اظهار داشت: «ما باید به دنبال مدیریت نظام مند (سیستماتیک) باشیم. مدیریت در شهر همانند بدن انسان است. مدیریت همانند منز انسان باید هماهنگ کننده تمامی اجزا باشد. در غیر این صورت، واحدهای شهری همانند جزایر جدا از هم و حکومت های خودمختار خواهند بود - همان طور که در زمان حاضر چنین است. هر دستگاهی در شهر، خود مختار است و در چارچوب خودش فکر می کند؛ و چون مدیریت واحدی بر آنها نظارت ندارد، در این میان ناهماهنگیها و برخورد هایی به وجود می آید که هزینه آن را متاسفانه شهروندان می پردازند.»

البته لزوم برخی از ضرورت های شهری را نمی توان نادیده

اجرای بخشی از اقدامات عمرانی در شهرها بر عهده شهرداریهاست که عمدتاً عبارتند از شبکه عبور و مرور شهری، فضاهای سبز و تأسیسات، قسمت دیگر شامل تأسیسات زیربنایی شهری و ساختمانهایی است که اجرای آنها از حوزه مسئولیت شهرداری خارج است و در زمره مسئولیت سازمانهای دیگر قرار می گیرد، که از آن جمله اند احداث شبکه آب و فاضلاب، توزیع برقی، تلفن و مانند اینها

گرفت. گاه نیاز به اجرای طرحی خاص چنان فوریت پیدا می کند که مدیریت شهری چاره ای جز به اجرا آوردن آن ندارد. در این گونه موارد باید آن طرح یا پروژه یا هر هزینه ای به اجرا در آید. سهراب شهپوری، در این زمینه چنین می گوید: «در برخی از طرح های شهری تصویر از قبل طراحی شده این بود که طرح حتماً باید اجرا شود؛ و اینکه چگونه طرح به اجرا در آید زیاد مهم نبود.

البته در مرحله اجرا اگر طرح بر اساس واگذاری به پیمانکار نباشد، اصولاً برآورد پایه وجود دارد. طرح هنگامی دچار مشکل می شود که، یا شهرداری خود طرح را به صورت اسامی انجام می دهند یا هنگامی که کار به پیمانکار سپرده می شود طرح در مدت زمانی فراتر از آنچه که باید به اتمام می رسد، اجرا می گردد. البته این هم دلایل متعددی دارد که از جمله است: عدم پرداخت های مالی در موعد مقرر یا موقع تأمین زمین های سازهای، و نظایر اینها.

البته مشکل اصلی عدم اجرای بموقع پروژه های دولتی، اسامی بودن آنهاست. در این گونه پروژه ها اصولاً فاز مطالعاتی انجام نمی شود؛ یا حتی اگر هم انجام شود، همه جوانب در نظر گرفته نمی شود و برآورد های مالی نیز به درستی صورت نمی گیرد.»

حقانی، معاونت خدمات شهری تهران، در زمینه بررسی مطالعاتی پروژه های عمرانی شهرداری عقیده دیگری دارد و می گوید: «در شهرداری تهران هیچ طرحی به اجرا در نمی آید، مگر اینکه از قبل فاز مطالعاتی آن انجام شده باشد (یا به مشاور طرح واگذار شده باشد). در تمامی طرح های شهرداری تهران فاز صف و فاز مطالعاتی آن انجام می شود.

آنچه که باعث شده برخی از پروژه های عمرانی شهرداری تهران نیمه تمام بماند، عمدتاً ریشه در مشکلاتی دارد که در زمان کرباسچی برای مدیریت شهرداری تهران پیش آمد، و بخشی از آن هم به تصمیماتی برمی گردد که در زمینه درآمدهای



طرح به وسیله شهرداری در شورا مطرح نشود، طبیعی است که به انجم رسیدن پروژه دچار مشکل و تأخیر می‌شود، یا اینکه در برنامه و بودجه‌ای که برای شهرداری در نظر گرفته می‌شود و سالیانه به شهرداری ابلاغ می‌گردد، برنامه مذکور به انجم نرسد. یا اینکه اعتبار مشخص شده به جای اینکه در پروژه از قبل تعیین شده مصرف گردد، در پروژه دیگری به انجم رسد. متأسفانه در شهرداری تهران پروژه‌هایی به چشم می‌خورند که به خاطر عدم برنامه‌ریزی روشن در ابتدای امر دچار مشکل شده‌اند. از این دست است پروژه‌های مشارکتی که مردم به همراه شهرداری در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند و انتظار به انجم رسیدن طرح را داشته‌اند، ولی به دلیل اینکه شهرداری توانسته است برای ساخت و ساز آنها برنامه‌ریزی کند، آن پروژه‌ها کاملاً زیان دیده‌اند. شهرک بوعلی یکی از این نمونه‌هاست.»

سرپرستی، شهردار کرج، در این زمینه می‌گوید: «۵۰ درصد مشکلات را مسائل مالی به وجود می‌آورند، اگر ما تمامی هست و تلاش خود را در پیشبرد پروژه‌های عمرانی صرف کنیم، ولی اعتبار مالی لازم را نداشته باشیم، کار به هیچ عنوان پیش نمی‌رود.»

تأزماتی که شهرداریها منابع درآمدی پایدار و مشخصی نداشته باشند، همیشه دچار این گونه مسائل خواهند بود.

شهرداری گرفته شد. بر طبق آنها قسمتی از منابع درآمدی شهرداریها قطع شد و شهرداریها دچار کمبود اعتبار گردیدند و مسائل مالی اثر مستقیمی بر روی ادامه روند پیشرفت پروژه‌های عمرانی گذاشت. کمبود اعتبارات و منابع مالی پایدار و سررسید نشدن بموقع پرداختهای اعتباری به واحدهای مختلف شهرداری نیز یکی دیگر از دلایلی است که بر روند پیشرفت پروژه‌های عمرانی تأثیر می‌گذارد.»

رحمت الله خسروی، عضو شورای اسلامی شهر تهران و رئیس کمیسیون عمران شورای شهر:

«اصولاً نیمه تمام ماندن پروژه‌های شهرداری تهران بیانگر این امر است که برنامه‌ریزی در مورد طرحهای شهری به درستی انجام نمی‌گردد. در صورتی که برنامه‌ریزی در اولویت امر قرار بگیرد، پروژه‌های نیمه کاره رها نخواهد شد. هر پروژه‌ای باید ابتدا یک فاز مطالعاتی داشته باشد. سپس در پی بررسیهای لازم در فاز مطالعاتی مدت زمان انجام فاز عملیاتی پروژه تعیین می‌گردد. اعتبارات لازم برای انجام پروژه نیز با توجه به بررسیهای انجام شده و افزایش قیمت‌ها به تصویب می‌رسد.»

پروژه‌های نیمه تمام عمرانی در شهرداری تهران بسیار زیاد است. دلایل مختلفی نیز در این زمینه وجود دارد که صرفاً به عدم برنامه‌ریزی هم بر نمی‌گردد.

برای برخی از پروژه‌ها ضرورت ایجاد می‌کند که به صورت ضربتی انجام شوند، و بعضی از پروژه‌ها نیز ایجاد می‌کند که مدت زمان مشخصی برای شان در نظر گرفته شود و در بودجه مختلف میزان اعتبار آن عملی گردد.

در مورد برنامه‌ریزی نیز هنگامی می‌توان توفیق داشت که در همه امور برنامه‌ریزی صورت گرفته باشد. به طور مثال، در شهرداری تهران هنگامی که یک پروژه تعریف می‌شود و برای آن بودجه‌بندی می‌گردد، هنگامی می‌تواند بررسی ضرورت عملیاتی کردن طرح مذکور با توفیق همراه شود که ضرورت انجام طرح و بودجه مورد نیاز آن در شورا مطرح گردد. حال وقتی

مدیریت در شهر همانند بدن انسان است. مدیریت همانند مغز انسان باید هماهنگ کننده تمامی اجزا باشد. در غیر این صورت، واحدهای شهری همانند جزایر جدا از هم و حکومت‌های خودمختار خواهند بود - همان طور که در زمان حاضر چنین است

ایشه در مورد مسائل مدیریتی که عامل پیشبرد ۵۰ درصد دیگر انجام پروژه است نیز باید گفت هنگامی در انجام پروژه‌های دچار مشکل می‌شویم که کار مطالعاتی از قبل انجام نشده باشد، یا در انجام عملیات به موانعی برخوردیم، و همچنین مشکلاتی که ناشی از حاکمیت ساختار بوروکراسی بر مدیریت شهرداریهاست.»

هنگامی که پروژه‌های در سطح شهر نیمه کاره به حال خود رها می‌شود، علاوه بر نازیبیهای بسیار، طبیعی است که آن محل به جای ناامنی برای عبور شهروندان تبدیل می‌شود، علاوه بر اینکه مکان مناسبی خواهد بود برای سکنی گزیدن متخلفان و مجرمان و همچنین مأمین‌های یزیدی حیوانات وحشی و ولگرد. به دلیل حفظ پاکیزگی و زیباسازی محیط شهری، رفع چنین مشکلی از تکالیف شهرداریهاست. حال اگر قسمت عمده‌ای از پروژه‌های نیمه تمام رها شده

مربوط به خود شهرداریها باشد، چه باید کرد؟ با نگاه به نمونه‌های فراوان سازه‌های نیمه تمام و رها شده شهری، اولین مسئله‌ای که ممکن است مدنظر بیاید برآورد مالی آن است. می‌تواند مانند میلیاردها ریال بودجه شهری در قالب سیمان، آجر و تیر آهنهای رنگ‌زده و رها شده، با توجه به تورم روزافزون اقتصاد کشور، باز مالی فراوان را که سازه‌های نیمه کاره بردوش شهر و شهروندان می‌گذارد به خوبی تعایان می‌سازند.

ساجدی در این زمینه می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین ضررهای تأخیر در انجام بموقع پروژه‌های عمرانی (به طور مثال، احداث جاده) این است که بخش عظیمی از اعتبار مورد نیاز برای اجرای پروژه که باید صرف آسایش مسیر پروژه، خرید زمین یا تملک زمین گردد، به دلیل تأخیر، به چندین برابر پرداخت می‌شود. یعنی اگر قرار بود برای تملک زمینی در گذشته ۸۰۰ ریال در نظر گرفته شود، همین تأخیر در شهری چون تهران، آن رقم را به ۱۰۰۰ ریال می‌رساند. هزینه‌های اجرایی نیز به دلیل تأخیر دست کم ده برابر افزایش پیدا می‌کند. اکنون شهروندان در واقع دارند زیان عدم مدیریت صحیح شهرداری را در دوران گذشته می‌پردازند. متأسفانه در زمان حاضر نیز عدم تناسب میان برآورد مالی پروژه با اعتبار

اصولاً نیمه تمام ماندن پروژه‌های شهرداری تهران بیانگر این امر است که برنامه ریزی در مورد طرح‌های شهری به درستی انجام نمی‌گیرد. در صورتی که برنامه ریزی در اولویت امر قرار بگیرد، پروژه‌های نیمه کاره رها نخواهد شد. هر پروژه‌ای باید ابتدا یک فاز مطالعاتی داشته باشد. سپس در پی بررسی‌های لازم در فاز مطالعاتی مدت زمان انجام فاز عملیاتی پروژه تعیین می‌گردد.

تخصیص داده شده دیده می‌شود همین امر باعث توقف پروژه در میانه راه می‌گردد، که باز هم به دلیل عدم مدیریت صحیح، زیان آن را باید شهروندان در آینده پرداخت کنند.

تأخیر در به انجام رسیدن پروژه‌ها مسائلی دیگری نیز، غیر از افزایش هزینه تمام شده، در بر دارد. بهاءالدین ادب، در این مورد چنین می‌گوید: «اولین مسئله‌ای که بسیار ملموس است، کاهش بهره‌وری در شهرهاست. به هر حال یک پروژه عمران شهری یا در جهت حفظ محیط زیست است، یا در جهت حفظ سهولت در عبور و مرور، و یا اینکه در تأمین برخی از نیازهای شهروندان به اجرا در می‌آید. حال هر چقدر مقوله‌های مذکور تیر به شهروندان ارائه نشود، بهره‌وری در شهر کاهش می‌یابد. هنگامی که بهره‌وری در شهر کم شود، خود باعث کاهش بهره‌وری اقتصاد شهری و کشوری نیز خواهد شد.

به طور کلی، راهاندازی و اجرای هر پروژه دارای برخی توجیحات فنی و مالی و اقتصادی است؛ در نتیجه وقتی پروژه طول می‌کشد، طبیعی است که این توجیحات فنی و مالی وارد می‌آید به

عنوان مثال، اجرای پروژه مترو در شهر تهران به دهها سال پیش برمی‌گردد. در آن موقع سیستم مترو برای سرعت و گنجایش جمعیتی همان زمان طراحی شده بود. حال در دنیای امروز که در هر روز آن هزاران رساله، مقاله، کشف و اختراع علمی به ثبت می‌رسد، آیا سیستم حمل و نقلی که در گذشته برای مترو طراحی شده بود، امروز جوابگو خواهد بود؟ در واقع آن طراحی به دلیل تأخیر در انجام آن، امروزه توجیه خود را از دست داده است. چه بسا آن ریلی که برای قطارهای آن روز طراحی شده بود، اکنون باید در اجرا عوض می‌شد و ریلی برای قطارهایی با سرعت‌های امروزی جایگزین می‌گشت.»

راهکار

حال با این شرایط مدیریت شهری در پاسخ به این کاستیها باید چه راهکارهایی را عند نظر قرار دهد و چه تغییراتی را در سیستم مدیریتی شهری اعمال کند؟ کوشش در رفع این مشکل با توجه به نیازهای روزافزون ناشی از رشد جمعیت شهری و همچنین افزایش خواسته‌های شهری براساس تحولات جهانی، به صورت امری ضروری و حیاتی در آمده است. بهاءالدین ادب در این زمینه برقراری سیستم نظارتی را در نظر قرار می‌دهد و می‌افزاید: «بخش حاکمیت و نظارتی به طور کلی ضعیف عمل می‌کند و یک شورای شهر صاحب اختیار و قانونمند با اختیارات گسترده مردمی، مطمئناً می‌تواند بسیار مؤثر باشد.»

ولی اگر بخواهیم با دیدی کلان راهکارهایی برای حل این مسئله بیابیم، به نظر می‌رسد که باید تجد نظر کلی در طراحی شهری صورت گیرد. ساجدی در این باره چنین می‌گوید: «اولاً باید در چهارچوب برنامه‌های توسعه شهری که برای بلندمدت و میان مدت تدوین شده‌اند، یک سری برنامه‌های عمرانی منطبق بر واقعیات تدوین گردد. همچنین براساس افقی که در برنامه‌های توسعه شهری وجود دارد، باید سعی شود برنامه‌های عمرانی به انجام رسد.

برای تحقق این امر باید منابع اعتباری لازم فراهم گردد؛ یا به عبارت دیگر، باید رابطه منطقی بین اعتبار مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های ضروری شهرداریها و عوارض دریافتی برقرار شود. متأسفانه در زمان حاضر عوارضی که مردم برای اداره امور شهر پرداخت می‌کنند، به هیچ وجه تکفوی اقدامات مورد نیاز شهر را نمی‌کند.»

رحمت‌الله خسروی: «با بررسی‌های انجام شده در کمیسیون توسعه و عمران شورای شهر تهران به این نتیجه رسیدیم که زمان به انجام رسیدن پروژه‌های عمرانی شهرداری در تهران سه برابر زمان استاندارد و تعیین شده خود شهرداری است و از لحاظ هزینه نیز سه برابر گران تر تمام می‌شود.

هر پروژه در صورتی ارزش پیدا می‌کند که برنامه‌ریزی داشته باشد. در بعضی از موارد انجام برخی از پروژه‌ها بسیار ضروری است ولی به دلیل تأخیر و کاهش فعالیت‌های عملیاتی هنگامی پروژه به فاز بهره‌برداری می‌رسد که دیگر آن ضرورت اولیه از بین رفته است؛ یا اینکه زمان به انجام رسیدن پروژه عمرانی چنان طولانی می‌شود که عمر مفید ساخت و سازهای قبلی پروژه به سر می‌آید.

به طور مثال، در پروژه مترو تهران برخی از ایستگاه‌های مترو بیش از ۲۴ سال پیش ساخته شده و به صورت مترو که در آمده بود در نتیجه پس از گذشت ۲۴ سال و مورد استفاده قرار نگرفتن، دیگر عمر مفید سازه ایستگاه مورد بحث تمام شده است.

رحمت‌الله خسروی در زمینه راهکارهای اصولی و دست

یکی از مهم ترین ضررهای تأخیر در انجام بوموقع پروژه‌های عمرانی این است که بخش عظیمی از اعتبار مورد نیاز برای اجرای پروژه که باید صرف آزادسازی مسیر پروژه، خرید زمین یا تملک زمین گردد، به دلیل تأخیر، به چندین برابر پرداخت می‌شود

واحد مسکونی در شمال شهر نسبت به یک واحد مسکونی در جنوب شهر، با توجه به وسعت واحد مسکونی در شمال شهر، حدود ۲ تا ۳ برابر است. این در حالی است که واحدهای مسکونی واقع در شمال شهر از خدمات شهری بسیار بیشتری بهره‌مند هستند و ارزش افزوده بیشتری نیز بر ملک (ناشای از اقدامات عمرانی شهرداری) پیدا می‌کنند. بنابراین در نحوه پرداخت عوارض نوسازی در مناطق سطح شهر تهران هیچ گونه عدالت اجتماعی به چشم نمی‌خورد.

در سیستمهای نظارت پویا، چه بروی تدوین برنامه‌های کلان شهری و چه از بعد نظارت بروی اجرای درست عملیات اجرایی پروژه‌ها، باید سیستمهای حمایتی را نیز مدنظر قرار داد - به خصوص در مورد شرکتهای پیمانکار خصوصی موجود در کشور

حال آنکه در کشورهای پیشرفته عوارضی که مردم به شهرداریها می‌پردازند از نظام قاعده‌مندی پیروی می‌کنند و هر چه زمین و منطقه دارای مرغوبیت بیشتری باشد، عوارض نوسازی آن نیز بیشتر است.

به طور کلی عوارض دریافتی شهرداریها از شهروندان در شهرهای قاعده‌مند حدود یک دهم درآمد سالانه شهروندان را شامل می‌شود، که خود عامل اصلی از کسب درآمد شهرداریهاست. شهرداریها برای انجام خدمات شهری و راه‌اندازی و پیشبرد پروژه‌های شهری، به این گونه عوارض متکی‌اند. بنابراین برنامه‌های تدوین شده (چه یک ساله و چه پنج ساله) برای شهر، باید بر مبنای عوارض پایدار و منطقی گرفته شده از شهروندان باشد.

در زمان حاضر منبع مادی‌ای که تاکنون شهرداریها به آن متکی بوده‌اند و از مردم گرفته‌اند، عوارض ناشی از ساخت و ساز است که ۸۵٪ کل منبع درآمدی شهرداریها را تشکیل می‌دهد. ۵۰٪ آن عوارض ناشی از فروش تراکم ملزاد بوده‌است که امری بسیار زیان آور برای بافت اقتصادی و کالبدی شهری است و در عین حال منبع درآمدی پایدار هم نیست.

البته در سیستمهای نظارت پویا، چه بروی تدوین برنامه‌های کلان شهری و چه از بعد نظارت بروی اجرای درست عملیات اجرایی پروژه‌ها، باید سیستمهای حمایتی را نیز مدنظر قرار داد - به خصوص در مورد شرکتهای پیمانکار خصوصی موجود در کشور. این گونه شرکتهای دارای، چنان توان مالی‌ای نیستند که خود بتوانند پروژه‌های عمرانی شهری را - به ویژه پروژه‌های کلان شهری که هزینه‌بری بالایی دارند - پوشش دهند، و در نتیجه با کوچک‌ترین نوسان و مشکلی پروژه در دست اجرا متوقف می‌شود.

یافتنی برای حل معضل پروژه‌های عمرانی نیمه تمام چنین می‌گویند: «برای به انجام رسیدن طرحها باید ابتدا فعالیتهای عمرانی را قانونمند کرد و سپس بر اساس قانون به برنامه‌ریزی پرداخت.

اعتبار لازم نیز باید بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده تعیین گردد و سپس عملیات اجرایی پروژه به مدیریت کارآمد و متخصص سپرده شود.

هنگامی که اصول برنامه‌ریزی مطرح می‌شود، این یعنی برنامه‌ریزی در تمامی سطوح و ابعاد. مثلاً باید مشخص شود که مناقصه یعنی چه و شرکتها با چه شرایطی باید در مناقصه برنده شوند. آن گاه شرکتی که صلاحیت دارد باید ساخت یک پروژه عمرانی را به عهده گیرد، نه اینکه رابطه و لابی‌های پشت پرده تعیین کننده برنده مناقصات شهرداری باشند.

متأسفانه در شهرداری در برخی از پروژه‌ها، مدیریت پروژه مدیریت تعریف شده و قانونمندی نیست. به طور مثال، شرکتی که عهددار به انجام رساندن فاز عملیاتی پروژه بوعالی شده‌است، شرکت کالای و خدمات است و همان گونه که از نام این شرکت



بنیاد است. جنبه تخصص انجام پروژه را ندارد لیکن عهددار احداث ۲۴۰۰ واحد مسکونی شده‌است. نتیجه این امر زیان هنگفت شهرداری و مردفی است که در این پروژه سرمایه گذاری کرده‌اند. خسروی در زمینه شفاف سازی روند اجرای پروژه‌های عمرانی شهرداری می‌گویند: «در امور مالی، و همچنین در انتخاب پیمانکار برای انجام پروژه‌ها و روند عملیاتی پروژه‌ها باید شفاف سازی صورت گیرد.»

وی در مورد عدم همخوانی بین عوارض دریافتی در سطح و تخصیص آنها در پروژه‌های شهری می‌افزاید: «در پرداخت عوارض شهری بیشتر افراد آسیب‌پذیر و کم درآمد شهری دخیل‌اند. به طور مثال، اختلاف قیمت‌های عوارض منطقه‌ای در سطح شهر تهران چندان زیاد نیست، و پرداخت عوارض بین یک

تراکم چالشها و راهکارها

تورج نادری

رشد فزاینده جمعیت‌های شهری و کلان شدن شهرها در دنیای کنونی امری اجتناب‌ناپذیر است. افزایش جمعیتی شهرها، افزایش ساخت و ساز را نیز با خود همراه دارد. این مقوله هم بستر زمینی شهرها را دچار گستردگی و دگرگونی می‌کند و هم در عرصه فضایی شهرها را اشغال می‌سازد.

با نگرش کلان و ساختاری می‌توان قالب و ساختارهای شهرها را متناسب با رشد جمعیتی و سازه‌ای، طوری طراحی کرد تا این کلان‌گرایی منجر به ناهنجاریهای کالبدی در زمینه ساختار فیزیکی شهر و ناهنجاریهای اجتماعی و زیست محیطی در مورد رشد جمعیتی نشود. در شهر تهران متأسفانه با وجود طرح‌های جامع و تفصیلی به دلیل بحرانی که طی دهه‌های اخیر گریبان شهر را گرفتند، هیچ یک از طرح‌های ساماندهی نتوانستند کارایی خود را نشان دهند و در نتیجه این شهر دچار رشد خزنده قارچ گونه شده است.

با نگاه دقیق در ساختمانهای احداث شده تهران ساخت بی‌رویه و خارج از قاعده و نابسامانی را می‌توان مشاهده کرد.

حاصل برای اینکه بتوان ساختار شکلی تهران را تا حدودی سامان بخشید، به نظر می‌رسد باید میزان تراکمی را که متعلق به هر زمین است ساماندهی کرد و نظام خاصی متناسب با رشد شکلی شهر به آن داد. در این میزگرد سعی شده است تا حد ممکن به بحث تراکم و فروش تراکم مازاد و بحران اخیر قطع فروش تراکم مازاد در مناطق یک تا هفت تهران پرداخته شود.

محورهای مورد بحث

۱- تأثیر فروشی تراکم مازاد بر روی سیستم‌های شهری

۲- بررسی منابع درآمدی جایگزین ناشی از قطع فروش تراکم مازاد مناطق یک تا هفت تهران

شرکت کنندگان در جلسه

حمید ماجدی - مهندس معمار و دکتر در شهرسازی، رئیس هیئت مدیره جامعه مهندسين شهرساز.

فریبرز رئیس‌دانا - محقق و پژوهشگر در مسائل اقتصادی.

سهراب مشهودی - کارشناس ارشد معماری و مدیرعامل مهندسين مشاور زیستا.

حمیده امکجی - دانشجوی دکتری در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس، کارشناس وزارت مسکن و شهرسازی و عضو هیئت مدیره جامعه مهندسين شهرساز.

اسماعیل صالحی - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه تهران و سرپرست مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری سازمان شهرداریهای کشور.

پیشاپیش از همکاری دکتر ماجدی در اداره میزگرد کمال تشکر را داریم.

حمید ماجدی: ابتدا باید تاریخچه‌ای در زمینه روند نحوه فروش تراکم در شهر تهران ذکر کنیم. بحث فروش تراکم در شهر تهران را می‌توان به سه دوره زمانی تقسیم‌بندی کرد که هر یک از دوره‌ها دارای ویژگی‌هایی است.

دوره اول، که آغاز آن از سال ۱۳۶۸ است، دوره‌ای است که شهرداری تهران صدور مجوز برای احداث ساختمانهای بلندمرتبه و فروش تراکم مازاد بر ۱۲۰ درصد و ۱۸۰ درصد را شروع کرده بود.

در این دوره شهرداری برای کسب درآمد بیشتر تمایلی روزافزون برای فروش هرچه بیشتر تراکم از خود نشان داد و وزارت مسکن و شهرسازی با گذراندن مصوباتی، سعی در محدود کردن شهرداری تهران نسبت به این امر داشت.

در دوره مذکور، شهرداری تهران بدون در نظر گرفتن هیچ ضابطه‌ای و صرفاً با توافق بین متقاضیان خرید تراکم و شهرداری، اقدام به فروش تراکم مازاد بدون محدودیت کرد.

وزارت مسکن و شهرسازی از طریق شورا عالی شهرسازی و معماری ایران در اولین اقدام برای محدود ساختن شهرداری تهران در فروش بدون مجوز تراکم در تاریخ ۶۹/۱۰/۲۴ و ۶۹/۱۰/۲۴ مصوبه‌ای را در جهت ایجاد ضوابط لازم برای بلندمرتبه‌سازی گذراند شورای عالی شهرسازی با تصویب این



مصوبه‌ها سعی داشت که شهرداری‌ها را در امر فروش تراکم محدود کند. بر طبق این مصوبه، صدور مجوز ساخت و ساز و تراکم علاوه بر میزانی که در طرح‌های تفصیلی و جامع مجاز شناخته شده غیر قانونی اعلام گردید و کمیسیون‌های ماده ۵ ملزم به ارائه پیشنهاد برای مناطق مستعد بلندمرتبه‌سازی برای تصویب در شورای عالی شهرسازی شده‌اند. با توجه به اینکه در طرح‌های جامع و تفصیلی مثلاً برای یک منطقه تراکم متوسط و در منطقه‌های دیگر متناسب با شرایط تراکم زیاد مقرر شده است، لذا در یکی از مصوبه‌های مذکور، پایین‌ترین میزان حداکثر تراکم ساختمانی مجاز برای مناطق مختلف در شهرها، به عنوان تراکم پایه در نظر گرفته شد و شهرداری‌ها موظف گردیدند که برای سایر تراکم‌های ساختمانی در مناطق مختلف شهر، تراکم پایه را ملاحظه قرار دهند و مجاز شدند برای بیش از آن عوارض دریافت دارند و مبلغ دریافتی را صرف تأمین خدمات شهری و اقدامات عمرانی در شهر کنند. به عنوان مثال، در شهر تهران کمترین میزان حداکثر تراکم در سال ۶۹ در شهرک غرب بود که در طرح تفصیلی این شهرک ۹۰ درصد در نظر گرفته شده و در سایر مناطق تهران حداکثر تراکم ۱۲۰ درصد و ۱۸۰ درصد منظور گردیده بود. بنابراین ماهیت تفاوت میان ۹۰ درصد (تراکم پایه) و ۱۲۰ درصد یا ۱۸۰ درصد را شهرداری تهران می‌توانست به عنوان سازاد تراکم حساب کند و برای صدور احداث ساختمان، عوارض مصوب دریافت دارد.

پس از به تصویب رسیدن مصوبه مذکور شهرداری تهران بدون توجه به این مصوبه روش سابق خود را در مورد نحوه فروش تراکم ادامه داد.

شورای عالی شهرسازی باز هم برای کنترل کردن عملکرد شهرداری تهران اقدام به تصویب مصوبه دیگری تحت عنوان «قوانین و مقررات مربوط به افزایش تراکم بلندمرتبه‌سازی» کرد و شهرداری‌ها (به خصوص شهرداری تهران) بدین ترتیب ملزم به تهیه ضوابطی خاص برای بلندمرتبه‌سازی شدند. به این صورت که در شهرها مناطق مسکونی به سه دسته تقسیم شوند:

۱- مناطقی که بلندمرتبه‌سازی در آنها امکان‌پذیر باشد و با رعایت ضوابطی مخصوصاً در سطح اشغال ساختمان و فضای باز لازم، اقدام به بلندمرتبه‌سازی شود؛

۲- مناطقی تک خانواری که ظرفیت تراکم آن در حدیکالی دو طبقه است، به عنوان مثال، در مناطقی با تراکم ۱۲۰ درصد شهر تهران ایجاد ساختمان‌های تک خانواری میسر می‌گردد؛

۳- مناطقی از شهر که امکان احداث ساختمان‌های سه یا چهار طبقه در آنها امکان‌پذیر بود و به مناطق چند خانواری موسوم گردید.

شایان ذکر است که شهرداری تهران از انجام دو مصوبه مذکور که تا حدی فروش تراکم را قانونی‌تر می‌کرد، به راحتی سر باز زد.

در اواخر «دوره اول نحوه فروش تراکم» شورای عالی شهرسازی و معماری و وزارت مسکن و شهرسازی بسیار تلاش کردند که جلوی اقدامات شهرداری تهران را در فروش تراکم بدون ضابطه بگیرند، و حتی حدود ۱۷۵ پرونده تخلفات انجام شده را به قوه قضاییه ارجاع دادند.

دوره دوم نحوه فروش تراکم از سال ۷۶ شروع شد و تا ابتدای سال ۸۱ ادامه یافت. در این دوره وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران هر دو به توافقی نسبت به فروش تراکم رسیدند و در واقع با صدور مجوز تراکم به نحوی موافقت داشتند.

در سال ۱۳۷۶ با تصویب مصوبه ۲۶۹ در کمیسیون ماده ۵ شهر تهران، به رغم مخالفت‌های فراوانی که معاون شهرسازی و معماری وقت وزارت مسکن و شهرسازی نسبت به آن داشت و از امضای آن خودداری کرد، به شهرداری تهران این امکان داده شد که در شهر تهران علاوه بر تراکم ۱۲۰ درصد و ۱۸۰ درصد بتواند مجوز احداث سه یا چهار طبقه دیگر را هم (بر اساس ابعاد و وسعت زمین و عرض معابر مجاور) صادر کند. تصویب این مصوبه آغازی بر تخریب خانه‌های یک و دو طبقه در سطح شهر و ساخت ساختمان‌های ۵ الی ۶ طبقه به جای آنها بود. به عبارت دیگر، بدین ترتیب فروش تراکم بدون ضابطه قبلی به گونه‌ای شکل قانونی به خود گرفت.

از همان زمان بود که شهرداری قادر شد مجوز تراکم مازاد را به راحتی تا ۶ طبقه صادر کند و این موضوع اعتراض گسترده کارشناسان شهرسازی را برانگیخت. ولیکن چون وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران در این زمینه به توافق رسیده بودند، به اعتراضات ترتیب اثر داده نشد. در همان دوره شرکت مهندسین مشاور زیستا به درخواست شهرداری تهران پروژه‌های تحقیقاتی را انجام داده بود که ساختمان‌های بلندمرتبه (بیش از ۶ طبقه) را ضابطه‌مند می‌کرد. با توجه به اینکه شهرداری تهران حاضر به طرح موضوع در کمیسیون ماده ۵ شهر تهران نشد، نتیجه تحقیقات مهندسین مشاور زیستا در شورای عالی

شهرسازی مطرح گردید و به تصویب رسید.

در این مصوبه قرار شد که اگر در مناطقی از شهر تهران زمین نسبتاً بزرگی وجود داشته باشد و معیار یا معیار نسبتاً عرضی هم در کنار آن وجود داشته باشد، و در مناطقی هم باشد که از نظر جرائم و مسائل زیست محیطی مشکلی وجود نداشته باشد، اجازه احداث ساختمان بلندمرتبه در آن با توجه به محدودیتی که هرم فضایی فرضی در آن ایجاد نماید و با رعایت حداقل فضای باز لازم در زمین، داده شود. در اقدامی دیگر شورای عالی شهرسازی و وزارت مسکن و شهرسازی برای تعدیل ضوابط مصوبه ۲۶۹ اقدام به تصویب مصوبه ۲۲۹ کردند که شالوده آن همان مصوبه قبلی بود ولی ضوابط صدور مجوز مازاد تراکم به صورت تعدیل شده تری در آمد. البته در این دوره وزارت مسکن و شهرسازی

عرضه شهرها عرضه‌های حقوقی و حقیقی است و در نتیجه رقابت برای تملک زمین شهری میان این دو عرضه همواره وجود دارد. تمامی این موارد سبب می‌شوند که ضوابط و مقررات شهرسازی به عنوان مهم‌ترین ابزار ساماندهی و کنترلی شهرسازی مطرح شود، تا بتوان این عرضه رقابتی را تا حدودی نظام‌مند ساخت.

توسعه شهری در ایران، به خصوص در تهران، بسیار نگران‌کننده است. تهران شهری است که اغتشاش کالبدی در آن به شدت مشاهده می‌شود؛ و این امر ناشی از بازتاب ناکارآمدی ضوابط و مقررات شهرسازی است و حکایت از گوناگونی و سردرگمی خاصی در تدوین لوایح دارد.

این سردرگمی و عدم انتظام، خود را در رویکرد تدوین قوانین و مقررات خالی از تئوری صرفاً سابقه‌های نشان داده و نظام ساختاری و کالبدی شهر را دچار اغتشاش و بی‌نظمی کرده است. شدیدترین حالت ناکارآمدی ضوابط قوانین و مقررات را می‌توان در فروش تراکم مشاهده کرد که به تعبیری فروش قانون است. این امر در حالی در تهران و سایر شهرهای ایران اتفاق می‌افتد که دنیا منشور «دستور کار ۲۷» را در زمینه توسعه پایدار شهری تدوین کرده است و در اجلاس ژوهانسبورگ تمام شهرهای دنیا عزم خود را جزم کرده‌اند که عملکرد و دستورود ۱۰ ساله خود را در زمینه توسعه پایدار شهری ارائه دهند؛ ولی در همین سالها، نایاب‌سازترین شیوه مدیریت شهری در شهرهای کشور ما رواج یافته است.

سهراب مشهودی: ابتدا باید تعریفی از تراکم و تراکم مازاد ارائه شود. تراکم در واقع زبان تحقق برنامه‌های شهری است. لیکن پنج عامل مهم در تراکم نقش بسیار اساسی دارند، که یکی از آنها اقتصاد زمین است. براساس تحقیقی که وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۷۵ انجام داد، رابطه اقتصادی بین زمین و بنا مشخص گردید؛ بدین صورت که مقدار ارزش ریالی بنایی که می‌توان بر روی زمین مشخص احداث کرد، باید یک و نیم برابر قیمت زمین باشد. به طور مثال، اگر قیمت زمینی یک میلیارد تومان است می‌توان به اندازه یک و نیم میلیارد تومان بر روی آن بنا احداث کرد.

فریروز رئیس‌دالسا: تصمیم‌گیری برای تراکم ساختمان‌سازی شهری نمی‌تواند صرفاً بر پایه‌های علم اقتصاد متعارف یا اقتصاد بازار باشد. به دلیل اینکه علم اقتصاد به زمین به عنوان نوعی کالا و به معاملات زمین به عنوان معاملاتی معطوف به حداکثرسازی سود نگاه می‌کند و این با موازین زندگی اجتماعی شهری همخوانی ندارد.

در زندگی شهری رفاه شهروندان اهمیت دارد و مقوله‌هایی چون حلال و نفاق، بهره‌مندی از امکانات طبیعی، شرایط فرهنگی، حوزه‌های خصوصی زندگی و تأمین زیست شهری و جز آن را در بر می‌گیرد.

اگر علم اقتصاد به این مسائل توجهی نشان ندهد، نتیجه‌گیری آن ناقص است. توجه علم اقتصاد معطوف است به قیمت کالا-زمین، که گویا باید متجی و منادی همه چیز باشد. علم اقتصاد باید بتواند با متن مسائل شهری و اقتصاد شهری سازگار شود. نگرش اقتصادی صرف با معنای سودآوری حداکثر به شهر و اقتصاد شهری منشأ نارسایی‌های فراوان در زندگی شهری است. در واقع اولین اقدام نجات دادن اقتصاد شهری از این طرز تلقی است که فکر کنیم زمین و تراکم کالایی است قابل فروش و دستگامی به نام شهرداری یا تگرش صنف‌گرایانه خود



اقدامی در جهت جلوگیری از صدور مجوز مازاد تراکم به عمل نیاورد و با تصویب مصوبه‌های ۲۶۹، ۲۲۹ و بلندمرتبه‌سازی اقدامات قبلی شکلی قانونی گرفتند.

دوره سوم از اوایل سال ۸۱ آغاز شده است. در این دوره برعکس دوره اول، شهرداری تهران از فروش مازاد تراکم در ۷ منطقه شمالی شهر تهران امتناع کرد، و شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و همچنین وزارت مسکن و شهرسازی در انتدای اسر، خواهان اجرای مصوبه ۲۶۹ و بلندمرتبه‌سازی به وسیله شهرداری تهران شدند. طرح مجموعه شهری تهران نیز همزمان در شورای عالی شهرسازی به تصویب رسید و سقف جمعیت شهر تهران در سال ۱۴۰۰ حدود ۸/۵ میلیون نفر پیش‌بینی شد؛ و اجرای مصوبات مذکور با سقف جمعیتی پیش‌بینی شده در مغایرت کامل بود.

با بیان این مقدمه امید است که بتوان بحث تراکم را در این میزگرد به نحو مطلوبی مورد بررسی و اظهار نظر قرار داد.

استماعیل صالحی: اگر بخواهیم شاخصهایی را که در توسعه و پایداری شهرها مؤثرند بر شمریم، فاکتور زمین یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های آن به شمار می‌آید، و در نتیجه تقاضا برای تملک آن میان جوامع شهر نشین زیاد است. از طرفی

را موظف می‌داند که حداکثر سود را از فروش تراکم ببرد، حتی اگر خیر خواهانه‌ترین تصمیم را در به کار بردن سرمایه‌های حاصل از فروش تراکم داشته باشد.

دیدگاه اقتصادی صرف شهرداری به معنای سودآوری حداکثر به اقتصاد شهری، خود ریشه در نگرش کلان اقتصادی کشوری در مورد سیاست تعدیل ساختاری اقتصادی در گذشته دارد که ساز و کار آن بر اساس کاهش تصدی‌گری دولت و تمایل در به کار بردن الگوهای حداکثر سود بود و به بازار گرایی و خصوصی سازی افسراطی تمایل داشت. هنگامی که شهرداری تهران اقدام به پیروی از سیاست تعدیل ساختاری اقتصاد از سال ۱۳۷۰ به بعد کرد، راحت‌ترین و سودآورترین راه ممکن را - که همان فروش حداکثر تراکم بود - در دستور کار خود قرار داد، بدون اینکه بتواند (یا بخواهد) عوارض جانبی ناشی از این اقدام خود را در نظر بگیرد.

حمیده اسکچی: برای ورود به بحثی که در خصوص موضوع اعلام ناگهانی توقف مازاد تراکم در مناطقی از تهران آغاز شده است، شاید بهتر باشد با نگاهی به شرایط کنونی آغاز کنیم. وقتی به آمارها و ارقام مربوط به سطح و سطوح جمعیت و تراکم و شاخصهای سازهای و جمعیتی در تهران توجه می‌کنیم،

جمعیتی و سرعت ساخت و ساز در این مناطق از تهران روند صعودی داشته باشد، باز هم در مناطقی که فروش تراکم در آنها ممنوع شده است نمی‌توانسته از حد متوسط تراکم موجود در سطح تهران بیشتر شده باشد. متأسفانه همزمان با ممنوعیت فروش تراکم در مناطق ۱ تا ۷ اجازه فروش و افزایش تراکم بردوش مناطقی گذاشته شده که بر اساس آمارهای موجود خود دارای بار تراکمی اضافی بوده‌اند.

حال از نگاه دیگر به این مسئله می‌پردازیم، آن هم عرصه خدمات شهری در مناطق «یک تا هفت» است. شهرداری تهران عنوان کرده است که توان خدمات‌رسانی شهری در صورت افزایش سقف تراکم جمعیتی این مناطق یا آن تحولات همخوانی نخواهد داشت. در حالی که تمام شاخصهای خدمات شهری در مناطق مذکور هنوز بسیار بهتر از شاخصهای خدمات شهری سایر مناطق - و اصولاً متوسط سطح تهران - است. شاخصهای خدمات در مناطق هفتگانه شاید به استانداردهای مطلوب نرسد ولی هم‌اکنون نیز بهتر از مناطقی است که بار اضافی سازهای تراکم بردوش آنها گذاشته شده و فروش تراکم در آنها سبقت شمرده شده است.

بنابراین این شائبه در ذهن ایجاد می‌شود که آیا ادعای دفاع

توسعه شهری در ایران، به خصوص در تهران، بسیار نگران کننده است. تهران شهری است که اغتشاش کالبدی در آن به شدت مشاهده می‌شود؛ و این امر ناشی از بازتاب ناکارآمدی ضوابط و مقررات شهرسازی است و حکایت از گوناگونی و سردرگمی خاصی در تدوین لوایح دارد

از بهبود حیات شهری و منطقی‌تر شدن تراکم با امکان ارائه خدمات شهری تصمیم مذکور را توجیه پذیر می‌کند یا نه. اگر در مناطق یک تا هفت متوسط خدمات شهری کم بوده در جنوب شهر که هم‌اکنون اجازه فروش تراکم داده می‌شود متوسط خدمات شهری آن بسیار کمتر از شمال شهر است.

امانگه‌ای که در بررسی این گونه مسائل نباید فراموش شود، نقش بخش ساختمان در اقتصاد کشور است که مباحث مربوط به تراکم و تبعات آن نباید بدون توجه به ویژگی ساختاری اقتصاد کشورمان مورد قضاوت قرار گیرد. حاشیه سود بیشتر، امنیت اقتصادی بیشتر در بخش ساختمان، کوتاه بودن دوره بازگشت سرمایه، نرخ بهره تضمین شده، امکان فعال شدن سرمایه‌های خرد، راحتی حضور در این عرصه سرمایه‌گذاری بدون نیاز به تخصص ویژه، و نبود منع قانونی در این زمینه، انگیزه‌های متنوع و بسیار قوی برای فعال‌تر شدن این بخش است. در چنین شرایطی این نوع سرمایه‌گذارها حوزهای از شهر را برای فعالیت خود برمی‌گزینند که تقاضای متناسب با شرایط را داشته باشند و امکان پاسخگویی به نیاز و تقاضاهای ویژه‌ای را که با هدف حفظ ارزش پول و ایجاد حاشیه‌ای امن برای پس‌اندازهای‌شان از خطر تورم یا نرخ بالا به این عرصه

بیشتر به رُمخت و غیرمسئولانه بودن تصمیم شهرداری مبنی بر اعلام عدم فروش تراکم در مناطق هفت گانه تهران بی‌می‌بریم. این تصمیمی است که اگر با نگاهی مسئولانه به پیامدهای آن اتخاذ می‌شد، شاید با پیش‌بینی تمهیدات لازم برای این گونه امور همراه می‌گردید و از تبلیغات منفی آن کاسته می‌شد.

متأسفانه ادعایی که برای تصمیم بر عدم فروش تراکم اعلام شده، بر این نظریه استوار بوده است که تراکم مناطق بسیار زیاد است و امکان عرصه خدمات متناسب با چنین تراکمی وجود ندارد.

با استفاده از آماري که از مناطق ۷ گانه در دست است، به این واقعیت می‌رسیم که مناطق یک تا هفت همگی تراکمی کمتری از متوسط تهران داشته‌اند؛ بنابراین نگرانی برای این مناطق نمی‌توانست بیشتر از سایر مناطق تهران باشد.

به طور مثال، به دو آمار اشاره می‌کنم: در منطقه یک، در سال ۱۳۷۵ وضعیت تراکم ۶۷ نفر در هر هکتار بوده است، یا به تعبیری ۶۷۳۰ نفر در هر کیلومتر مربع، در حالی که در منطقه ۱۰ در همان سال تراکم ۲۵۰ نفر در هر هکتار بوده است. حال هر قدر هم که طی این سالها از ۱۳۷۵ تاکنون رشد

روی آورده‌اند، فراهم سازد. بنابراین می‌بینیم که در بررسی این موضوع صرفاً از منظر نگاه افزایش جمعیت، تراکم در واحد سطح، و امکان ارائه خدمات شهری نمی‌توان حرکت کرد و باید بر همه مؤلفه‌های تأثیر گذار بر این عرصه توجه داشت.

سهراب مشهودی: البته تصمیمی که شهرداری تهران در مورد توافق فروش تراکم گرفته با استناد به طرح بالادست است. اول اینکه طرح بالادست یک سقف جمعیتی معین کرده است از هفت منطقه‌ای که شهرداری فروش تراکم را در آنها ممنوع کرده، ۶ منطقه آن تراکم جمعیتی بیش از حد معین داشته است. فقط تراکم جمعیتی منطقه ۶ از حد تعیین شده نگذشته، که آن هم به این علت است که کاربری مسکونی به اجاری تبدیل شده است.

حوم اینکه از نظر ساختمانهای کوتاه و بلند در سطح تهران، طرح جامع یک نسبتی را مشخص کرده، که در منطقه یک تا هفت کمتر از یک درصد سطح کل است و در برخی از نقاط باید ۲۲ درصد از سطح کل بشود. در مناطق هفت گانه مذکور باز هم رشد از نسبت تعیین شده عبور کرده بود. سوم متراژی زیرین است. باز هم طرح جامع تهران متراژی زیرینایی را مطرح کرده است که

ایجاد درآمد می‌کند. حال اعطای مازاد تراکم به این صورت چندین برابری را اضافی ایجاد می‌کند که منشأ آن توجه خود شهرداری می‌شد. یکی اینکه سیاست اعطای تراکم باعث سالافتن تورم شهری شد. برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد که در حدود ۲۰ تا ۵۰ درصد تورم ویژه شهری تهران ناشی از سیاستهای اعطای تراکم بوده است. چرا که سیاستهای تعدیل نشده فروش مازاد تراکم باعث افزایش معاملات بولی زمین شهری، و منشأ تورم آن می‌شد. عوارضی هم که با فروش تراکم از سازندگان گرفته می‌شد، به بدنه خود جامعه کفانی می‌کرد.

تراکمهایی که شهرداری می‌گرفت، مستقیم به بدنه زندگی شهری منتقل می‌شد. این جریان تورم اقتصاد و زندگی شهری را بالا می‌برد و طبعاً خود شهرداری را در ابتدای امر دچار مشکل می‌کرد چون شهرداری متحمل هزینه خدمات رسانی - همچون هزینه رفتگر، احداث راه و نظایر اینها - است که بالا رفتن این تورم قطعاً هزینه خدمات شهری را بالا می‌برد.

مشکل دیگر هزینه‌های مستقیمی بود که افزایش تراکمها ایجاد می‌کردند. واضح است هنگامی که رشد نرخ ساخت و ساز دارای رقم بالا و صعودی می‌شود، رشد جمعیتی را نیز به همراه

تراکمهایی که شهرداری می‌گرفت، مستقیم به بدنه زندگی شهری منتقل می‌شد، این جریان تورم اقتصاد و زندگی شهری را بالا می‌برد و طبعاً خود شهرداری را در ابتدای امر دچار مشکل می‌کرد چون شهرداری متحمل هزینه خدمات رسانی - همچون هزینه رفتگر، احداث راه و نظایر اینها - است که بالا رفتن این تورم قطعاً هزینه خدمات شهری را بالا می‌برد

دارد، و مسلماً مسائلی نظیر ازدحام جمعیتی، ترافیک، افزایش زیاده و مسائل دیگر را هم در پی خواهد داشت.

از سوی دیگر، شهرداری به دلیل دو شخصیتی بودن باید به همراه این کسب درآمد، خدمات رفاهی را نیز ایجاد کند؛ در نتیجه هنگامی که به دلیل افزایش جمعیت، مشکل حمل و نقل و ترافیک به وجود می‌آید، شهرداری خود را موظف به احداث بزرگراه می‌داند. به دنبال آن نیز کارخانه‌های خودرو سازی تولیدات خودرو را بالا می‌برد. در نتیجه مشکل سرجای خود باقی می‌ماند، اختلال و بی نظمی در زمینه فروش بی ضابطه مازاد تراکم دو پیامد عمده در برداشت یکی اینکه نرخ تورم شهری را بالا برد، دوم اینکه رانت زمین شهری را نهادینه کرد.

اصولاً رانت زمین شهری به صورتهای مختلف وجود دارد. در دنیا ۵ نوع رانت زمین شهری نامکنون وجود داشته است. بر اساس بررسیهایی که شخصاً انجام داده‌ام، رانت نوع ششمی هم دارد که منسوخ آن خود شهرداری تهران در فاصله ۶۹-۱۳۷۵ بوده است؛ اعطای امتیاز به فردی که وی با استفاده از ازدحام جمعیت، معاملات سودجویانه زمین شهری و بورس بازی زمین بتواند فرصت ویژه‌ای پیدا کند، و در نتیجه از زمین تملکی خود سود چندین برابر کسب کند و مقداری از آن را هم به شهرداری بدهد. این رانتی است که شهرداری به لحاظ موقعیت

پنج منطقه آن از حد مصوب عبور کرده‌اند. حتی در یکی از مناطق مذکور حد مازاد زیرینا ۱۰ میلیون مترمربع هم گذشته است. بنابراین شهرداری تهران از نظر طرح بالادست درست عمل کرده است.

فریبرز رئیس دانا: با اجرای سیاستهای تعدیل ساختار اقتصادی و خودکفا کردن سیستم شهرداریها به صورت حذف کمکیهای دولت، مدیریت مالی، شهرداریها در واقع دو چهره‌ای شده است و شکاف عمیقی در بدنه آن به وجود آمده است.

ابتدا شهرداری مجبور بود که درآمد کسب کند و بدین ترتیب هدفش در کسب کردن بیشترین درآمد خلاصه شد، زیرا دیگر حمایتهای دولت را همراه خود نمی‌دید. پس دارای دو شخصیت شد؛ یک سودآوری و پول سازی، و دیگری خرج کردن برای عمران شهر. اما شخصیت تعریف شده و جا افتاده در مورد شهرداریها همان خدمات رسانی شهری و تأمین منابع در سازگاری با این خدمات و همراه با عدالت اجتماعی است. اما از سال ۱۳۷۰ آن نیروی درون را که این شخصیت را به هم پیوند دهد، و درآمد شهرداری را در بخش خدمات به صورت بهینه دریاورد، وجود نداشته است.

شهرداری در بخش درآمدزایی مازاد تراکم را در خیابانهای باریک شهر، تا آنجا که توان فروش بود، به فروش می‌رساند و

انحصاری و نبود نظارت همگرا تیکه توانسته به وجود آورد.

اسماعیل صالحی: اصلی ترین مبحث در سیستمهای شهری می تواند بحث زمین شهری باشد. حال در این عرصه تراکم شاخصی است که نمایانگر میزان استفاده از زمین و حجم شهر است. از طرفی دیگر، شهر خود عرصه های حقوقی و حقوقی است. در نتیجه زمینه رقابت آمیزی میان مردم و مؤسسات حقوقی در استفاده از فضاهای شهری به وجود می آید. جمعیتی بالغ بر ۱۲ میلیون نفر می توانند بدون فروش تراکم مازاد در تهران ساکن شوند.

مسئله دیگر اینکه بر اساس اظهارات مسئولان شهرداری تهران، اجرای طرحهای عمرانی در زمان حاضر برای شهرداری

شهری تهران در افق سال ۱۴۰۰ حدود پانزده میلیون نفر پیش بینی شده است؛ یعنی تا سال ۱۴۰۰ می توان جمعیتی حدود یک میلیون نفر به جمعیت فعلی شهر تهران افزود.

در سال ۱۳۸۱ شهرداری تهران حدود ۲۰ میلیون مترمربع و در سال ۸۰ نیز حدود ۲۲ میلیون مترمربع پروانه ساختمانی صادر کرده است. جمعاً ۴۲ میلیون مترمربع پروانه ساختمانی صادر شده به وسیله شهرداری تهران می تواند یک میلیون نفر جمعیتی را که می تواند تا سال ۱۴۰۰ به جمعیت شهر تهران اضافه شوند تحت پوشش قرار دهد.

سهراب مشهوری: نمی توان چنین گفت که اگر تراکم قطع شود جمعیت هم کم می شود. برای اثبات این یک مثال عکس می آورم. در تهران همگی از استفاده از ۱۲۰ درصد تراکم آزاد هستند ولی در ۴۰ درصد شهر حداکثر تراکم استفاده شده ۹۰ درصد است. یا اگر در تهران آن قدر ساخت و ساز بشود که امکان سکنی گزیدن ۳۰ میلیون نفر فراهم آید اما ۲۰ میلیون نفر در تهران ساکن خواهند شد؟

بنابراین برخورد با مسئله جمعیت را باید در طرحهای آمایشی بررسی کرد. اینکه ما معلول را بگیریم و تراکم را ممنوع کنیم تا شهر تهران بزرگ نشود، راه به جایی نخواهد برد.

نکته دیگر که خوب است به آن اشاره شود این است که زمینهای شهری با خصیصه های خودشان تراکم مختلف می گیرند. در طرح جامع تهران نیز همین طور است. زمینی که شرایط لازم را برای اخذ تراکم داشته باشد و تراکم مازاد می گیرد، می باید که از اضافه ارزش به وجود آمده بخشی را به شهرداری بدهد. طبق آمارهای سال گذشته شهرداری تهران از اضافه ارزش سه و چو آمده حدود ۱۷ درصد را گرفته و ۸۳ درصد اضافه ارزش به وجود آمده ملک به مالکان تعلق گرفته است. در صورتی که این تقسیم بندی باید معقول می شد.

فریبرز رئیس دانا: یکی از گرفتاریهای اقتصاد شهری ایران، زمین گیر شدن سرمایه است که در حالی مالدن خانه ها نمود می باید. در واقع نیازی به فروش تراکم مازاد و ساخت و ساز اضافه نیست ولی گرفتاری اقتصاد شهری ما این است که این خانه ها خالی می مانند، و هزینه تملک آن فراتر از قوه خرید نموده های مردم - به ویژه نسل جوان - است. نباید از یاد برد که گرفتاری از آنجائایی می شود که شخصیت مالیه شهرداری به عوض آنکه در سیستم اقتصاد شهری تبلور و تجلی پیدا کند و منطق رشد و رفاه را بیابد، دو گانه و دوباره شد و سودجویی را در برابر ریخت و پاش (به جای اثربخشی) ترویج کرد و حالا تاوان آن را باید شهروندان کم اقبال تهرانی بدهند!

اسماعیل صالحی: فرایند قطع ناگهانی فروش تراکم مازاد باعث ایجاد شوک ناگهانی در جامعه شهری شد؛ هر چند که روند متنوعیت فروش تراکم مازاد می توانست به تدریج انجام پذیرد. به هر روی قطع منبع درآمد ناشی از فروش تراکم مازاد باعث شد که برای ایجاد درآمدهای پایدار جایگزین عزم جدی به وجود آید.

باید در نظر گرفت که راهحلهایی که امروز پیشنهاد می شود، به مشکلات فردا بدل نگردد. تخصیص درصدی از افزایش قیمت بنزین به شهرداریها، از اقدامات بسیار خوبی است که صورت گرفته است. این موضوع باید در مورد افزایش عوارض نوسازی و سایر موارد نیز، به منظور افزایش درآمد شهرداریها و جایگزینی درآمد ناشی از فروش تراکم، اعمال شود.



تهران حدود ۲۰٪ از نظر ریالی بیش از سایر نهادهای دولتی تمام می شود و اجرای پروژه های عمرانی دستگاههای دولتی نیز، اگر به بخش خصوصی واگذار شود بین ۴۰ تا ۵۰ درصد صرفه جویی در هزینه در بر خواهد داشت. در نتیجه اجرای طرحهای عمرانی، حدود ۸۰ الی ۱۰۰ درصد برای شهرداری گران تر تمام می شود. خدمات شهری که شهرداری ارائه می دهد نیز بسیار گران تر از آن چیزی است که باید باشد و تمام بار مالی مسائل مذکور بر دوش شهروندان قرار دارد. با توجه به اینکه نیمی از اعتبار لازم برای تأمین هزینهها در بودجه شهرداری تهران از فروش تراکم حاصل می شود، اگر در سیستم مدیریتی و اجرایی شهرداری تهران تحولی ایجاد گردد و از انلافا منابع مادی در پروژه های عمرانی با مدیریت صحیح جلوگیری به عمل آید، در کل می توان از به هدر رفتن نیمی از درآمدهای شهرداری تهران پرهیز کرد بدین ترتیب اصلاً نیازی به درآمد ناشی از فروش مازاد تراکم وجود ندارد.

حمید ماجدی: یکی از موضوعاتی که می بایست در این عین گرد مطرح کرد، طرح مجموعه شهری تهران است. به دلیل وجود محدودیتهایی که شهر تهران و شهرهای اطراف تهران بخصوص از نظر تأمین منابع آب دارند، سقف جمعیت مجموعه

در بحث عوارض می توان به عوارض جایگزینی درآمد ناشی از فروش مازاد تراکم اشاره کرد:

اول اینکه، شهرداری در گذشته تنها عوارض برای تراکمهای مجاز ۱۲۰ درصد را اجرا نموده است. عوارض صدور پروانه ساختمان نسبتاً ناچیز بوده است.

حاصل می توان یا سالانه عوارض صدور پروانه (برای تراکمهای مجاز ۱۲۰ درصد و ۱۸۰ درصد) بخشی از درآمد ناشی از تراکم فروش در گذشته را جبران کرد و این عوارض بایستی برای کنترل ساختمان و تأمین فضاهاى عمومی شهری مصرف گردد.

گذشته از جایگزینی منابع مالی پایدار (به جای درآمد ناشی از فروش مازاد تراکم) باید در زمان حاضر راهکاری برای برون رفت از مشکل ایجاد شده پیدا کرد.

فریسرز رئیس داتا: عدم صدور مجوز تراکم مازاد در شهر تهران موجب تروتمند شدن برخی افراد شده است. فردی که قبلاً مجوز مازاد تراکم گرفته فراتر از نرخ تور می موجود در معاملات

بیشتری از شهروندان را در نظر دارند. این اقدامات حتی ممکن است در وهنه نخست نگرانی ایجاد صور وزیران برای چند برج ساز را تقویت کند اما واقعیت این است که بخش ساختمان هنوز ظرفیتهای زیادی در اختیار دارد که زبان چند برج ساز آن را در خطر نمی افکند.

از طرفی باید طرحهای مصوب موجود مجدداً بازخوانی شوند و پتانسیلهای موجود در این طرحها که برای حل مشکل می توانستند بسیار راهگشا باشند به کار گرفته شوند. علاوه بر آن، سواردی همچون طرح انطباق شهری ساختمانها، که مصوب نیز هست، اگر مورد بررسی دقیق قرار گیرند و به درستی به کار گرفته شوند، راهحلهای بسیار خوبی را در اختیار شهرداری قرار می دهند. به این طریق تا زمان دستیابی به طرحی مناسب جهت ساماندهی سه تراکم شهری، می توان از این ابزار برای تعیین تراکم مجاز برای ساختمانها، که در خواست پروانه کرده اند، استفاده کرد - تا امور شهر نیز معطل نماند، اما شاید مناسبترین اقدام، تکیه شهرداری بر منابع دیگری برای هائیه شهر (به غیر از تراکم) باشد.

به اجرا گذاشتن قانون مالیات بر درآمدها و ثروتهای اتفاقی ناشی از چالشهای اقتصاد شهری، نه تنها موجب می شود که مدیریت شهری بهره خود را از این ثروتهای باد آورده ببرد، بلکه می تواند به صورت سازوکار تعدیل کننده اقتصاد شهری نیز عمل کند

که عوارض نوسازی یکی از آنهاست.

حمید ماجدی: به نظر من عدم فروش مازاد تراکم در شهر تهران در شرایط فعلی می تواند - و باید - امانت پنا کند و همزمان بایستی در چند مصوبه های که در مورد ساخت و ساز بیش از تراکمهای مصوب ۱۲۰ درصد و ۱۸۰ درصد وجود دارد - مثل مصوبات ۲۶۹ و ۲۷۹ و بلندمرتبه سازی - تجدیدنظر صورت بگیرد.

در ۲۱ منطقه شهر تهران تا مدتی دیگر با طرحهایی که برای مناطق ۳۱ گانه در دست تهیه است و با مشخص شدن مناطق مستعد بلندمرتبه سازی، قرار است این گونه ساختمانها در شرایط بسیار ویژه ای و بر اساس مطالعه محلی (که مهندسین شهر ساز انجام می دهند) و با طرح خدمات طراحی انطباق شهری احداث گردند. در واقع باید تمام بررسه های لازم صورت گیرد و در صورتی که احداث ساختمان بلندمرتبه در یک قطعه زمین خاص هیچ گونه امردادی از نظر شهرسازی نداشته، آن گاه مجوز لازم صادر گردد.

ملکی زمین و مسکن دارای مسوقیت استثنایی ناشی از نایابی تراکم مازاد نیز شده است. باید در میان سیاستهای تأمین منابع برای شهرداری مصوبه ای وجود داشته باشد که بتوان بر طبق آن مالیات بر درآمدهای ثروتهای اتفاقی را دریافت کرد؛ همان طور که اگر یک نفر مبلغ کلانی به ارب می برد، باید مالیات آن را بدهد. به اجرا گذاشتن قانون مالیات بر درآمدها و ثروتهای اتفاقی ناشی از چالشهای اقتصاد شهری، نه تنها موجب می شود که مدیریت شهری بهره خود را از این ثروتهای باد آورده ببرد بلکه می تواند به صورت سازوکار تعدیل کننده اقتصاد شهری نیز عمل کند.

حمیده امکچی: برای برون رفت از حالت به وجود آمده ناشی از ممنوعیت فروش تراکم مازاد، به نظر می رسد تأثیرات پدید آمده به دنبال این تصمیم، و تمام تحولاتی که به نحوی مربوط به صنعت ساختمان است، تا مدتها ادامه خواهد داشت. انتظار را حول کوتاه مدت یا تأثیر فوری نباید منطقی نباشد، و اصولاً شاید حل معضل ساختاری اقتصاد کشور را نباید به نهایی از این بخش انتظار داشت.

بنا بر این باید سعی کرد بحثهای مرتبط با این مسئله از شائبه های غیر منطقی و عمدتاً سیاسی فاصله بگیرد. نباید گذاشت برخی مسائل که فاقد ویژگی فنی و عاری از زمینه های لازم برای رعایت حقوق شهروندی هستند، باعث بی اثر شدن تصمیماتی گردد که بر منطقی محکم استوارند و حقوق شعار

مدیریت شهری در گرو مشارکت مردمی

آزاده افشار



«مهم‌ترین منبع جدیدی که در روال علمی و امروزی مدیریت شهری به یاری حل مشکلات می‌آید، بسیج منابع مردمی از طریق مشارکت شهروندان است، و نیل به این امر نیازمند نقش تسهیل‌گرو مشارکت طلب مدیران شهری است.»
در این زمینه، رهنمودهای قانونی در برنامه سوم توسعه گنجانده شده که از این ظرفیت قانونی می‌توان برای واگذاری تصدیها و برقراری حاکمیت محلی بر پایه شهرداریها استفاده کرد.

غلامرضا کاظمیان، پژوهشگر در زمینه مدیریت شهری، در خصوص پیشینه مدیریت شهری اظهار داشت: «اداره امور شهر سابقه‌ای به قدمت شهرنشینی دارد؛ اما مدیریت شهری مفهومی نسبتاً جدید است. رواج این مفهوم را در دو دهه گذشته می‌توان ناشی از نگرش جدید و فراگیر به شهر و شهرنشینی و شهروندی دانست. در این نگرش شهر سیستمی است یکپارچه که تمام عناصر آن در قالب کلیتی واحد دربرگیرنده لازم را برای زندگی بهتر و مؤثرتر شهروندان در دو مفیاس زمان و مکان فراهم می‌کنند.»

کاظمیان با بیان این مطلب که تعاریف مدیریت شهری دارای ۴ عنصر مشترک - مؤکلان اصلی نظام (شهروندان)، آرمانهای کلان مدیریت شهری، جامعیت عملکردی نظام (تمام عملکردهای شهری)، و جامعیت فضایی - کالبدی (تمام فضای شهری) - است، گفت: «شهروندان ایرانی به عنوان مؤکلان شهری پس از تشکیل شوراهای و انتخاب اعضای آن در ارتقای مدیریت شهری گامی به جلو نهادند؛ اما حیطه نظارت شوراهای نیز به لحاظ قانونی محدود به شهرداریهاست.»

از سوی دیگر، شهروندی ایرانی در زمان حاضر تنها حکم نوعی انتخابگر را دارد، و در واقع نمی‌تواند اوارحوا کل نظام مدیریتی تلقی کرد.»

از دیگر اهداف و آرمانهای کلان مدیریت شهری، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و توسعه پایدار شهری است. کاظمیان در مورد جامعیت عملکردی نظام اظهار داشت: «تعمای عملکردهای حیات شهری باید تحت پوشش مدیریت شهری قرار بگیرد. این امر در ایران به اندازه کافی مخدوش است که در اداره امور شهری حداقل ۲۵ نهاد و سازمان دخالت دارند و ارتباط و هماهنگیهای افقی میان این سازمانها بسیار ضعیف است. از

مهم‌ترین اهداف این همایش عبارت بودند از بارنگری به وضعیت موجود مدیریت شهری، و دستیابی به طرح‌ریزی شهری نو.

رئیس مجلس شورای اسلامی در بیانی به همایش شهروندی و توسعه مدیریت شهری، بر مسائل محیط زیست و حاشیه‌نشینی در شهرها تأکید کرد و خواستار سوق دادن مدیریت شهری به سوی مدیریت مشارکتی شد.

پس در ادامه همایش محمود حسینی، مدیر منطقه ۱۰ شهرداری تهران، با قرائت پیام نامه مشترک شهرداری تهران (محمد حسین ملک مدنی) و وزیر مسکن و شهرسازی (علی عبدالعلی زاده)، گفت: «شهر متعلق به همه شهروندان است؛ بنابراین همگان باید در حل مسائل و مشکلات آن سهمی باشند و این امر جز با مشارکت و حضور شهروندان در نهادهای مدنی، سازمانهای غیردولتی و تشکلهای محلی میسر نخواهد شد.»

مظفر صرافی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، بر اهداف راهبردی مدیریت شهری در ایجاد «شهری خوب» بر پایه شهروندی تأکید کرد و با انتقاد از روال منسوخ شده در مدیریت شهری کشور، گفت: «عدم موفقیت مدیریت شهری در کشور رانمی‌تواند به شهرداری منحصر گردد؛ و تنها راهکاری که برای نجات از این موقعیت وجود دارد پایه‌ریزی مدیریت شهری با همه سوانگری به ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است.»

مفهوم مدیریت شهری بسیار گسترده‌تر از مفهوم دولت است، چرا که برای تحقق این مفهوم باید تعاملی عمیق میان نهادهای رسمی، بخش خصوصی، سازمانهای غیردولتی و مهم‌تر از همه - عموم شهروندان ایجاد گردد.

زمانی که شهروندان انگیزه و توانایی لازم را برای مشارکت و اداره محله و شهر خود پیدا کنند مدیریت مطلوب شهری تحقق می‌یابد.

با توجه به اهمیت مسئله مشارکت، همایش شهروندی و توسعه مدیریت شهری در تیرماه سال جاری با همکاری منطقه ۱۰ شهرداری تهران و سازمان عمران و بهسازی شهری برگزار شد.

حرفی، شهرداری به عنوان هسته اصلی مدیریت شهری هیچ گونه حق نظارت و هماهنگی بین نهادهای متفاوت مدیریت شهری در مسائل سیاست گذاری و برنامه ریزی ندارد. بنابراین، شهرها دارای نظامهای مدیریتی پراکنده‌ای هستند، که این خود مشکلات متعددی را به وجود می‌آورد.

وی دربارهٔ جامعیت قضایی - کالبدی نظام، به عنوان آخرین عنصر مشترک تعریف مدیریت شهری، چنین توضیح داد: «اگر نظام مدیریت شهری در کنترل جرم و حوزه نفوذ شهر دخالت نداشته باشد، نمی‌تواند محدوده شهری را به درستی هدایت کند؛ همان گونه که در منطقه کلان شهری تهران، تداخل شهرداریها و سازمانهای مختلف، به چشم می‌خورد و دلیل این امر نارسایی سیستم مدیریت شهری است. حال آنکه سیستم کامل شهری تمام فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی را همزمان با یکدیگر به کار می‌گیرد».

وی در ادامه، مهم‌ترین وظایف مدیریت شهری را چنین

مهم‌ترین منبع جدیدی که در روال علمی و امروزین مدیریت شهری به یاری حل مشکلات می‌آید، بسیج منابع مردمی از طریق مشارکت شهروندان است، و تیل به این امر نیازمند نقش تسهیل‌گر و مشارکت طلب مدیران شهری است

برشمرده: «آمادگی زیر ساختهای لازم برای گزایی نظام شهری، آماده‌سازی خدمات شهری لازم برای توسعه منابع انسانی و بهبود سطح زندگی شهروندان، تخلیه و هدایت فعالیت بخش خصوصی برای تأمین امنیت، سلامت و رفاه شهروندان و آماده‌سازی خدمات و پستوانه‌های لازم برای فعالیتهای تولیدی و توسعه اقتصادی شهر».

کاظمیان افزود: «در تحقق وظایف پیش گفته، باید سیستم مدیریت شهری در زمینه سیاست گذاری کند، این حوزه‌ها عبارتند از: پیسود اقتصاد شهری، تأمین زیرساختها و خدمات زیربنایی، مدیریت زمین، کاهش فقر شهری و مدیریت محیط زیست».

او در مورد اینکه مدیریت شهری برای تحقق اهداف خود نیازمند ابزار است، گفت: «در سازمان و تشکیلات و نهادهای مدیریت شهری، قوانین و مقررات شهری و منابع مالی از جمله ابزارهایی هستند که چنانچه در اختیار مدیریت شهری قرار نداشته باشند، اهداف مورد نظر به تحقق نمی‌پیوندد».

حسین ایمانی جاجر می، عضو هیئت علمی دانشگاه همدان، در ادامه سخنرانی به مشارکت فعالانه مردم و بخش خصوصی در آثار هاسور جامعه و اهمیت مردم سالاری اشاره کرد و گفت: «اگر مردم سالاری به معنای مسئولیت و مشارکت مردم در حاکمیت اداره امور باشد، زمانی رنگ واقعیت به خود می‌گیرد که از نظر ساختاری، نهادهای مردمی نقش و سهم مناسبی در آن داشته باشند».

ساختار حاکمیت جامعه، شرایط فعالیت نهادهایی همچون بخش خصوصی و جامعه مدنی را در بر می‌گیرد. بخش خصوصی

عبارت است از شرکتهای کوچک و متوسط و بزرگ، اتحادیه‌ها و انجمن‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و سازمانهای چند ملیتی و همچنین جامعه مدنی. در این ساختار، سازمانهای غیردولتی شامل گروهها و اجتماعات محلی و تشکلهای داوطلبانه مردم است».

وی سپس تصریح کرد: «با شرایط کنونی پذیرش مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی در اداره امور واقعیتی گریز ناپذیر است. بنابراین باید شرایط جامعه را برای همکاری این گروهها فراهم ساخت».

ایمانی در ادامه به تشریح مدل‌های حاکمیت که نقش بسزایی در مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی دارند پرداخت و گفت: «اولین مدل حاکمیت حکومت بود که تا اوایل دهه ۱۹۸۰ به کار گرفته می‌شد. در این مدل دولت نقش اصلی را در تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا بر عهده داشت، لیکن قابلیت تطبیق و انطباق با بخشهای جامعه مدنی و خصوصی را نداشت».

وی خاطر نشان ساخت: «این نوع حاکمیت تنها برای حفظ وضع موجود مناسب است و اکنون در دوره‌ای که چالشها و متغیرهای جهانی شدن نمودی گسترده یافته‌اند، این نوع حاکمیت نمی‌تواند پاسخگو باشد».

ایمانی مدل دیگری از حاکمیت را مدل حکومت یاری برشمرده، در توضیح آن گفت: «در این مدل، شهرداری یادولت برآمده از آرای شهروندان است و شهرداری رهبری سایر مدیران شهری را بر عهده دارد و در برابر تصمیمات و اقدامات خود پاسخگوست. چنین نظامی بر تشویق جریان آزاد اطلاعات و رفتار اخلاقی تأکید می‌کند. همچنین ماهیت دولت، متحرک بودن نظام امور و کمبود سرمایه‌های اجتماعی از موانع حاکمیت محلی یا حکومت یاری است».

ایمانی در پایان سو پذیرش مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی در اداره امور شهرها تأکید کرد.

اسرافیم جمشیدزاده، کارشناس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری سازمان شهرداریهای کشور، در ادامه مراسم با اشاره به اینکه منبع مالی شهرداریها از عناصر عمده و اصلی مدیریت شهری، و در واقع عامل تعیین کننده ظرفیت شهرداریها برای حفظ و نوآوری در جلب مشارکت اجتماعی و ارائه خدمات است، گفت: «شهرداریها عمدتاً از نظر مالی فقیرند و مجبورند در زمینه منابع اساسی به حکومت مرکزی متکی باشند. در کشور ما نیز شهرداریها تحت کنترل و نظارت حکومت مرکزی و استاندارها هستند و بخش عمده‌ای از درآمد آنها به طور غیر مستقیم از طریق مالیات و حقوق و عوارض گمرکی تأمین می‌شود. در عین حال تصویب بسیاری از امور، از جمله تصویب بودجه عوارض محلی آنها، بر عهده شورای شهر است».

وی ضمن ارائه گزارشی از بررسی ساختار درآمدی شهرداریهای کشور طی سالهای ۷۶-۱۳۷۱ یادآور شد که مهم‌ترین منبع درآمدی شهرداری در کشور، عوارض بر ساختمانها و اراضی است که بیشترین سهم از درآمد شهرداریها را به خود اختصاص می‌دهد. اینها مشتمل اند بر عوارض نوسازی، عوارض بر ساختمانها و اراضی، عوارض بر پروانه‌های ساختمانی و مانند آن، عوارض حذف پارکینگ، عوارض بر پارکون و پیش آمدگی، عوارض بر معاملات غیر منقول و عوارض حق مشرفیت و نظایر اینها».

وی با اشاره به اینکه ساختار منابع درآمدی مبتنی بر عوارض

مدیریت شهری و مدیریت توسعه شهری است، که در این میان ۳ رویکرد وجود دارد.

اولین آنها طرح‌های جامع بلند مدت است که تحت تأثیر اندیشه‌های مهندسی شکل گرفت و سپس با گذشت زمان پایه‌های مهندسیسم در نصابی ایجاد از جمله هنر، معماری، جامعه‌شناسی متزلزل شد و این رویکرد را با مسائل و مشکلات متفاوتی مواجه ساخت. پس از آن، برنامه‌های کوتاه مدت و مشخصی به جای طرح‌های جامع به کار گرفته شد که مسائلی نظیر مشارکت گروه‌های اجتماعی و سکونت‌های غیررسمی را پوشش می‌داده.

تفلیف مدیریت توسعه شهری و توسعه مدیریت شهری نیز رویکرد دیگری است که در آن نقش مدیریت شهری و شهرداری در توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد.

وی افزود: «معمولاً طرح‌هایی که دو دنیا در حیطه مدیریت شهری پذیرد می‌آیند، پس از مدتی به کشورهای جهان سوم رو

ساختمانها و اراضی منسجم و یکپارچه نیست، گفت: «برخی از منابع درآمدی شهرداریها مانند عوارض نوسازی می‌تواند از روند مشخصی تبعیت کند ولی برخی دیگر مقطعی و بسیار تأثیر پذیرند مانند عوارض بر تراکم که با افزایش حجم و وسعت شهر و اشباع شدن منطقه گسترش شهر، دستخوش تغییرات بسیار می‌شود. لذا بررسی میزان تأثیر پذیری عوارض بر ساختمان از متغیرهای کلان اقتصادی، بی‌انگه آن است که میزان تغییرات تولید ناخالص ملی (GNP) در طول سالهای مورد بررسی نوسان چندان زیادی نداشته است، ولی نرخ تغییرات کل سرمایه‌گذاری از ساختمانها طی سالهای ۷۹-۱۳۷۱ دارای نوسان بیشتری بوده است. براساس اطلاعات ارائه شده نرخ تغییر عوارض بر ساختمانها و اراضی، اولاً نوسان بیشتری از دو متغیر کلان اقتصادی داشته، و ثانیاً شدت تحت تأثیر کل سرمایه‌گذاری در ساختمان قرار گرفته است.

لذا در طول سالهای مورد بررسی درصد تغییرات عوارض بر

اداره امور شهر سابقه‌ای به قدمت شهرنشینی دارد؛ اما مدیریت شهری مفهومی نسبتاً جدید است. رواج این مفهوم را در دو دهه گذشته، می‌توان ناشی از نگرش جدید و فراگیر به شهر و شهرنشینی و شهروند دانست

می‌کنند. یکی از رویکردها که از آن با عنوان رویکرد شرکتی یاد می‌شود، بدان معناست که شهرداری در زمینه توسعه مدیریت شهری و اداره امور شهرها به مانند شرکت‌هاست. این موج پیش از آنکه در مدیریت شهری کشور ما رخنه کند محکوم به شکست شد.

وی در مورد برنامه نوآوری حکومت شهری (TUGI) که مقر آن در کوالالامپور پایتخت مالزی است، گفت: «این از پروژه‌های برنامه عمران ملل متحد (UNDP) است که از طریق دفتر خدمات پروژه‌های ملل متحد (UNOPS) اجرا می‌شود. هدف اصلی پروژه مذکور کمک به ایجاد شهرهای قابل سکونت در منطقه آسیا و اقیانوسیه، از طریق تقویت ابزارهای موجود برای مدیران شهری و تصمیم‌گیرندگان است. به دلیل مشکلات عدیده شهرنشینی در آسیا، این برنامه در دستور کار کنفرانس سکونتگاه‌های انسانی سال ۱۹۹۶ استانبول قرار گرفت.

این برنامه در صدد کمک به شهرداران و مدیران شهری در جهت ظرفیت‌سازی حکومت‌های محلی است و بر پنج اصل عدالت اجتماعی، پایداری اکولوژیکی، مشارکت سیاسی، بهره‌وری اقتصادی و استقلال فرهنگی استوار است.

همچنین کیفیت زندگی و بهبود شرایط مناسب در اداره امور شهرها نیازمند اشتغال‌زایی، جمع‌آوری و دفع مواد زائد، فقر شهری، مسکن و سرباز، بهداشت و آب سالم، حمل‌ونقل عمومی و ترافیک، خدمات بهداشتی و مشارکت جامعه مدنی است که برنامه عمران ملل متحد آنها را در سال ۱۹۹۷ به عنوان موضوعات اصلی به شهرداران معرفی کرد.

شهرداریها برای تحقق این اهداف باید در زمینه تأمین منابع



ساختمانها و اراضی از درصد تغییرات متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر پذیرفته است و این تأثیر پذیری نتیجه‌ای منفی بر ساختار درآمدی شهرداریها دارد.

نوید سیدی رضوانی، معاون سردبیر ماهنامه شهرداریها و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، در این همایش در خصوص فرهنگ مدیران شهری - پایه عبارتی، ویژگیهای مدیران شهری - سخنانی ایراد کرد.

وی درباره اداره امور شهرها در طول تاریخ گفت: «از زمانهای دور مسئولیت اداره امور شهرها بر عهده متولیان سنتی شهرها بود، و با شکل‌گیری شهرداریها این مسئولیت به آنها واگذار گردید و شهرداری به عنوان مرکزیت مدیریت شهری شناخته شد پس از آن بیشترین دغدغه مردم و مسئولان در طول زمان، ویژگی شهرداری و توانایی شهرداری در مدیریت شهر بوده است.»

وی با اشاره به اینکه عنوان همایش «شهروند و توسعه مدیریت شهری» برگرفته از حرکت برنامه عمرانی ملل متحد (UNP) در سال ۱۹۸۶ است، افزود: «هدف UNP توسعه



محمد حسینی

با شرایط کنونی پذیرش مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی در اداره امور واقعیتی گریزناپذیر است. بنابراین باید شرایط جامعه را برای همکاری این گروهها فراهم ساخت

سالی، مدیریت زیرساختهای شهری، مدیریت محیط زیست شهری و کاهش فقر شهری سیاست گذاری کنند.»

معاون سردبیر ماهنامه شهرداریها در پایان به مواردی نظیر تدوین برنامه های معین برای انجام امور شهرداریها، نهادینه شدن حضور مدیران شهری در رشته برنامه ریزی شهری، پیروی از الحظن بین المللی مدیران شهری و تدوین قسمنامه ای برای مدیران شهری تأکید کرد.

غلامرضا نائی نژاد، معاون توسعه مدیریت شهری شهرداری تهران با اظهار این مطلب که مدیریت شهری همواره با چالشهایی جدی مواجه بوده است، گفت: «قوانین میان شهروان و شهرداری همواره چالشهایی را به دنبال داشته است. به طوری که فعالیت شورای شهر تنها در جهت حل مسائل و مشکلات شهرداری است.»

مشکل دیگری که در زمینه مدیریت شهری وجود دارد، بی توجهی به ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم توسعه است که بر توسعه شهری یا حکومت محلی تأکید کرده ولی تاکنون اقدامی ماهیت دولت، متمرکز بودن نظام امور و کمبود سرمایه های اجتماعی از موانع حاکمیت محلی یا حکومت یاری است

برای شکل گیری این حکومت محلی صورت نگرفته است.»

وی در ادامه گفت: «چنانچه قرار باشد موانع توسعه مدیریت شهری از میان برداشته شود، باید ظرفیتهای قانونی در این زمینه توانمند گردانند. وی در تشریح این که توسعه مدیریت شهری نیازمند به کارگیری شاخصه های مؤثر در این زمینه است، افزود داشت: «در آسوزش و یادگیری مستمر، تعامل، پاسخگویی و مشارکت تحکیم باید هماهنگ با یکدیگر به کار گرفته شود. همان گونه که این روند در اداره محلی و ناحیه ای، کلان شهرهای جهان شتاب گرفته است، ما نیز نیازمند این گونه مشارکتهای مردمی هستیم.»

معاون توسعه مدیریت شهری شهرداری تهران ایجاد توسعه پایدار را در گرو ایجاد ناحیه محوری دانست و گفت: «در پیاده کردن مثل ناحیه محوری در سطح کلان شهرها باید مقتضیات محلی، بومی و محیطی مورد توجه قرار گیرند. ضمناً شهرداریها که مستقیماً با شهروندان ارتباط دارند، لازم است در این زمینه آموزش ببینند.»

وی در مورد اینکه ایجاد ناحیه محوری نیازمندان است و نباید شتابزده یا آن برخورد کرد، گفت: «ناحیه محوری نباید به شکل ساختاری و اداری صورت بگیرد، بلکه باید به صورت مشارکتی آغاز شود. البته این امر مستلزم فرهنگ سازی و مرور زمان است.»

وی در پایان گفت: «نخستین گام مدیران شهری در راه طرح

ناحیه و منطقه محوری، نوعی احساس نیاز به مشارکت شهروندان و تحکیم در سیستم مدیریتی است.»

در ادامه جلسه اجرایی طرح تجمیع سازی در منطقه ۱۰ شهرداری تهران مورد بررسی قرار گرفت.

طرح تجمیع سازی در قالب، بند برتبه سازی برای نخستین بار در این منطقه به اجرا در خواهد آمد. اهداف این طرح عبارتند از: رفع مشکلات ترافیکی و آلودگی هوا، افزایش سرانه خدماتی فضای سبز و توسعه محیطهای آموزشی - تفریحی، بازسازی بافت فرسوده، زیباسازی شهری و ایجاد فضای مناسب برای تسهیل در امور خدمات رسانی، کاهش تردد زائد و توسعه محیطهای ورزشی.

منطقه ۱۰ تهران با مساحت ۲/۲ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۲۵۰ هزار نفر یکی از آلوده ترین و پرترافیک ترین مناطق است که برای رهایی از این معضلات، تجمیع سازی با اصول درست از راهکارهای پیمانه بشمار می رود.

گیتی اعتماد، عضو هیئت مدیره نظام مهندسی استان تهران، در مورد خصوصیات طرح تجمیع و نوسازی در منطقه ۱۰ تهران بیان داشت: «منطقه ۱۰ تهران حداقل بین بزرگراه نواب، خیابان آزادی، خیابان قزوین و یادگان جای قرار گرفته است. شهرداری این منطقه پس از شهرداری منطقه ۱۷، یکی از متراکم ترین مناطق شهری تهران محسوب می شود، که به دلیل بافت فشرده و متراکم مسکونی با کمبود خدمات و کیفیت نامناسب محیط شهری روبه روست. توسعه منطقه بدین علت صورت می گیرد که قطعه بندی کوچک زمین و بافتهای نیمه روستایی قدیمی، آن را به یکی از نواحی جاذب اسکان طبقات متوسط کم درآمد تبدیل کرده است.»

وی در ادامه افزود: «به منظور تأمین حداقل خدمات برای جمعیت آنسوه منطقه باید میزان سرانه زمین مسکونی را از ۱۲/۷ به ۵/۶ متر مربع کاهش داد. یکی از راه حلهای مرسوم برای این امر، تجمیع واحدهای مسکونی و برافراشته آنها در ارتفاع و در نتیجه آزادسازی بخشی از زمین است. در شرایط کنونی، با توجه به تشکیلات موجود و توان و آگاهی شهروندان، این کار نیاز به تلاشی گسترده برای تأمین راهکارهایی اقتصادی، منطقی، علمی و بدون پیامدهای نامناسب اجتماعی دارد.»

اعتماد افزود: «گاه ساختن مرده منطقه و جلب مشارکت آنان از دلایل مهم برای ارتقای کیفیت محیط شهری و دسترسی مناسب به خدمات است.»

وی در پایان گفت: «با توجه به نیازها و ویژگیهای منطقه، استفاده از تجربه انبوه سازان و جلب مشارکت بانکها زیر نظر نهادهای مردمی و نمایندگان شورای محلی و شهرداری و مشاوران ذی صلاح و ترغیب ساکنان و مالکان برای سهمی شدن در اجرای این طرح، می تواند راهگشا باشد.»

شایان ذکر است که در این هم اندیشی به لزوم نگرش علمی روز در مدیریت شهری کشور تأکید شد تا عرصه جغرافیایی و قلمرو کارکردی شهرداریها گسترش یابد و اینکه در این راه به تلاش جدید و ویرانه های برای جلب مشارکت شهروندان بهر همبستگی از تشکیل سرمایه اجتماعی در گره گشایی از مشکلات فراینده شهری نیاز است. مورد توجه قرار گرفت.

در پایان این همایش پژوهشهایی در زمینه توسعه شهری در ژاپن و شهرسازی مشارکتی ارائه شد.

تنگناهای مالی شهرداریها و تدوین راهکارهای منابع مالی پایدار

تورج نادری



در نشست یکروزه نظام پایدار درآمد شهرداریها که توسط مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری سازمان شهرداریهای کشور برگزار شد، تنگناهای مالی شهرداریها بررسی و راهکارهایی برای منابع مالی پایدار شهرداریهای کشور ارائه شد.

مقیمی در ادامه افزود: «بحث و گفت‌وگوها و تحقیقات کارشناسی و پژوهشهایی که در این زمینه به انجام می‌رسد، می‌تواند راهگشای دستیابی به راه‌حلهای مناسب و عملی باشد و برای حل مشکل مالی شهرداریها و تأمین منابع مالی پایدار راه‌های مختلفی را به سوازات هم‌وینه نوعی که یکدیگر را بیوشانند و یاری کنند، به کار گرفت.»

وی مهم‌ترین دغدغه شهرداریها را در زمان حاضر توجه به توسعه نیروی انسانی و توجه به تأمین منابع مالی پایدار دانست و گفت: «در زمینه توسعه نیروی انسانی، هنوز نتوانسته‌ایم اقدامی کنیم ولی در مورد منابع مالی شهرداریها فعالیت بیشتری صورت گرفته است.»

در شهرهای بزرگ حریمها و فضاهای سبز به فروش می‌رسد، کاربریها تغییر داده می‌شود و سرانه‌ها زیوریا گذاشته می‌شود، برای تأمین منابع مالی هر آنچه از منابع طبیعی و غیرطبیعی که متعلق به آنهاست، مردم است، به پول تبدیل گردیده و با آن، نگاه داشتن شهرها در وضعیت کنونی امکان پذیر شده است، فشارهای بیش از حدی که در ساخت و سازها برای کسب درآمد به شهروندان وارد می‌شود، و نوع و میزان گرفتن عوارض خارج از قاعده، باعث تغییر نگرش فرهنگی مردم در مورد شهرداری شده است.»

مقیمی اضافه کرد: «باید به شهروندان هم خدمات‌رسانی

محمد حسین مقیمی، معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور و رئیس سازمان شهرداریهای کشور، در این نشست گفت: «۸۷۹ شهردار کشور که مدیریت شهر را به عهده دارند با وجود برنامه‌ریزیهای انجام شده و راهکارهای ارائه شده فقط توانسته‌اند - با همه احساس مسئولیتی که به خرج داده‌اند - شهرهای کشور را با وضعیت کنونی اداره کنند و حدود ۹۵ درصد از مدیران شهری کشور برای اداره شهرهایشان با مشکلات جدی مالی مواجه هستند حتی بعضی از مدیران شهری فقط برای اداره عادی شهر، بدون اینکه بتوانند به توسعه و پیشرفت شهر توجهی داشته باشند، دچار مشکلات عدیده مالی هستند.»

وی خاطرنشان کرد که مشکلات درآمدی شهرداریها باید به صورت ریشه‌ای و پایدار حل شود، نظریه‌های مختلفی چون: پرداخت هزینه شهرنشینی از سوی مردم، افزایش اختیارات از سوی دولت به شوراها، بررسی هزینه‌های شهرداریها، تأمین منابع مالی شهرداری به وسیله دولت و تقاضای آنها در مورد حل شدن مشکلات مالی شهرداریها مطرح شده است.

این در حالی است که هر کدام از این راه‌ها در یک منطقه به نتیجه نخواهد رسید؛ و ممکن است در یک منطقه راه‌حل اولی کارگشا باشد و در منطقه دیگر راه‌حل دومی به کار آید، با اصلاح در برخی از مناطق تمامی راه‌حلهای ذکر شده کارایی خوبی داشته باشند.

کرد. بنابراین از هر راهی که ممکن بوده سعی شده است که اعتبار لازم برای هزینه‌های جاری شهرداریها فراهم شود. در نتیجه شهرداریها برای کسب درآمد، اسواول در اختیارشان را حراج کرده‌اند.

در ادامه این نشست احمد تولایی، معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداریهای کشور، در خصوص عدم فروش تراکم در تهران گفت: «پایمدهای نامطلوب این امر در بخش مسکن، به خصوص در به وجود آمدن تورم کاذب در افزایش قیمت مسکن کاملاً آشکار است. تنها اثر مثبتی که این کار داشته، بحث مسائل مالی شهرداریها و نیازهای مالی آنها در سطوح عالی تصمیم‌گیری سیاسی کشور بوده است. به گونه‌ای که در شرایط فعلی، دولت به حل مشکلات مالی شهرداریها توجه خاصی پیدا کرده است.»

وی با اشاره به اقدامات دولت به منظور ایجاد نظام درآمدی جامع و فراگیر و پایدار برای شهرداریها، گفت: «بازار راه راهکارهای کارشناسی و دست‌یافتنی می‌تواند به ایجاد منابع پایدار مالی برای شهرداریهای کشور کمک فراتوانی کرد.»

مسئور علمی زاده، کارشناس مسائل شهرداریها، ادامه داد: «به علت ناشناخته بودن مشکلات شهرداریها و جایگاه‌شان، دیدگاه‌های مختلف و متضادی نسبت به شهرداریها بروز می‌شود که این امر به رغم تلاشهای وزارت کشور در پیشبرد جایگاه شهرداریها، به تضرر رساندن اهداف رایا مانع روبرو می‌سازد.»

رشید اصلانی، مشاور شورای شهر تهران، در این زمینه گفت: «به رغم تمام حوادث غیرمتوقعی که رخ داده است مدیران کشور ما هیچ وقت به فکر اجرای مدیریت استراتژیک نبوده‌اند. به طور مثال، تاکنون تجربه چندین زلزله و حوادث مختلف در کشور رخ داده ولی مثلاً عملکرد مدیران اجرایی ۴۰ سال پیش در مورد حادثه زلزله بوئین زهرا با عملکرد مدیران اجرایی فعلی هیچ گونه تفاوتی نکرده است.»

تهران به دلیل جاذبه‌های اقتصادی، و دیگر جاذبه‌های پدید آمده شهری، مهاجرپذیر است. در نتیجه اداره شهر مستلزم یکسری کارهای وسیع از جنبه‌های مختلف است تا بتوان برای آن برنامه‌ریزی کرد.»

وی با توجه به اهمیت مدیریت شهری گفت: «قانون تدوین شده برای شهرداریها متعلق به سال ۱۳۳۴ است و اصلاحات انجام شده بر روی آن نیز به سال ۱۳۴۵ برمی‌گردد. به رغم تحولات محیط هیچ تغییری در سیستم ایجاد نشده است. به همین دلیل هیچ برنامه‌ای هم برای اداره شهر وجود ندارد. بودجه شهر در بردارنده بعد درآمد و بعد هزینه است. متأسفانه در این میان به کارایی، اثربخشی، و همچنین به زمان‌بندی و قیمت تمام شده پروژه‌های شهری هیچ‌گاه توجه نشده است. هزینه‌ها قابل‌فرض می‌شوند اما هزینه انجام هر طرح به ازای هر لحظه تأخیر در به پایان رساندن آن، به دلیل مسائل تورمی اقتصاد، افزایش پیدا می‌کند.

در مورد تصویب و اجرای پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی، به خصوص در تهران، هیچ‌گونه اثربخشی و تعاملی دیده نمی‌شود.

حتی زمان‌بندی درست و برآورد منطقی نیز در مورد اجرایی بسیاری از پروژه‌ها وجود ندارد و تاکنون هزینه تمام این نارساییهای مدیریتی را شهروندان پرداخت کرده‌اند.

عدم شناخت دقیق نقاط ضعف و کاستیهای شهرداریهای کشور و همچنین قوانین کهنه و ساختار دیوان سالاری در آنها، از دیگر دلایلی است که آهنگ روند رو به رشد شهرداریها را کند کرده و در برخی از عرصه‌ها حتی متوقف ساخته است.

هادی زینوز، استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، در این نشست گفت: «طی مطالعاتی که تاکنون در زمینه مسائل مالی - اقتصادی شهرداریها انجام شده است، به نظر می‌رسد نظام درآمدی و مالی شهرداریها در دنیا اصولاً از نظریه‌های علمی بیرونی می‌کند ولی کشور ما فاقد این منبع علمی در نظام درآمدی و مالی است.

این درحالی است که چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای پیشرفته بر روی علمی کردن و روزآمد ساختن سیستمهای درآمد و مالی به خوبی کار کرده‌اند. لیکن شهرداریهای کشور به دلیل نداشتن مبانی علمی و دیدگاه استراتژیک در زمینه مسائل مالی و درآمدی از سایر کشورهای دنیا نیز نمی‌توانند الگوپذیری کنند و آن را با سیستم مالی کشور تطبیق دهند.

یکی از اهداف نظام مالی تراز کردن منابع درآمدی و هزینه‌هاست و اهداف دیگر بهبود مستمر در کیفیت و کارایی خدمات رسانی است.

نظام مالی شهرداری باید دارای ثبات، تعادل منطقی و تحلیل درست از واقعیات پیش‌بینی شده باشد. ادامه جلسات با ارائه دیدگاهها و بحث و بررسی کارشناسی ادامه پیدا کرد و کلیه حضار بر محورها و مسائل زیر تأکید کردند: ۱- مشخص شدن جایگاه شهرداریها؛ ۲- لزوم توجه دولت به مدیریت شهری، بازنگری قانون شهرداریها؛ ۳- اصلاح ساختار مالی شهرداریها؛ ۴- ساخت و تبیین وظایف شهرداریها؛ ۵- آموزش شهروندان و کارکنان شهرداریها؛ ۶- جلب مشارکت مردمی و بخش خصوصی؛ ۷- کاهش هزینه شهرداریها؛ ۸- ادامه راهکارهای منابع مالی پایدار برای شهرداریها؛ و جز اینها.

در پایان جلسه بهرام وهابی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، ضمن جمع‌بندی موضوعات جلسه، اظهار داشت: «با توجه به ریشه‌های این بحران اقتصادی، شهرداریها باید در این زمینه راهکارهایی اتخاذ کنند که علاوه بر تشریح ایجاد بحران، به ریشه و عامل ایجاد این بحران نیز بپردازد.»

در پایان، وی در خصوص وظایف شهرداریها خاطر نشان کرد: «از جمله مشکلاتی که وجود دارد، تداخل وظایف سازمانهای دیگر با شهرداریهاست. به عبارت دیگر، سازمانها و دستگاههای اجرایی مختلفی وجود دارند که وظایف گوناگونی را در کشور در ابعاد ملی، منطقه‌ای و محلی در سطح شهر و روستا انجام می‌دهند. برخی از این فعالیتها با فعالیتها و سیاستگذاری شهرداریها تداخل ایجاد می‌کند. از آن جمله است آب و فاضلاب که در سایر کشورهای دنیا، عموماً زیر نظر شهرداریهاست.»



افزایش قیمت قیر،

مشکلی که بر مشکلات شهرداریها اضافه شد

سحر شقاقی



افزایش قیمت قیر که با هدف واقعی کردن قیمتها مطابق با برنامه سوم توسعه کشور صورت گرفت، برای شهرداریها که می‌بایست خود گلیم‌شان را از آب بگیرند، تأثیری جز پیامدهای منفی به دنبال نداشت.

البته طراحان این موضوع با اطلاع از مشکلات درآمدی شهرداریها و آثار منفی اجرای این تصمیم - نظیر توقف عملیات آسفالت معابر، تعطیلی کارخانه‌های آسفالت و ابسته به شهرداریها و بیکاری بخشی از نیروهای فعال در این بخش - اعطای مابه‌التفاوت قیمت افزوده شده را به شهرداریها به عنوان جایگزین خلاصه وجود آمده مطرح کردند اما به زعم شهرداریها این موضوع تنها مسکنی است برای خلاصه وجود آمده، تارفته رفته موضوع در گسرو دار سایر حوادث سیاسی و اجتماعی به فراموشی سپرده شود و این نیز به دیگر مشکلات شهرداریها اضافه گردد.

در این گزارش کوشش شده است که موضوع افزایش قیمت قیر و تبعات ناشی از آن از زبان طراحان طرح یاد شده و برخی شهرداریها مورد بررسی قرار گیرد.

آن، افزایش قیمت بیع فرآورده اصلی - شامل بنزین، نفت کوره، نفت سفید، گاز مایع و گازوئیل - به میزان بیش از ۱۰ درصد نسبت به قیمت سال قبل ممنوع اعلام شده بود. در این شرایط مجلس قانونی را به تصویب رساند که به دولت اجازه می‌داد قیمت سایر فرآورده‌های نفتی غیر اصلی را واقعی سازد و آن را به قیمت جهانی عرضه کند. این قانون که در جای خود قانونی مترقی و منطبق بر منافع ملی است، در اجرا برای برخی از سازمانهای خدماتی و به ویژه خدمات شهری که توانایی دریافت مابه‌التفاوت قیمت فرآورده‌های غیر اصلی منطبق با قیمتهای جهانی و قیمتهای یارانه‌ای را از مصرف کنندگان ندارند، مشکلاتی را ایجاد کرد.

از جمله این سازمانها شهرداریهای سراسر کشور هستند که توانایی دریافت سریع قیمتهای واقعی شده این کالاها را از مردم ندارند. در این حالت نود و شصت پیش می‌آید، اول، کاهش فعالیت‌های آسفالت کاری و دوم دریافت کامل وجه آن از مشتریان.

همان طور که گفته شد، دریافت قیمت واقعی قیر از مصرف کنندگان دست کم در کوتاه مدت دشوار است. بنابراین تنها راه باقی مانده برای شهرداریها کاهش حجم فعالیتهاست. این اقدام نیز به دلیل شرایط اجتماعی - فرهنگی و همچنین وضعیت نابسامانی که خیابانهای شهرها با آن مواجه‌اند، و با توجه به

فضالیتهای اقتصادی در هر مجموعه‌ای بر اساس همان روندی که در گذشته داشته‌اند برای آینده برنامه ریزی می‌شوند و در واقع تغییر ناگهانی و پرشتاب در یکی از متغیرهای مربوط به فعالیت می‌تواند برنامه‌های از پیش تعیین شده را مختل سازد. یکی از وظایف شهرداریها رسیدگی به امور عمرانی شهرها، از جمله آسفالت معابر اصلی و فرعی است. اصلی‌ترین ماده مورد نیاز برای انجام این کار نیز، قیر است.

قیر یکی از مشتقات نفت است که تولید آن در انحصار دولت و شرکت ملی نفت قرار دارد و به صورت انحصاری نیز توزیع می‌شود. قیمت گذاری این کالا در سالهای گذشته به گونه‌ای بود که با نوعی یارانه پنهان همراه بود و ارزیابی نسبی این کالا موجب شده بود تا شرایط برای انجام فعالیتها به وسیله شهرداریهای کشور روند نسبتاً مطلوبی پیدا کند و شهرداریهای کشور بر اساس روندی که از دهها سال قبل وجود داشت وظایف خود را در این عرصه انجام می‌دادند. گستردگی حجم فعالیت‌های آسفالت کاری موجب شده بود که در همین شرایط نیز عموماً کار با دشواری صورت پذیرد و در واقع محدودیت منابع در آمدی شهرداریها تکافوی انجام فعالیتها را آن گونه که باید و شاید، نمی‌داد.

این در حالی بود که در نیمه دوم سال ۱۳۸۰ بر اساس قانون برنامه سوم توسعه در زمینه واقعی کردن قیمت کالاهای متعلق به شرکت نفت، بحثهایی در دولت صورت پذیرفت که بر اساس

افزایش عمومی استفاده از خودرو در کشور، غیر ممکن است.

هم اکنون با افزایش هزار درصدی قیمت قیر، بسیاری از کارخانجات آسفالت تعطیل شده است. به اعتقاد اعضای انجمن صنفی آسفالت ایران، افزایش هزار درصدی قیمت قیر، موجب توقف امور عمرانی و به خصوص راهسازی شده است.

در کلان شهرهایی مانند تهران، شیراز، مشهد، کرج، اصفهان و تبریز بین ۱۶۰ تا ۳۰۰ کارخانه تولید آسفالت وجود دارد و نزدیک به دو هزار واحد تولید آسفالت در کشور از قیر به طور مستقیم استفاده می کنند؛ هر گونه اختلال در فعالیت این واحدها موجب بیکاری یکصد هزار نفر خواهد شد. همچنین حدود ۵ هزار کامیون قیرکش در سطح کشور وجود دارند که در



ساختهای ۵۰ تا ۱۵۰۰ کیلو متر تردد می کنند. افزایش قیمت قیر برای اینان نیز مشکلات فراوانی را به همراه می آورد که معنای اصلی این موضوع را کد شدن امور عمرانی - و به تبع آن، شیوع بیکاری - است. از طرفی، طبق تصمیم دولت در افزایش قیمت فرآورده های نفتی قرار شد که مابه التفاوت افزایش قیمت قیر پرداخت شود ولی تاکنون هیچ خبری مبنی بر پرداخت این مابه التفاوت به شهرداریها درج نشده است.

توقف پروژه ها - افزایش هزینه های عمرانی

مصطفی زرد، مشاور شهردار اصفهان، با بیان این مطلب که هنوز مابه التفاوت افزایش قیمت قیر به شهرداریها پرداخت نشده است می گوید: در سال ۱۳۸۰ مجموع اعتبار آسفالت در معابر اصلی و فرعی ۲۷ میلیارد ریال بوده و بودجه اسفند نیز ۲۹ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است. این در حالی است که هزینه تولید، بخش و حمل هر تن آسفالت در سال گذشته ۵۲ هزار ریال بوده و اسفند این رقم به ۱۴۰ هزار ریال بالغ گردیده است. قیمت قیر مصرفی نیز سال گذشته در هر تن ۸۵ هزار ریال بوده که اسفند به ۸۵۰ هزار ریال رسیده است.

وی می افزاید: «نیاز شهرداری اصفهان به قیر اسفند ۲۴ هزار تن است، که با توجه به افزایش قیمت آن تنها ۵۰ درصد پروژه های پیش بینی شده قابل اجرا است. در واقع شهرداری اصفهان رقمی نزدیک به ۲۷ میلیارد ریال نسبت به بودجه پیش بینی شده کسری دارد ولی هنوز قولی که از طرف دولت بابت پرداخت مابه التفاوت داده شده، عملی نشده است.»

این در حالی است که قرار شده است کمیته ای در دولت این تصمیم وزارت نفت را جبران کند و قیمت مابه التفاوت قیر را

بپردازد.

از سوی دیگر، کمیسیون برنامه و بودجه بر اساس اختیار تفویضی مجلس، قانون مقررات مالی دولت را برای یک دوره چهار ساله تصویب کرد که بر اساس آن دولت مکلف شد ۱۵۰۰ میلیارد ریال از درآمدهای نفتی از فروش فرآورده های نفتی را به خزانه واریز کند. افرادی که این تصمیم دولت داره، این است که قابلیت تأمین و تحقق این درآمد، کارشناسی نشده است و دولت را مجبور به افزایش بی رویه بهای برخی فرآورده ها از جمله قیر کرده است.

اشکال دیگر کمیسیون برنامه و بودجه این است که چرا یارانه ۸۰۰ میلیارد ریالی حاصل از درآمد مذکور فقط به وزارت راه و ترابری اختصاص داده شده است. در صورتی که علاوه بر بخش خصوصی، شهرداریها و برخی از سازمانهای دیگر و همچنین مردم در امور ساختمانی از قیر استفاده می کنند.

در صورت تحقق این تصمیم، بسیاری از پروژه ها با مشکلات جدی هزینه های مواجه می گردند و امکان رکود در بخشهای مذکور به وجود خواهد آمد.

به گفته کارشناسان، شرکت نفت می تواند برای تأمین درآمد پیش بینی شده در قانون، تریبی دهد که بهای همه فرآورده های نفتی به طور متعادل اضافه شود و میزان عرضه محصولات در سال ۱۳۸۱ در حدی تعیین گردد که نیازی به افزایش ده برابر قیر مصرفی نباشد.

جبران افزایش قیمت قیر با عوارض بنزین

مسئولین پارلمانی وزارت نفت چندین پیشنهاد اعلام کرد که بر اساس نامه شماره ۱۸۶۱ در تاریخ دوازدهم اسفند ۱۳۸۰ در قالب قانون، به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی

افزایش قیمت قیر اسبب جدی به آسفالت معابر - به خصوص در حاشیه شهرها و محله های فقیر شهر - رسانده است

اجازه داده شد که به منظور حفظ و صیانت از سرمایه های ملی، قیمت فرآورده های نفتی را - به جز نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره، بنزین و گاز طبیعی مصرفی داخل کشور - بر اساس قیمت های جهانی و با رعایت صرفه و صلاح کشور تعیین کند. بر اساس ماده ۳۹ همین قانون، عوارض ده شاهی دولتی بنزین که به شهرداریها پرداخت می شد، به مبلغ پنجاه ریال تعیین یافت و در نتیجه اکنون حدود ۹۰۰ میلیارد ریال از این بابت تحت عنوان عوارض بنزین به شهرداریها پرداخت می شود.

این در حالی است که مشاور شهردار اصفهان معتقد است افزایش قیمت بنزین تأثیر جدی در بهبود وضعیت نداشته است و جبران هزینه های سرسام آور آسفالت خیابانها را بعد از افزایش قیمت قیر نمی کند.

تأثیرات افزایش قیمت قیر طولانی مدت است

با توجه به شرایط کشور و افزایش روز به روز تورم، هر اقدامی در خصوص افزایش ضربتی و هزار درصدی کالاهای



اساسی، تأثیرات جبران ناپذیری بر جامعه و به خصوص قشر محروم بر جای می‌گذارد.

به گفته پیمان سنندجی، شهردار سنندج، افزایش قیمت قیر آسیب جدی به آسفالت معابر - به خصوص در حاشیه شهرها و محله‌های فقیر شهر - رسانده است. به گفته وی، تنها کارخانه فعال قیر سنندج متعلق به شهرداری است و بخش خصوصی جوایگوی نیاز آسفالت شهر نیست. مابه‌التفاوت برداختی به وسیله دولت هم تکافوی نیازها را نمی‌دهد و فقط جوایگوی نیاز یک نقطه از شهر است. از طرفی این اقدام زمان اجرای پروژه‌ها را طولانی کرده و منجر به افزایش هزینه پروژه‌ها شده است. مسئله افزایش قیمت قیر فقط محدود به کاهش فعالیت آسفالت کاری نیست. تأثیرات این تصمیم، در بخش حمل و نقل و

در یافت قیمت واقعی قیر از مصرف کنندگان دست کم در کوتاه مدت دشوار است. بنابراین تنها راه باقی مانده برای شهرداریها کاهش حجم فعالیتهاست. این اقدام نیز به دلیل شرایط اجتماعی - فرهنگی و همچنین وضعیت نابسامانی که خیابانهای شهرها با آن مواجه اند، و با توجه به افزایش عمومی استفاده از خودرو در کشور، غیر ممکن است

شرکتهای حفاری نیز نمود می‌یابد چرا که با افزایش قیمت قیر، حمل و نقل آن گران تر می‌شود و تخریب آسفالت برای انجام فعالیتهای زیربنایی دیگر، هزینه بیشتری می‌برد. افزون بر این، آماده سازی شهرکهای اطراف سنندج با افزایش قیمت قیر به صورت تیمه کاره رها شده و فعالیتهای ساخت و ساز ممکن تحت الشعاع قرار گرفته است.

شهرداری کاشان یکی دیگر از شهرداریهای سراسر کشور است که بودجه خود را بر طبق روال قانونی تا پایان دی ماه به شورای اسلامی شهر ارسال کرده بود و پس از بسته شدن بودجه با موضوع افزایش قیمت قیر مواجه شد.

عطایی نژاد، معاون اداری - مالی شهرداری کاشان، در این زمینه چنین می‌گوید: «قدرت سلیم، آنچه که باعث شد لایحه افزایش قیمت قیر با طرح دوفوریتی در مجلس بیرون نرود استفاده‌ها و رانت خواری‌هایی بود که به وسیله اشخاص حقیقی و حقوقی انجام می‌گرفت. ولی آنچه که در این طرح

نمی‌توان درک کرده، این مسئله است که شهرداریها بخش عمده‌ای از وظایف دولت را در شهرها بر دوش می‌کشند، در حالی که حتی اندک خدمتی هم از جانب دولت دریافت نمی‌کنند!

وی می‌افزاید: «شهرداری کاشان در اولین سال اجرای برنامه سوم توسعه موظف شد یک میلیون متر مربع از معابر را آسفالت کند و برای معابر اصلی مبلغی که در بودجه در نظر گرفته شده بود ۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال بود. این کار عمدتاً باید به وسیله کارخانه آسفالت شهرداری انجام می‌شد. در واقع ما به مردم قول دادیم که یک میلیون متر مربع را آسفالت کنیم ولی با این اقدام دولت در افزایش قیمت قیر که باعث گردید سه برابر به قیمت آسفالت اضافه شود، به جای ۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال باید ۲۵ میلیارد ریال بول برداخت شود؛ و این مابه‌التفاوت قیمت هنوز به شهرداری پرداخت نشده است. حال با توجه به اینکه شهر کاشان اخیراً با مشکل سیل مواجه شده و تمام معابر نیز از این قضیه آسیب جدی دیده‌اند و از طرفی ۵۰ درصد از مبلغی را که برای آسفالت معابر فرعی در نظر گرفته شده است مردم پیش برداخت کرده‌اند، تعهدات شهرداری کماکان باقی مانده است.»

عطایی نژاد گفت: «برخلاف سایر خریدهای شهرداری که با وعده و تقصیر انجام می‌شود، بول قیر باید نقداً به حساب شرکت نفت پرداخت شود. اکنون تحت چنین شرایطی، پرداخت نقدینگی یکجا تبدیل به معنیل سزگی برای شهرداریها شده است. تنها اقدام دولت در این زمینه این است که شرکت ملی نفت سه ماهه برای پرداخت نقدینگی ناشی از خرید قیر داده است.»

وی در پاسخ به این سؤال که دولت تا چه میزان اقدام به پرداخت مابه‌التفاوت کرده است، گفت: «شهرداری کاشان طبق تعهدات خود کار آسفالت معابر را شروع کرده و ۴۰ درصد از عملیات خود را به پایان برده است؛ ولی با اتمام این اوصاف دولت تنها ۲۵ میلیون ریال در قبال هزینه ۵ میلیارد ریالی به حساب شهرداری واریز کرده است. قطعاً با ادامه وضعیت فعلی، کار عمران و آبادانی شهر متوقف خواهد شد و این مسئله نیز مشکلات زیادی را برای شهرداریها و مردم ایجاد خواهد کرد.»

قاعدتاً هر اقدامی در جهت کاهش و یا توقف فعالیتهای عمرانی در شهرداریها موجب ناراضی شهروندان و بروز شکاف عمیق بین مردم و دولت خواهد شد. آسفالت خیابانها مربوط به خدمات رفاهی است. مستقیم شهرداریها به مردم می‌شود و بدین ترتیب شهرداریها بخش اعظم وظیفه عمران و آبادانی شهرها را بر دوش دارند. خیال با ادامه وضعیت فعلی و گران شدن قیمت قیر، با از تعداد پروژه‌های عمرانی کم خواهد شد و یا گسری موجود می‌بایست از طریق مردم جبران گردد؛ که در هر دو حالت زیان ناشی از آن را مردم تحمل خواهند کرد.

با افزایش فعالیتهای عمرانی در شهرها قاعدتاً چنین اقدامات شوک آوری به نیمه کاره رها شدن پروژه‌ها می‌انجامد و این اقدام خود به افزایش هزینه‌ها منجر خواهد شد و تا زمانی که مردم را در پی خواهد داشت. به تبع این امر، شکاف بین شهرداری و شهروندان بیشتر می‌شود و همچنان بر مشکلات شهرداریها افزوده می‌گردد.

با توجه به مطالب ذکر شده، لزوم تسریع در اجرای ماده ۱۳۴ در هماهنگ سازی فعالیتهای وابسته به مدیریت شهری، خصوصاً فعالیتهای عمرانی، بیش از پیش ضروری می‌نماید.

پانزدهمین همایش
معاونان خدمات شهری مراکز
استانهای کشور در اراک برگزار
شد.

در این همایش، که مدیران
عامل سازمانهای آتش نشانی
مراکز استانها در آن حضور
داشتند، موضوعاتی چون
بررسی مشکلات آتش نشانیها،
ایمنی در پارکها و تفرجگاههای
شهری و ایمنی قنوت،
رودخانهها و جویبارهای داخل
شهر مورد بررسی قرار گرفت.

بررسی مشکلات و موانع آتش نشانی و خدمات ایمنی در کشور گزارشی از پانزدهمین گردهمایی معاونان خدمات شهری مراکز استان

فهیمة مزینانی

همراهنگ شود و شوراها از اختیارات لازم برای نظارت بر امور
شهری بهره مند گردند.

بیات، معاون امور عمرانی استانداری، نیز در این همایش با
اشاره به ضرورت خصوصی سازی در شهرداریها گفت: «معاونت
خدمات شهری یکی از بخشهای مهم شهرداریهاست و مسئله
تصدی گری در این بخش بیش از سایر بخشها زیان آور است. ما
اصلاح این امر می توان نقش مؤثرتری در مدیریت شهری
داشت، چرا که پرداختن به امور جزئی فرصتی برای
برنامه ریزیهای کلان نمی گذارد. به همین دلیل است که باید
بدنه شهرداریها کوچک شود.

سجید عبداللہی، معاون سردبیر فصلنامه فرهنگ ایمنی، در
ادامه همایش سخنانی درباره ضرورت حاکمیت ایمنی در شهرها
بیان کرد.

وی بحث ایمنی شهری را در بر گیرنده مجموعه تمهیداتی
عنوان کرد که هدف آن جلوگیری یا کاهش آثار جانی و مالی
ناشی از بروز حوادث طبیعی و غیر طبیعی در محیطهای شهری
است و باید به طور جدی از یک سو، سطوح عالی و حاکمیتی
کشور، و از سوی دیگر در سطوح مدیریتهای محلی یا شهرداریها
مورد توجه قرار گیرد.

عبداللہی همچنین خاطر نشان ساخت: «امروزه بسیاری از
شهروندان به دلیل زندگی در محیطهای شهری در معرض
خطرهایی بسیاری قرار گرفته اند، که عمده ترین آنها ناشی از
آتش سوزی است. در عین حال، با توجه به روند ناموزون و
شتابنده توسعه شهری در کشورهای جهان سوم، و از جمله کشور
ما، مشاهده می شود که اکثر شهرهای ایجاد شده در معرض
بلایای طبیعی قرار دارند و مثلاً برای جلوگیری از خطر

در ابتدای همایش، محمودی شهردار اراک، به حضور
کمترنگ شهرداریها در مراکز تصمیم گیری برای بیان مشکلات
و دفاع از حقوق شهرداریها اشاره کرد و گفت: «بررسی مسائل و
مشکلات شهرداریها و تبادل دیدگاهها و تجربیات مختلف در
چنین نشستهایی نقش مؤثری در حل مشکلات خواهد داشت. با
اطلاع رسانی و برقراری ارتباط صحیح با مراجع تصمیم گیری
می توان در اتخاذ سیاستهای کلی دولت برای شهرها حضور
بیشتری داشت.»

وی در ادامه به اهمیت سازمانهای آتش نشانی در شهرها و
ایمنی شهروندان اشاره کرد و افزود: «تشکیل سازمان مرکزی
آتش نشانی، تخصیص منابع درآمدی جدید، ارتقای سطح علمی
یروئتل آتش نشانیها، تأسیس دانشگاه و مراکز آموزشی مربوطه، و
تهیه لباس فرم یکنواخته، از جمله مهم ترین نیازهای این بخش
است که باید مورد توجه قرار گیرد.»

محمودی همچنین در خصوص واگذاری وظایف جدید به
شهرداریها بر اساس ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم توسعه گفت:
«در صورت تحقق این امر در نقطه ای قرار خواهیم گرفت که
شهرداریها در سال ۱۳۴۰ قرار داشتند، چرا که کنیه وظایف
پیش بینی شده در این قانون در گذشته بر عهده شهرداریها بوده و
به مرور در طول زمان از شهرداریها جدا شده است.»

وی افزود: «برای واگذاری وظایف جدید می بایست
کارشناسی لازم انجام شود و منابع درآمدی لازم پیش بینی گردد.
همچنین باید ساختار سازمانی شهرداریها مورد بازنگری جدی
قرار گیرد، چرا که در زمان حاضر در حدود پنج و نیم درصد از
نیروهای شهرداریها تحصیلات لیسانس و بالاتر دارند، نکته
دیگر اینکه باید اقدامات بخشهای مختلف متولی امور شهری

آتش سوزی اقدامی در آنها انجام نشده است».

ساختار مدیریت ایمنی کشور ایجاد کرده است. البته وزارت کشور به عنوان مسئول تأمین ایمنی شهرها و شهروندان اقداماتی در این خصوص انجام داده و بر اساس ماده ۴۴ قانون برنامه توسعه سوم لایحه قانون هماهنگی امور ایمنی کشور را تدوین کرده است. تا بدین وسیله مدیریت ایمنی حوادث و سوانح به طور کلان و ملی رهبری شود.

وی همچنین خاطرنشان ساخت: «به علاوه، قرار بر این است که سازوکارهای ملی ایمنی و آتش نشانی برای مدیریت آتش نشانیهای کشور تشکیل شود و برنامه‌های استانی و ملی

وی افزود: «در مقایسه با سایر کشورهای دنیا در مقابله با آتش سوزی و تخصص منابع مالی و انجام تحقیقات علمی در این زمینه، مشخص می‌شود که شهرهای ما تا چه اندازه آسیب پذیرند؛ چرا که در زمان حاضر هیچ رشته دانشگاهی در زمینه مهندسی ایمنی یا حریق برای تربیت نیروی متخصص وجود ندارد. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته صدها عنوان نشریه تخصصی در زمینه مدیریت بالابای طبیعی، ایمنی شهری و نظایر اینها وجود دارد.»



برای مدیریتهای منطقه‌ای و محلی تدوین گردد.

عبداللهی بود نظام آموزشی برای تربیت نیروی متخصص را از دیگر مشکلات آتش نشانیهای کشور دانست و افزود: «شداشتن نظام پژوهشی و تحقیقاتی برای تدوین طرح جامع مدیریت ایمنی یکی دیگر از این مشکلات است. در زمان حاضر هیچ نشانی نسبت به نقاط آسیب پذیر شهرها وجود ندارد، حال آنکه در کشور ژاپن کتبه‌ها و برنامه‌ها پیشگیرانه است و آنان در واقع به دنبال جلوگیری از بروز آتش سوزی‌اند.»

کارشناس ارشد ایمنی وزارت کشور به عدم تدوین ضوابط و مقررات یکسان برای آتش نشانیها اشاره کرد و گفت: «این مسئله باعث شده است تا شهرها بر اساس میراث خود اقدام به طراحی و ساخت ایستگاههای آتش نشانی کنند.»

وی تصویب قانون ایمنی در مجلس و تشکیل سازمان مرکزی آتش نشانی را یکی از راههای حل مشکلات فعلی برشمرد و اظهار داشت: «آموزش نیز ضرورت دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد و مراکز استانها باید نسبت به آموزش ایستگاههای آتش نشانی در شهرهای خود اقدام کنند. همچنین آموزش شهروندان و جنب مشارکت آنها نقش مؤثری در بهبود ایمنی شهرها خواهد داشت. نکته دیگر جذب نیروهای جوان و کارآمد و با حداقل سطح تحصیلی دبیرم در آتش نشانیهاست؛ چرا که پیاده کردن نظام مدیریت ایمنی در شهرها نیازمند نیروهای آموزش دیده، تحصیل کرده و با نشاط است.»

عبداللهی در خصوص ضرورت افزایش تعداد ایستگاههای آتش نشانی گفت: «بر اساس استانداردهای جهانی می‌بایست برای هر ۵۰ هزار نفر جمعیت یک ایستگاه آتش نشانی وجود

عبداللهی به بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهر دارها اشاره کرد و گفت: «بر اساس این بند تأمین ایمنی شهر و شهروندان از خطر سیل و آتش سوزی به عهده شهرداریهاست و شهرداریها نیز فاکتور برای انجام این امر اقدام به تشکیل سازمان، اداره یا واحد آتش نشانی کرده‌اند. اما باید توجه داشت که به دلیل مسئله بحران مالی و شبه تقاضای بودن آتش نشانیها، می‌بایست توجه ویژه‌ای به این بخش مبذول داشت.»

همچنین وی با اشاره به وضعیت فعلی آتش نشانیهای کشور اظهار داشت: «در کشور ما در حدود ۶۵ میلیون نفر زندگی می‌کنند که ۶۴ درصد این جمعیت در ۸۷۹ شهر کشور ساکن هستند. با توجه به این مسئله باید ۸۸۰ واحد یا اداره آتش نشانی در سطح کشور وجود داشته باشد. در حالی که چنین نیست. نکته دیگر اینکه به طور متوسط سالیانه در حدود ۴۱ هزار و ۲۴۹ فقره آتش سوزی در کشور رخ می‌دهد که ۸۰ درصد این حوادث در مراکز استانها و کلان شهرها اتفاق می‌افتد. همچنین روزانه ۱۸ نفر در اثر آتش سوزی مجروح می‌شوند و در حدود ۴۵۰ میلیارد ریال در شهرهای کشور بر اثر آتش سوزی خسارت وارد می‌شود. تعداد نیروهای آتش نشانی کشور ۹ هزار و ۲۸۵ نفر است که ۷۹ درصد آنها نیروهای عملیاتی‌اند. متأسفانه ۷۰ درصد این نیروها از نظر سطح سواد زیر سیکل قرار دارند. همچنین به ازای هر یک نفر آتش نشان در حدود ۲۵۰۰ نفر جمعیت تحت پوشش خدمات ایمنی و آتش نشانی قرار گرفتند؛ و به این ترتیب تنها ۲۱ میلیون نفر از جمعیت کشور تحت پوشش هستند.»

عبداللهی نداشتن قوانین ایمنی و آتش نشانی در کشور را مورد تأکید قرار داد و گفت: «این مسئله مشکلات بسیاری را در

امروزه بسیاری از شهروندان به دلیل زندگی در محیطهای شهری در معرض خطرهای بسیاری قرار گرفته‌اند، که عمده‌ترین آنها ناشی از آتش‌سوزی است

در مقایسه با سایر کشورهای دنیا در مقابله با آتش‌سوزی و تخصیص منابع مالی و انجام تحقیقات علمی در این زمینه، مشخص می‌شود که شهرهای ما تا چه اندازه آسیب‌پذیرند؛ چرا که در زمان حاضر هیچ رشته دانشگاهی در زمینه مهندسی ایمنی یا حریق برای تربیت نیروی متخصص وجود ندارد

صدار و شبه‌نظامی، و باید همه دستگاهها در کنار یکدیگر در این زمینه بکوشند.

در ادامه این همایش، عبدلی مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی آراک در خصوص مشکلات آتش‌نشانی و خدمات ایمنی در سراسر کشور چنین اظهار داشت: «نداشتن قوانین آتش‌نشانی، جارت سازمانی، اساسنامه یکسان و این‌نامه مالی یکسان از جمله مشکلات موجود است. همچنین فقدان نیروهای تحصیلکرده، کمبود ایستگاههای آتش‌نشانی در شهرها، نداشتن خودروهای آتش‌نشانی مدرن کافی، عدم تجهیزات فردی و گروهی مناسب با حوادث و نداشتن امکانات در روستاها و صنایع حاشیه شهرها از دیگر مشکلات آتش‌نشانی است».

وی افزود: «مسائل دیگری چون عدم پرتلاخت عوارض سه درصد حق بیمه آتش‌سوزی از سوی شرکتهای بیمه، عدم کمک مالی صنایع حاشیه شهری به سازمان آتش‌نشانی در قبال خدمات رسانی به حوادث آنها و کمک نکردن ستاد حوادث غیرمترقبه استان برای خدمات رسانی به حوادث روستاها و جاده‌های خارج حوزه خدماتی شهرداریها نیز موانع موجود بر سر راه آتش‌نشانیهای کشور به شمار می‌آیند».

عبدلی در ادامه با اشاره به راهکارهای افزایش ایمنی شهرها گفت: «کلیه ساختمانها و تأسیسات شهری همواره در معرض حریق قرار دارند و باید اطلاعات کافی در خصوص احتمال خطر و دلایل بروز حریق و تجهیزات و تمهیدات لازم برای جلوگیری از آتش‌سوزی و کاهش تأثیرات آن در بخشهای مختلف شهرها جمع‌آوری شود؛ چرا که به هر حال بیش از ۸۰ درصد آتش‌سوزیها قابل پیشگیری است».

وی به علاوه به ضرورت ایجاد راه خروج دوم (اصطراعی) در ساختمانهای بلند اشاره کرد و گفت: «از آنجا که در صورت آتش‌سوزی در ساختمانهای بلند تفاوت جانی بیشتر است، باید نسبت به حذف موانع در پلکانهای عمومی برای خروج نود و گازهایی سمی اقدام شود و راههای فرار نیز تمهید گردد».

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی آراک به ضرورت توجه به مشارکت مردم و تشکلهای غیردولتی در تأمین ایمنی شهرها اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: «امروزه در اکثر کشورهای دنیا گروههای مردمی در هنگام بروز حوادث نقش مهمی در زمینه



نداشتن نظام پژوهشی و تحقیقاتی برای تدوین طرح جامع مدیریت ایمنی یکی دیگر از این مشکلات است. در زمان حاضر هیچ شناختی نسبت به نقاط آسیب‌پذیر شهرها وجود ندارد، حال آنکه در کشور ژاپن کلیه طرحها و برنامه‌ها پیشگیرانه است و آنان در واقع به دنبال جلوگیری از بروز آتش‌سوزی‌اند

داشته باشد؛ حال آنکه تعداد ایستگاههای ما بسیار اندک است و باید با اختیاری که وزارت کشور به این امر تخصیص داده است، تعداد ایستگاهها به سطح استانداردهای جهانی نزدیک شود».

عبداللهی ضرورت همکاریهای بین‌بخشی میان آتش‌نشانیها و سایر دستگاهها را مورد تأکید قرار داد و افزود: «در سایر کشورها آتش‌نشانی، اورژانس و نیروهای پلیس در قالب مدیریت واحد اداره می‌شوند اما در کشور ما چنین نیست. به همین منظور تفاهم‌نامه‌ای با اورژانس کشور، وزیر بهداشت و وزیر کشور امضا شده و امید است که همکاریهای لازم در این زمینه انجام شود؛ چرا که ایمنی شهری مقوله‌ای است بجز آن



اسنادرسانی، نجات افراد زیر آوار مانده و ارائه کمک‌های اولیه، پزشکی دارند و سایر عوامل تهدیدکننده زندگی انسانها مقابله می‌کنند، لذا ضروری است که از این کمک‌ها استفاده شود و گروه‌های آتش‌نشان داوطلب برای مواقع ضروری تشکیل گردد.»

عبدلی تدوین مقررات و قوانین پیشگیری از آتش‌سوزی را مورد تأکید قرار داد و گفت: «این مسئله منجر به کاهش خسارات جانی و مالی می‌شود و باید برای مقاوم‌سازی و ایمن کردن ساختمانها و تأسیسات، مقررات و ضوابط خاصی تهیه شود.»

ایمنی در پارکها و شهر بازیها

در ادامه همایش ذالکیان، مدیر عمل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان، با طرح موضوع موارد ایمنی در پارکها و شهر بازیها گفت: «در پارکها و محلهای سبز شهری به دلیل استفاده از سیستمهای آب و برق برای زیباسازی می‌بایست نکات ایمنی خاصی رعایت شود تا سلامت شهروندان به خطر نیفتد. از جمله این نکات می‌توان به گذراندن سیمها و کابل‌های برقی زمینی از داخل لوله‌های فولادی، و عایق شده در مقابل رطوبت، عایق کردن تمامی وسایل روشنایی، آب‌ناهما و اسباب بازیها در مقابل نشست آب حوضچه میدانیها و بارندگی، و استاندارد بودن وسایل برقی و اسباب بازیها برای جلوگیری از برق‌گرفتگی اشاره کرد.»

وی افزود: «همچنین می‌بایست محفظه‌هایی که برای سازبند کابلها و سرمت آنها بر روی بدنه تیرهای روشنایی و کابل‌های عبور کابلها نصب شده است دارای حفاظت قفلدار باشند تا موجب برق‌گرفتگی نشوند.»

وی در ادامه اظهار داشت: «چنانچه در پارکها مکانهای سرپوشیده خاصی مانند آلاچیق ساخته شده باشد که دارای کلید

مسائل دیگری چون عدم پرداخت عوارض سه درصد حق بیمه آتش‌سوزی از سوی شرکتهای بیمه، عدم کمک مالی صنایع حاشیه شهری به سازمان آتش‌نشانی در قبال خدمات رسانی به حوادث آنها و کمک نکردن ستاد حوادث غیرمترقبه استان برای خدمات رسانی به حوادث روستاها و جاده‌های خارج حوزه خدماتی شهرداریها نیز موانع موجود بر سر راه آتش‌نشانیهای کشور به شمار می‌آیند

و برسر هستند، می‌بایست برق اصلی از داخل تابلوی مخصوصی دور از اتاقک کنترل شود و به هنگام عدم استفاده، برق از محل تابلو قطع گردد.»

ذالکیان با اشاره به رعایت موارد ایمنی در خصوص شبکه آب پارکها گفت: «آب‌نماها، حوضها، استخرها و جویهای که آب فسرآوانی در آنها جاری است می‌بایست دارای حفاظت باشند؛ و چنانچه در مکانهای یاد شده روشنایی وجود دارد از ورود افراد به داخل آب به دلیل برق‌گرفتگی احتمالی جلوگیری گردد.»

وی ادامه داد: «همچنین در شهر بازیها باید کلیه وسایل بازی

برقی و مکانیکی قبل از استفاده عموم مورد آزمایش کامل قرار گیرند و این آزمایشها هر روز انجام شوند. از سوی دیگر باید توجه داشت که هر دستگاهی پس از چند ساعت کارکرد سرویس شود. عسر مفید هر دستگاه نیز که در دفترچه خرید آن ذکر شده است، باید همواره مورد توجه دقیق قرار گیرد.»

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی اصفهان در باره قایق‌رانی در دریاچه‌ها گفت: «قایق‌رانی باید گواهینامه مخصوص این کار را داشته باشند و به علاوه همواره باید نظارت کامل بر تعداد قایقها، نجات غریقان و عمق دریاچه‌ها صورت پذیرد. همچنین تعداد استفاده کنندگان از قایقها می‌بایست به اندازه ظرفیت آنها باشند و کلیه استفاده کنندگان دارای جلیقه نجات باشند.»

ذالکیان خاطر نشان ساخت: «باید اطراف و قسمت زیرین هر وسیله بازی در شعاع مشخصی عاری از وجود سنگ و اشیاء توک تیز باشند و پای سرسره‌ها، که محل برخورد افراد با سطح زمین است، با وسایل نرم مانند لاستیک یا اسفنج فروش شود.»

شایان ذکر است که در این همایش برنامه‌ها و سخنرانیهای جانی در خصوص موضوعات مدیریت کیفیت کاربرد ISO در مدیریت شهری و چگونگی پرداخت تسهیلات به شهر بازیها برای خرید وسایل آتش‌نشانی و خدمات ایمنی برگزار شد.



تندی‌سها، عنصر حیات بخش فضاهاى شهری

گزارشی از ضرورت و ضوابط نصب تندیسهای شهری

سیر و بس موسوی
زهرا عبدی

مکانهایی برای آرامش

در زندگی مثنوی کنونی که مردم بیشتر وقت خود را بیرون از خانه می‌گذرانند، در کنار فعالیتهای روزمره نیاز به مکانهایی برای آرامش و در عین حال تعامل اجتماعی دارند. فضاهای عمومی شهری - به خصوص میدانها، خیابانها و پارکها که اساسی‌ترین و بیشترین فضاهای عمومی شهری را تشکیل می‌دهند، می‌توانند بهترین مکانها برای جذب شهروندان جوانی، محیطی آرام و راحت خارج از خانه باشند. آسانهای شهرت‌نشین برای تعدیل فضاهای سنگین و ناآرام شهری نیازمند فضاهای آزاد، گوناگون و هماهنگ با مجموعه محیفا هستند. وجود این گونه فضاها برای پیشگیری از افسردگی، تنهایی و گناه نیز خوشبخت، بسیار مؤثر و ضروری است. فضاهای مطلوب علاوه بر آرام کردن و تعلیف روحیه افراد، به قوه تخیل آنها نیز کمک می‌کنند و زمینه‌ای را فراهم می‌آورند که هر انسانی برای درک موقعیت خود به آن نیاز دارد.

یکی از ناموس‌ترین هنرهای مورد علاقه بشر از قدیم تا کنون، هنرهای دیداری (بصری) بوده است. نقاشیهای دیواری، مجسمه‌های خدایان و حیوانات، خود از نمونه‌های موجود در فضاهای کثیف شده قدیمی و فضاهای جدید اجتماع انسانی هستند آنچه از این دسته مورد نظر این گزارش است. هنر مجسمه‌سازی و استفاده از آن در غنابخشیدن به فضاهای عمومی شهری است.

اداره‌ای به نام «حجم»

بر اساس آخرین اطلاعات موجود در «سازمان زیباسازی شهر تهران»، تا سال ۱۳۷۸ حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ مجسمه از انواع مختلف در شهر تهران نصب شده‌اند که از این تعداد ۸۶ بکره در فضاهای باز عمومی و بقیه در فضاهای بسته و باغ مجسمه موزه هنرهای معاصر قرار دارند. «سازمان زیباسازی شهر تهران» به عنوان تنها متولی ساخت مجسمه‌های شهری از ۱۰ سال پیش واحدی را تحت عنوان «اداره حجم» در این سازمان راه‌اندازی کرده، که از حدود هفت ماه پیش کار خود را با شکل و شمایل جدیدی آغاز کرده است.

یقیناً هر کدام از شهروندان تا به حال در میدانها و خیابانها و یا پارکهای شهر تهران، انواع مختلفی از مجسمه‌ها (سردیس، تندیس، حجم و نقش برجسته) را مشاهده کرده‌اند، که برخی شان بس مجذوب کننده‌اند و شهروندان را به لحظه‌ای تأمل و تفکر وامی‌دارند. برخی نیز، همچون سایر عناصر موجود در فضاهای عمومی شهری، سرد و بی‌روح‌اند و نمی‌توانند جز نگاهی سطحی را از آنان بر بیاورند. به طور قطع شهروندان از برخی فضاهای دارای مجسمه در سطح شهر تهران، خاطرات خوبی در ذهن دارند و توانسته‌اند با آنها ارتباط برقرار کنند و حتی بعضی اوقات مسیر خود را با کمک آنها تشخیص دهند.

در هر صورت در سطح شهر ما تعدادی مجسمه کوچک و بزرگ با اشکال مختلف نصب شده‌اند و شهروندان تهرانی در طول روز و در مسیر تردد خود، حداقل یکی از این عناصر فضای شهری را می‌بینند. در این گزارش سعی شده است تا ضرورت نصب تندیسهای شهری، انگیزه‌های طراحان و مسئولان فضاهای شهری، فرایند طراحی و نصب رسمی آنها، و مسائل و موضوعاتی از این دست مورد بررسی قرار گیرند.

فریبا علامه، مسئول اداره حجم سازمان زیباسازی، درباره قابلیت‌های این اداره چنین می‌گوید: «در دوره جدید فعالیت اداره حجم، با انجام کنارهای مطالعاتی و تبیین اصول و ضوابط حجمی، فضاهای شهری، نزدیک به ۲۵ پروژه مطالعاتی و اجرایی تعریف گردید و با هماهنگی بیشتر با شهرداریهای مناطق مقرر شد که مناطق مذکور برای نصب مجسمه یا شیورای حجم ما همکاری به عهده آورند تا در کلیه مراحل ساخت و محل نصب اثر کار تحقیقاتی انجام شود.»

وی در ادامه به راه‌اندازی «آرشیو اداره حجم» اشاره می‌کند و می‌افزاید: «پروژه‌ای تحت عنوان تهیه و تدوین شناسنامه آثار حجمی شروع شده، و قرار است ظرف ۵ ماه آینده کلیه آثار حجمی و مجسمه‌های سطح شهر شناسنامه‌دار شوند تا در زمان مورد نیاز کلیه اطلاعات - از قبیل زمان ساخت، نوع مجسمه، سازنده آن و میزان نیاز به حرمت و نگهداری آن و نظایر اینها - در قالب CD موجود باشد.»

اصول و ضوابط مجسمه‌ها

مسئله‌ها، پارکها و خیابانها بیشترین تعداد مجسمه‌های شهری را در خود جای داده‌اند و با توجه به میزان بالای استفاده شهروندان از این فضاها، ضروری است که هر گونه اقدامی برای

ضوابط و اصولی که از طرف هیئت علمی نظارت تعیین گردیده است انتشار خواهد یافت. با این اقدام فرایند اجرا و نصب و نگهداری آثار حجمی به شکل قانونمند در می آید، منتهی نه به آن شکلی که دست و پای مجسمه ساز را برای ساخت اثر ببندد، بلکه در این میان رعایت برخی از اصول الزامی می شود.

این مسئول اداره حجم با ذکر این مطلب که با روشن جدید حتی برای نصب یک مجسمه در فضاهای عمومی نیز از مردم نظرسنجی می شود، می افزاید: «مهم ترین اصولی که از طرف اداره احجام سازمان زیباسازی شهر تهران مورد ملاحظه قرار می گیرند، عبارتند از: هماهنگی اثر حجمی با هویت فرهنگی - تاریخی محل مورد نصب اثر، هماهنگی بصری و عملکردی اثر حجمی با معماری فضای شهری، رعایت اصول زیبایی شناسی در زمینه شکل، اندازه و عملکرد حجم و مانند اینها».

نگاهی به امار و ارقام

پارکها به عنوان آرام ترین و مناسب ترین فضای عمومی شهری، به شهر و تدان این امکان را می دهند تا با خیال آسوده و فارغ از ترافیک و دغدغه های شهری، به بیکرهای بنگرند. در مقابل، خیابانها و میدانها به دلیل ماهیت حرکتی شان، فرصت چندانی را به مسافران و عابران برای تماشای تفکر در بیکرهای موجود در فضاها نمی دهند. این نکته ای است که باید در تعیین پارک اطلاعاتی و جنبه های زیبایی شناسی بیکرهای فضاهای عمومی شهری در نظر گرفته شود.

بنابر اطلاعات، از مجموع کل مجسمه های موجود در فضاهای عمومی شهر تهران، حدود ۵۴ بیکر از انواع مختلف در ۲۰ پارک شهری طراحی و نصب شده اند. این تعداد هر چند نسبت به سایر فضاهای شهری مورد بحث رقم بالایی است، ولی در مقایسه با تعداد کل پارکهای شهری چندان زیاد نیست.

میدانها از دیگر فضاهای عمومی شهری اند که در تهران پذیرای حدود ۳۰ بیکر در ۲۰ میدان یا گره ترافیکی هستند. همچنین از کل مجسمه های شهری سال ۱۳۷۸، تنها ۳ مجسمه در خیابانهای تهران نصب شده اند.

مجسمه های در نال و «انتزاعی»

مجسمه های موجود در سطح شهر را می توان به دو دسته کلی «رتال یا واقعی» و «انتزاعی یا غیر واقعی» تفکیک کرد. بیکرهای رتال سیمایی انسانی دارند و بهترین حس مذاق آن بیکرهای مشاهیر تاریخی و معاصراند که بیشترین تعداد را نیز در برمی گیرند. بیکرهای انتزاعی یا مدرن دارای سیمایی شبیه به انسان معمولی نیستند ولی بیانگر مفاهیم بنیادین انسانی اند.

به گفته علامه، بیشتر مجسمه های سطح شهر ما را آثار رتال تشکیل می دهند و در اینجا مجسمه های مدرن به آن صورت که در کشورهای اروپایی دیده می شوند وجود ندارند. البته در سالهای اخیر اغلب مجسمه سازان جوان ما تمایل پیدا کرده اند که با شکلهای و فرمهای جدید کار کنند. به همین خاطر بیکرهای انتزاعی نیز کم کم در فضاهای شهری و به خصوص پارکها نصب می شوند.

مجسمه ها کجا نصب شوند؟

انسانها تا زمانی که از وجود اثری هنری لذت می برند و آن اثر برای شان آرامش بخش است به ندرت به کنجکاوای درباره آن می پردازند. ولی هر گاه یک اثر هنری نظیر بیکرهای رتال در یک میدان موافق ذوق و سلیقه خود نباشد، شاید از خود بپرسند که دلیل نصب آن در فضای عمومی چیست و چرا برای ساخت و نصب آن می بایست متحمل هزینه شد؟



نصب یک اثر حجمی، مطابق با ذوق و سلیقه شهر و تدان و با در نظر گرفتن معیارها و اصول صورت پذیرد. در واقع نمی توان با هر اقدامی در این فضاها امید به جلب و جذب مردم داشت. بیکرهایی که برای فضاهای عمومی طراحی و نصب می شوند، می بایست به عنوان یکی از عناصر فضاهای شهری، خود تابع قوانین و مقررات حقوقی و هنری و علمی باشند. تنها با رعایت اصول و ضوابط کمی و کیفی است که مجسمه ها می توانند دارای بار هنری، آموزشی، فرهنگی و اطلاعاتی باشند.

وی در این باره همچنین اظهار می دارد: «وقتی هیچ سیاستی در کارها نباشد، سلیقه ای عمل می شود و کاری که در زبان حاضر انجام می گیرد، این است که از برخورد سلیقه ای با ساخت و نصب مجسمه جلو گیری کردند. به همین منظور، اصول و ضوابط مجسمه های شهری تعریف شده اند تا برای نصب هر حجمی، طراحی شهری انجام شود و به علاوه، تأثیری که حجم بر فضا و محیط اطرافش می گذارد و همچنین شکل و ابعاد مجسمه و مقیاس محل در نظر گرفته شود. این اصول تاکنون به صورت شفاهی بوده است؛ ولی با مکتوب شدن آن به زودی، مشخصه های آن



اصولاً هر تندیس را برای بیان مفهوم یا انجام کارکردی خاص، طراحی و اجزا و نصب می‌کنند. هر اثر حجمی همان اندازه که می‌تواند موجب زیبایی فضا شود و چشمان را خنک کند و آرامش و آسایش را برساند، خود جلب کند، چه بسا موجب اشتیاق و تازاحتی و آزار آنان نیز بشود.

علامه در این زمینه همچنین می‌گوید: «ماکتون اداره حجم در حال بررسی مجسمه‌هایی است که قبلاً نصب شده‌اند. برخی از مجسمه‌ها با اصول و ضوابطی که شورای علمی اداره اعلام کرده است همخوانی ندارند و مناسب فضایی که در آن نصب شده‌اند نیستند. حتی سواردی وجود داشته است که خود شهروندان راغب بوده‌اند مجسمه‌ای از یک محل برداشته شود. بعضی از آثار در جاهایی نصب شده‌اند که بسیار پرتردد هستند و مجسمه مزبور به سبب تسبیب حساس راننده در حین رانندگی می‌شود. در این صورت حتماً باید آن بیکره به محل دیگری منتقل کرد. مسئله دیگری که باید به آن توجه داشته‌ایم این است که هر حجم تاریخ نقضی دارد؛ یعنی مثلاً می‌توان برای آن تعریف کرد که چند سال در یک محل نصب شود و بعد از آن به مکان دیگری انتقال یابد.»

«هدی حبیب مقدم، معاون طرح و برنامه سازمان زیباسازی، در این باره اظهار می‌دارد: «آثار حجمی موفق و ناموفق زیادی در سطح شهر وجود دارد که باید مورد بررسی شورای نظارت بر انجام قرار گیرد و محل نصب صحیح آنها معین شود.»

کارشناسان عقیده دارند که برای تحریک احساسات زیبایی شناسانه شهروندان باید بیکره‌ها را در مکان‌هایی قرار داد که فرصت نگریستن به آنها بیشتر شود، و از طرفی نیز میزان آگاهی بیننده افزایش یابد. در این زمینه عجمی کارشناس اداره زیباسازی شهرداری منطقه ۶ به نکته‌ای اشاره می‌کند و آن نورپردازی نامناسب و غیر اصولی تندیسها در زمان تاریکی هواست.

وی می‌گوید: «استفاده از نور افکن در موقعیتهای حساب نشده و اکتفا صرف به روشن کردن مجسمه، نه تنها بی‌زیبایی تندیس تأثیری ندارد، بلکه قابلیت‌های کارکردی آن را نیز پنهان می‌سازد.»

مراحل ساخت و نصب

در صورتی که آراستن فضاهای شهری یا آثار هنری نظیر مجسمه، نحوه سفارش دادن یا بستن قرارداد با مجسمه‌ساز از اولین مراحل کار محسوب می‌شود. مسئول اداره حجم سازمان زیباسازی در این باره می‌گوید: «تندیس به ۴۰ مشاوره، که از مجسمه‌سازان برجسته و معتبر کشور هستند، با این اداره همکاری می‌کنند و ما در «فراخوانهای محدود» خود از طریق دعوت‌نامه از آنها برای نصب و اجرای حجمی که برای مکانی مناسب باشد، دعوت می‌کنیم. در «فراخوان عمومی» نیز که شامل پروژه‌های ملی می‌شود و بیشتر جنبه ملی و مذهبی دارد همه می‌توانند شرکت کنند. نمونه اخیر آن فراخوان تهیه یک اثر حجمی با پیام و محتوای انتخاب آرج حضرت ولی عصر (عج) برای نصب در میدان ولی عصر تهران است که در فراخوان عمومی اعلام خواهد شد.»

وی در ادامه می‌گوید: «شکل دیگر ساخت مجسمه‌های شهری «انفرادی» است؛ یعنی مجسمه‌ساز، طرح خود را برای یک فضای خاص به سازمان پیشنهاد می‌کند و بعد از بررسی در شورای نظارت، آن را به اجرا در می‌آورد.»

علامه با اشاره به سفار شهای مناطق مختلف شهرداری و دیگر مراکز، می‌افزاید: «از مواکزی نظیر بنیاد شهید، سازمان میراث فرهنگی، بنیاد حفظ ارزشهای دفاع مقدس، شهرداری، بعثت زهرا و برخی از مراکز دولتی، نیمه دولتی و خصوصی، سفار شهایی برای ساخت احجام گرفته می‌شود و بعد از تصویب در شورا، کار آغاز می‌گردد.»

بیکره‌هایی از مشاهیر

بیکره‌های یادمانی که بیانگر شخصیتی معروف در زمینه‌های علمی یا هنری و ادبی خاص است، بیشترین تعداد بیکره‌های موجود را در فضاهای شهری تهران تشکیل می‌دهند؛ ولی یکی از ویژگی‌های سؤال برانگیز تندیسهای موجود در پارکها، همانند سایر فضاهای دیگر، از یک طرف وجود همانندی نسبی در تجسم سیمای ظاهری مشاهیر، و از طرف دیگر نبود وحدت رویه خاصی در تجسیم سیمای شاعران یا نویسندگان است. به گونه‌ای که بدون کسب اطلاعات مکثوب نمی‌توان به شخصیت و هویت آن اثر پی برد. نگاهی به تندیس‌های مشاهیر در پارک ملت و مقایسه آنها با تندیسهایی که در جاهای دیگر شهر از همان مشاهیر ساخته و نصب شده‌اند، این موضوع را به خوبی تأیید می‌کند. این وضعیت ناشی از نبود اطلاعات دقیق چهره‌شناسی از مشاهیر مورد بحث است.

عجمی راه حل این مشکل را استفاده از وجوه تمایز و اشتباه هر ادیب، مورخ، دانشمند و هنرمند قدیمی و تندیس‌سازی از وی می‌داند.

وی معتقد است که «برای ایجاد تمایز چهره‌های مختلف تاریخی نباید تنها به صورت آنها اکتفا کرد. بهترین روش، تجسم کردن برخی قابلیت‌ها یا وسایل کار آن شخص است. برای مثال،

است که میثاقی ورودی شهر وجهی کالبدی پیدا کنند و در ابتدای ورود، شهروندان با نوعی اتفاق (شاید بتوان چنین گفت) روبرو شوند.

وی با اشاره به این مطلب که سازمان زیباسازی در حال جمع آوری آماری در مورد تعداد مجسمه‌هایی است که در نقاط مختلف نصب شده‌اند می‌افزاید: «شهر تهران بسیار سریع توسعه پیدا کرده است و اگر بخواهیم آمار احجام نصب شده را جمع‌آوری کنیم، به زمان نیاز است؛ ولی در نگاهی کلی می‌توان گفت که در منطقه ۲۲ شهرداری، به دلیل شکل‌گیری جدید این منطقه، کمترین تعداد نصب مجسمه به چشم می‌خورد.»

علامه هم با تأیید این مسئله، که در مناطق شرقی و جنوب آثار حجمی بسیار کمتر مشاهده می‌شود، می‌گوید: «این مناطق از لحاظ نصب مجسمه بسیار فقیر هستند و در زمان حاضر ما بیشترین انرژی خود را روی مناطق جنوب و شرق شهر گذاشته‌ایم. جدیدترین اقدام هم در این زمینه، فراخواندهای جدیدی است که برای ساخت مجسمه در منطقه ۱۸ شهرداری و نصب آن در میدان معلم صورت گرفته، و در منطقه ۱۵ نیز بوستان باغچال برای نصب بیکره انتخاب شده است.»

استفاده از تجارب دیگر کشورها

با نگاهی گذرا می‌توان دریافت که تعداد آثار حجمی در کشور ما با توجه به سابقه دیرینه تاریخی که در جای دادن مشاهیر و نوابغ در خود داشته، بسیار اندک است و در یک کلام در این زمینه کشور فقیری به حساب می‌آییم.

خانم علامه این مسئله را بدون علت نمی‌داند و دلیل آن را حریم بودن مجسمه‌سازی در کشور ما طی سالیان قبل برمی‌شمرد، و می‌افزاید: «این مسئله ریشه مذهبی دارد و در همین زمان هم چنین نیست که مجسمه‌سازی به صورت کاملاً آزاد در تمامی آکادمی‌ها تدریس شود، بنابراین درست نیست که کشور را در این زمینه عقب مانده تلقی کنیم بلکه در واقع باید گفت که هنوز در این راه بسیار جوان هستیم.»

وی می‌گوید: «با مجسمه‌های آنزلی می‌مدن، چون حالت نمادین پیدا نمی‌کنند، از لحاظ مذهبی هیچ مشکلی وجود ندارد ولی کار بر روی مجسمه‌های رئال، به خاطر مسائلی که در شرع ما وجود دارد باید با دقت و رعایت نکات بیشتری انجام شود.»

این مسئول اداره حجم در باره استفاده از تجارب دیگر کشورها در ساخت مجسمه خاطر نشان می‌کند که «مشغول تهیه آرشیوی تصویری از مجسمه‌های مدین کشورهای اروپایی و کشورهای همسایه هستیم تا نوعی بررسی مقایسه‌ای در این زمینه انجام شود، چرا که بسیاری از مجسمه‌های نمایندگان ما در این هستند ولی در سطح شهر نصب شده‌اند، به هر حال قرار است از تجارب دیگر کشورها، تا جایی که با فرهنگ ایرانی همخوانی دارد، استفاده شود.»

مقدم نیز در این باره چنین می‌گوید: «ارتباط با کشورهای خارجی در سازمان زیباسازی مطرح شده ولی به دلایلی هنوز محدود مانده است، یکی از تجارب جدید ما «طرح دیوار گفت و گوی تمدنی‌هاست که گرچه در بخش اداره نقاشی مطرح شده است، اما اثری یادواره‌ای (موتومنتال) به حساب می‌آید. این طرح جلوی مقامی از هانی تمدنیها در کنار یکدیگر است و قرار شده است تا اواخر خرداد ماه روبروی نمایشگاه بین‌المللی افتتاح شود. اگر این نمونه به شکلی موفق در تهران به اجرا درآید، قصد بر این است که در پایتختیایی که با تهران «خواهر خوانده» اند نیز اجرا



استفاده از وسایل پزشکی و دارویی یا گیاهی برای یادبود بیکره «یوعلی سینا» یا «زکریای رازی»، و استفاده از اعداد ریاضی و مفاهیم جبر و نجوم برای مشخص کردن «خوارزمی». در واقع نبوغ هنرمند و خلاقیت و سلیقه شخصی وی در نشان دادن مفاهیم کمی یا کیفی، مهم‌ترین ابزار در این مسیر است.»

معاون طرح و برنامه سازمان زیباسازی نیز در ادامه بر این قضیه تأکید می‌کند که «نیاز اجتماع برای آشنایی با مشاهیر کشور، امری الزامی است؛ اما نکته‌ای که باید بر آن توجه کرد این است که ساخت این قبیل تندیسها به شکل رئال باید با دقت بسیار انجام شود و ابعاد مختلف علمی و فرهنگی آن شخصیت رعایت شود.»

علامه نیز در این زمینه می‌گوید: «اداره حجم محدودیتی در باره شکل و موضوع مجسمه ندارد و اگر قرار باشد از مشاهیر و شعرائی معاصر بیکره‌هایی ساخته شود، این موضوع در شورای حجم مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت موافقت، مجسمه‌سازی کار را شروع می‌کند. در زمان حاضر هم تندیسهایی از «نیما یوشیج»، «سلک الشعرائی بهار»، «متیخ خانم» و چند تن از مشاهیر متأخر در دست ساخت است.»

فراوانی نصب مجسمه‌ها در مناطق

کسانی که از سمت غرب وارد تهران می‌شوند، در همان ابتدای ورود با بیکره عظیم سنگی در فضای وسیع میدان آزادی روبرو می‌شوند که به خوبی نگاه هر رهگذر و مسافری را به خود جلب می‌کند. اما چنین آثاری در ورودیهای شرق، جنوب و شمال به چشم نمی‌خورد و بیشترین آثار حجمی در پارکها و میدانهای اصلی شهر جای گرفته‌اند.

به گفته مقدم، سازمان زیباسازی در حال بررسی این قضیه



شود. با این کار یکی از موارد هنرکاری برون مرزی شکل خواهد گرفت.

وی در مورد یکی دیگر از اقداماتی که به منظور همکاریهای برون مرزی از آن یاد می‌شود، چنین می‌گوید: «برای تیسر پیکره ساکت «قدس» در میدان شهید باهنر تهران با موزه هنرهای معاصر گفت و گوهایی صورت گرفته است. بدین نحو که ساکت قدس از آنجا برداشته شود و به جای آن اثری حجمی از هنرمندی فلسطینی یا لبنانی خریداری گردد».

حفاظت از مجسمه‌ها

اینک پیکره‌ها به عضو ثابت برای نصب سفارشی‌های تبلیغاتی و جاسازی نوازم نگهداری فضای سبز میدانها و پارکها بدل شده‌اند. لیکن باید توجه داشت که بسیاری از این پیکره‌ها جزو آثار ملی ما محسوب می‌شوند و نگهداری از آنها وظیفه‌ای سترگ است. نبود برنامه‌های منظم برای نگهداری این پیکره‌ها راه را برای اعمال نظیر و اقدامات خودسرانه برخی مسئولان چنان باز می‌کند که مثلاً تندیس سنگی فردوسی را در میدان فردوسی بسرای جلوگیری از فرسودگی بارها رنگ آمیزی می‌کنند، یا برای جلوه‌های نمایشی آشکارتر نقش برجسته میدان انقلاب آن رایه و رنگهای مختلف در می‌آورند!

خانم علاقه در این باره می‌گوید: «برای یادگاری نوشتن به هر حال کاری نمی‌توان کرد. چرا که این کار متأسفانه به نوعی به فرهنگ گروهی از مردم تبدیل شده است و باید زشتی این کار با سرور زمان بر آسان معلوم شود. یکی از استادان می‌گفت: گفتن مجسمه بسازید و بشکنند و باز هم بشکنند تا مردم با آن احساسی دوستی و آفت کنند، به طوری که اگر خواسته‌اشی روی مجسمه بدهند، انگار که خودشان از دست می‌شوند. در مورد مرمت مجسمه‌ها هم اثر مناطقی که تندیسها در آن نصب گردیده‌اند، خواسته شده است که بعد از نصب مجسمه آن رازها نکنند و از آن محافظت به عمل آورند. چون مجسمه کلاً کاری است بزرگ است و پرهزینه، ضروری است که بعد از جای گیری آن در یک محوطه از آن مراقبت شود».

نمایشگاههای رویاز یا حیاطهای شهری

مقدم، در باره یکی از تجربه‌های جدید سازمان زیباسازی تهران که آثار حجمی را در برمی‌گیرد، به موارد جدیدی اشاره می‌کند و می‌گوید: «در قالب یک سیاست کلی که به آن «حیاطهای شهری» گفته می‌شود، قرار است که در یک نقطه از شهر، آموزش، تفریح و فرهنگ گرد هم آیند و مجموعه‌هایی که آثار ارزشمندی را در دوزن خود جای نماندند، آغوش خود را به روی مردم و معابر و گذرهای عمومی باز کنند. این تجربه جدیدی است که شهر ما هیچ‌گاه نداشته است».

وی ادامه می‌دهد: «به تبع این سیاست ۲ پروژه تعریف شده است. یکی از آنها سیستم نمایشگاه باز در «پارک موزه هنرهای معاصر» است که آثار هنری ارزشمند و قیمتی را در خود جای داده، و قرار است با برداشتن نرده‌ها و حفاظ دور پارک، موزه‌ای باز و بدون حصار ایجاد گردد؛ که البته مشاوران برای این اقدام در حال بررسی مسائل امنیتی و حفاظتی مجسمه‌ها هستند. پروژه بعدی در تپه‌های قطریه و «پارک آرمان» نصب کتیبه‌های سنگی است که عیناً از روی کتیبه‌های قدیمی بافته شده طراحی گردیده‌اند و قرار است در این پارک در معرض دید علاقه‌مندان قرار گیرند. آخرین اقدام هم «پارک نمایشگاهی حجم» در پارک ایثارشهر (خانه هنر مندان) و نمایشگاهی از آثار حجمی در این منطقه است. برای این کار فراخوان عمومی داده می‌شود، که تقریباً حکم نوعی سمپوزیم مجسمه‌سازی را دارد و مجسمه‌ها در فضای پارک نصب می‌شوند. امید داریم که تا اواخر امسال هر سه این پروژه‌ها به مرحله اجرا درآیند».

مجسمه‌هایی که آرامش می‌دهند

خانم علاقه به عنوان کسی که خود در این رشته تحصیل کرده، معتقد است که مجسمه‌های رنگی و فرمی، که آرامش بصری و زیبایی را به مردم القا کنند و بارنگهای شاد خود به مردم روحیه بدهند، در سطح شهر چندان به چشم نمی‌خورد. البته اخیراً مجسمه‌سازان جوان ما کم کم در کارهای خود به این نوع از مجسمه‌ها روی آورده‌اند.

بایسان سخن آنکه ضرورت دارد به آثار حجمی فراتر از عنصری زیبا و گویا برای آراستن فضای شهری نگریسته شود. آثار حجمی علاوه بر زیباساختن فضاهای شهری و تزیین دیدگان شهروندان، می‌توانند عملکردهای مختلف فرهنگی - تاریخی، هویت دهی به فضاهای «حمله‌های شهری، ارج گذاری به مشاهیر و ارزشهای ناب انسانی - ایرانی، ترویج ارزشهای اسلامی - انقلابی، اشاعه فرهنگ شهروندی و نظایر اینها را به خوبی در خود داشته باشند. بسیاری از تندیسهای موجود به دست هنرمندان فقیدی ساخته شده‌اند که در مواردی بسیار هم ارزشمند هستند، پس شایسته است که به بهترین نحو از آنها نگهداری شود.

امروزه ساکنان شهر تهران، بیش از هر زمان دیگری به فضاهایی پر معنا و زیبا نیاز دارند و ضرورت دارد که از هنر برای تلفیق روحی انسان استفاده شود. مجسمه‌سازی یکی از این هنرهای است که از روزگاران کهن تا کنون همواره در این راه مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود این ضرورت، نباید بر کمیت و تعداد این آثار بیش از کیفیت بصری آنها اعتنا کرد.

آزاده اقبال - نازیلامرادی
خاتون میرانشاد - تورج نادری

فاز ۱ بوستان ناجی در حمیدیا به بهره‌برداری رسید

فاز ۱ بوستان ناجی شهر حمیدیا با اعتباری بالغ بر ۱ میلیارد ریال به بهره‌برداری رسید. فاز ۱ این بوستان، با وجود ساختمانی با قدمت نزدیک به یک قرن که نشان از معماری کهن ایرانی در آن دارد، به عنوان یک مرکز تفریحی جذاب گردشگر مورد بهره‌برداری قرار گرفت. شهرداری حمیدیا به منظور حفظ باغهای قدیمی، فضای سبز، ابنیه تاریخی، جذب گردشگر و احداث اماکن تفریحی، اقدام به تملک باغی به مساحت ۱۷۰۰ متر مربع کرد. این باغ دارای ساختمانی بسیار زیبا با قدمت ۹۰ سال، فضای سبز مناسب و آب جاری قنات در دل باغ است. این باغ (پارک ناجی) دارای موقعیت ممتاز مکانی در مرکز شهر حمیدیا با فاصله ۱ کیلومتر از مرکز استان یزد است و در مسیر اصلی ارتباطی مرکز استان به استانهای جنوب کشور قرار دارد. شهرداری حمیدیا کار مرمت ساختمان، ساخت ابنیه، محوطه‌سازی، اجرای تأسیسات، رسیدگی کامل به درختان انار موجود و غرس نهالهای جدید را در فاز ۱ پارک ناجی به اتمام رسانده است. از برنامه‌های فاز ۱ این پارک، ساخت فضای مناسب بازی کودکان و ایجاد فضای سبز و جز اینهاست. شایان ذکر است که شهرداری حمیدیا به منظور نیل به هدف افزایش سرانه فضای سبز شهر، توانسته است سرانه فضای سبز شهر حمیدیا را طی ۲ سال از ۰/۸ متر مربع به ۶/۵ متر مربع افزایش دهد.



راندگان اردبیلی آموزش می‌بینند

سازمان تاکسی رانی اردبیل، به منظور تبیین رفتارهای اجتماعی راندگان تاکسی کلاسهای آموزشی دایر کرد. مهدی خدتی، مدیرعامل سازمان تاکسی رانی اردبیل، در گفت‌وگو با خبرنگار ما اظهار داشت: «هنگامی که راندگان تاکسی برای دریافت گواهی معاینه فنی خودرو به سازمان تاکسی رانی مراجعه می‌کنند، مدت زمانی را تا صدور گواهی به بظانته می‌گذرانند. برای جلوگیری از این اتلاف وقت، کلاسهای آموزشی - که تمامی راندگان ملزم به شرکت در آنها هستند - در زمینه چگونگی رفتارهای اجتماعی یا مسافران، قوانین راهنمایی و رانندگی و قوانین سازمان تاکسی رانی برگزار شده است. در این کلاسها از استادان روان‌شناس و جامعه‌شناس برای تدریس دعوت به عمل آمده است.» مدیرعامل سازمان تاکسی رانی اردبیل همچنین از تشکیل کلاسهای آموزش زبان انگلیسی خبر داد و گفت: «با توجه به موقعیت گردشگری شهر اردبیل و ورود هزاران میهمان داخلی و خارجی در فصل گرما، تصمیم گرفته شد که به منظور راهنمایی آن دسته از میهمانان خارجی به اماکن تفریحی، کلاسهای آموزش زبان انگلیسی برای راندگان دایر گردد. از راندگان می‌خواهیم که در این کلاسها آموزش می‌بینند، در خلوط ویژه فرودگاه و ترمینال استفاده خواهند شد.»

برگزاری اولین جشنواره گلدانهای خانگی

اهالی مجتمع مسکونی بهجت آباد در تهران با شرکت در اولین جشنواره گلدانهای خانگی، جشن دوستی با درختان را اجرا کردند. پدram طلوعی، شهردار ناحیه سبز، با شرکت در جشنواره گلدانهای خانگی در این زمینه گفت: «اجرای اهداف وسیع ناحیه سبز و استانداردهای خدمات شهری در گرو مشارکت و همکاری شهروندان است. ساکنان مجتمع مسکونی بهجت آباد به علت رفتار درست شهروندی و ارائه مجتمعی در حد و اندازه‌های استاندارد شهرنشینی، مقدمات همکاری خود را با این ناحیه فراهم آوردند.» وی اظهار داشت: «این مجتمع به عنوان مجتمع الگو در سطح شهر تهران برای اجرای اهداف ستاد ناحیه سبز در نظر گرفته شده است.» شایان ذکر است که مجتمع بهجت آباد در سال ۱۳۴۸ در زمینی به مساحت ۳۰ هکتار بنا شده و دارای ۴۰۰ واحد مسکونی و ۱۴۰۰ نفر جمعیت است.



طرح آمارگیری از تاکسیهای تبریز به اجرا درآمد

تاکسی‌رانی تبریز، به منظور مشارکت رانندگان تاکسی در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیها، طرح آمارگیری از تاکسیها را به اجرا درآورد.

این طرح با هدف تفکیک مدل تاکسیها، تعیین وضعیت مالکیت تاکسیها، تعیین میانگین سنی و تحصیلی تاکسی‌رانان، مکانیزه کردن آوشیو پرونده‌ها، تعیین وضعیت مسکن، بیمه خوداشتغالی و نظایر اینها صورت می‌گیرد. در این طرح کلیه اطلاعات موردنیاز در قالب پرسشنامه‌های تدوین شده است که پس از توزیع و تکمیل فرمها به وسیله تاکسی‌رانان و دستیابی به اطلاعات مورد نیاز، برای ایجاد امکانات رفاهی آنها اقدام خواهد شد. از دیگر برنامه‌های طرح آمارگیری، استانداردسازی تاکسی‌رانی تبریز به ایزو ۹۰۰۴ است. شایان ذکر است که اصلاح بیابادی سیستم حمل و نقل درون شهری، بدون تکیه بر آمار منطقی و جامع امکان‌پذیر نیست.



دومین جشنواره پرواز بادبادکها در مشهد برگزار شد

منطقه ۸ شهرداری مشهد، اداره تربیت بدنی و مدیریت مجتمع فرهنگی تفریحی کوهسنگی دومین جشنواره بزرگ پرواز بادبادکها را برگزار کردند.

از جمله اهداف این جشنواره که در پارک کوهسنگی برپا شد، اعتلای حس تغایم، اشاعه و هویت بخشیدن به تفریحات سالم، امکان حضور جوانان و مردم برای گذراندن اوقات فراغت در پارکها و مکانهای تفریحی بوده است. حسین پور، شهردار منطقه ۸ و مسئول مشارکتهای کلان شهرداری مشهد نیز در این باره گفت: «امکان حضور جوانان و مردم برای گذراندن اوقات فراغت در پارکها و مکانهای تفریحی باید به صورت هدفدار و از طریق برگزاری جشنواره‌های گوناگون فراهم آید».

تاگفته نماند که تنها ۵ درصد از جوانان مشهد از امکانات رفاهی عمومی استفاده می‌کنند، و مسئولیت ساماندهی و برنامه‌ریزی این امر برعهده مسئولان شهری است.



نصب تندیسهای مشاهیر گرگانی در شهر گرگان

به همت شهرداری گرگان ساخت تندیس حکیم میرداماد استرآبادی و قطعه مشاهیر در میدان معلم و پارک شهر گرگان آغاز می‌شود.

منطقه گرگان از دیرباز همواره با نام شخصیت‌های برجستهای چون میرداماد، فخرالدین اسعدگرگانی، لامی جرجانی و دهینا چهره‌آرز شمسند و مؤثر در تاریخ فلسفه، ادب، عرفان و حکمت سرزمین باستانی ایران همراه بوده است و وجود این مشاهیر و بزرگان ما را بر آن می‌درد تا یاد و نام آنان را در این عرصه‌یوم زنده نگاه داریم. کریمی، شهردار گرگان، با بیان این مطلب افزود: «یکی از راههای احیای نام و یاد مشاهیر تاریخ شهر گرگان ساخت تندیس و مجسمه‌هایی از آنان است».

وی ادامه داد: «شهرداری گرگان قصد دارد با کمک هنرمندان و صاحبان نظران تندیسهای مختلفی را در سطح شهر بسازد و نصب کند. با این کار روح تازه‌ای با یادمان مشاهیر از زنده این خطه نیز کالبد شهر دمیده می‌شود». شایان ذکر است که در همین زمینه شهرداری این شهر در نظر دارد نیم تنه تعدادی از مشاهیر گرگانی را در پارک شهر گرگان و در قطعه‌ای با نام قطعه مشاهیر نصب کند.



گرگان - بنای یادبود مشهور گرگانی

همکاری انگلیس و اصفهان در ساخت موزه بزرگ شهرداری اصفهان

کارشناسان و دست‌اندرکاران مسانله شهری انگلیس در زمینه ساخت موزه، با شهرداری اصفهان همکاری می‌کنند.

در دیسار هیئت کارشناسان انگلیسی با شهردار اصفهان، اعضای هیئت علاقه و تمایل شدید خود را برای انعقاد قرارداد خواهرخواندگی بین اصفهان و آریم براز کشور انگلیس اعلام کردند.

در دیسار هیئت مذکور، مقرر شد کارشناسان خبره و آگاه این کشور در ساخت موزه بزرگ و جدید اصفهان با شهرداری این شهر همکاری کنند. شایان ذکر است که هیئت کارشناسان انگلیسی، اصفهان را یکی از زیباترین، پاکیزه‌ترین و آراسته‌ترین شهرهای جهان برشمردند.



اصفهان - هشت بهشت

با احداث بوستان دوپرار درجه دمای هوای بجنورد تعدیل می شود

بوستان «دوپرار» بجنورد قابلیت تعدیل هوای شهر را تا ۱۱ درجه سانتیگراد خواهد داشت. بر اساس اظهارات محمد مهدی خاکشور، مسئول امور فضای سبز شهرداری بجنورد، بوستان ۵۵ هکتاری «دوپرار» شهر بجنورد تا دو سال آینده می تواند دمای هوای شهر را ۱۰ تا ۱۲ درجه سانتیگراد تعدیل کند. وی در این زمینه گفت: «تعدیل دمای به وسیله احداث بوستان دوپرار در کاهش دمای شهر در فصل تابستان بسیار محسوس خواهد بود».

وی افزود: درختانی از قبیل زبان گنجشک، اقرا، آفاقیا، عرعر، کاج، ارغوان و سرو خمرهای و نقره‌ای در این بوستان کاشته شده است و اکنون به طور متوسط سه سال از عمر آنها می گذرد.

وی در مورد دیگر اقدامات انجام شده برای فضای سبز شهر بجنورد، گفت: «تاکنون حدود ۵۰۰ هکتار فضای سبز شامل بوستانها و چمنهای حاشیه خیابان در این شهر ایجاد شده و ۱۰۰ هکتار از بوستان سه هزار هکتاری بجنورد زیر کشت انواع درختان رفته است.» وی سطح فضای سبز ایجاد شده را با احتساب دو تفرجگاه «بابامان» و «بش قارداش» بیش از یک هزار هکتار اعلام کرد. همچنین به گفته وی، سرانه فضای سبز داخل شهری بجنورد ۲۵ مترمربع و بیش از سرانه استاندارد فضای سبز مورد نیاز هر شهروند است.

احداث مجموعه گردشگری و سوارکاری در باغ سیب مهر شهر

کاربری بخشی از باغ سیب مهر شهر کرج به منظور استفاده بهینه شهروندان کرجی از فضای موجود و تأمین امکانات سوارکاری برای جوانان و علاقه‌مندان به این ورزش مفرح، تغییر می یابد.

مجید سربزئی، شهردار کرج، در مورد احداث این مجموعه چنین گفت: «طبق توافق به عمل آمده با بنیاد مستضعفان، این مجموعه بزرگ در زمینی به مساحت ۲۰۰ هکتار و با صرف اعتباری بالغ بر ۱۰ میلیارد ریال احداث خواهد شد. با توجه به پایان عمر «قد درختان سیب» وجود باغ حتی در قالب فضای سبز مشکلی را حل نمی کند و برای حفظ آن باید کاربری معنی دار و متناسبی در نظر گرفته شود. این اقدام در واقع در جهت حفظ و گسترش باغها صورت می گیرد.»

ناگفته نماند که هم اکنون ۲۰ درصد باغ سیب مهر شهر کرج مزروعی و فاقد درخت است.



آموزش شهروندی در قالب نمایش خیابانی

روابط عمومی منطقه ۳ شهرداری تهران با هدف آموزش شهروندی، نمایش خیابانی «ما می توانیم» را در پاک مشرفه به اجرا در آورد.

این نمایش با هدف آموزش شهروندی و مشارکت مردم با شهرداری، آموزشهایی را در زمینه نگهداری فضای سبز شهری، جلوگیری از آلودگی صوتی، ترافیک و سد معبر به شهروندان ارائه داد. به طور کلی ایجاد زمینه مناسب برای گذراندن اوقات فراغت جوانان از برنامه‌های شهرداری منطقه ۳ است. از دیگر برنامه‌های جشنی این فعالیت می توان به توزیع دفترچه‌های مسابقه با موضوع آموزش شهروندی اشاره کرد. شایان ذکر است که این نمایش موفق به جذب مخاطبان مختلف از رده‌های سنی متفاوت - به خصوص نوجوانان - شد. گفتنی است روزانه بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر از نمایش آموزش شهروندی «ما می توانیم» دیدن می کردند.



طرح احداث پارک آموزش ترافیک در شمال غرب تهران

سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران به منظور آموزش عملی قوانین راهنمایی و رانندگی به نوجوانان و دانش آموزان، پارکی با عنوان پارک آموزش ترافیک در شمال غرب تهران احداث کرد.

احمد غیبورانه معاون فنی سازمان حمل و نقل ترافیک تهران، طی گفت و گویی با خبرنگار ما در این زمینه چنین گفت: «پارک آموزش ترافیک و مقررات راهنمایی و رانندگی در زمینی به مساحت ۳۶ هزار مترمربع و در شمال غرب تهران - ناحیه بوتک - احداث شد. در این پارک دانش آموزان و نوجوانان به صورت عملی و کاربردی علائم و مقررات راهنمایی و رانندگی را فرا می گیرند.» وی افزود: «دانش آموزان بین ۸ تا ۱۴ سال از مدارس به پارک آورده می شوند و در حین تفریح و رانندگی با ماشینهای مخصوصی که بدین منظور تهیه شده‌اند، آموزشهای لازم را در جهت مقررات و علائم راهنمایی و رانندگی فرا می گیرند.»

وی در ادامه گفت: «در این پارک کلاسهای آموزشی، سایتهای کامپیوتری و آمفی تاتر نیز احداث شده است و کلیه فعالیتهایی که در پارک صورت می گیرد در زمینه مسائل راهنمایی و رانندگی است. در زمان حاضر ۹۰٪ عملیات اجرایی این طرح انجام شده است و بزودی به بهره‌برداری خواهد رسید.»



دستور العمل گذربان مدرسه تصویب شد

دستور العمل گذربان مدرسه، به منظور پرورش روحیه نظم و انضباط فردی و اجتماعی، احترام به قوانین و ایجاد محیطی سالم برای حفظ سلامت دانش آموزان در آمد و شد از خانه به مدرسه و برعکس، و همچنین بالابردن سطح آگاهی دانش آموزان به مسائل عبور و مرور و آرامش خاطر اولیای آنان به تصویب شورای عالی هماهنگی ترافیک رسید.

گذربان مدرسه به دانش آموزان با فردی گفته می شود که پس از اجراء صلاحیت و کسب آموزشها و مهارتهای لازم، وظیفه هدایت و راهنمایی دانش آموزان را در رفت و آمد، و همچنین تشویق انسان به احترام به قانون و رعایت مقررات و حفظ نظم و انضباط، برعهده می گیرد. هدف اصلی از طرح گذربان مدرسه، ایجاد محیطی امن و سالم برای دانش آموزان و آرامش خاطر والدین در مسیر مدرسه و هنگام عبور از معابر به منظور افزایش ضریب ایمنی و کاهش تصادفات است. در کنار اینها، بالابردن سطح آگاهی دانش آموزان نسبت به رفتار صحیح در عبور و مرور و شناخت مفهوم علائم راهنمایی و رانندگی نیز مطرح است.

محدوده فعالیت گذربان مدرسه در تقاطعها و معابر اطراف آموزشگاهها و در عبور از عرض معابری که دانش آموزان به صورت دسته جمعی برای گردشهای علمی و نظایر آن حضور پیدا می کنند، تعیین می گردد.

مسئولیت برنامهریزی، نظارت، هدایت، ارزشیابی و همچنین اجرای دستور العمل، به عهده گروه گذربان مدرسه است که از نمایندگان ادارات آموزش و پرورش، راهنمایی و رانندگی و شهرداری هر شهر زیر نظر شورای هماهنگی ترافیک استانها تشکیل می شود.

مسئولیت سازماندهی و هماهنگی دانش آموزان برعهده سازمان آموزش و پرورش استان، و آموزش دستور العمل گذربان مدرسه نیز به عهده ادارات راهنمایی و رانندگی است.

شهرداریها نیز در شهرهای کشور عهده دار سازماندهی و ایمن سازی معابر محدوده مدارس و تأمین تجهیزات و لوازم مورد نیاز اجراء این دستور العمل اند.

شایان ذکر است که دبیرخانه شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور در اصلاح آیین نامه راهنمایی و رانندگی و جدول جرایم رانندگی، جایگاه گذربان مدرسه و میزان جریمه های مربوط به عدم توجه به فرمان وی را مشخص خواهد کرد. پیشنهاد چگونگی ثبت تخلفات و نحوه گزارش آن به ادارات راهنمایی و رانندگی، به وسیله معاونت راهنمایی و رانندگی ناجا تهیه می گردد و برای انجام اقدامات قانونی به وزارت کشور ارائه خواهد شد.

نظرن، گامی به سوی توریستی شدن

شهرستان نظرن یکی از شهرهای اطراف اصفهان است که به دلیل آب و هوای معتدل و آثار تاریخی فراوان، هر ساله گردشگران فراوانی را به خود جلب می کند.

از جمله فعالیتهایی که شهرداری نظرن برای جذب گردشگران انجام داده است، می توان به احداث پارک سرچشمه سرابان نظرن و عملیات بهسازی قلعه کره ناب نظرن به عنوان اقامتگاه سستی گردشگران اشاره کرد.

همچنین پارک سرچشمه سرابان نظرن با وسعت ۵۰ هکتار یکی از بزرگترین پارکهای کوهستانی کشور به شمار می آید. در همین زمینه، فرمانداری شهرستان نظرن نیز برای راهنمایی گردشگران اقدام به تهیه و توزیع بروشور و چاپ یک سری ۸ هدی کارت پستال از آثار باستانی و مناطق گردشگری شهرستان کرده است.

بروشور مذکور حاوی اطلاعاتی در خصوص قدمت سه هزار ساله شهرستان نظرن، موقعیت طبیعی و معرفی آثار تاریخی آن است.

در زمینه کامپیوتر و اینترنت

بچه های خیابانی آموزش می بینند

به همت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی منطقه ۶ شهرداری تهران، و همکاری و مشارکت خانه سبز و خانه ریحانه، بچه های خیابانی درباره علوم و فناوری ارتباطات، اطلاع رسانی و اینترنت آموزش می بینند.

در این طرح بچه های خیابانی با مفاهیم علوم رایانه ای، چگونگی کار رایانه، برنامه نویسی، اینترنت، معماری و شبکه سازی آشنا می شوند.

لطیف روحانی، معاون امور اجتماعی و فرهنگی منطقه ۶ شهرداری، هدف از اجرای این پروژه را بازپروری، بسترسازی برای شکوفایی استعدادها، اشتغال زایی و به کارگیری کودکان خیابانی در مشاغل مناسب عنوان کرد.

وی افزود: «بر اساس تحقیقات به عمل آمده، علاقه سندی و استعداد کودکان خیابانی به فراگیری علوم رایانه ای، بسیار بیش تر از مشاغل هم چون تراشکاری، جوشکاری و خیاطی است.»

وی همچنین ابراز امیدواری کرد که با دستور شهردار تهران به منظور به کارگیری توان و استعداد این دسته از کودکان خیابانی بتوان آنها را در طرحها و پروژه های بیمانکاری نیز به کار گرفت.



طرح جامع ساماندهی مشاغل شهری تبریز به زودی آماده می شود

بسیاری از مشاغل در کلان شهرهای کشور به دلیل بارهای ویژه، یا آلوده کننده محیط شهری هستند یا اینکه مزاحمتی را برای شهروندان و شهر ایجاد می کنند. از این رو تدوین طرح جامع برای ساماندهی این مشاغل در کلان شهرهای کشور از مهم ترین وظایف مدیران شهری بر شمرده می شود.

مهدی رضایی، مدیرعامل سازمان میاندین شهرداری تبریز، در این مورد گفت: «تدوین طرح جامع ساماندهی مشاغل از ضرورت های کنونی شهر تبریز است و طرح ساماندهی مشاغل ارتباطاتنگاتی با طرح جامع و تفصیلی شهر تبریز دارد، و برای تصویب به شورای عالی شهر سازی ارجاع داده شده است.»

رضایی در ادامه از طرح شناسایی و تشکیل پرونده برای مشاغل مزاحم شهری خبر داد و گفت: «در این طرح ابتدا تمهیدات لازم برای تطابق هر شغل با آیین نامه های قانونی به عمل می آید و اگر وجود شعبی در شهر، به رغم آلوده کنندگی آن ضروری باشد، کمیسیون می تواند پس از تطابق استانداردها، اجازه فعالیت آن را صادر کند.»

عملکرد شهرداری ساری طی نشستی تشریح شد

شهرداری ساری ۶۱ پروژه عمرانی را در یک سال گذشته به اجرا در آورده است.

رضانعلی باقری، شهردار ساری، در این زمینه گفت: «بودجه شهرداری ساری در سال گذشته با مساعدت و همکاری شورای اسلامی شهر ساری، از ۲/۲ میلیارد تومان به ۴/۲ میلیارد تومان افزایش پیدا کرده بود.»

وی افزود: «از کل بودجه اختصاص یافته به شهرداری ساری ۳۹ درصد جذب پروژه های عمرانی و ۵۱ درصد جذب امور جاری و کارکنان شهرداری ساری شده است.»

باقری اضافه کرد: «در اقدامی که نظیر در سال جاری بر اساس برنامه ریزی های انجام شده، ۶۰ درصد از بودجه مصوب شهرداری صرف کارهای عمرانی و ۴۰ درصد دیگر صرف امور جاری خواهد شد. بودجه مصوب سال جاری ۴/۲ میلیارد تومان است که با افزودن متمم این بودجه تا پایان سال به ۵/۵ میلیارد تومان خواهد رسید.»

شهردار ساری به کمک های استاندارد سازی مازندران در جهت احداث کانالهای جمع آوری آبهای سطحی اشاره کرد و گفت: «در سال گذشته استاندارد سازی مازندران ۳۳۵ میلیون تومان به شهرداری ساری کمک مالی کرده است. امسال نیز شهرداری ۱۴۰ میلیون تومان برای احداث کانالهای جمع آوری آبهای سطحی اختصاص داده است.»

شهردار ساری در مورد پروژه های سال جاری شهرداری این شهر گفت: «در طی سال جاری ۵۱ پروژه عمرانی شامل آزادسازی، جدول بندی و زیر سازی، آسفالت، احداث کانالهای جمع آوری آبهای سطحی، توسعه پارک قائم به عنوان پارک استانی، واحداث سالن ورزشی انجام خواهند پذیرفته.»

وی از جمله اقدامات سال گذشته شهرداری را آزادسازی کمربندی جنوبی، احداث کانالهای جمع آوری آبهای سطحی، احداث پل های هوایی، خرید دستگاه سنگ شکن، ترمیم یساده روه بهره برداری از فاز اول پارک تجن، تولید ۵۵ هزار تن آسفالت، تهیه زمین ۱۶ هکتاری برای احداث بهشت رضا، و ایجاد فضای سبز ذکر کرد.

ساری - میدان سعدی کرد



شهردار همدان اعلام کرد

تشریح عملکرد شورا و شهرداری همدان

شهردار همدان در نشست عملکرد سه ساله شورا و شهرداری این شهر را تشریح کرد.

امیررضا یوسفیان، شهردار همدان، در مورد عملکرد سه ساله شورا و شهرداری همدان چنین گفت: «اگر امروز به فکر مشکلات و نیازهای فردای همدان نباشیم، آیندگان از ما به نیکی یاد نخواهند کرد.»

بسه منظور تحقق خواسته‌ها و نیازهای شهر همدان، شهرداری و شورای اسلامی این شهر در اقدامی هماهنگ و وفایی کم نظیر، نیازهای امروز و فردای شهر را مورد شناسایی قرار داده و برای هر محور طرح و برنامه ویژه‌ای را تدوین و تصویب کرده و به مرحله اجرا نهاده‌اند. شهردار همدان اظهار داشت: «بودجه ۱۶ میلیارد و ۶۷۵ میلیون تومانی اسامال شهرداری همدان، در تاریخ این شهرداری - و حتی شهرهای هم‌ردیف آن - بی سابقه بوده و ۵۸ درصد آن در قالب پروژه‌های عمرانی تعریف شده است.»

وی در زمینه آموزش و به کارگیری نیروهای کارآمد در شهرداری همدان گفت: «با گرفتن مجوز از نهادهای فرادست، نیروهای موجود شهرداری در قالب سنوات خدمتی، تحصیلات و تجارب طبقه‌بندی شده و با انجام تست‌های شناسایی، توانمندیهای کاری هر فرد مورد بررسی قرار گرفته است. برای افزایش کارایی و توانمندیهای شغلی هر فرد باید در دوره‌های آموزش تکمیلی شرکت کند.» وی افزود: «به زودی ۲۰ نفر نیروی متخصص و تحصیل کرده با گرایش مدیریت و جغرافیای شهری، معماری، عمرانی، تأسیسات و جز اینها جذب شهرداری همدان خواهند شد تا بتوانند سامانه اداری را متحول و پویا کنند.»

شهردار همدان در ادامه به اقدامات انجام شده برای تملک و خرید باغ موسوم به نظری در همدان اشاره کرد. وی با بیان اینکه تملک و خرید این ملک و حفظ بنای ارزشمند تاریخی - فرهنگی موجود در آن برای سازمان میراث فرهنگی امکان پذیر نبوده است، گفت: «با حفظ بافت و فضای سبز باغ، اولین فرهنگسرای شهر در این محل تأسیس می‌شود و به جوانان و نوجوانان عزیز همدان تقدیم می‌گردد.»

یوسفیان در باره سیستم جدید دفع زباله در شهر چنین گفت: «با موافقت شورای شهر اقدامات و رایزنیهای لازم در همدان و تهران برای خرید کارخانه کمپوست صورت گرفت. با همکاری دانشگاه تهران و جهاد دانشگاهی تا پایان اسامال کارخانه در فاز اول ۲۵۰ تن و در فاز دوم تا سقف ۵۰۰ تن زباله شهری را در شبانه روز به کودهای آلی و سبز تبدیل خواهد کرد.» وی با بیان اینکه شرایط همدان دیگر روشهایی چون دفن و سوزاندن زباله را که آلوده‌رسان محسوب است بر نمی‌تابد و باید برای حجم عظیم زباله‌های شهری همدان تادیر نشده فکری کرد. افزود: «با همکاری شهروندان و بخش خصوصی، عملیات تفکیک زباله - شامل انواع شیشه، کاغذ و آهن آلات از مبدأ - انجام خواهد شد.»

بازیافت ظروف یک بار مصرف، ضرورت انکارناپذیر

در تامة دبیرخانه نشست ادواری شهرداران کلان شهرهای کشور به مسئولان امر مطرح شد

تولید سالانه ۱۰ هزار تن ظروف یک بار مصرف، علاوه بر مشکلات متعدد و تحمیل هزینه‌های فراوان به شهرداریها برای جمع‌آوری و حمل و دفن آن، آلودگیهای زیست محیطی را نیز افزایش می‌دهد.

تولید و مصرف ظروف یکبار مصرف، به دلیل سبکی وزن و سهولت حمل و نقل، در سالهای اخیر رواج فراوانی در صنایع بسته بندی غذا و نوشابه سازی یافته است. آسار مخرب این محصولات به قدری در محیط زیست و سمیت داشته که تأسیس صنایع بازیافت و در کنار کارخانه‌های تولیدی ظروف یکبار مصرف و نوشابه سازی ضروری کرده است.

دبیرخانه نشست ادواری شهرداران کلان شهرهای کشور در نامه‌ای به وزارت صنایع، سازمان محیط زیست، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و کمیسیونهای مرتبط مجلس شورای اسلامی، خواستار آن شدند تا شرایطی فراهم آید که صنایع تولیدی یکبار مصرف، موظف به ایجاد صنایع بازیافت مواد شوند.



همدان - میدان اصلی و بافت اطراف آن



شهرداری تبریز برگزار کرد: نمایشگاه آسمان آبی وزمین سبز

شهرداری تبریز به منظور آشنایی شهروندان با ضرورت محیط زیست سالم در زندگی شهری و اجتماعی و ترغیب شهروندان به حفاظت از محیط زیست سالم، نمایشگاه «آسمان آبی، زمین سبز» را برگزار کرد.

در این نمایشگاه که به همت گروه‌های زیست‌محیطی برگزار شد، کارخانه کودآبی شهرداری تبریز نیز حضور داشت.

در غرفه کارخانه کود آبی، ضمن ارائه توضیحاتی در خصوص نحوه عمل این کارخانه، اطلاعات مربوط به تفکیک زباله، بازیافت و اهمیت آن به اطلاع شهروندان رسید.

از فعالیتهای جنبی این غرفه، ارائه رایگان «کودآبی» در بسته‌های یک کیلو گرمی و کود کمپوست و رمی در بسته‌های ۵۰۰ گرمی به بازدید کنندگان، و برگزاری مسابقه کتبی با موضوع بهترین پیشنهاد و راهکار در خصوص جداسازی پهنه یا «تفکیک زباله از مبدأ» بوده است.



تبریز - مقررالمشعر و مختار صاحب الامن

مجمع مشورتی شوراهای شهرهای استان آذربایجان شرقی در ۷ ماه گذشته

مجمع مشورتی شوراهای شهرهای استان آذربایجان شرقی شرح عملکرد فعالیت‌های خود را در هفت ماه گذشته ارائه داد.

به منظور تحقق شوه‌های مؤثر در نحوه اداره شهرها و همسوس شدن دیدگاه‌های شوراهای اسلامی شهرهای استان آذربایجان شرقی در امر مدیریت شهر، مجمع مشورتی شوراهای این استان طی ماه‌های گذشته جلسات متعددی را تشکیل داده است.

مقصود احباب دبیر مجمع مشورتی شوراهای شهرهای استان، در این زمینه گفته «اولین جلسه این مجمع در آذرماه سال گذشته در تبریز تشکیل شد که طی آن تشکیل رسمی این مجمع به تصویب رسید. در جلسه دوم که دی ماه سال گذشته در شهر بناب تشکیل گردید، طرح کمیته تدوین نظامنامه مجمع مشورتی به شور گذاشته شد. در جلسه سوم که در بهمن ماه سال ۱۳۸۰ در شهر میانه برگزار شد، نظامنامه مذکور به تصویب رسید.

در جلسه دیگر مجمع مشورتی شهرهای استان آذربایجان شرقی رئیس شورای اسلامی شهر تبریز به عنوان شهر مادر، مطابق آیین‌نامه به عنوان رئیس مجمع انتخاب شد. دبیر این مجمع موضوعات مورد بحث جلسه ششم مجمع مشورتی را عمدتاً بررسی و جمع‌بندی مشکلات شوراهای شهرهای استان آذربایجان شرقی و تشکیل کمیسیون‌های هفت گانه مجمع عنوان کرد. هفتمین نشست مجمع طی همایشی یک روزه در سراغه با موضوعیت شوراهای فرااست در خرداد ماه سال جاری با حضور سیلوش قهوه چیان، مدیرکل امور آموزش و برنامه‌ریزی شوراهای کشور، تشکیل شد.

قهوه چیان در باره علل ناکارآمدی برخی از قوانین مربوط به شوراهای در قانون اساسی گفت: «اگر ما نتوانستیم در مورد این قوانین قدم‌های مؤثری برداریم، ناتی از این است که انتظارات ما از شوراهای بسیار بالا بوده است.»

قهوه چیان با انتقاد از عملکرد صدا و سیما نسبت به شوراهای گفت: «صدا و سیما به عنوان دانشگاه بزرگ ملی در بسیاری از موارد به حساسیتها و قابلیت‌های شوراهای نپرداخته و از برقراری ارتباطی منطقی بین مردم و مسئولان دوری گزیده است. در عین حال که بسیاری از موارد خاشعی و فزعی را به شدت بزرگ کرده است.»

وی از تنظیم آیین‌نامه اجرایی شوراهای قراردستی در وزارت کشور خبر داد و افزود: «وزارت کشور آیین‌نامه مذکور را به هیئت دولت ارائه کرده است.»

وی در مورد شورای شهرستان، استان و عالی استانیها گفت: «در این مدت شوراهای کشور به صورت جزایر جدا از هم عمل کرده‌اند و در نتیجه نوعی احساس بی‌سرپرستی و بی‌هوشی در شوراهای پدید آمده است.»

شایان ذکر است که شرکت کنندگان در هفتمین نشست مجمع مشورتی شوراهای اسلامی شهرهای کشور بر ضرورت حضور نماینده شوراهای در کمیته‌های برنامه‌ریزی و شورای آموزش و پرورش شهرستانها، عینیت بخشیدن به شعار حمایت از مردم و نیز ضرورت ایجاد معاونت پارلمانی به منظور رسیدگی به وضعیت قوانین شوراهای، تاکید ورزیدند.



تبریز - میدان شهرداری

چهارمین همایش شهرسازی و گفت و گوی تمدنها در مشهد برگزار شد

در این همایش به موضوعاتی از قبیل شهر بستر گفت و گو و مشارکت، شهرسازی مشارکتی، و تعاریف و مفاهیم پرداخته شد.

این همایش فضای مطلوبی را برای تعامل و گفت و گو و میان شهرسازان کشور به وجود آورد. حسن احمدی، یکی از سخنرانان شرکت کننده در همایش شهرسازی و گفت و گوی تمدنها، در این زمینه گفته: «در طی بیست سال گذشته، طراحان نسبت به وضعیت دشوار استفاده کنندگان از فضاهای بدطراحی شده در همه جا آگاهی یافته‌اند. طراحان و برنامه‌ریزی می‌بایست جهت‌گیری مصرف‌کننده داشته باشند. طراحان محلی نیز باید با الگوهای رفتاری و ارزش مردم آن منطقه تطابق داشته باشد.»

وی افزود: «پاسخی که معمولاً به این پرسش انسانی داده می‌شود، این است که علت را باید در عدم شناخت صحیح خواسته‌ها و نیازهای ساکنان شهر جست‌وجو کرد. شهرسازان به درستی نیازها و مسائل اساسی شهرها را نمی‌توانند درک کنند و به همین خاطر در ارائه راه‌حل برای مسائل شهری و حل معضلات شهروندان دچار خطا می‌شوند. شهرساز برای اینکه بتواند کار خود را به درستی انجام دهد، باید از مسائل شهر آگاهی پیدا کند و خواست مردم را به خوبی دریابد.»

احمدی تنها راه حل این مشکل را مشارکت مستقیم مردم در فرایند رشد و توسعه شهر دانست.

شهرداری آمل و آموزش شهروندی

به منظور ایجاد بستر مشارکت شهروندان در امر اداره شهری، شهرداری آمل مراسم وادار زمینه آموزش شهروندی برگزار کرد.

شهروندان در مورد مسائل مختلف دیدگاه‌های بسیار خوبی دارند که باید در مدیریت شهری به کار گرفته شود. نیز شهردار به‌باید برگسترش فرهنگ شهرنشینی و مشارکت مردم در امر اداره شهر تأکید کنند.

محمدحاشم پور، شهردار آمل، با بیان این مطلب افزود: «امروز در همه جهان مقوله آموزش در زمینه فرهنگ شهرنشینی اهمیت ویژه‌ای دارد و به همین منظور شهرداری آمل به منظور آشنایی شهروندان با قوانین شهری، کتابچه‌ای را تحت عنوان چکیده‌هایی از مجموعه قوانین شهرداری منتشر ساخته و در اختیار مردم قرار داده است.»

وی تصریح کرد: «بیشتر تخلفات شهری، همچون ساخت و ساز غیرمجاز، سد معبر، محصور نکردن زمینهای بایر و جزاینها که در سطح شهر انجام می‌شود، ناشی از عدم آگاهی شهروندان نسبت به قوانین شهری است.»

شهروندان بوشهری در مقابل حوادث بیمه شدند

شهرداری بوشهر کلیه شهروندان بوشهری را در مقابل حوادث طبیعی و غیرطبیعی بیمه کرد. شهرداری بوشهر طی سال گذشته به دلیل جاری شدن سیل متحمل خسارات بسیاری شد. این شهرداری که اخیراً هم با رودرو به رشد حوادث در سطح شهر مواجه شده، در این زمینه اقدام به اجرای طرح بیمه جامع شهروندان کرده است. از جمله موارد این بیمه نامه، حوادث ناشی از سقوط درخت بر روی وسایل نقلیه، منازل، اماکن و افراد عبوری، حوادثی چون سقوط افراد یا وسایل نقلیه در گودال و کانال، خسارات ناشی از آب‌افتادگی در منازل و واحدهای تجاری، و نظایر اینهاست. لازم به ذکر است که طرفین این طرح شهرداری بوشهر و شرکت سهامی بیمه ایران هستند.

شهر اصفهان و شهر «باش» خواهر خوانده شدند

شهر اصفهان و شهر «باش» رومانی در دیدار هیئت شهرداری اصفهان از رومانی، با یکدیگر خواهر خوانده شدند.

احمد محمدی، معاون شهرسازی شهرداری اصفهان، خواهرخواندگی اصفهان و «باش» راه که از شهرهای پراهمیت ایران و رومانی‌اند، عاملی برگسترش همکاریهای دو شهرداری در زمینه مدیریت شهری عنوان کرد.

«راسیله گراسه» شهردار شهر «باش» نیز در این دیدار خولان تبادل تجربه در زمینه شهرسازی بین رومانی و ایران شد. وی همچنین ایجاد و نگهداری سراسره ۱۹ مترمربع فضای سبز را با وجود پدیده خشکسالی در ایران، نشانه‌ای از به کارگیری استانداردهای لازم در این زمینه برشمرد.

نایبان ذکر است که هیئت لانفره متشکل از اعضای شهرداری و شورای شهر، به دعوت رسمی راسیله گراسه وارد این شهر شدند و شهر «باش» در ۴۵۰ کیلومتری بخارست قرار دارد و یکی از شهرهای مهم رومانی به شمار می‌رود.



آمل - ساختمان شهرداری



بوشهر - بافت قدیم

با اجرای عملیات لایروبی

رودخانه محمودآباد ساماندهی می شود

پایین بودن سطح رودخانه نسبت به دریا، و سرریز شدن فاضلابهای شهری و خانگی به آن، باعث ایجاد بوی تعفن و به خطر انداختن محیط زیست می شود.

محمودآباد از جمله شهرهایی است که با این مشکل به شدت روبروست. بسوی بندر رودخانه محمودآباد که از وسط شهر می گذرد، از زیبایی شهر کاسته است، در حالی که وجود چنین رودخانه‌ای در وسط شهر محمودآباد می تواند نعمت بزرگی برای شهر محسوب شود.

مظاہر محمدزاده، شهردار محمودآباد، در این زمینه گفت: «مطالعه زیربنایی برای حل این مشکل در سال ۷۹ انجام شده و برای بسترسازی و دیوارسازی آن نکاتاتی با معاونت عمرانی استانداری صورت گرفته است.»

وی افزود: «در سال گذشته به هنگام پایین آمدن سطح آب رودخانه حدود ۲۰۰ متر از طول رودخانه به عمق ۲/۵ متر لجن برداری شد، و به همین دلیل امسال بسوی تعفن رودخانه نسبت به سال گذشته بسیار کمتر شده است. به علاوه، امسال نیز قرار است حدود ۲۰۰ متر از این رودخانه لجن برداری گردد.»

شهردار محمودآباد در مورد حل این معضل گفت: «اداره آب و فاضلاب شهرستان محمودآباد به منظور حل این مسئله اختیاری بالغ بر یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال برای خرید زمین و ساخت تصفیه خانه اختصاص داده است.»

شهروندان بیرجندی و آموزش شهروندی

رئیس شورای شهر بیرجند به منظور ارتقای سطح فرهنگ جامعه خواستار آموزش شهروندی از طریق مطبوعات و رسانه های جمعی شد.

سورالدین امینی، رئیس شورای شهر بیرجند، در این باره گفت: «آموزش شهروندی بخشی از وظایف شورای شهر و شهردار است که این امر با همکاری نزدیک مطبوعات و رسانه ها در این زمینه محقق خواهد شد.»

وی افزود: «بخش عمده مشکلات مردم با شهردارها و شورای شهر مربوط به عدم آگاهی از مقررات و وظایف است.»

وی همچنین ارتقای سطح آگاهی افراد جامعه را در گرو گسترش فرهنگ روزنامه خوانی و اطلاع رسانی صحیح عنوان کرد و خواستار ارتباط نزدیک رسانه ها با اعضای شورای اسلامی شهر و روستا شد.



ایجاد طرح ایران نما در مشهد

نخستین نمایشگاه دائمی نمادهای مذهبی ایران در منطقه «اراضی ذکریا» در مشهد، با مشارکت دو کشور اتریش و آلمان آغاز شد.

این طرح با عنوان «ایران نما» در مساحت ۷۲ هکتار به اجرا در می آید و در آن اماکن دینی، مذهبی و سنتی ایران در مقیاس ۱/۲۵ نشان داده می شوند.

هدف از احداث این نمایشگاه اشتغال زایی، ایجاد مراکز تفریحی، کمک به صنعت گردشگری و آشنایی با فرهنگها و اماکن دینی است.

حسین احمدی، مسئول طرحهای گردشگری منطقه ۹ شهرداری مشهد، در این خصوص گفت: «با بهره برداری از این پروژه برای دو هزار نفر به طور مستقیم و غیر مستقیم شغل ایجاد خواهد شد.»

لازم به ذکر است که برای ساخت این پروژه بیش از ۳۰۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری شده است.

چهارمین نشست مشترک معاونان حمل و نقل کلان شهرهای کشور در تبریز برگزار شد

معاونان، مدیران و کارشناسان حمل و نقل و ترافیک کلان شهرهای کشور در نشست دو روزه مسائلی و مشکلات ترافیکی شهرهای بزرگ کشور را بررسی کردند.

بر اساس گزارش خبرنگار ماه، حاج یاسینی معاون عمرانی استانداری آذربایجان شرقی و یکی از حاضران در نشست مذکور، با بیان اینکه مشکلات حمل و نقل در کشور روز به روز حادتر می شود، علت این امر را نبود برنامه ای منسجم و سیستماتیک در زمینه حمل و نقل دانست و افزود: «اگر امروز نتوان برنامه ریزی اصولی در مورد ترافیک در شهرهایمان انجام داد، شهرهای بزرگ کشور به مشکلاتی مشابه مشکلات شهر تهران مبتلا خواهند شد».

فتح الهی، شهردار تبریز، در مورد مشکلات حمل و نقل شهرهای بزرگ کشور گفت: «اگر نگاه واحد شهری در شهرها مستقر نشود مشکلات حمل و نقل نیز دچار نقصان خواهد شد. ۴۷ درصد از بودجه شهرداری صرف، معبر گشایی و اموری می شود که در جهت تسهیل امر تردد و حل مشکلات ترافیکی است».

وی افزود: «حل مشکلات ترافیکی شهرها نیازمند نگرشهای علمی امروز، سرمایه گذاریهای کلان و برنامه ریزیهای مدون و قابل اجراست».

میرنجانی، مسئول دبیرخانه کلان شهرهای کشور، با بیان اینکه در ۳۰ سال آینده جمعیت شهرهای بزرگ فعلی به دو برابر خواهد رسید، گفت: «هم اکنون ۶۴ درصد از جمعیت کشور ما در شهرها سکونت دارند که بی تردید در دهه بعد این رقم به ۸۰ درصد خواهد رسید».

میرنجانی تصریح کرد: «در سال ۶۸ کارخانه های مختلف به طور متوسط ۲۵۰ هزار دستگاه خودرو تولید و وارد شبکه حمل و نقل شهرها کردند. این رقم اکنون به ۴۸۰ هزار دستگاه رسیده است».

وی افزود: «روند افزایش ۱۰۰ درصدی خودروهای تولیدی شبکه حمل و نقلی هرگز چنین رشدی نداشته است. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که ترافیک موجود نیز سنگین تر شده است. البته باید عدم رعایت فرهنگ استفاده مناسب از خودرو را نیز یکی دیگر از دلایل اصلی به وجود آورنده ترافیک سنگین دانست».

برای نخستین بار در منطقه ۶ شهرداری تهران صورت گرفت تجهیز خطوط ویژه اتوبوس به روکش رنگی

در منطقه ۶ تهران، برای نخستین بار از روکش رنگی برای جداسازی خطوط ویژه اتوبوسرانی استفاده شد. هدف این طرح جداسازی، کاهش کمزردگی و ایمنی تردد، دوام زیاد و کاهش فرسودگی اسفالت است. این روکش همچنین به دلیل خاصیت جذب صدا، از آلودگی صوتی جلوگیری می کند.

فریبرز سیمرانی، معاون حمل و نقل ترافیک شهرداری این منطقه، در گفت و گو با خبرنگار ما اظهار داشت: «برای نخستین بار در کشور از روکش رنگی به عنوان جداکننده ترافیکی در خطوط ویژه خیابان حافظ استفاده شده است».

«روکش رنگی از ضایعات گرانیت به دست می آید و در ناحیه یک شهرداری منطقه - که به عنوان ناحیه سبز شناخته شده - از آن استفاده می شود».

«روکشهای دارای رنگ قرمز، سبز و طوسی هستند که علاوه بر خطوط ویژه ایستگاههای اتوبوس که رنگ قرمز در آن کاربرد دارد، از رنگ سبز برای خطوط ویژه دوچرخه سواری و از رنگ طوسی نیز برای سطح کف پلهای عابر پیاده استفاده می شود».

لازم به ذکر است که این روکشها روغن موتور حاصل از اتوبوسها را جذب نمی کنند و با آب نیز قابل شست و شو هستند.



سرویس خبر و گزارش
آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست

آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست



در پی ساختن مفهوم شهروندی در قانون ایران

نام کتاب: بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری / نویسنده: سید محمود نجفاتی حسینی / ناشر: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران / چاپ نخست: ۱۳۸۰ / شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه در ۹۲ صفحه / بهای: ۶۰۰۰ ریال.

نویسنده در چکیده‌ای بر پشت جلد کتاب، مخاطبان خود را بر گزیده است. سیاستمداران، برنامه‌ریزان و مدیران شهری و دانش‌پژوهان مسائل شهری رده نخست برگزیدگان، و دانشجویان علوم اجتماعی، سیاسی و برنامه‌ریزی شهری رده دوم را تشکیل می‌دهند. چنین گزینش نشان می‌دهد که نویسنده تا چه اندازه بر روی مرزهای دقیق و باریک حرکت کرده است. کتاب از دیدگاه طرح یکی از نوترین پدیده‌های اجتماعی در درجه بالایی از اهمیت جای دارد و می‌تواند با گسترده‌تر شدن ابعاد، والدگی ساده‌نویسی، به کتابی یگانه و کلاسیک در این زمینه بدل شود.

نویسنده کتاب را در چهار فصل و زیرفصل‌های بسیار نگاهشده است. گذشته از یک پیشگفتار و مقدمه که با زهم جانی حرف‌های نویسنده در آنها خالی مانده، دو فهرست شکلی (یعنی نمودارها) و جدول به جای پایان در آغاز کتاب آمده است!

فصل نخست با عنوان «طرح مسئله و دیدگاه‌های پژوهش» که از ۲ زیرفصل درست شده، به پروژه جامعه مدنی پرداخته و خاستگاه آن را دوم خرداد ۱۳۷۶ دانسته است و انتخابات شوراهای اسلامی سال ۱۳۷۷ و برگزیدن شهروندان به دست آنان را روندی برای جامعه مدنی دانسته است. در زیربخش «دو مسئله کلیدی» نویسنده به جست‌وجوی پروژه مدنی در سطح گسود (قانون شهرداریها) و کلان (قانون اساسی) برآمده و در بخش بعدی برای جامعه مدنی دو وجه مفهومی - نظری و پدیداری - یعنی قائل شده است. سپس این دو یا سطوحی که پیش‌تر گفته شد ترکیب گردیده و در پایان برای مراحل پژوهش و اجرای پروژه جامعه مدنی دو مسؤله پایه پیش کشیده شده است: «جامعه مدنی و شهروندی» و «پدیده جامعه مدنی و شهروندی».

فصل دوم «شهروندی جامعه و نظریه سیاسی - اجتماعی شهری معرن» در نخستین زیرفصل خود به

بازتاب مفهوم شهروندی در نظریه سیاسی - اجتماعی پرداخته و به همراه آن تکوین تاریخی - اجتماعی شهروندی در جامعه غرب و خاستگاه آن را بررسی کرده است. در نموداری مفهوم پدیده شهروندی و پیوند سه گانه آن (نظام جامعه، جامعه سیاسی و جامعه مدنی) به نمایش درآمده است. زیرفصل دوم به پیشینه تاریخی بنشاندت شهروندی پرداخته که از دولت شهر آن آغاز می‌شود و به پایان سده‌های میانه انجام می‌یابد. نویسنده از واژه امروزی «غرب» سودجسته که با توجه به ناشناخته بودن امریکا در آن روز گلران چندان درست نیست (ص ۳۸). این پیشینه با گزاره‌های زیبایی از سیاست‌ارسطو ارائه شده است. پیشینه کوتاه مدت شهروندی از عصر نوزایی (رنسانس) تاکنون ادامه دارد و در آن به جنبش فرهنگی نوزایی، نظام پارلمانی و انقلابیای سیاسی و در پایان به اعلامیه حقوق بشر و اعلامیه حقوق شهروندی اشاره شده است. فصل دوم آموزشی ترین بخش کتاب به شمار می‌آید نویسنده پس از بیان نظریات اندیشمندی چون باسوشکی، کار و هاروتت و هابرماس نموداری از هر نظریه را به نمایش گذاشته است. زیرفصل «گسترش‌های نظری شهروندی و گفتمان‌های شهروندی» به نظریات نوپرداخته و آنها را در قالب «گفتمان شهروندی فردگرای لیبرال» مورد بررسی قرار داده و بخش بعدی یعنی «گفتمان شهروندی اجتماع‌گرای» را با انتقاد از فرد گسیخته از اجتماع و بر پایه فرد «بوصیت من» مطرح کرده است. در گفتمان بعدی یعنی شهروندی جمهوری‌گرای (مدنی و جدید) شهروندی گونه‌های اقسام و در گسترش در فعالیت‌های اجتماعی قلمداد می‌شود. بخش پس از آن، «گفتمان شهروندی فمینیستی» با انتقاد از نظریات شهروندی چیست یافته شکل می‌یابد نویسنده از بررسی چهار گفتمان پیش، ۲ مورد مشترک را بیرون می‌کشد و آنها را بیانگر ماهیت مفهوم و پدیده شهروندی می‌داند. در زیرفصل «شهروندی جامعه شهری، مدیریت شهری و نظریه شهری» که مورد نظر نویسنده بوده، موضوع شهروندسازی مطرح شده است و پس از بحثی گسترده در نموداری «سازوپیک رابطه شهروندی - شهرداری، حقوق و وظایف متقابل» به نمایش درآمده است. از آن پس موضوع دموکراسی شهری پیش آمده و قوانین شهرداری نوعی قرار داد اجتماعی مدیران‌های شهری و شهروندان عنوان شده است.

سومین فصل کتاب که با عنوان «شهروندی، حقوق شهری، مدیریت شهری و قانون شهرداریها» نامگذاری شده، دارای پنج زیرفصل است که هر یک مساحت، حقوقی و قانونی خاص خود را دارند. زیرفصل نخست با نام «حقوق، قانون، زندگی و مدیریت شهری»، به بررسی نظریات کارشناسان غربی متعددی پرداخته و چند نکته عمده را در باره رابطه حقوق شهری و برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در آنها بیرون کشیده است. این زیرفصل بنا طرح چند پرسش پایان می‌یابد. نویسنده در زیرفصل بعدی یعنی «حقوق، قانون و قانون شهرداریها»، به تمارینی چند از واژه حقوق و قانون و قانون شهرداریها می‌پردازد و برای بررسی چگونگی تبلور رابطه نظام مدیریت شهری و نظام حقوق شهری به پیشینه تاریخی

- اجتماعی قانون شهرداریها، زیرفصل دیگری را با نام «پیشینه جامعه‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی حقوقی قانون شهرداریها» می‌گشاید و در آن به موضوع قدیمی‌ترین متون قانونی کشور (قانون بادیه) اشاره می‌کند و برجسته‌ترین قوانین آن را نیز ذکر می‌کند. در این زیرفصل دو بخش تازه، شلخه باز کرده است: یکی قوانینی که مستقیماً و از جهت عنوان در مورد شهرداری وضع شده و دیگری آنهایی که عنوانشان درباره شهرداری است. چهارمین زیرفصل «قانون شهرداری و جامعه شهری» به نظریات جامعه‌شناسان حقوقی پرداخته و قانون شهرداری را از مستندات قانونی حقوق شهری دانسته است. نظر خواهی از ۳ شهردار کشور بخش دیگری از این مقال است. «شهروندی، شهرداری و چالش‌های حقوقی قانون شهرداریها» نام واپسین زیرفصل است که بیشتر آن به چالش‌های قانون شهرداریها در همایش شهرداران ایران (بر مرداد ماه ۱۳۷۹) اختصاص یافته است.

آخرین فصل کتاب، «جایگاه شهروندی در قانون شهرداریها» که نام کتاب برگرفته از آن است، با دو پرسش آغاز می‌شود: (۱) در گفتمان قانون شهرداریها چه نسبتی با شهروندی برقرار می‌شود؟ (۲) در معضل بندی قانون شهرداریها چگونه شهروندی دیده شده است؟ از آن پس مهم‌ترین مجموعه قوانین از ۲۴۰ عنوان قانون شهر و شهرداری آمده که نخستین آن قانون بلدیه (۱۲۸۶) و آخرین آن قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری (۱۳۶۱) است. نویسنده در زیرفصل بعدی «غیبت شهروندی» را در قانون بلدیه و قانون ۱۳۲۵ و قوانین بعدی نشان داده و برای درک و دریافت بهتر، از دو جدول سود حسته است.

در زیرفصل‌های بعدی به شهروندی در قوانین دوران جمهوری پرداخته و هر یک را با دقت و ارمی کرده است و نشان داده که در قانون شوراهای اسلامی کشوری، و بسیاری دیگر از قوانین، واژه شهروندی / شهروندی به کار نرفته است. کتاب در واپسین صفحات خود بخش جداولی با عنوان «نتیجه» دارد که بسیار فشرده است و خواننده برای درک و دریافت هر یک از نتایج گاه نیازمند بازگشت دوباره به مقاله‌ها و بخش‌های مربوطه در کتاب خواهد بود.

پایه نگاشته‌های نویسنده برای این اثر ۲۳ کتاب (۲۵ کتاب فارسی، ۸ کتاب انگلیسی و یکی هم فرانسه) بوده است. نویسنده می‌توانست با القای کردن انبوهی از برابری نهاده‌های خود در پایان کتاب، بر فرهنگ نوپای اصطلاحات شهرشناسی، که پژوهشگران و مترجمان این رشته بخت بدان نیاز دارند، بیفزاید. می‌ماند به کارگیری ترکیبهای نامانوس و پرتنگ‌نقد منقول ص ۱۲، اقتضانات ص ۱۳ نسبت و لئق ص ۱۹ و رفورماسیون مذهبی (فرانسه - عربی) = [دین پیرایی]، اومانیسم = [انسان باوری]، اوسوئالیسم = [خودباوری] و جز اینها. شوربخانه نویسنده پرتلاش، کتاب را به سان زمانی، بدون تمایه رها کرده است. انبوهی از نام گمان، که بیشترشان بدخونان نیز هستند، این ضرورت را ایجاد می‌کند.

Contents

Editor's Note	4
Special Report	
Municipalities and Job Creation Fields/ J. Allabadi	5
Idea & Research	
The Function of Industrial Towns and Importance of their Siting / K. Shiri	14
Urban Poverty: Factors and Decreasing Approaches/ (ESCWA)	17
An Analysis in Basic Economy of Cities in Sistan - Baluchestan State / M. Ailabaeia	21
Legal Counsellor	24
Administrative and Financial Counsellor	26
Municipalities According to Documents	29
Urban Law	
Evolution of Municipality Law and Its Main Deficiencies/ F. Hushemi	32
Mayor's View	
Cities Places Not Only for Residence, But Also for Working and Activity / Interview with B. Nedaie The Mayor of Germi	36
Dialogue	
A Modern Viewpoint in Landuse Plan / Interview with A. Yaran	38
Councils and Participation	
Councils and Confronting with Unemployment; Duty or Choice/ S. Safiri	41
Government and Councils in Iran / H. Shafiqi	45
Another Initiative/ Employment, a New Deduction from Duties of City Council in Maragheh / N. Moradi	48
The ABC of City/ Employment in City; Concepts and Definitions/ M. Barabadi	51
Islamic Council of City and Counsellor Mayors/ E. Aslani	54
World's Experiences	
Designing of Urban Desirable Spaces/ W.H. Whyte/ Trans: A. Safavi, M. Sana'i	58
Nantes Municipality and Job Creating Plan/ Trans: M. Mosavi	64
The Pattern of Urban Management in Moscow/ Trans: Sh. Farzinpuk	67
World's Cities and Municipalities	70
New Building	
Ferdowsi Garden in Tehran; Ideas and Teachings/ Gh. Pusbunhazrat	78
Instruction	
Using the Rough Asphalt in Decreasing the Car Accidents in the Cities/ R. Tafah, homi	82
Research Selection	
Evaluating the Policy of Municipality Establishment in Big Villages/ Urban Research and Planning Center	88
Point of View	
Economy: A Modern Necessity for Municipality/ A. Tawak, Koli	89
Travels' Souvenir	
Stockholm, A Successful Sample of Planning and Management Coherence (Part II) / N. Moradi	90
News Reports	94
Brief News	105
New Publication A. Jafarizadeh	145



اینکه دیگران چه میسازند نمی‌دانیم
اما ماشین آتش نشانی با استاندارد جهانی را ما می‌سازیم!



شرکت صنعتی آفتاب اکباتان
AFTAB EKBATAN INDUSTRIAL Co.LTD.

نماینده انحصاری کارخانجات:

- | | |
|---------------|---------------|
| ANGUS FIRE | انگس فایر |
| CARMICHAEL | کارمایکل |
| GODIVA (HALE) | گودایوا (هیل) |
| DENNIS | دنیس |

سازنده:

خودروهای آتش نشانی، شهری، فوماتیک، فرودگاهی، پالایشگاهی
و خودروهای خدمات شهری (زباله کش - جدول شوی)
بهترین و مرغوبترین شیلنگ‌های آتش نشانی در سایزهای مختلف مطابق با استانداردهای جهانی

www.aftab-ekbatanco.com
Email: info@aftab-ekbatanco.com

تهران - بلوار میرداماد - روبروی مسجد الغدیر - خیابان شنگرف - کوی یکم - شماره ۲۶ تلفن: ۰۱-۲۲۲۹۸۴۹ فکس: ۲۲۲۷۵۵۰



AFTAB GRAPHIC B72D432

40

Monthly Journal of Information,
Educational and Research
in Urban Management and Planning
Number:40-Sept 2002

Shahrdariba

- Municipalities and Job Creation Fields
- Urban Poverty; Factors and Decreasing Approaches
- Evolution of Municipality Law and Its Main Deficiencies
- A Modern Viewpoint in Land use Plan
- Government and Councils in Iran
- Councils and Confronting with Unemployment, Duty or Choice
 - Designing of Urban Desirable Spaces
- Narmes Municipality and Job Creating Plans
- Ferdowsi Garden in Tehran: Ideas and Teachings
- Using the Rough Asphalt in Decreasing the Car Accidents in the Cities
 - Evaluating the Policy of Municipality Establishment in Big Villages
 - Financial Bottlenecks of Municipalities and Compiling the Approaches of Stable Sources

